



هیئت معارف جنگ
شهید سبهد علی صیاد شیرازی

دفاع مقدس و ارتش در استان سیستان و بلوچستان

نویسنده: سرهنگ غلامحسین زرگر

سرشناسه	: زرگر، غلامحسین، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: دفاع مقدس و ارتش در استان سیستان و بلوچستان/نویسنده غلامحسین زرگر؛ ویرایش تخصصی ابوالقاسم کیا.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۵۵-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: ایران. ارتش. نیروی زمینی. لشکر هشتاد و هشت زرهی سیستان و بلوچستان
موضوع	: ایران. ارتش. نیروی زمینی
موضوع	: Iran. Artesh. Niruye Zamini
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- نبردها
موضوع	: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Campaigns
رده بندی کنگره	: DSR ۱۶۰۶
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۵۲۰۴۹

دفاع مقدس و ارتش در استان سیستان و بلوچستان

نویسنده: سرهنگ غلامحسین زرگر

بررسی اولیه و نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته، سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی

بررسی، آماده‌سازی، نشر: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

ویرایش تخصصی: سرتیپ ۲ ابوالقاسم کیا

حروف‌نگاری، ویرایش فنی، ادبی: الهه آموزگار

صفحه‌آرایی: حامد خدمتی

طرح جلد: احسان محرابی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۵۵-۶

ناشر: انتشارت ایران سبز

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت:

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

«حق چاپ محفوظ است»

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشده را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."
"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود."

امام خمینی (ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."
"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام (ه) در اسفندماه ۱۳۶۷

خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

صحیفه امام خمینی (ه)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حسّ برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.

- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

برای مقابله با دشمنان بلایستی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بیجی ید و احده و قدرت واحده باشیم.

«شهید سهد علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی بر عهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

➤ شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۱۳۷۸ تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۱۶۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

➤ آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال سوم دانشگاه افسری امام علی^(ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فارابی ارتش ج.ا.ا به اجرا درآمده و تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۳۰۷۵۹ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال سوم دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء^(ص) نیز به اجرا درآمد.

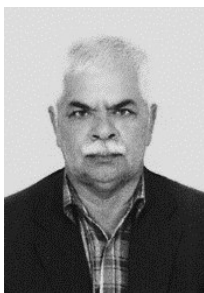
➤ هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه‌ی آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۳۹۷ بیش از ۴۲۵ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

➤ از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت هشت ساعت و تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۸۸۰۲ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند.

➤ از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۷، تعداد ۴۴۹۳۰۰ نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

معرفی نویسنده



سرهنگ بازنشسته جانباز غلامحسین زرگر

در تاریخ ۱۳۴۱/۷/۲ در روستای سکوه از توابع شهرستان هامون در استان سیستان و بلوچستان متولد شد. پس از طی مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، در خرداد سال ۱۳۶۰ موفق به اخذ مدرک دیپلم و در همان سال در کنکور سراسری شرکت نموده و در دانشکده افسری پذیرفته شد که پس از ۲ هفته آموزش به علت شرایط جنگ و نیاز شدید به افسر (فرمانده گروهان) به مرکز آموزش ۰۱ کادر منتقل و بعد از یک دوره ۴ ماهه فشرده جهت طی دوره مقدماتی پیاده به شیراز اعزام و در خاتمه به لشکر ۸۸ زاهدان اختصاص یافت. بلافاصله در سال ۱۳۶۱ تحت عنوان گروه رزمی سلمان به منطقه غرب (میمک) رهسپار و بعد از مدتی به منطقه شمال غرب (مریوان) اعزام و تا پایان جنگ و بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، به مدت ۱۱۸ ماه حضور مستمر در مناطق عملیاتی که در این مدت ۳ مرحله مجروح گردیده و به علت ابراز لیاقت و شایستگی دارای ۶ فقره ارشدیت و ده ها تشویق در دستور نزاجا و قسمتی و ۱۰۰ مورد لوح سپاس و تقدیرنامه در پرونده خدمتی دارا می باشد. در سال های ۱۳۷۸-۱۳۷۶ به مدت ۲ سال جهت تأمین امنیت مرز به نوار صفر مرزی سیستان اعزام گردید. در تاریخ ۸/۹/۸۶ به دلیل جانبازی، به افتخار بازنشستگی نایل شد.

ایشان به دلیل علاقمندی به کار فرهنگی در راستای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت برای نسل نوجوان و جوان، تاکنون تعداد ۲۴ جلد کتاب خاطرات رزمندگان و زندگینامه شهدا و تعداد ۵ جزوه آموزشی تدوین نموده و بیش از ۵۰۰ مورد سخنرانی در دانشگاه ها، مدارس، مساجد، ادارات، یگان های نظامی و انتظامی، صدا و سیما و... داشته است.

از دیگر فعالیت های ایشان می توان به روایتگری راهیان نور در مناطق عملیاتی به مدت ۲۰ سال، جمع آوری اسناد و مدارک شهدای اجا در استان سیستان و بلوچستان، مدرس درس آشنایی با دفاع مقدس اشاره کرد و هم اکنون نیز به عنوان رئیس گروه معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی در استان سیستان و بلوچستان فعالیت دارد.

با تقدیر و تشکر از:

❖ فرماندهی محترم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران امیر سرتیپ ستاد دکتر کیومرث حیدری که باعث ترغیب و تشویق اینجانب گردیدند.

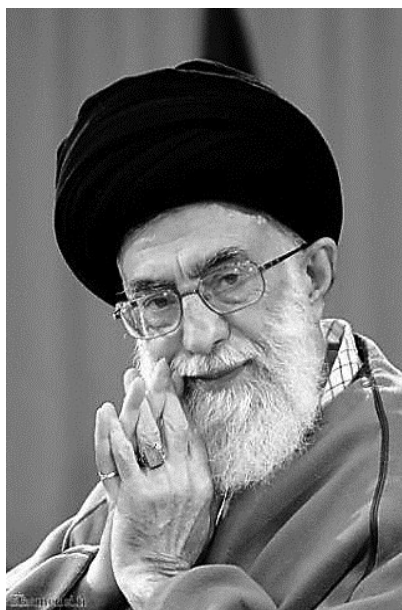
❖ فرماندهی محترم قراگاه عملیاتی لشکر ۸۸ زرهی زاهدان، سرتیپ ۲ ستاد محسن تقی زاده و فرماندهی محترم تیپ ۱۸۸ زرهی مستقل شهید یعقوب احمدی زاهدان، سرهنگ زرهی ستاد سلیمان طاهر و اینارگران که مرایاری نمودند.

❖ گروه معارف جنگ شهید سپهد علی صیاد شیرازی استان سیستان و بلوچستان.

خوش و قتم که می بینم بحمد لشکرهای مؤلف در این استان، لشکر ۸۸ زرپی که از سوابق آن در

دوران دفاع و بعد از آن و پیش از آن خاطراتی در ذهن دارم، آمادگی های خود را افزایش داده اند.

از فرمایشات مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار کارکنان لشکر ۸۸ زاهدان، سال ۱۳۸۱



از سوابق لشکر ۸۸ در دفاع مقدس و
قبل از آن و پس از آن خاطرات دارم.
به عناصر مؤمن و پرنشاط لشکر ۸۸
به خاطر خدمات در گذشته و امروز
درود می فرستم و دعا می کنم.

فهرست مطالب

۱	دیباچه
۷	فصل اول: تاریخچه تأسیس لشکر ۸۸ زرهی زاهدان
۹	تغییر مکان تیپ از سیستان به چابهار
۹	تغییر مکان تیپ ۸۸ چابهار به زاهدان
۱۰	نقش تیپ ۸۸ مستقل زرهی در مسائل امنیتی استان به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی
۱۰	ارتقاء تیپ ۸۸ مستقل به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان
۱۱	آغاز جنگ تحمیلی و لشکر ۸۸ زرهی زاهدان
۱۶	نقش لشکر ۸۸ زرهی سیستان و بلوچستان در عملیات مرصاد
۱۷	مشخصات فرماندهان لشکر ۸۸ زرهی از بدو تأسیس تا سال ۱۳۹۰ قبل از تفکیک و استقلال تیپ‌ها
۱۹	فصل دوم: تاریخچه و نقش تیپ ۱ زرهی زاهدان در دوران دفاع مقدس
۲۵	عملیاتهای تیپ ۱ زرهی زاهدان (تیپ ۱۸۸ مستقل) در دوران دفاع مقدس
۲۶	اسامی فرماندهان تیپ ۱۸۸ زرهی زاهدان از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
۲۶	تاریخچه و نقش گردان ۱۹۶ پیاده مکانیزه در دوران دفاع مقدس
۲۸	صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۹۶ پیاده مکانیزه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
۲۹	تاریخچه و نقش گردان ۲۵۵ تانک در دوران دفاع مقدس
۳۱	صورت اسامی فرماندهان گردان ۲۵۵ تانک از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
۳۲	تاریخچه و نقش گردان ۷۶۳ پیاده در دوران دفاع مقدس
۳۲	صورت اسامی فرماندهان گردان ۷۶۳ پیاده از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
۳۳	تاریخچه و نقش گردان ۳۰۰ توپخانه ۱۵۵ مم در دوران دفاع مقدس
۳۴	صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۰۰ توپخانه ۱۵۵ مم از بدو تأسیس تا سال ۱۳۹۰
۳۵	فصل سوم: تاریخچه و نقش تیپ ۲ زرهی خاش در دوران دفاع مقدس
۳۸	عملیاتهای تیپ ۲ زرهی خاش (تیپ ۲۸۸ مستقل) در دوران دفاع مقدس
۳۹	صورت اسامی فرماندهان تیپ ۲۸۸ زرهی خاش از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
۴۰	تاریخچه و نقش گردان ۱۶۱ پیاده در دوران دفاع مقدس
۴۱	صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۶۱ پیاده از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
۴۲	تاریخچه و نقش گردان ۲۳۱ تانک در دوران دفاع مقدس
۴۴	صورت اسامی فرماندهان گردان ۲۳۱ تانک از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
۴۵	تاریخچه و نقش گردان ۱۵۷ پیاده مکانیزه در دوران دفاع مقدس

- ۴۶ صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۵۷ مکانیزه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۴۶ تاریخچه و نقش گردان ۷۶۵ پیاده در دوران دفاع مقدس
- ۴۸ صورت اسامی فرماندهان گردان ۷۶۵ پیاده از بدو تأسیس تا سال ۱۳۹۰
- ۴۹ فصل چهارم: تاریخچه و نقش تیپ ۳ مکانیزه ایرانشهر در دوران دفاع مقدس
- ۵۱ صورت اسامی فرماندهان تیپ ۳۸۸ پیاده مکانیزه مستقل ایرانشهر از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۵۱ تاریخچه و نقش گردان ۱۹۷ پیاده مکانیزه در دوران دفاع مقدس
- ۵۲ صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۹۷ پیاده مکانیزه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۵۳ تاریخچه و نقش گردان ۱۵۶ پیاده در دوران دفاع مقدس
- ۵۴ صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۵۶ پیاده مکانیزه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۵۵ تاریخچه و نقش گردان ۷۶۴ پیاده در دوران دفاع مقدس
- ۵۶ صورت اسامی فرماندهان گردان ۷۶۴ پیاده از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۵۶ تاریخچه و نقش گردان ۳۷۹ پدافند هوایی ۲۳م در دوران دفاع مقدس
- ۵۷ صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۷۹ پدافند هوایی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۵۹ فصل پنجم: تاریخچه و نقش توپخانه لشکری لشکر ۸۸ زرهی در دوران دفاع مقدس
- ۶۱ صورت اسامی فرماندهان توپخانه لشکری لشکر ۸۸ زرهی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۶۱ تاریخچه و نقش گردان ۳۵۶ توپخانه ۱۳۰ میلیمتری در دوران دفاع مقدس
- ۶۲ صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۵۶ توپخانه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۶۳ تاریخچه و نقش گردان ۳۷۹ پدافند هوایی ۲۳ میلیمتری در دوران دفاع مقدس
- ۶۴ صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۷۹ پدافند هوایی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۶۵ تاریخچه و نقش گردان ۳۰۰ توپخانه ۱۵۵ میلیمتری در دوران دفاع مقدس
- ۶۶ صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۰۰ توپخانه ۱۵۵ میلیمتری
- ۶۷ فصل ششم: تاریخچه و نقش پشتیبانی لشکر ۸۸ زرهی در دوران دفاع مقدس
- ۶۹ صورت اسامی فرماندهان پشتیبانی لشکر ۸۸ زرهی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۷۰ تاریخچه و نقش گردان ۶۲۳ آماد و ترابری در دوران دفاع مقدس
- ۷۱ صورت اسامی فرماندهان گردان ۶۲۳ آماد و ترابری از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۷۱ تاریخچه و نقش گردان ۶۱۹ بهداشت و درمان در دوران دفاع مقدس
- ۷۲ صورت اسامی فرماندهان گردان ۶۱۹ بهداشت و درمان از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۷۳ تاریخچه و نقش گردان ۶۲۴ نگهداری و تعمیر در دوران دفاع مقدس
- ۷۴ صورت اسامی فرماندهان گردان ۶۴۶ تعمیر و نگهداری از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

- ۷۵ فصل هفتم: تاریخچه و نقش گردان مستقل ۷۳۸ تکاور در دوران دفاع مقدس
- ۷۷ صورت اسامی فرماندهان گردان ۷۳۸ تکاور از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۷۹ فصل هشتم: تاریخچه و نقش گردان مستقل ۲۱۲ سوارزهی در دوران دفاع مقدس
- ۸۱ صورت اسامی فرماندهان گردان مستقل ۲۱۲ سوارزهی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۸۳ فصل نهم: تاریخچه و نقش گردان مستقل ۴۱۹ مهندسی در دوران دفاع مقدس
- ۸۵ صورت اسامی فرماندهان گردان مستقل ۴۱۹ مهندسی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۸۷ فصل دهم: تاریخچه و نقش گردان مستقل ۴۱۲ مخابرات در دوران دفاع مقدس
- ۸۹ صورت اسامی فرماندهان گردان مستقل ۴۱۲ مخابرات از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰
- ۹۱ فصل یازدهم: تعدادی از عملیات‌های لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در هشت سال دفاع مقدس
- ۹۵ عملیات آفندی تیپ ۳ (گروه رزمی سلمان ۱) لشکر ۸۸ در عملیات فتح‌المبین
- ۹۶ عملیات آفندی تیپ ۳ (گروه رزمی سلمان ۱) لشکر ۸۸ در عملیات بیت‌المقدس
- ۹۸ عملیات آفندی تیپ ۱ (گروه رزمی سلمان ۲) لشکر ۸۸ زرهی در عملیات رمضان
- ۹۹ عملیات آفندی تیپ ۲ لشکر ۸۸ (گروه رزمی ۱۶۱) در عملیات آفندی والفجر ۳
- ۱۰۱ عملیات آفندی تیپ ۲ (گروه رزمی سلمان ۴) لشکر ۸۸ در عملیات آفندی والفجر ۴
- ۱۰۲ عملیات آفندی تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۸ (ظفر ۶) در منطقه شمال غرب مریوان (دره میانه)
- ۱۰۴ عملیات آفندی تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان
- ۱۰۵ عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان (چوراتا)
- ۱۰۶ عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان (روکان)
- ۱۰۷ عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان (کانی شایان)
- ۱۰۸ عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۲ و ۳) در منطقه عمومی مریوان (بانی بنوک و دره میانه)
- ۱۰۹ عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان (پنجوبین)
- ۱۱۰ عملیات آفندی تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۸) در منطقه عمومی سومار (تپه سرخ)
- ۱۱۱ عملیات آفندی سانوایا (عملیات تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی سومار)
- ۱۱۲ عملیات آفندی نصر ۱۲ (عملیات تیپ ۲ زرهی خاش در منطقه عمومی سومار)
- ۱۱۳ عملیات پدافندی تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی سومار
- ۱۱۴ شرکت لشکر ۸۸ زرهی در عملیات آفندی کربلا ۶ (نصرت) در منطقه عمومی نفت‌شهر و سومار
- ۱۱۶ عملیات پدافندی تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی در برابر تک دشمن در منطقه سومار
- ۱۱۷ عملیات پدافندی تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی سومار (دره سانوایا و ارتفاع ۴۰۲)
- ۱۱۹ عملیات پدافندی لشکر ۸۸ زرهی در مقابل تک سراسری عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷

۱۲۰	شرکت لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در عملیات آفندی مرصاد در منطقه عمومی اسلام‌آباد غرب
۱۲۳	فصل دوازدهم: مروری بر زندگینامه تعدادی از شهدای لشکر ۸۸ زرهی
۱۲۴	سرلشکر شهید غلام‌محمد مظاهری
۱۲۸	سرلشکر شهید حسین خزایی
۱۳۲	سرگرد شهید محمود خمرنیائی
۱۳۷	فصل سیزدهم: تاریخچه و نقش هوانیروز در غائله کردستان و دوران دفاع مقدس
۱۳۸	مأموریت‌های کلی هوانیروز
۱۳۹	مأموریت‌های تاکتیکی و پشتیبانی
۱۳۹	هوانیروز بعد از پیروزی انقلاب
۱۴۰	هوانیروز و دفاع مقدس
۱۵۱	فصل چهاردهم: پیشینه و نقش نیروی دریایی ارتش در دوران دفاع مقدس
۱۵۳	نقش نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس
۱۶۵	فصل پانزدهم: تاریخچه و نقش پدافند هوایی ارتش در دوران دفاع مقدس
۱۶۶	وضعیت پدافند هوایی ارتش قبل از آغاز جنگ تحمیلی
۱۶۷	نقش پدافند هوایی در دوران هشت سال دفاع مقدس
۱۷۵	فصل شانزدهم: تاریخچه و نقش نیروی هوایی ارتش در دوران دفاع مقدس
۱۷۷	وضعیت داخلی نیروی هوایی بعد از پیروزی انقلاب
۱۹۵	فصل هفدهم: ایثارگران ارتش جمهوری اسلامی ایران در استان سیستان و بلوچستان
۱۹۶	شهدای لشکر ۸۸ زرهی زاهدان
۱۹۶	آزادگان لشکر ۸۸ زرهی زاهدان
۱۹۷	جانبازان و مجروحین لشکر ۸۸ زرهی زاهدان
۱۹۷	رزمندگان لشکر ۸۸ زرهی زاهدان
۱۹۷	مفقودالائرهاى لشکر ۸۸ زرهی زاهدان
۱۹۸	خلاصه آمار ایثارگران لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در طول دوران دفاع مقدس
۱۹۹	لیست تعدادی از شهدای شاخص ارتش در استان سیستان و بلوچستان
۲۰۱	کتابنامه

دیباچه

تاریخ روابط دو کشور ایران و عراق در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که همواره بر سر خطوط مرزی بین دو کشور اختلاف وجود داشته است، تا آنکه «قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر» در سال ۱۳۵۳ جهت رفع اختلافات بین ایران و عراق به امضاء رسید. بر اساس این قرارداد، وضعیت مرزهای زمینی و آبی کاملاً روشن شد و دو کشور همسایه متعهد شدند که به مفاد آن احترام بگذارند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و برقراری نظام جمهوری اسلامی در یکی از حساس‌ترین نقاط جهان، منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس را دچار دگرگونی‌های اساسی نمود و با تقابل و فشارهای همه‌جانبه دولت آمریکا و دیگر کشورهای غربی مواجه گردید. تجاوز ارتش بعث عراق به جمهوری اسلامی در حقیقت کمک و همسویی با اهداف آمریکا در خلیج فارس محسوب می‌شود. آغاز جنگ تحمیلی از سوی عراق، مقابله عملی با انقلاب اسلامی به منظور از پای در آوردن نظام نوپای جمهوری اسلامی بود. سران رژیم عراق به پیروزی کوتاه‌مدت در جنگ امیدوار بودند و شرایط نظامی، اوضاع سیاسی، بحران‌های داخلی ایران، آمادگی ارتش عراق و اطمینان از پشتیبانی غرب به این امیدواری شدت بخشید. هرچند تجاوز گسترده عراق ابتدا با موفقیت‌هایی همراه بود، اما دیری نگذشت که شیرینی تجاوز برای حاکمان بغداد به تلخی شکست تبدیل شد. اهداف رژیم بعثی عراق در حمله به ایران را می‌توان در چند کلام خلاصه کرد:

(الف) تسلط بر اروند و لغو یک‌جانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.

(ب) تصرف استان زرخیز خوزستان و افزودن آن به خاک عراق (رژیم بعث همزمان با حمله به خوزستان، نقشه‌های جعلی بسیاری چاپ و توزیع کرد، که در آن به جای خوزستان «عربستان آزاد» نوشته شده بود).

(ج) براندازی نظام جمهوری اسلامی در راستای اهداف آمریکا و کشورهای غربی.

(د) تسلط بر منطقه شمالی خلیج فارس.

(ه) پر کردن خلأ ژاندارم منطقه به جای محمدرضا پهلوی، شاه ایران.

(و) رهبری جهان عرب و...

البته عراق قبل از تهاجم سراسری به ایران، تحرکات گسترده‌ای در مناطق مرزی داشت که حاکی از آغاز تهاجمی وسیع بود. این اقدامات که از سال ۱۳۵۸ تا تجاوز سراسری ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در طول خطوط مرزی در جریان بود، شامل تقویت پاسگاه‌های مرزی، احداث سنگرها

و مواضع دفاعی، تحرکات و جابه‌جایی نیرو و امکانات، احداث جاده و حفر کانال، انتقال توپخانه به مرزها، تقویت نیروهای نظامی در طول مرز، تجاوز هوایی محدود، شناسایی مرزی و نفوذ به داخل خاک ایران، تیراندازی با سلاح‌های سبک و سنگین به پاسگاه‌های مرزی بود.

بررسی شرایط اصلی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و بویژه نیروی زمینی ارتش در آغازین روزهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با آن روبه‌رو بوده است، می‌تواند ما را به فهم عمیق‌تر و درک کامل‌تری از واقعیت‌هایی برساند که شالوده هشت سال از بحرانی‌ترین و مهم‌ترین برهه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند. گرچه در این باب کتب فراوانی نگاشته شده است و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است، لیکن با بررسی جامعی از پیشینه مکتوب دفاع مقدس و بویژه پس از مراجعه به پیشکسوتانی که روزگاری در کسوت سربازی جنگ، فرماندهی یگان‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را بر عهده داشته و تاریخ‌سازان و افتخارآفرینان این برهه از تاریخ انقلاب بوده‌اند، به وضوح درمی‌یابیم که واقعیت‌های بسیاری از این دوره یا ناگفته مانده است و یا کمتر به آنها پرداخته شده. واقعیت‌هایی که شرایط امروز و سرنوشت آینده این مرز و بوم لاجرم به آنها گره خورده است.

هجوم سراسری رسمی ارتش کاملاً آماده عراق به میهن عزیزمان در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ زمانی صورت گرفت که ارتش جمهوری اسلامی ایران در شرایط سخت و بدی قرار داشت. در آن زمان، تنها نیروی نظامی سازمان‌یافته و با دانش نظامی بالا و تجهیزات مناسب، که انتظار می‌رفت بتواند از مردم و میهن دفاع کند، ارتش بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهاد نوپایی بود که با استعداد ۱۵ هزار تا ۲۰ هزار نفر مجهز به سلاح انفرادی تفنگ کلاشینکف و برابر وظیفه ذاتی ابلاغی، حفظ دستاورهای انقلاب اسلامی را بر عهده داشت و هنوز نمی‌شد روی آن حسابی باز کرد. مجموعه قوای انتظامی، بویژه ژاندارمری سابق که در مرزها مستقر بود، توان رزمی و تجهیزات مناسبی برای دفاع در برابر حملات سنگین دشمن را نداشت.

صدام حسین معدوم که تا روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حدود ۶۳۶ مورد تجاوز زمینی، هوایی، بمباران، غارت احشام مرزنشینان و... را در خاک میهن عزیزمان صورت داده بود، در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ بالغویک‌جانبه قرارداد مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر در مقابل دیدگاه مجامع بین‌المللی، زمینه را برای آغاز جنگی تمام‌عیار علیه ایران اسلامی آماده و با حمله سراسری جبهه‌ای به طول ۱۶۰۸ کیلومتر (آبی، خاکی و...) از جنوب شرقی آبادان، دهانه فو تا دالامپرداغ مرز مشترک ترکیه، ایران و عراق تشکیل داد و بیش از ۱۵ هزار کیلومترمربع از

خاک کثورمان را اشغال نمود. در چنین وضعیتی، عراق از ۱۲ لشکر و ۴۵ تیپ مستقل با پشتیبانی تعداد ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۸۰۰ عراده توپخانه صحرایی، ۴۰۰ قبضه ضدهوایی و حمایت هوایی تعداد ۳۳۶ فروند بمب افکن و ۴۰۰ فروند بالگرد برخوردار بود و به جرئت می‌توان گفت هیچ نقص و کمبودی از نظر تجهیزات و نیروی انسانی نداشت. توان رزمی ارتش عراق در مقایسه با ارتش ایران نسبت برتری ده به یک و طبق برخی برآوردها پانزده به یک را نشان می‌دهد.

متأسفانه به رغم اینکه این حمله و آغاز درگیری بین ایران و عراق کاملاً قابل پیش‌بینی و تهدیدهای موجود کاملاً محسوس بود، لیکن تحلیل‌های نادرست و سیاست‌های خائنانه ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت ایران و اعوان و انصار وی در کابینه دولت، موجب شده بود که ایران به منظور دفع این تهاجم آمادگی لازم را نداشته باشد.

عمده‌ترین یگان‌های نیروی زمینی ارتش، که از همان نخستین روز نبرد با ارتش عراق درگیر شدند، لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در منطقه جنوب و لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه در منطقه غرب و لشکرهای ۲۸ سنندج و ۶۴ ارومیه در شمال غرب بودند.

در این روز، تبادل آتش میان طرفین، توپخانه نیروی زمینی مستقر در آبادان، کارخانه تولید گاز فاو در عراق را به آتش کشید. به علاوه، مواضع دشمن در امتداد ساحل جنوبی اروندرود زیر آتش سنگین نیروهای خودی قرار گرفت.

بر خلاف انتظار ستاد کل فرماندهی ارتش عراق، یگان‌های لشکر ۹۲ زرهی با استعداد رزمی زیر ۵۰٪ شجاعانه در مقابل نیروهای عراقی ایستادگی نمودند و ارتش عراق مجبور شد نیروهای بیشتری را وارد خوزستان نماید. دشمن پس از تصرف پاسگاه فکه، در یک درگیری خونین، در مقابل دفاع دلورانه یک گروه رزمی^۱ از تیپ ۳۷ زرهی شیراز، به مواضع گروه رزمی مستقر در تپه ماهوری فکه حمله می‌کند، که با آتش دقیق و مقاومت شدید دلورمردان ارتش مواجه شده و مجبور به عقب‌نشینی می‌گردد. گردان ۱۵۱ پیاده دژ خرمشهر در همان نخستین روزهای حمله چنان درس عبرت بزرگی به ارتش عراق داد که برای همیشه نادم شده و شاید راهی جز اقرار شکست نداشت. در این خصوص، باید یادی کنیم از:

۱. یک گردان با قرارگاه هنگامی که یک گروهان تانک، آتشبار توپخانه صحرایی، آتشبار پدافند هوایی و... تقویت گردد، تشکیل گروه رزمی می‌دهد.

✓ سرلشکر شهید اسماعیل زارعیان که با چهار قبضه تفنگ ۱۰۶م و تعداد ۱۴ سرباز به مدت یک هفته در پل نو و نهر عرایض پیشروی یک لشکر عراق را سد و متوقف نمود.

✓ ستوان وظیفه عبدالحمید انشایی، دیدبان شیاه کوه که یک تیپ عراقی را که به منظور تصرف ارتفاع شیاه کوه مشغول پیشروی بودند، با درخواست آتش بموقع توپخانه متوقف نمود.

✓ شهید سپهبد قهرمان علی صیادشیرازی، که امروز عدم تجزیه کردستان به عنوان یک اقلیم، مدیون رشادت‌های او به عنوان فرمانده نظامی است، که همراه با رشادت‌های دو لشکر از نیروی زمینی ارتش و قهرمانان جان بر کف هوانیروز باعث سرکوب گروه‌های معاند ضدانقلاب کومله و دمکرات شد، که سعی داشتند باعث جداسازی کردستان گردند و برای همیشه از خاک ایران زمین تجزیه نمایند؛ ولی با فرماندهی شجاع و بی‌نظیر صیاددل‌ها تمام آمال و آرزوهای آنان از بین رفت و در جنگ تحمیلی نیز، بیش از ۹۰٪ خاک اشغال‌شده ایران توسط ارتش عراق، با فرماندهی و طرح‌ریزی و مدیریت این شهید بزرگوار در طول یک سال آزاد گشت و به آغوش وطن بازگشت.

نیروی هوایی شجاع ارتش جمهوری اسلامی ایران در همان بعدازظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، با دفاع جانانه خویش، هراس را در دل دشمن ایجاد کرد. خلبانان قهرمان نیروی هوایی به استعداد ۲۸۰ تن با تعداد ۱۴۰ فروند بمب‌افکن و هواپیماهای شکاری رهگیر در ۱ مهر ۱۳۵۹ با طلوع آفتاب به سمت کشور عراق پرواز کرده و شروع به بمباران تأسیسات حیاتی و منابع مهم عراق نمودند. جا دارد یادى کنیم از رشادت‌های بی‌نظیر خلبانان سید علی اقبالی دوگانه، غفور جدی اردبیلی، عباس دوران، عباس بابایی و ده‌ها خلبان دیگر که ارتش عراق را نادم و پشیمان کردند و به آنها فهماندند که مرتکب اشتباه بزرگی شدند.

دریادلان نیروی دریایی، بخصوص یگان تکاور این نیرو، که از بوشهر نیز به جمع تکاوران خرمشهر ملحق شده بودند، چنان درس بزرگ تاریخی به نیروی دریایی عراق دادند که برای همیشه طومار آن در هم پیچیده شد و ظرف کمتر از ۷۰ روز (۷ آذر ۱۳۵۹) چنان ضربه‌ای به آن وارد گردید که تا پایان جنگ زمین‌گیر شد و امام راحل (ره) این روز را به نام نیروی دریایی ارتش نامگذاری کردند.

یادی کنیم از رشادت‌های دریادار شهید محمدعلی صفا که در یک روز، ۶۴ دستگاه تانک ارتش عراق را در خرمشهر شکار کرد و بزرگ‌ترین شکارچی تانک در جهان لقب گرفت.

دریادار شهید محمدابراهیم همتمی فرمانده ناوچه پیکان که در عملیات غرورآفرین مروارید به شهادت رسید، ولی قبل از شهادت تجهیزات صدور نفت عراق روی سکوه‌های نفتی البکر و الامیه آسیب کلی دید و دیگر صدور نفت از طریق این سکوها ممکن نبود.

شهید دریادار خلبان صادق ترویجی که به هنگام مقابله با ناوگان دریایی متجاوز آمریکا بر اثر حملات هوایی دشمن با مقاومتی جانانه به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

خلاصه اینکه ارتش جمهوری اسلامی ایران با تقدیم بیش از ۴۸۰۰۰ شهید، ۲۳۰۰۰ آزاده، ۳۲۰۰۰۰ جانباز، ۲۸۰۰۰۰۰ رزمنده پایور و وظیفه به نحو شایسته و مطلوبی دین و وظیفه‌اش را در دوران دفاع مقدس انجام داد و امروز سربلند نزد خدا، انبیاء و اولیاء الهی، ملت و رهبر خویش بوده و این بزرگ‌ترین افتخار یک ارتش وطن‌پرست و مردمی و انقلابی کشور می‌باشد.

فصل اول

تاریخچه تأسیس لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

سرزمین پهناور سیستان و بلوچستان از دیرباز در معرض تاخت و تاز اقوام غارتگر و خونریز در مرزهای شرقی بوه است. پهلوانان و جنگاورانی از خطه سیستان و بلوچستان برای دفاع از وطن خویش دست به شمشیر و تفنگ برده و رشادت‌های بی نظیری از خود نشان داده‌اند. هسته اولیه نیروی نظامی سیستان و بلوچستان در دره صفویه شکل گرفت و شامل سواران مسلح از طوایف سیستانی بود، که در هنگام جنگ یا دفاع در مدت کوتاهی (چند روز) حاضر به خدمت می‌شدند. این وضعیت همچنان ادامه داشت تا در سال ۱۳۰۰ که ارتش نوین و یکپارچه در ایران پایه‌ریزی شد. واحدهای مختلف نظامی از جمله در نواحی شرق با یکدیگر درآمیختند و لشکر شرق به فرماندهی تیمسار پنجه (سرتیپ) حسین آقاخان خزائی در ۱۴ دی ۱۳۰۰ تأسیس گردید و پادگان دائمی از جمله پادگان سیستان احداث و تیپ سیستان تحت فرماندهی لشکر شرق تشکیل و شکل گرفت.

یکی از نخستین مأموریت‌های این تیپ در سال ۱۳۰۷ با پشتیبانی تیپ‌های مشهد و کرمان در ماجرای لشکرکشی و قشون‌کشی به بلوچستان و بازگرداندن آرامش به منطقه بلوچستان (خاش، سراوان و ایرانشهر) بود، که در مدت شش ماه به طول انجامید و یاغیان که قصد خودمختاری و استقلال بلوچستان را در سر داشتند، سرکوب و مطیع دولت مرکزی شدند و همچنین، شرکت تیپ سیستان در بازسازی و تعمیر جاده مشهد و زاهدان (دزدآب) بود، که با نظارت مستقیم لشکر شرق به همراه سایر یگان‌ها صورت گرفت.

در جریان جنگ جهانی دوم، شهریور سال ۱۳۲۰ که نیروهای متفقین از مرزهای شرقی و شمال‌شرقی به سوی استان‌های شرقی کشور حمله‌ور شدند، تیپ سیستان نیز در کنار سایر تیپ‌های لشکر شرق به مقابله با نیروی خارجی پرداخت، تا اینکه با صدور فرمانی از سوی لشکر، آتش بس و ترک محاصره صورت گرفت و یگان‌ها از مرزها عقب‌نشینی کرده و دست از جنگ کشیدند و بدون کمترین مقاومتی تسلیم شدند و شیرازه یگان‌ها از هم پاشید و منحل گردید.

در پی سقوط سلطنت رضاشاه و توافق دولت ایران با متفقین، بازسازی یگان‌های ارتش پس از شش ماه انحلال، دوباره در سربازخانه‌ها از جمله تیپ ۱۴ مکران سازماندهی و تشکیل گردید. در سال ۱۳۲۴، تمامی اشغالگران متفقین خاک کشور ایران را ترک کرده و خارج شدند و یگان‌هایی از تیپ مکران در پادگان‌های سیستان، زاهدان و خاش استقرار یافتند.

تغییر مکان تیپ از سیستان به چابهار

از سال ۱۳۴۷، که ایران به عنوان ابرقدرتی کوچک در منطقه خودنمایی می‌کرد، برای صیانت بیشتر از مرزهای شرقی کشور تصمیم گرفته شد تیپ مکران همزمان با جدا شدن شهرستان بم از منطقه سیستان، به نام تیپ ۸۸ مستقل چابهار تغییر نام دهد و جهت حراست از مرزهای بین‌المللی و سواحل دریای عمان و جلوگیری از ناامنی‌های منطقه در شهرستان چابهار مستقر گردید. در سال ۱۳۵۴، استعداد تیپ به سه گردان افزایش یافته بود، که این سه گردان شامل دو گردان پیاده مکانیزه به نام‌های گردان ۱۹۷ مکانیزه و گردان ۱۹۶ مکانیزه و یک گردان پیاده به نام گردان ۱۵۷ بود و در سال ۱۳۵۵ نیز جهت تکمیل شدن سازمان تیپ، یگان‌هایی از سایر قسمت‌ها به استعداد تیپ افزوده شد. این یگان‌ها عبارتند از: گردان ۲۳۱ تانک هفتگل خوزستان و گردان ۲۵۵ تانک از زاهدان و گردان‌های ۳۰۰ توپخانه و ۳۸۱ توپخانه از مراغه، که بجز گردان‌های ۲۳۱ تانک و گردان ۳۸۱ توپخانه سایر یگان‌های اختصاص یافته به تیپ ملحق گردیدند.

تغییر مکان تیپ ۸۸ چابهار به زاهدان

تیپ ۸۸ زرهی به دلیل نیاز و ضرورت محل استقرار، از شهرستان چابهار تغییر مکان داده و پادگان موجود در شهرستان زاهدان به دو قسمت تقسیم گردید، که یک قسمت از آن در اختیار گردان امداد ژاندارمری و قسمت دیگر آن به یگان‌های تیپ ۸۸ مستقل اختصاص یافت. فرماندهی تیپ را در سال ۱۳۵۵ سرهنگ زرهی ستاد باقرزاده به عهده داشت، که بعدها به نام تیپ ۸۸ مستقل زاهدان تغییر نام یافت.

بعضی از مأموریت‌هایی که تیپ ۸۸ مستقل زاهدان به عهده داشته است، عبارتند از:
الف) حفاظت از مرزهای جنوب‌شرقی کشور از جنوبی‌ترین نقطه تا شمالی‌ترین نقطه استان

- ب) جلوگیری از آشوب‌ها و سرکوب تحرکات خودمختاری در منطقه بلوچستان
- ج) سازماندهی و آموزش به منظور کسب آمادگی‌های لازم
- د) کمک به مردم آواره و سیل‌زده ایرانشهر (بخش بمپور) در اثر طغیان رودخانه بمپور.

نقش تیپ ۸۸ مستقل زرهی در مسائل امنیتی استان به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی

در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۷ که رویدادهای انقلاب اسلامی در حال وقوع بود، حوادث تلخی در خیابان‌های شهرستان‌های زاهدان و زابل ایجاد شد، که سبب کشته و مجروح شدن عده‌ای از مردم و نظامیان گردید. نیروهای ساواک و برخی از گروه‌های وابسته به رژیم پهلوی نقش بسزایی در افزایش تنش‌ها و درگیری‌های منطقه داشتند. تعدادی از نظامیان دلسوز و انقلابی یگان‌های تیپ با هماهنگی و تماس‌هایی که با مردم انقلابی سطح شهر داشتند، با خروج اسلحه از پادگان، در اجتماعات و صفوف مردم شرکت کردند و سبب گسترش و مقاومت‌های مردمی شدند و در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی ایفا نمودند، که باعث تسریع در پیروزی انقلاب در این استان گردید. در روزهای آغازین انقلاب اسلامی ایران، منطقه سیستان و بلوچستان دچار ناآرامی و درگیری‌های مسلحانه گردید، که با تدبیر مسئولان و تصمیم بموقع یگان‌های نظامی تیپ و نیروی انتظامی و تلاش‌های فراوان، از توسعه نگرانی و ناآرامی‌ها در بعضی از شهرهای بلوچ‌نشین که خواستار خودمختاری بودند، جلوگیری گردید. از مهم‌ترین این اقدامات، می‌توان به سرکوب اشرار و مخالفین در شهر بمپور در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط یگان ارتش در ایرانشهر اشاره کرد. همچنین، علیرغم اینکه اکثر نیروها در جبهه‌های دفاع مقدس حضور داشتند، در آشوب‌های خیابانی شهرستان زاهدان، که با آمدن دکتر ابراهیم یزدی درگیری سختی بین قوم بلوچ و شیعیان به وجود آمده بود، با هوشیاری و حضور بموقع لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در سال ۱۳۶۰ از دامنه این تنش‌ها و ناآرامی‌ها کاسته و جلوگیری شد.

در این رابطه، امام خمینی (ره) نماینده خود حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین سید علی خامنه‌ای را در ۹ فروردین ۱۳۵۸ جهت رسیدگی به کمبودها و محرومیت‌های مردم بلوچ به استان اعزام نمود و در حکم خود مرقوم فرمودند: «در طول ۵۰ سال رژیم سفاک پهلوی، همیشه برادران و خواهران منطقه سیستان و بلوچستان مورد ظلم و جور بودند؛ لذا جناب‌عالی به آن منطقه رفته و به خواسته‌های اهالی محترم آن منطقه رسیدگی نمایید و انتظارات مردم دلیر آن دیار را برای اینجانب و اولیای امور گزارش دهید.» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج: ۶: ۴۲۹)

ارتقاء تیپ ۸۸ مستقل به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوایل سال ۱۳۵۸، ناآرامی‌های قومی در شهرستان‌های زاهدان و ایرانشهر توسط افراد ضدانقلاب و تجزیه‌طلب، که قصد خودمختاری اقلیم بلوچستان

را داشتند به وقوع پیوست، که با تدبیر مسئولان و حضور بموقع یگان‌هایی از ارتش، مجدداً آرامش و امنیت به این شهرها بازگشت. هم‌مرز بودن استان با دو کشور بحران‌خیز و ناامن پاکستان و افغانستان و شرایط ویژه استان باعث شد تا مسئولین به فکر ارتقاء تیپ به لشکر بیفتند و در همان بجه، تیپ ۸۸ مستقل به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان ارتقاء یافت و یگان‌هایی از سایر یگان‌های نیروی زمینی ارتش به این لشکر اختصاص یافت و تیپ ۱ زرهی در زاهدان، تیپ ۲ زرهی در خاش، تیپ ۳ زرهی در ایرانشهر، گردان ۲۱۲ سوارزرهی در زابل، توپخانه لشکر در ایرانشهر و پشتیبانی لشکر در زاهدان سازماندهی و مستقر گردیدند.

آغاز جنگ تحمیلی و لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه کشور، که رسماً در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد، ابتدا تعداد زیادی از کارکنان پایور، مخصوصاً کارکنان متخصص (خدمه تانک، خدمه نفربر، مهندسی، سلاح‌های ضدتانک، مخابرات و...) به صورت انفرادی و داوطلب راهی مناطق عملیاتی شدند. علیرغم اینکه فرد نظامی تابع دستورات و ابلاغ مأموریت از سلسله مراتب فرماندهی، آن هم به صورت امریه و کتبی می‌باشد، تعداد زیادی از کارکنان افسر و درجه‌دار منتظر دستور نماندند و شخصاً از همان روزهای نخست که می‌دانستند به عنوان افراد متخصص وجودشان در مناطق عملیاتی الزامی است، رهسپار مناطق گردیدند. پس از چند ماه از شروع جنگ تحمیلی، دستورات کتبی مبنی بر اعزام کارکنان و بعضی از یگان‌ها به لشکر واصل گردید. بلافاصله یگان‌هایی تحت عنوان گروه رزمی سلمان (سلمان ۱ تا ۵) به مناطق عملیاتی جنوب، غرب و شمال‌غرب اعزام گردید.

الف) اعزام به صورت گروه رزمی

✓ گروه رزمی سلمان فارسی ۱ شامل: گردان ۱۹۷ مکانیزه و آتشبار سوم از گردان ۳۰۰ توپخانه صحرائی، آتشبار سوم ۲۳م از گردان پدافند هوایی و گروهان سوم از گردان ۲۵۵ تانک، در ۱۲ بهمن ۱۳۶۰ به منطقه عملیاتی جنوب (غرب دزفول، شوش) به فرماندهی سرگرد سمیعی عزیمت و در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس شرکت کرد که در این عملیات‌ها، زیر امر تیپ ۵۵ هواپرد قرار داشته است. در ۱۵ مهر ۱۳۶۱ به منطقه میمک اعزام می‌گردد و جهت دفاع از منطقه، زیر امر تیپ ۴۰ سراب قرار می‌گیرد و سپس در ۳ مهر ۱۳۶۱ به منطقه سومار به یگان سازمانی ملحق گردیده و به همراه سایر یگان‌های تیپ ۳ زرهی در تصرف تپه سرخ شرکت می‌نماید.

✓ گروه رزمی سلمان فارسی ۲ شامل: گردان ۱۹۶ مکانیزه و آتشبار یکم از گردان ۳۰۰ توپخانه صحرایی و آتشبار یکم پدافند هوایی ۲۳م و گروهان یکم گردان ۲۵۵ تانک، در ۸ اسفند ۱۳۶۰، از زاهدان به منطقه عملیاتی جنوب (بستان، جزابه) به فرماندهی سرگرد سهراب صدری اعزام گردید و زیر امر تیپ ۵۵ هوابرد شیراز قرار گرفت. سپس در ۲۲ تیر ۱۳۶۱ در منطقه کوشک - طلائییه - جفیر در عملیات رمضان شرکت نمود که در این عملیات، زیر امر تیپ ۴۰ سراب بوده است. بعد از پایان عملیات در اواخر سال ۱۳۶۱ به منطقه میمک عزیمت نمود که پس از مدتی در ۲۷ بهمن ۱۳۶۲ به قرارگاه عملیاتی حمزه سیدالشهداء(ع) در منطقه شمال غرب (مریوان) جهت پدافند از منطقه (پنجوین) اعزام گردید.

✓ گروه رزمی سلمان فارسی ۳ شامل: گردان ۸۰۸ (۱۶۱) پیاده و آتشبار ۳ از گردان ۳۰۰ توپخانه، یک دسته توپ ۲۳م از گردان پدافند هوایی، در ۱۷ تیر ۱۳۶۲ به منطقه غرب جهت شرکت در عملیات والفجر ۳ تحت امر تیپ ۸۴ خرم آباد مأمور می‌گردد و بعد از آن، در ۱۷ آذر ۱۳۶۴ به تیپ سازمانی جهت دفاع از ارتفاعات کهنه‌ریگ و اسماعیل‌خانه به منطقه سومار اعزام می‌گردد.

✓ گروه رزمی سلمان فارسی ۴ شامل: گردان ۱۵۷ مکانیزه گروهان یکم تانک گردان ۲۵۵ و آتشبار دوم ۲۳م از گردان ۳۷۹ پدافند هوایی و آتشبار دوم و سوم از گردان ۳۰۰ توپخانه، در ۲۴ خرداد ۱۳۶۲ به فرماندهی سرگرد یعقوب احمدبیگی به منطقه گیلانغرب و سپس در ۳ مهر ۱۳۶۲ به منطقه شمال غرب (مریوان) جهت شرکت در عملیات والفجر ۴ اعزام گردید. در این عملیات، در قالب قرارگاه حمزه ۴ با عبور از قرارگاه حمزه ۱ پس از تصرف هدف، جاده پنجوین - سید صادق و معابر شیلر را تأمین نمود. در ۶ شهریور ۱۳۶۴، زیر امر تیپ ۱ زرهی قرار گرفته و جهت تصرف و تأمین ارتفاعات لری و کانی‌مانگا در عملیات آفندی چوارتا شرکت می‌نماید و بعد از آن، در ۲۴ شهریور ۱۳۶۴ به منطقه سومار جهت دفع تک‌های دشمن و ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریگ به تیپ سازمانی اعزام می‌گردد.

✓ گروه رزمی سلمان فارسی ۵ شامل: گردان ۱۵۶ پیاده و عناصری از گردان ۳۵۶ توپخانه و توپ‌های ۲۳م از گردان ۳۷۹ پدافند هوایی، در ۲۳ بهمن ۱۳۶۲ به منطقه شمال غرب مریوان - پنجوین زیر امر تیپ ۱ زرهی لشکر به پدافند از منطقه پنجوین عراق و

سپس در ۲۳ آبان ۱۳۶۳، به منطقه سومار به یگان سازمانی خود، تیپ ۳ زرهی، جهت دفاع و پدافند در خطوط مقدم اعزام می‌گردد.

ب) اعزام به صورت یگانی

۱. تیپ ۱ زرهی زاهدان

در ۲۷ مهر ۱۳۶۲، با تمام یگان تابعه به منطقه شمال غرب (مریوان) به فرماندهی سرهنگ ابراهیم زندی نیا اعزام گردید و در خطوط مقدم پدافند عملیات والفجر ۴ و ظفر ۶ شرکت نمود.

در ۲۰ آذر ۱۳۶۴، از منطقه شمال غرب (مریوان) به منطقه گیلانغرب عزیمت نمود و پس از یک سال، از آنجا به منطقه سومار اعزام گردید که در عملیات‌هایی از جمله کربلا ۶، دفع تک‌های مذبوحانه دشمن به ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریگ و اسماعیل خان و در تک گسترده دشمن در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ به منطقه سومار و عملیات مرصاد در اسلام‌آباد غرب حضور و شرکت فعال داشته است. فرمانده تیپ سرهنگ زرهی ستاد شاپور شجاع بوده است.

۲. تیپ ۲ زرهی خاش

در اواخر سال ۱۳۶۲، با یگان‌های تابعه به فرماندهی سرگرد فتحی‌پور به منطقه عملیاتی غرب میمک و پس از آن به منطقه شمال غرب (مریوان و پنجوین) اعزام گردید و در عملیات والفجر ۴ که در ۲۷ مهر ۱۳۶۲ انجام شد، شرکت فعال داشت. پس از خاتمه عملیات در ۱۳ بهمن ۱۳۶۳، به منطقه سرزمینی خاش مراجعت نمود و پس از بازسازی و تجدید سازمان، مجدداً در ۶ شهریور ۱۳۶۴ با زیر امر گرفتن یگان‌هایی از گردان‌های ۱۷۰ و ۱۸۸ پیاده لشکر ۳۰ گرگان، به منطقه شمال غرب (مریوان) اعزام گردید و در عملیات ظفر ۶ شرکت نمود. پس از اتمام مأموریت، به منطقه سومار عزیمت نمود و در خطوط پدافندی مستقر گردید و شجاعانه در عملیات‌های کربلا ۶ و دفع تک‌های دشمن به ارتفاع حساس ۴۰۲ و کهنه ریگ در ۲۶ تیر ۱۳۶۶، به فرماندهی سرهنگ زرهی ستاد ناصر محمدی‌فر شرکت نمود. در دفع تک‌های دشمن در ۲ خرداد ۱۳۶۷ و عملیات سراسری عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و عملیات مرصاد شرکت نمود، که فرمانده تیپ سرهنگ زرهی عباس نیک‌منش بوده است.

۳. تیپ ۳ زرهی ایرانشهر

در ۲۰ خرداد ۱۳۶۲، با کلیه یگان‌های تابعه به منطقه شمال غرب (مریوان) اعزام گردید و در عملیات‌های ظفر ۲ و ۳ شرکت نمود. در ۲۷ بهمن ۱۳۶۲، برابر دستورالعمل ابلاغی نزاچا در خطوط پدافندی منطقه سومار (کهنه ریگ و سلمان کشته) جهت سرکوب دشمن به منطقه سومار عزیمت نمود و در عملیات‌های متعدد دفع تک‌های دشمن و بازپس‌گیری کله قندی در ۱۳ بهمن ۱۳۶۳ و دفع تک دشمن به تپه سرخ در ۳ مهر ۱۳۶۴ و کربلا ۶۴ شرکت نموده است. فرماندهی تیپ بر عهده سرهنگ سهراب صدری بوده است.

در عملیات‌های ۲۸ بهمن ۱۳۶۶، جهت بازپس‌گیری ارتفاعات کهنه ریگ و دفع تک دشمن در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و عملیات مرصاد شرکت فعال داشته است که فرماندهی آن بر عهده سرهنگ زرهی ستاد شمس‌الدین زعفری بوده است.

۴. قرارگاه و عده‌های لشکر

قرارگاه و عناصر باقیمانده لشکر از جمله گردان‌های مهندسی، مخابرات، ۲۱۲ سوارزرهی، پشتیبانی و توپخانه در ۱۷ آذر ۱۳۶۴ از زاهدان به منطقه غرب (گیلانغرب) اعزام و در دشت دیره مستقر گردیدند. در دی‌ماه ۱۳۶۵، به منطقه سومار عزیمت نمود و پس از الحاق یگان‌های تابعه در خطوط پدافندی مستقر گردید و حراست از مرزهای میهن اسلامی را در منطقه سومار و نفت‌شهر به عهده گرفت. در اوایل سال ۱۳۶۵، لشکر به همراه سایر یگان‌های تابعه در عملیات کربلا ۶ و دفع تک‌های دشمن در منطقه شرکت داشته و ارتفاعات ۴۰۲ و کهنه ریگ را از دست دشمن آزاد نمودند، که در این مدت، بارها توسط دشمن بمباران شیمیایی گردید. در عملیات دفع تک دشمن در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و در ۵ مرداد ۱۳۶۷ در عملیات شرکت و حضوری بسیار فعال داشته است.

تشکیل و اعزام گردان‌های قدس

✓ در خرداد ۱۳۶۲، گردان پیاده ۱۹۵۱ قدس از پرسنل پایور داوطلب و کارکنان وظیفه یگان‌های تابعه لشکر تشکیل و به منطقه شمال غرب (مریوان) اعزام گردید، که پس از انجام مأموریت، به زاهدان مراجعت نمود و پس از سازماندهی مجدد، بلافاصله بنا به دستور، به منطقه سومار اعزام گشت. در سال ۱۳۶۵، با تغییر ماهیت به نام گردان ۷۶۳ پیاده در تابعیت تیپ ۱ زرهی زاهدان قرار گرفت و در کلیه عملیات‌های منطقه غرب (سومار) به همراه تیپ شرکت نمود.

✓ در فروردین ۱۳۶۴، گردان ۱۹۴۳ قدس از پرسنل پایور و کارکنان وظیفه یگان‌های تابعه لشکر در زاهدان تشکیل و در پاییز ۱۳۶۴، جهت برقراری تأمین محور بانه به سردشت کردستان عازم منطقه شمال غرب گردید. سپس در زمستان ۱۳۶۴، به منطقه سومار عزیمت نمود و در خطوط پدافندی قسمت چپ ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریگ مستقر گردید. در سال ۱۳۶۵، با تغییر ماهیت به گردان ۷۶۵ پیاده در تابعیت تیپ ۲ زرهی خاش قرار گرفت و همراه با سایر یگان‌های تیپ در کلیه عملیات‌های تیپ شرکت فعال داشت.

✓ در تیرماه ۱۳۶۲، گردان ۱۹۰۴ قدس با استفاده از کارکنان پایور و وظیفه‌مازاد یگان‌های تابعه لشکر در زاهدان تشکیل یافت و پس از سازماندهی و آموزش کارکنان، در نیمه دوم سال ۱۳۶۲، به منطقه عملیاتی شمال غرب (مریوان) عزیمت و در پاکسازی روستاهای اطراف مریوان شرکت نمود. در اسفند ۱۳۶۲، پس از خاتمه مأموریت، به زاهدان مراجعت نمود و پس از سازماندهی مجدد، به منطقه عملیاتی شمال غرب (مریوان) اعزام و در ارتفاعات منطقه مستقر و جهت امنیت منطقه مشغول انجام وظیفه گردید. در ۱۱ بهمن ۱۳۶۴، به منطقه عملیاتی غرب (سومار) عزیمت نمود و با تغییر ماهیت، به گردان ۷۶۴ پیاده در تابعیت تیپ ۳ زرهی ایرانشهر قرار گرفت و در خطوط پدافندی مستقر و مشغول دفاع از حریم مرزهای میهن اسلامی گردید.

✓ در خرداد ۱۳۶۲، گردان ۱۹۳۵ قدس با استفاده از کارکنان مازاد توپخانه لشکری و سایر یگان‌های لشکر تشکیل و پس از سازماندهی و آموزش، عازم منطقه شمال غرب (کردستان) حوالی سردشت گردید و پس از انجام مأموریت به نحو احسن، به زاهدان رجعت نمود. پس از سازماندهی مجدد و آموزش، به منطقه عملیاتی شمال غرب (سردشت) اعزام گردید و زیر امر تیپ ۳ لشکر ۶۴ قرار گرفت. گردان به دلیل جابه‌جایی‌های متعدد از منطقه شمال غرب به زاهدان، از توان رزمی بالایی برخوردار گردید (در طی سه مرحله متوالی در زاهدان نسبت به سازماندهی و آموزش کارکنان گردان اقدام گردید). سرانجام در اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۵، به منطقه غرب قصرشیرین و از آنجا به سومار اعزام گردید و در مأموریت‌های مختلف محوله، تلاش و مقاومت جانانه‌ای از خود نشان داد. در مهرماه ۱۳۶۵، برابر دستورالعمل ابلاغی نیروی زمینی ارتش به گردان ۷۳۸ تکاور تغییر نام داد و جزو گردان‌های مستقل لشکر قرار گرفت و در تمامی عملیات‌هایی که در منطقه سومار انجام گرفت، شرکت فعال داشت.

نقش لشکر ۸۸ زرهی سیستان و بلوچستان در عملیات مرصاد

بعد از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیر ۱۳۶۷، ارتش عراق با تفکر غلط و اشتباهی که شرایط پیروزی جنگ را به نفع خود ارزیابی می‌کرد، با تقویت نیروهای خود در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ در جبهه میانی حمله نمود و عملیات سنگین و بزرگ سراسری را همانند روزهای نخست جنگ شروع کرد، تا بتواند به قسمتی از اهداف خود که در اوایل جنگ نرسیده بود، دست یابد. این عملیات از طریق زمین با یگان‌های تقویت‌شده، مخصوصاً ادوات زرهی و شنیدار، از طریق هوا و به وسیله بمب‌افکن‌های پیشرفته و بالگردهای مدرن... شروع شد که با پایمردی، استقامت، ایثار و جانفشانی رزمندگان اسلام مواجه گردید و بعد از ۷۲ ساعت، به مواضع اصلی خود برگشت. بر همین اساس، کارکنان غیور لشکر ۸۸ زرهی سیستان و بلوچستان که در منطقه غرب کشور (سومار و نفت‌شهر) مشغول دفاع از کیان ایران اسلامی بودند، با دفاع بی‌نظیر خویش، جلو نیروهای تک‌ور و حمله‌کننده ارتش عراق را کند و سد کرده و در نهایت، در حوالی چهل زری، معروف به تنگ شیطان، متوقف و پس از درگیری سخت و سنگینی، دشمن را وادار به عقب‌نشینی نمودند.

یک فکر و تحلیل بسیار غلط دیگری نیز بر ارتش عراق و منافقین در این ایام حاکم بود؛ آن هم اینکه ملت ایران از جنگ خسته شده و بهترین شرایط برای ورود منافقین به خاک ایران در پنج مرحله پیشروی (۱) تصرف اسلام‌آباد غرب (۲) تصرف کرمانشاه (۳) تصرف همدان (۴) تصرف قزوین (۵) تصرف تهران می‌باشد و با سقوط حکومت جمهوری اسلامی ایران، می‌توانند به اهداف شوم خویش برسند. کارکنان لشکر ۸۸ زرهی به محض اطلاع از ورود منافقین به خاک کشور، در جلو پادگان مهمات سلمان فارسی در قسمت غرب شهر اسلام‌آباد و خروجی به ایوان غرب، روی ارتفاعات مشرف به شهر با ترکیب گردان‌های ۱۹۶ مکانیزه با سلاح‌های خمپاره‌انداز ۱۲۰م و راکت‌انداز ۱۰۷م و تعدادی نیرو، گردان ۷۳۸ تکاور با دو قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰م و تعدادی نیرو، گردان ۲۵۵ تانک با چند دستگاه تانک، گردان ۷۶۳ پیاده با تعدادی از نیروهای موجود و کارکنانی از توپخانه صحرایی لشکر به مدت سه شبانه‌روز ایستادگی کرده و با رشادت و از جان گذشتگی بی‌نظیر خویش، باعث عدم سقوط پادگان سلمان فارسی و پیشروی منافقین گردیدند. در این عملیات غرورآفرین، تعدادی از نیروهای منافقین کشته و زخمی شده و تعدادی نیز به اسارت درآمدند. لشکر ۸۸ زرهی سیستان و بلوچستان در آخرین آزمون دوران دفاع مقدس با سرافرازی و سربلندی، برگ زرین دیگری بر

افتخارات خود افزود و آن را به یادگار در تاریخ ثبت و ضبط نمود که هیچ‌گاه در تاریخ فراموش نخواهد شد.

مشخصات فرماندهان لشکر ۸۸ زرهی از بدو تأسیس تا سال ۱۳۹۰ قبل از تفکیک و استقلال تیپ‌ها

R	درجه	رسته	نام و نشان	تاریخ انتصاب	سمت	یگان
۱	سرهنگ	پیاده	باقرزاده	۱۳۵۵/۵/۱۵	فرمانده تیپ	لشکر ۸۸
۲	سرهنگ	زرهی	بهروز فرزانه	۱۳۵۸/۲/۲۴	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۳	سرهنگ	زرهی	منصور جامی	۱۳۵۹/۳/۱۵	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۴	سرهنگ	زرهی	مسعود منفردنیایی	۱۳۵۹/۹/۱۲	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۵	سرهنگ	زرهی	غلامرضا قاسمی‌نو	۱۳۶۰/۱/۱۸	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۶	سرهنگ	زرهی	حسینعلی اتحادیه	۱۳۶۰/۸/۱۳	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۷	سرهنگ	زرهی	ایرج همتی	۱۳۶۲/۱۲/۱۲	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۸	سرهنگ	زرهی	محمدصفر زمانفر	۱۳۶۴/۱۱/۱۵	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۹	سرهنگ	زرهی	محمد جابری‌پور	۱۳۶۶/۴/۴	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۰	سرتیپ ۲	ستاد	حسین شمس‌نیا	۱۳۶۷/۱/۲۷	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۱	سرتیپ ۲	ستاد	شاپور شجاع	۱۳۶۷/۷/۱۲	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۲	سرتیپ ۲	ستاد	احمد فتحی‌پور	۱۳۷۰/۳/۲	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۳	سرتیپ ۲	ستاد	جلیل نیازی	۱۳۷۱/۸/۲۵	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۴	سرتیپ ۲	ستاد	محمدعلی مرادی	۱۳۷۴/۱/۲۴	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۵	سرتیپ ۲	ستاد	بهروز بیرانوند	۱۳۷۹/۴/۲۰	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۶	سرتیپ ۲	ستاد	مسعود حسینی	۱۳۸۲/۹/۱۹	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۷	سرتیپ ۲	ستاد	غلامعلی غلامعلیان	۱۳۸۵/۳/۲۷	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۸	سرتیپ ۲	ستاد	محمد حقیقت‌فرد	۱۳۸۷/۸/۱	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸
۱۹	سرتیپ ۲	ستاد	حمیدرضا هوشمند اسدی	۱۳۹۱/۸/۷	فرمانده لشکر	لشکر ۸۸

فصل دوم

تاریخچه و نقش تیپ ۱ زرهی زاهدان در دوران دفاع مقدس

(تیپ ۱۸۸ مستقل شهید سرلشکر یعقوب احمدیگی)

سال ۱۳۵۸ پس از ارتقاء تیپ ۸۸ مستقل به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان، تیپ ۱ زرهی همزمان در شهرستان زاهدان به استعداد دو گردان (گردان ۲۵۵ تانک و گردان ۱۹۶ مکانیزه و گروهان قرارگاه تیپ) به فرماندهی سرهنگ ستاد نیک‌روش، تشکیل و فعالیت خود را آغاز و آماده اجرای مأموریت گردید. پس از شروع جنگ تحمیلی، کارکنانی از یگان‌های تابعه تیپ به صورت داوطلب و عدم ابلاغ امریه کتبی با درخواست شخصی خویش به عنوان خدمه ویژه بعضی از سلاح‌ها و ادوات، همانند راننده، توپچی، فرمانده تانک، خدمه موشک تاو، خدمه‌های توپ ضدهوایی، خدمه‌های توپخانه صحرایی، تخریبچی و...، راهی مناطق عملیاتی شده و بخصوص به جنوب به تیپ ۳۷ زرهی شیراز و لشکر ۹۲ زرهی اهواز خود را معرفی کرده و بلافاصله پس از سازماندهی، مشغول دفاع از کیان ایران اسلامی شدند.

زمستان ۱۳۶۰ برابر امریه کتبی واصله به لشکر، یگان‌هایی تحت عنوان گروه رزمی سلمان، که شرح آن در نقش لشکر ۸۸ زرهی قبلاً بیان شد، سریعاً به مناطق عملیاتی اعزام شدند. اولین یگان سازمانی تحت عنوان گروه رزمی سلمان فارسی ۱، متشکل از: گردان ۱۹۷ مکانیزه، یک گروهان تانک از گردان ۲۵۵ و یک آتشبار توپخانه صحرایی از گردان ۳۰۰ توپخانه به چزابه و رقابیه اعزام گردید و پس از معرفی به لشکر ۹۲ زرهی اهواز، تحت کنترل عملیاتی تیپ ۵۵ هوارد شیراز قرار گرفت و در عملیات غرورآفرین فتح‌المبین شرکت نمود و از خود رشادت‌ها و جانفشانی‌های فراوانی به یادگار گذاشت. در این عملیات، برای اولین بار در تاریخ جنگ ایران و عراق و حتی جنگ‌های دنیا، سروان شریفی (مرحوم امیر سرتیپ محمدابراهیم شریفی، جانشین اسبق لشکر ۸۸ زرهی زاهدان) با تدبیری موفق، به اسارت تعداد زیادی از نیروهای عراق جهت اخذ و کسب اطلاعات از نحوه استقرار نیروهای عراقی با تجهیزات و سلاح و مهمات گردید.

در شب عملیات، یک عراده توپخانه صحرایی را به خط مقدم منتقل و با هماهنگی سلسله مراتب فرماندهی، مبادرت به تیراندازی نموده که بلافاصله عراقی‌ها فوج خود را تسلیم کردند. هنگامی که از آنان از اخبار و اطلاعات نیروهای انسانی و تجهیزاتی‌شان سوال می‌شد، اظهار داشتند که تصور ما این بود وقتی توپخانه شما در خط مقدم تیراندازی می‌کند، به این معنی است که پیاده نظام شما حداقل ۱۵-۱۰ کیلومتر جلوتر بوده و ما در محاصره هستیم؛ لذا مصلحت را بر آن دیدیم که خود را معرفی کرده و اسیر شویم.

در این عملیات، گروه رزمی تیپ ۱ زاهدان به خوبی در ساعات اولیه، اهداف واگذاری را تصرف و اشغال نمود و موفق شد بیش از ۳۰۰ تن از نیروهای ارتش عراق را اسیر نماید. مجدداً به منظور شرکت در عملیات رمضان در منطقه عمومی کوشک و جفیر، گروه رزمی سلمان فارسی ۲ شامل: گردان ۱۹۶ مکانیزه، یک آتشبار توپخانه صحرائی، یک آتشبار پدافند هوایی و یک گروهان تانک زیر امر تیپ ۴۰ پیاده سراب شرکت نمود. این یگان در منطقه حوزه مسئولیت خود، رشادت و شجاعت بی نظیری از خود نشان داد و بعد از اتمام مأموریت در سال ۱۳۶۱، به منطقه غرب (میمک) ارتفاعات شهدا، اسحاق، فیض و تپه ۴۷ برای دفاع از خطوط صفر مرزی عزیزت نمود. ابلاغ اجرای چندین تک محدود رزمی از رده بالاتر (تیپ ۴۰ سراب) باعث شد تا ضربات سنگینی به ارتش عراق در این منطقه وارد گردد و برگ زرینی در کارنامه درخشان تیپ ثبت و ضبط شود. پس از پنج ماه استقرار در این منطقه، مجدداً اواسط سال ۱۳۶۲، این یگان به تیپ سازمانی در زاهدان ملحق گردید و بلافاصله پس از بازسازی و تجدید سازمان در قالب تیپ سازمانی، در پاییز همان سال به منطقه شمال غرب (مریوان) عزیزت نمود. تعدادی از یگان‌های تیپ، از جمله گردان ۲۵۵ تانک در عملیات غرور آفرین والفجر ۴ شرکت کرده و با توجه به تعداد محدود تانک حاضر بکار مقابل ۱۱۴ دستگاه تانک پیشرفته عراقی در این عملیات شرکت نموده و باعث انهدام و به غنیمت گرفته شدن تعداد زیادی ادوات زرهی دشمن و نیز اسارت تعدادی از نیروهای ارتش عراق گردید.

در خاتمه، پس از اجرای موفقیت آمیز عملیات والفجر ۴، اقدام به پدافند کرده و به صورت یک تیپ کامل سازمانی از سال ۱۳۶۲ تا پاییز ۱۳۶۴، پدافند از ارتفاعات لری، کانی مانگا، شیخ گزنشین و قسمتی از شهر آزادشده پنجوبین عراق را به عهده داشت. طی بیش از دو سال استقرار در این منطقه، در چندین عملیات تک محدود و گشتی رزمی، از جمله ظفر ۶ و ۸ شرکت نمود. در ضمن، طی دو سال استقرار در مقابل نیروهای ارتش عراق با گروه‌های معاند ضدانقلاب، از جمله کومله و دمکرات نیز مبارزه و ضربات محکمی به آنان وارد کرد. اواخر پاییز ۱۳۶۴ به تیپ ابلاغ شد که سریعاً به غرب کشور عزیزت نموده و به نیروهای لشکر در منطقه سومار ملحق گردد. مقدمات عزیزت و جابه‌جایی صورت گرفت. دشت دیره در غرب کشور حوالی گیلانغرب مقصد تیپ و ملحق شدن به سایر عده‌های لشکر بود و این مهم صورت گرفت. در منطقه پراکندگی دشت دیره، با اطلاع ستون پنجم، هواپیماهای ارتش عراق در چندین مرحله اقدام به بمباران نیروهای لشکر کردند. بلافاصله به تیپ ابلاغ شد که خطوط پدافندی

قصر شیرین، خسروی و گیلانغرب را اشغال کند، که این کار در مدت زمان بسیار اندکی پس از شناسایی فرماندهان صورت گرفت. مأموریت تیپ حدود یک سال طول کشید و در عملیات‌های تک محدود زیادی شرکت نمود و ضربات سختی نیز به دشمن وارد گردید.

پس از اتمام این مأموریت، اوایل سال ۱۳۶۵، تیپ ۱ زرهی زاهدان به منطقه عمومی نفت‌شهر و سومار عزیمت نمود و به سایر یگان‌های تابعه لشکر ۸۸ زرهی پیوست که از مدتی قبل در این منطقه مستقر شده بودند. جبهه میانی غرب کشور (میمک، سومار، نفت‌شهر و...) مناطق بسیار حساس همانند طلائی، فکه، شلمچه در جنوب کشور می‌باشد. حوزه استحفاظی و دفاع از سومار و نفت‌شهر به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان واگذار گردید. اکثر کارکنان پایور این لشکر، اعم از افسر، درجه‌دار و تعداد زیادی از کارکنان وظیفه بومی استان سیستان و بلوچستان بودند. جبهه میانی (سومار و نفت‌شهر) به جهت یک سری ارتفاعات مهم، همانند سلمان کشته، کهنه ریگ (۴۰۲) و گیسکه شرایط ویژه‌ای دارد. نگهداری این ارتفاعات که به نوعی خطوط صفر مرزی بین دو کشور محسوب می‌گردند، بسیار مشکل است و از طرفی، مزیت و برتری برای کشور دارای توان نظامی بالاتر را دارد. لشکر ۸۸ زرهی زاهدان که به لشکر دفع تک‌های ارتش عراق در دوران دفاع مقدس معروف می‌باشد، برای حفظ و نگهداری ارتفاعات مذکور، مخصوصاً ارتفاع حساس ۴۰۲، معروف به نگین منطقه، ده‌ها تک دشمن را دفع نمود و بارها دشمن نادم و پشیمان مجبور به عقب‌نشینی گردید. دشمن به منظور تقلیل توان رزمی یگان‌های تابعه لشکر، چندین مرحله اقدام و مبادرت به پخش و استفاده از عوامل شیمیایی نمود، که معروف‌ترین آن در ۱۰ دی ۱۳۶۵ و ۱۶ مهر ۱۳۶۶ بود. حتی در یک مرحله، به منظور بالا بردن روحیه ارتش عراق، صدام معدوم به همراه دخترش در قرارگاه تاکتیکی جبهه میانی (شهر مندلی) تعداد ۴۰۲ سوئیچ بنز سواری پیشرفته آلمانی را در ۲۶ تیر ۱۳۶۶ به منظور تصرف ارتفاع کلیدی ۴۰۲ و تسلط بر شهر سومار به عنوان هدیه تعیین نمود و دخترش برای ارتشیان سخنرانی کرده و قول داد هر فرد نظامی موفق به استقرار روی ارتفاع ۴۰۲ گردد، هدیه‌اش را از همین منطقه تحویل گرفته و همراه خود ببرد. یگان‌های لشکر، از جمله تیپ ۱ زاهدان چنان درس عبرتی به ارتش بعث دادند که برای همیشه در تاریخ ثبت و ضبط گردید و صدامیان با خواری و ذلت مجبور به عقب‌نشینی گردیدند.

مأموریت تیپ ۱ زرهی زاهدان در منطقه عمومی سومار و نفت‌شهر همچنان در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ ادامه داشت. در سال ۱۳۶۵، به منظور پشتیبانی عملیاتی در جنوب

کشور، مقرر گردید عملیاتی در غرب کشور جهت درگیر شدن نیروهای ارتش عراق و عدم جابه‌جایی به جنوب صورت گیرد. یگان‌های لشکر ۸۸، از جمله تیپ ۱ زرهی می‌بایست در این عملیات شرکت می‌کرد. این عملیات به نام عملیات کربلا ۵ جهت پشتیبانی از عملیات کربلا ۴ در شلمچه آماده اجرا بود. شب عملیات با توجه به اینکه تمامی نیروهای شرکت‌کننده در موضع تک^۱ بودند و قرار بود دقایقی دیگر عملیات شروع شود، به یکباره دستور عدم اجرای عملیات و عقب‌نشینی به مواضع پدافندی و پراکندگی ابلاغ گردید. شرایط بسیار بدی بود و اعتراضات کارکنان فایده‌ای نداشت.

پس از چند ماه، طی نامه‌ای خیلی محرمانه به فرماندهان ابلاغ شد که علت عدم اجرای عملیات، شکست نیروهای عمل‌کننده در جنوب و در کربلا ۴ و شلمچه بوده است. چند روزی گذشت که مجدداً دستور اجرای عملیاتی به نام کربلا ۶ در منطقه عمومی نفت‌شهر و سومار به یگان‌ها ابلاغ گردید. عدم اجرای عملیات قبلی باعث لو رفتن عملیات و از طرفی، هوشیاری نیروهای عراقی در منطقه سومار و نفت‌شهر شده بود. به طوری که ارتش عراق به صورت ۱۰۰٪ از شروع عملیات مطلع شده و تمام پیش‌بینی‌های لازم از طرف نیروهای دشمن صورت گرفته بود. در ۱۹ دی ۱۳۶۵، عملیات کربلا ۵ در جنوب و شلمچه شروع شد و به منظور پشتیبانی از این عملیات، در ۲۳ دی ۱۳۶۵ و در شب چهاردهم ماه، که آن شب همانند روز روش بود و عراقی‌ها برای اجرای عملیات از طرف نیروهای ایرانی لحظه‌شماری می‌کردند، در غرب آغاز شد. شرایط بسیار نامناسب و نامتعارف بود و از طرفی، این عملیات الزاماً می‌بایست صورت می‌گرفت. علیرغم آمادگی ۱۰۰٪ نیروهای عراقی، نیروهای لشکر ۸۸ اولین یگان‌هایی بودند که اهداف محوله را تصرف کرده، ولی پس از ۴۸ ساعت، ارتش عراق با نیروهای کماندویی حملات تانک را شروع کرده و تعدادی از نیروهای عمل‌کننده به علت استقامت و پایداری در محاصره قرار گرفتند. در اواخر جنگ، بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ از سوی ایران، عراق که دنبال فرصت و بهانه‌ای بود، مجدداً در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ با هجوم سراسری در جبهه میانی (غرب) پیشروی کرد، که با رشادت و ایستادگی کارکنان لشکر ۸۸، بخصوص تیپ‌های ۱ زاهدان، ۲ خاش، ۳ ایرانشهر و گردان‌های مستقل بویژه گردان ۲۱۲ سوارزرهی زابل مواجه شد. عراق در اکثر خطوط مرزی غرب (میانی)، در همان ساعات اولیه به اهداف خود

۱. آخرین موضع پوشیده و مخفی نزدیک خط عزیمت که توسط یگان قبل از عبور از خط عزیمت به منظور آخرنی هماهنگی اشغال می‌گردد را موضع تک گویند.

رسیده بود، بجز خطوط پدافندی لشکر ۸۸ زرهی زاهدان (نفت شهر و سومار)، که با تلفات و اسارت تا غروب همان روز نتوانست به اهدافش برسد. گرچه در بعضی از خطوط تا اندازه‌ای پیشروی داشت، اما پس از ۴۸ ساعت، مجبور به عقب‌نشینی گردید و به خطوط پدافند اولیه رجعت نمود. فرماندهی صحیح و دقیق تیپ ۱ زرهی زاهدان (سرهنگ ستاد شاپور شجاع) و رشادت و ایثارگری و جانفشانی فرماندهان گردان، گروهان، دسته و بویژه کارکنان وظیفه، باعث شد تا اکثر نیروهای تیپ ۲ و ۳ که در محاصره بودند، نجات یابند. ارتش عراق پس از شکست دوباره خود، این بار به فکر استفاده از نیروهای نفاق افتاد. بلافاصله بیش از پنج هزار نیروی منافقین که از قبل آموزش و سازماندهی شده بودند، از منطقه غرب (سرپل ذهاب - کرند) وارد اسلام‌آباد شده و سپس پیشروی خود را به سمت کرمانشاه شروع کردند. این عملیات، که با حمایت و پشتیبانی ارتش عراق از طریق زمین، هوا و... صورت گرفت، در ۵ مرداد ۱۳۶۷ آغاز گردید. نیروهای لشکر ۸۸ و در رأس آن تیپ ۱ زرهی زاهدان با تعدادی نیرو از گردان ۷۳۸ تکاور و بعضی از خدمه‌های توپخانه لشکر موفق شدند جلو پیشروی منافقین را به سمت پادگان سلمان فارسی و ایوان غرب مسدود نمایند. تعداد زیادی از منافقین کشته و مجروح شده و تعدادی به اسارت درآمدند، که با استقامت و پایداری نیروهای مردمی و سپاه و در رأس آن هوانیروز غیور، به فرماندهی سرتیپ علی صیادشیرازی (شهید سپهبد قهرمان صیادشیرازی) و نیروی هوایی ارتش و تیپ ۱ زرهی زاهدان و تعدادی از یگان‌های لشکر ۸۱ کرمانشاه، با تلفات زیادی مجبور به عقب‌نشینی و فرار به داخل خاک عراق گردیدند و بدین ترتیب، جنگ هشت‌ساله به اتمام رسید.

مأموریت تیپ ۱ زاهدان به همراه سایر یگان‌های لشکر در منطقه عمومی سومار و نفت شهر تا ۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ ادامه داشت و سپس به منطقه جنوب (شوش) جابه‌جا گردید و پس از چندین ماه اجرای مأموریت در این منطقه، در ۲۶ آبان ۱۳۷۲ به منطقه سرزمینی خود، زاهدان رجعت نمود. در راستای اجرای طرح ساختار تحول نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (ثامن‌الائمه) در ۱ اسفند ۱۳۹۱، تیپ ۱ زرهی زاهدان به نام تیپ ۱۸۸ زرهی سرلشکر شهید یعقوب احمدبیگی مستقل و به وظایف و مأموریت‌های محوله مشغول انجام وظیفه می‌باشد.

عملیات‌های تیپ ۱ زرهی زاهدان (تیپ ۱۸۸ مستقل) در دوران دفاع مقدس

عملیات‌هایی که این تیپ در دوران دفاع مقدس به طور فعال در آن شرکت داشته است، به شرح زیر است:

۱. عملیات رمضان در منطقه عمومی کوشک و جفیر در ۲۲ تیر ۱۳۶۱.
۲. عملیات والفجر ۴ در منطقه عمومی مریوان - پنجوین عراق در ۲۷ مهر ۱۳۶۲.
۳. عملیات ظفر ۶ در ۱۵ آبان ۱۳۶۴، توسط تیپ ۱ زرهی زاهدان با محوریت گردان ۱۵۶ و ۱۹۶ در منطقه عمومی مریوان (بانی بنوک و دره میانه).
۴. عملیات ظفر ۶ در ۱۶ آبان ۱۳۶۴، توسط تیپ ۱ زرهی زاهدان با محوریت گردان ۱۹۶ در منطقه عمومی مریوان (روکان).
۵. عملیات ظفر ۶ در ۴ آبان ۱۳۶۴، توسط تیپ ۱ زرهی زاهدان با محوریت گردان ۱۹۶ در منطقه عمومی مریوان (کانی شایان).
۶. عملیات ظفر ۶ در ۲ آبان ۱۳۶۴، توسط تیپ ۱ زرهی زاهدان با محوریت گردان ۱۵۶ در منطقه عمومی مریوان (روکان).
۷. عملیات ظفر ۶ در ۶ شهریور ۱۳۶۴، توسط تیپ ۱ زرهی زاهدان با محوریت گردان ۱۵۷ در منطقه عمومی مریوان (چوارتا).
۸. عملیات ظفر ۶ در ۲۵ تیر ۱۳۶۴، توسط تیپ ۱ زرهی زاهدان با محوریت گردان ۱۹۶ در منطقه عمومی مریوان (دره میانه).
۹. عملیات‌های متعدد دفع تک‌های دشمن در ارتفاع حساس و کلیدی ۴۰۲ در منطقه سومار.
۱۰. عملیات‌های ظفر ۲ و ۳ در ۱۵ آبان ۱۳۶۴، در منطقه عمومی مریوان.
۱۱. عملیات ظفر در ۸ مهر ۱۳۶۴، در منطقه عمومی مریوان (پنجوین عراق)، ارتفاعات لری و کانی مانگا.
۱۲. عملیات‌های متعدد پدافندی در منطقه عمومی نفت‌شهر و سومار.
۱۳. عملیات آفندی کربلا ۶ در منطقه عمومی نفت‌شهر و سومار.
۱۴. دفع تک‌های بزرگ عراق در ۲۶ تیر ۱۳۶۶ و ۲ خرداد ۱۳۶۷ در منطقه سومار.
۱۵. دفع تک سراسری ۳۱ تیر ۱۳۶۷ عراق در منطقه نفت‌شهر و سومار.
۱۶. شرکت فعال در عملیات مرصاد از ۵ مرداد ۱۳۶۷ تا پایان عملیات در اسلام‌آباد غرب.

اسامی فرماندهان تیپ ۱۸۸ زرهی زاهدان از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	بسمت	یگان
۱	سرهنگ	عباس نیک‌روش	۵۸/۲	۱۶ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۲	سرهنگ	شمس گیلانی	۵۹/۵	۸ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۳	سرهنگ	عباس جمشیدی	۵۹/۱۲	۲۸ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۴	سرهنگ	ابراهیم زندی‌نیا	۶۱/۴	۶۷ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۵	سرهنگ	شاپور شجاع	۶۶/۱۱	۱۷ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۶	سرهنگ	پرویز بنی‌عامریان	۶۸/۵	۱۵ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۷	سرهنگ	بهروز میرزائی	۶۹/۷	۱۷ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۸	سرتیپ ۲	محمد حاتمی‌فر	۷۰/۱۱	۲۷ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۹	سرهنگ	محمدصادق سجادیان	۷۳/۱	۱۶ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۰	سرهنگ	علی نظری‌فر	۷۴/۷	۵ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۱	سرهنگ	محمد باستان	۷۴/۱۲	۳۸ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۲	سرهنگ	بهرام بابائی‌پور	۷۷/۲	۳۱ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۳	سرهنگ	محمدعلی شوروشی	۷۹/۸	۵ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۴	سرهنگ	منوچهر مرادی	۸۰/۱	۴۰ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۵	سرتیپ ۲	محمدرضا سالاری	۸۳/۴	۲۷ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۶	سرهنگ	علی حاجیلو	۸۵/۶	۱۷ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۷	سرتیپ ۲	گودرز احمدوند	۸۶/۱۰	۲ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۸	سرهنگ	امید ویسی	۸۶/۱۱	۲۲ ماه	فرمانده	تیپ ۱
۱۹	سرهنگ	علی‌اکبر کماسی	۸۸/۹	۳۰ ماه	فرمانده	تیپ ۱

تاریخچه و نقش گردان ۱۹۶ پیاده مکانیزه در دوران دفاع مقدس

در اوایل سال ۱۳۵۲، به منظور تکمیل تیپ ۸۸ مستقل چابهار مستقر در زاهدان، تعدادی از پرسنل اضافه بر سازمان نیروی زمینی ارتش، از جمله یگان‌های مستقر در تهران و لویزان جمع‌آوری شده و دو گردان به نام‌های ۱۹۶ و ۱۹۷ پیاده را پایه‌گذاری نمودند. حدود دو سال طول کشید تا پرسنل کادر یگان تأمین گردید. در سال ۱۳۵۴، به فرماندهی سرگرد زفاری با حدود ۷۰٪ پرسنل سازمانی و ۳۰٪ تجهیزات از تهران عازم پادگان تیپ ۸۴ خرم‌آباد گردید،

که در آن زمان در مأموریت برون مرزی بود. در خرم‌آباد، حدود یک سال توقف داشت که ضمن حفاظت از پادگان تیپ ۸۴ پیاده، تعدادی از پرسنل گردان جابه‌جا و کسری سازمان نیز هم از نظر تجهیزات و هم از نظر پرسنلی تأمین گردید. در نیمه مرداد ۱۳۵۵، با هواپیمای سی ۱۳۰ به یگان سازمانی خود، تیپ ۸۸ در زاهدان جابه‌جا گردید و تا سال ۱۳۵۸، که تیپ به لشکر ۸۸ زرهی ارتقاء یافت، در زاهدان مستقر بود، که تجهیزات گردان به عنوان گردان پیاده مکانیزه به سقف سازمانی رسید. گردان ۱۹۶ در سال ۱۳۵۸ با تشکیل تیپ ۱ زرهی زاهدان جزء سازمانی این تیپ قرار گرفت. با آغاز جنگ تحمیلی، در قالب گروه رزمی سلمان فارسی ۲ به منظور شرکت در عملیات رمضان به فرماندهی سرگرد سهراب صدری که فردی مدیر و مدبر و فعال بود، عازم منطقه جنوب (کوشک) گردید. پس از پایان مأموریت، به زاهدان مراجعه نمود و در اواخر سال ۱۳۶۱، به منظور نبرد با ارتش بعث عراق، به عنوان گروه رزمی سلمان فارسی ۳ عازم منطقه غرب (میمک) شد. شرایط منطقه عملیاتی میمک در غرب کشور همانند منطقه شلمچه و طلائی در جنوب کشور می‌باشد. منطقه‌ای بسیار حساس و کلیدی که هرکدام از دو کشور درگیر جنگ بتواند این ارتفاعات را تصرف کرده و در اختیار داشته باشند، نسبت به دیگری برتری و مزیت بسیار بالایی دارد. گردان ۱۹۶ مکانیزه طی یک دوره شش ماهه در این منطقه، در چند عملیات تک محدود شرکت نمود و ضمن پدافند در مقابل ارتش عراق، ضربات بسیار سخت و زیانباری به آنان وارد نمود. برای بازسازی و آموزش، مدت بسیار کوتاهی به زاهدان رجعت نمود و بلافاصله در ۱۵ بهمن ۱۳۶۲ بعد از بازسازی و تجدید قوا به منطقه شمال غرب مریوان (پنجوین عراق) به عنوان یگان پدافندکننده همراه با اجرای مأموریت‌های محدود آفندی عزیمت نمود. طی بیش از دو سال مأموریت در منطقه مریوان (پنجوین عراق) در مصاف با متجاوزین ارتفاعات حساس لری، کانی مانگا، شیخ گزنشین و قسمتی از شهر آزادشده پنجوین عراق، با گروه‌های معاند ضدانقلاب (کومله و دمکرات) نیز برای آرامش و آسایش هموطنان مبارزه کرد. در چندین عملیات مهم تک محدود آفندی شرکت داشته که شرح آن در قالب تیپ ۱ زرهی زاهدان عنوان گردید و ضربات بسیار سخت و بالایی به ارتش عراق وارد نمود. نیروهای ارتش عراق در طی هشت سال جنگ تحمیلی، از لشکر ۸۸ بخصوص گردان ۱۹۶ مکانیزه همیشه ترس و وحشت داشتند.

در ۲۴ دی ۱۳۶۴، به غرب کشور و منطقه پدافندی قصرشیرین، خسروی و گیلانغرب جابه‌جا گردید و مدت پنج ماه مشغول دفاع و پدافند بوده و چندین عملیات تک محدود نیز

انجام داد. اوایل سال ۱۳۶۵ به منطقه تجمع یگان‌های لشکر مستقر در نفت‌شهر و سومار عزیمت نمود. شرایط خاص ارتفاعات کهنه‌ریگ، مخصوصاً ارتفاع ۴۰۲ معروف به نگین منطقه برای هر کشوری که آن را در اختیار داشته باشد، یک مزیت و برتری محسوب می‌شود. منطقه سومار دقیقاً همانند طلائی، فکه، جزابه، شلمچه و... در جنوب شرایط ویژه‌ای دارد. به لحاظ حفظ و نگهداری این کلید منطقه، مأموریت به لشکر غیور ۸۸ زرهی زاهدان با یگان‌های تابعه واگذار گردید. طی چند سال باقیمانده جنگ و حتی دو سال بعد از آن، گردان ۱۹۶ مکانیزه با سایر یگان‌های همجوار رشادت، جانفشانی، ایثار و شهادت و شهادت مردانی را در کارنامه خویش ثبت نمود که برگ زرین بزرگی برای اوست. در مدت حدود چهار سال استقرار در سومار، ضمن پدافند فعال از منطقه واگذاری، در چندین عملیات تک محدود بزرگ، عملیات کربلا ۶، دفع تک معروف عراق در ۲۶ تیر ۱۳۶۶ و ۲ خرداد ۱۳۶۷، به مدت پنج شبانه‌روز پایداری و استقامت کرده و ضمن شکست نیروهای عراقی، تعداد ۱۹ نفر به اسارت گرفته شدند و نیروهای عراقی برای همیشه مأیوس شده و با ذلت و خواری عقب‌نشینی نمودند و لقب ناجی ارتفاع ۴۰۲ به این گردان داده شد.

این گردان در عملیات سراسری ۳۱ تیر ۱۳۶۷، عملیات مرصاد و ده‌ها عملیات آفندی و پدافندی دیگر نیز حضور فعال و سرنوشت‌سازی داشته است. مأموریت گردان به همراه سایر یگان‌های تابعه لشکر تا پایان جنگ و سپس به دلیل نیاز تأمین مرز و برقراری امنیت تا فروردین ۱۳۶۹ ادامه داشته و سپس به منطقه جنوب (شوش، موسیان) جابه‌جا گردید و در خاتمه، در ۲۵ آبان ۱۳۷۲ به منطقه سرزمینی خود، زاهدان، رجعت نمود.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۹۶ پیاده مکانیزه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سرگرد	زهرة کرمانی	۵۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۲	سرگرد	نیکو	۵۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۳	سرگرد	محمدنبی افشین	۵۷	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۴	سرگرد	سهراب صدری	۵۸	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۵	سرگرد	عباسعلی سالاری	۶۱	۵ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۶	سرگرد	فریبرز اریخانی	۶۶	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶

۷	سرهنگ ۲	جهانگیر سروش‌نیا	۶۸	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۸	سرهنگ ۲	غلامرضا ریگی‌نژاد	۷۱	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۹	سروان	خلیل‌الله اربابی‌فر	۷۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۱۰	سروان	محمد حسنی	۷۶	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۱۱	سرهنگ ۲	رضا آذریان	۷۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۱۲	سرهنگ ۲	مجید زارع	۸۰	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۱۳	سرهنگ ۲	محمد دامادی	۸۳	۵ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۱۴	سرهنگ ۲	علیرضا درگی	۸۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶
۱۵	سرگرد	فرشید فیروزی	۹۰/۲ - ۹۰/۱۱	۱۰ ماه	فرمانده	گردان ۱۹۶
۱۶	سرگرد	حسین‌علی آذین	۹۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۹۶

تاریخچه و نقش گردان ۲۵۵ تانک در دوران دفاع مقدس

در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲، چهار گردان تانک سری ام ۶۰ در لشکر ۹۲ زرهی اهواز، که در هفتگله مستقر بودند، تشکیل و سازماندهی شدند. در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴، دو گردان جهت تیپ ۸۸ مستقل چابهار به نام گردان‌های ۲۵۵ و ۲۳۱ تانک مشخص گردید و دو گردان دیگر، یعنی گردان‌های ۲۱۷ و ۲۱۵ به لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه اختصاص یافتند. گردان ۲۵۵ تانک ام ۶۰ در تیر ۱۳۵۸، به فرماندهی سرگرد رساپور از هفتگله عازم زاهدان گردید و به یگان سازمانی خود ملحق شد. پس از ورود به زاهدان، سرگرد صمیمی، فرماندهی این یگان را بر عهده گرفت، که در حین شناسایی اطراف زابل و نوار صفر مرزی در اثر سقوط بالگرد حامل وی و سرگرد محمد شهرکی رئیس رکن دوم لشکر، به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. نامبردگان افسرانی بسیار جسور، متعهد، دلسوز و زحمتکش بودند. این گردان بعد از تشکیل تیپ ۱ زرهی زاهدان در همان سال، جزء گردان‌های سازمانی این تیپ قرار گرفت و در ۲۰ اسفند ۱۳۵۹، سرگرد لشکری‌زاده که از دلسوزترین و فعال‌ترین افسران تیپ ۱ بود، فرماندهی این گردان را پذیرفت و نسبت به آموزش و سازماندهی آن اهتمام ورزید تا عازم منطقه عملیاتی گردد و با تلاش و پیگیری مستمر و شبانه‌روزی یگان برای رفتن به منطقه آماده گردید. جابه‌جایی ادوات زرهی و مخصوصاً تانک‌ها از مسیر طولانی، کاری بسیار دشوار و زمان‌بر است و نیاز به تأمین، اسکورت، خودرو حمل (تیتان) و هماهنگی با راهنمایی و رانندگی می‌باشد، مخصوصاً اینکه این ادوات می‌بایست از

زاهدان به جنوب، غرب و شمال غرب مسیری طولانی را طی نماید. کارکنان متخصص به همراه ادوات زرهی و تانک‌ها اعلام آمادگی نموده و برای اولین بار در اواخر سال ۱۳۶۰، به منظور شرکت در عملیات فتح‌المبین، یک گروهان تقویت‌شده به سرپرستی ستوان شهید حسین خزایی در قالب گروه رزمی سلمان فارسی به منطقه جنوب عزم نمود. کارکنان شرکت‌کننده در این عملیات غرورآفرین، رشادت و ایثارگری فراوانی از خود نشان دادند، که بی‌نظیر بود. تعدادی از تانک‌های گردان مجدداً در عملیات رمضان شرکت نمودند و حضور فعالی داشتند. پس از خاتمه عملیات، به زاهدان رجعت و بعد از بازسازی و آموزش‌های لازم، در ۲۷ مهر ۱۳۶۲، به منظور شرکت در عملیات والفجر ۴ به منطقه مریوان عزیمت نمود و به همراه سایر یگان‌ها، افتخارات دیگری در کارنامه خود ثبت و ضبط نمود.

هدف ابلاغی با تعداد اندک و معدودی تانک مقابل ۱۱۴ دستگاه تانک عراق غیرقابل تصور است، زیرا یگان حمله‌کننده بایستی سه برابر (یعنی ۳۵۰ دستگاه) تانک داشته باشد، تا بتواند دشمن را منهدم و اهدافش را تصرف و تأمین نماید. غیورمردان گردان ۲۵۵ تانک توانستند در همان ساعات اولیه چنان ضربتی به دشمن وارد آورند، که توصیف‌ناپذیر و باورنکردنی بود. در این عملیات غرورآفرین، که در ۲۷ مهر ۱۳۶۲ آغاز گردید، شهر کردنشین پنجوبین عراق آزاد گردید و سپس اقدام به پدافند و حفظ مناطق تصرف‌شده نمودند. مأموریت گردان همچنان در منطقه ادامه داشت. سایر یگان‌های لشکر، از جمله یگان‌های تیپ ۱ زاهدان نیز به منطقه مریوان اعزام شده و این مأموریت تا پایان پاییز سال ۱۳۶۴ ادامه داشت. اواخر سال ۱۳۶۴ گردان به همراه تیپ به منطقه غرب (دشت دیره) و بعد از پنج ماه، مجدداً به یگان مادر در منطقه نفت‌شهر و سومار جابه‌جا گردید.

در این منطقه، طی چند سال دفاع جانانه در چندین عملیات تک محدود، پدافند، دفع تک‌های دشمن، عملیات کربلا ۶، عملیات سراسری عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷، عملیات مرصاد و... شرکت نمود. حتی در بعضی شرایط، به عنوان یگان پیاده نظام، برخلاف مأموریت ذاتی خویش که بسیار آسیب‌پذیر می‌باشد، در خطوط مقدم منطقه از کیان ایران اسلامی دفاع نمود. گردان ۲۵۵ تانک در سرکوب تک‌های دشمن در ۲۶ تیر ۱۳۶۶ و ۲ خرداد ۱۳۶۷ نقش بسزایی ایفا نمود. مأموریت حراست از منطقه سومار تا فروردین ۱۳۶۹ ادامه داشت و سپس به منطقه جنوب (شوش و موسیان) نقل مکان نمود و مدت سه سال نیز در این منطقه مسئولیت حفظ مرزها را بر عهده داشت، تا اینکه در ۲۵ آبان ۱۳۷۲ به منطقه سرزمینی زاهدان رجعت نمود.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۲۵۵ نانک از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سروان	عباس نیک‌منش	۵۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۲	سرهنگ ۲	حسین لنگری‌زاده	۶۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۳	سرگرد	ابراهیم شیخ	۶۱	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۴	سرگرد	پرویز طهماسبی	۶۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۵	سروان	حسین خزایی	۶۵	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۶	سرگرد	محمدعلی مرادی	۶۶	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۷	سرگرد	محمدحسین علیزاده	۶۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۸	سرهنگ ۲	محمد خمر	۷۰	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۹	سروان	غلامحسین علیدادی	۷۲	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۱۰	سرگرد	محسن رنجبران سفیدان	۷۳	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۱۱	سرهنگ ۲	غلامحسین بختیاری	۷۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۱۲	سرهنگ ۲	ابوالفضل سلحشور	۷۷	۵ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۱۳	سرگرد	علی امین‌نثار	۸۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۱۴	سرهنگ ۲	جواد ملائی	۸۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۱۵	سرگرد	محمود بیگ‌وردی	۸۵	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۱۶	سرهنگ ۲	ایرج دبیرنظامی	۸۶	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵
۱۷	سرهنگ ۲	حسین یوسفی	۸۹	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۵۵

تاریخچه و نقش گردان ۷۶۳ پیاده در دوران دفاع مقدس

در سال ۱۳۶۲، گردان‌های پیاده قدس، طرح و یادگار شهید سپهبد علی صیادشیرازی در سطح نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، از افراد داوطلب شهادت، کارکنان پایور (افسر، درجه‌دار) و پایه‌های مختلف خدمتی کارکنان وظیفه تأسیس گردید. در سطح لشکر ۸۸ زرهی زاهدان، تعداد چهار گردان لشکر از پرسنل کادر داوطلب و وظیفه در سال ۱۳۶۲ در زاهدان تشکیل گردید و بلافاصله به منطقه شمال غرب (مریوان) عزیمت نمود.

فرماندهی روزهای نخست این گردان را سروان پرویز طهماسبی به عهده داشت که چند سالی را از کیان ایران اسلامی مقابل گروه‌های معاند کومله و دمکرات به صورت پایگاهی مشغول انجام وظیفه بود و در سال ۱۳۶۵، به نام گردان ۷۶۳ پیاده تغییر نام داد و به جمع یگان‌های لشکر مستقر در منطقه سومار و نفت‌شهر پیوست و جزء سازمان اصلی تیپ ۱ زرهی زاهدان مشغول دفاع و نبرد با ارتشیان صدام گردید.

طی چهار سال خدمت در این منطقه، در چندین عملیات تک محدود، دفع تک‌های عراق، عملیات کربلا ۶، عملیات سراسری ۳۱ تیر ۱۳۶۷، عملیات مرصاد و خطوط پدافندی کارنامه درخشانی از خود بر جای گذاشت. گردان تازه تأسیس پیاده ۷۶۳ گرچه از جهت نیروی سازمانی و تجهیزاتی دارای نواقص بسیار زیاد و مشکلات فراوانی بود، اما روحیه دفاعی بسیار بالایی داشت. اوایل فروردین سال ۱۳۶۹ از سومار به جنوب (موسیان و شوش) جابه‌جا شد و مدتی را به عنوان حراست از خطوط مرزی مشغول انجام وظیفه بود، تا سرانجام در آبان ۱۳۷۲ به منطقه سرزمینی زاهدان رجعت نمود.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۷۶۳ پیاده از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سروان	پرویز طهماسبی	۶۲	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۲	سرگرد	سیاح‌نژاد	۶۳	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۳	سروان	مرادعلی خردمند	۶۴	۵ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۴	سرگرد	مسعود لیاقت‌پناه	۶۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۵	سرگرد	سید محمد حسینی	۷۰	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۶	سرهنگ ۲	غلامعلی شهرکی	۷۲	۳ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۷	سرگرد	ام‌الله مهدی‌فر	۷۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳

۸	سروان	علی رضازاده	۷۷	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۹	سرگرد	محمدعلی قنبرزهی	۷۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۱۰	سرهنگ ۲	علی برخورداری	۸۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۱۱	سرهنگ ۲	عباسعلی عبدالله‌زاده	۸۱	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۱۲	سرگرد	غلامرضا موسوی‌فر	۸۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۱۳	سرهنگ ۲	حسین زنگی‌آبادی	۸۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳
۱۴	سرهنگ ۲	محمودرضا شهرکی	۸۵	۵ سال	فرمانده	گردان ۷۶۳

تاریخچه و نقش گردان ۳۰۰ توپخانه ۱۵۵ م در دوران دفاع مقدس

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به دستور نیروی زمینی، از تاریخ ۱ تیر ۱۳۵۸ الی ۵ مرداد ۱۳۵۸، در گروه ۱۱ مراغه گردانی به نام ۳۸۱ توپخانه از عناصر گروه تشکیل گردید و پرسنل داوطلب آن به استعداد دو آتشبار به منطقه سیستان و بلوچستان منتقل شده و عملاً ستاد گردان و عناصر ارکان از هم پاشید، که بعداً از پرسنل رسته توپخانه موجود در یگان‌های نیروی زمینی تشکیل شده و گردان به وضعیت شناخته‌شده محل استقرار اصلی (زاهدان) در اوایل سال ۱۳۵۹ تکمیل گردید. برابر دستورالعمل نیروی زمینی ارتش، چون گردان ۳۸۱ مراغه تشکیل شده بود، این گردان به نام گردان ۳۰۰ توپخانه صحرائی نامگذاری گردید. به مرور، نسبت به کسورات پرسنلی و کمبود تجهیزات اقدام و آموزش‌های مصوبه برابر دستورالعمل‌های صادره از نیروی زمینی آغاز شد. با آغاز جنگ تحمیلی، تعدادی از کارکنان آن به صورت داوطلبانه خود را به مناطق عملیاتی معرفی نموده و برابر امریه کتبی نیروی زمینی در اواخر سال ۱۳۶۰، یک آتشبار از گردان به منظور شرکت در عملیات فتح‌المبین در قالب گروه رزمی سلمان ۱ به منطقه جنوب (رقابیه و تنگ چزابه) اعزام گردید و به فاصله هر چهار ماه آتشبار در منطقه تعویض می‌شد. در ۱۵ مهر ۱۳۶۱، همزمان با اعزام گروه رزمی سلمان ۲ به منطقه میمک در غرب کشور، عناصر این گردان نیز به منطقه تغییر مکان داده و جابه‌جا شدند. در ۲۷ مهر ۱۳۶۲، کلیه عناصر گردان از زاهدان جهت شرکت در عملیات والفجر ۴ عازم منطقه شمال غرب مریوان و در پشتیبانی عمومی تیپ ۳۰ گرگان قرار گرفت و پشتیبانی آتش از یگان‌های در خط را در اولویت قرار داد. اواخر سال ۱۳۶۴، گردان از مریوان عازم منطقه نفت‌شهر و سومار شد و پشتیبانی از تیپ ۴۰ سراب و تیپ ۳ لشکر و گمجن^۱ عشایری را بر عهده

۱. گروه مردمی جنگ‌های نامنظم عشایر در منطقه

گرفت. با ورود لشکر به منطقه سومار در سال ۱۳۶۵، گردان مأموریت کمک مستقیم تیپ ۱ زرهی زاهدان را عهده‌دار شد و در کلیه عملیات‌های انجام‌شده در منطقه سومار حضور و شرکت فعال داشته است. در فروردین ۱۳۶۹، به همراه لشکر عازم منطقه جنوب گردید. در اجرای امریه نیروی زمینی، طرح رجعت، در ۲۵ خرداد ۱۳۷۲، به منطقه سرزمینی زاهدان رجعت نمود و مستقر گردید.

گردان ۳۰۰ توپخانه در عملیات فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، والفجر ۴، کربلا ۶ و مرصاد شرکت فعال داشته است و شهدای زیادی نیز تقدیم اسلام و انقلاب نموده است.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۰۰ توپخانه ۱۵۵ م م از بدو تأسیس تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سمت	یگان
۱	سرگرد	کامیابی	۵۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۲	سروان	محمدابراهیم شریفی	۶۰	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۳	سروان	غلام محمد نخعی	۶	۸ ماه	فرمانده	گردان ۳۰۰
۴	سروان	محمد یعقوب یعقوبی	۶۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۵	سرهنگ ۲	محمد قلمکاری	۶۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۶	سرگرد	خسرو هدایتی	۶۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۷	سرگرد	احمدی	۶۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۸	سرگرد	حمید فرهنگیان	۷۰	۴ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۹	سرگرد	علی گنابادی	۷۴	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۰	سرگرد	غلامرضا پژمان	۷۷	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۱	سرگرد	حسن غازیان شهرکی	۷۸	۵ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۲	سرهنگ ۲	حسن پیروزانفر	۸۳	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۳	سرهنگ ۲	کریم حیدری	۸۶	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۴	سرهنگ ۲	جیردهی	۸۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰

فصل سوم

تاریخچه و نقش تیپ ۲ زرهی خاش در دوران دفاع مقدس

(تیپ ۲۸۸ مستقل سرتیپ شهید سلیمان هاشم‌زهی)

بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۸، به دلیل وضعیت و موقعیت خاص منطقه سیستان و بلوچستان و لزوم استقرار یک واحد منسجم در منطقه، تیپ ۸۸ مستقل با تقویت چند گردان پیاده مکانیزه و یک گردان تانک به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان ارتقاء و تغییر نام یافت. با تشکیل هسته مرکزی لشکر، ستاد و ارکان تیپ ۲ نیز به عنوان یکی از یگان‌های سازمانی لشکر، متشکل از گردان ۱۵۷ و عناصر محدودی به عنوان ستاد تیپ تشکیل شده و فعالیت خود را در منطقه سرزمینی خاش آغاز نمود. فرماندهی تیپ در بدو تشکیل بر عهده سرهنگ گیلانی بود که به محض شروع جنگ تحمیلی، پرسنل داوطلبانه و انفرادی به مناطق عملیاتی جنوب زیر امر لشکر ۹۲ زرهی اهواز و تیپ ۳۷ زرهی شیراز مشغول دفاع از کیان ایران اسلامی شدند. سپس با اخذ امریه کتبی از سلسله مراتب فرماندهی به صورت یگانی (گروه رزمی) و نهایتاً تیپ به صورت یکجا و سازمانی به مناطق عملیاتی اعزام گردید. تیپ ۲ زرهی با تشکیل گروه رزمی سلمان فارسی ۴، متشکل از یگان‌های تابعه (گردان ۱۵۷، تعدادی از عناصر گردان پدافند هوایی و توپخانه صحرایی و تانک و...) به فرماندهی سرگرد فتحی‌پور عازم مناطق عملیاتی میمک و پس از آن، به منطقه شمال غرب (مریوان، پنجوین عراق) جهت شرکت در عملیات آفندی والفجر ۴ جابه‌جا گردید و حضور فعال و مؤثری در این عملیات داشت. در خاتمه عملیات و پس از تثبیت در اواخر سال ۱۳۶۳، جهت سازماندهی، آموزش و بازسازی به خاش رجعت نمود و بلافاصله جهت شرکت در عملیات ظفر ۶ به منطقه اعزام گردید و در خاتمه، به جبهه میانی (غرب) منطقه عمومی نفت‌شهر و سومار عزیمت نمود. اکثر یگان‌های لشکر از جمله تیپ ۱، تیپ ۳، گردان مستقل مخابرات، گردان مستقل مهندسی، پشتیبانی، توپخانه لشکری و... در منطقه مستقر شده بودند. شرایط خاص و ویژه جبهه میانی، بخصوص ارتفاعات کهنه‌ریگ و در رأس آن، ارتفاع کلیدی و حساس ۴۰۲ باعث شده بود که یک یگان جسور و شجاع می‌بایست در مقابل ارتش عراق آرایش و پدافند نماید؛ لذا این مأموریت توسط نیروی زمینی ارتش به یگان‌های تابعه لشکر ۸۸ زرهی زاهدان واگذار گردید. تیپ ۲ زرهی خاش یکی از یگان‌های بسیار خوب لشکر ۸۸ و حتی نیروی زمینی ارتش می‌باشد، که مأموریت حفظ و نگهداری ارتفاعات کهنه‌ریگ و ارتفاع ۴۰۲، معروف به نگین منطقه را بر عهده داشت. ارتش عراق به منظور بازپس‌گیری این ارتفاع و تسلط بر سومار ده‌ها تک‌همانگ با آتش بسیار شدید و سنگین به همراه نیروهای زنده‌گارد ریاست جمهوری و کماندویی انجام داد، تا شاید بتواند آن را تصرف و اشغال نماید، ولی با پایداری و استقامت غیورمردان این تیپ مواجه شد و هر بار

با دادن تلفات بسیار سنگین، مجبور به عقب‌نشینی می‌شد. نمونه بارز آن عملیات و تک ۲۶ تیر ۱۳۶۶ و یا تک ۲ خرداد ۱۳۶۷ ارتش عراق بود، که شاید شدیدترین نوع عملیات عراق برای بازپس‌گیری ارتفاع کلیدی ۴۰۲ بود. تیپ ۲ زرهی به دفعات این عملیات‌ها را سرکوب نموده و دشمن نادم و پشیمان مجبور به عقب‌نشینی می‌گردید.

به منظور ارتقاء روحیه ارتش عراق، صدام معدوم به همراه دخترش در قرارگاه تاکتیکی شهر مندلی فاصله هفت کیلومتری سومار (خطوط مرزی) حاضر شده و سخنرانی کردند، تا شاید ارتش آن کشور روحیه مضاعف بگیرد و بتواند ارتفاعات کهنه‌ریگ را تصرف کرده و مجدداً سومار اشغال گردد (۲۶ تیر ۱۳۶۶). متعاقب آن، فرمانده تیپ ۲ خاش سرهنگ زرهی ستاد ناصر محمدی‌فر (امیر سرتیپ دکتر بازنشسته فعلی) ضمن هدایت و فرماندهی تیپ، شخصاً وارد خطوط درگیری شده و در کنار پرسنل به دفاع می‌پردازد.

مرحله دیگر در دوم خرداد ۱۳۶۷ بود که دشمن قصد تصرف ارتفاعات و در رأس آن ارتفاع ۴۰۲ را از طریق دره سانوپا داشت. شخص فرماندهی تیپ سرهنگ زرهی عباس نیک‌منش، یکی از افسران جسور و غیرتمند سیستانی در خط مقدم کنار سربازانش حاضر و ضمن کنترل و هدایت کارکنان تیپ در مصاف با دشمن، باعث ارتقاء روحیه مضاعف آنان گردید و در حین هدایت و فرماندهی به شدت مجروح می‌شود، ولی حاضر به تخلیه به عقب نمی‌گردد، تا اینکه بعد از ۴۸ ساعت که دشمن وادار به عقب‌نشینی شده و آنگاه مطمئن می‌شود که دشمن شکست را پذیرفته، جهت مداوا و مراحل درمان به بیمارستان اعزام می‌گردد. تیپ ۲ زرهی خاش طی سال‌های استقرار در منطقه عمومی نفت‌شهر و سومار، در عملیات‌هایی مانند کربلا ۶ شرکت فعال داشته، که در اسرع وقت، اهداف از پیش تعیین‌شده را اشغال و تصرف نمود. این عملیات که در ۲۳ دی ۱۳۶۵ به منظور حمایت و پشتیبانی از عملیات کربلا ۵ در جنوب اجرا گردید، باعث درگیری تعداد زیادی از نیروهای ارتش عراق در غرب و عدم جابه‌جایی آن به جنوب شد، که در تسهیل عملیات کربلا ۵ در منطقه شلمچه کمک زیادی کرد. شرکت در دفع تک‌های دشمن، از جمله عملیات سراسری ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و به دنبال آن عملیات مرصاد و پایداری تا آخرین دقایق و لحظه‌ها باعث شد تا هم نیروهای ارتش عراق و هم نیروهای نفاق نتوانند به اهداف شوم خود برسند. بر اساس طرح‌های ابلاغی در ۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ به منطقه جنوب (شوش، موسیان) جابه‌جا گردید و سپس در ۱ شهریور ۱۳۶۹ به منطقه سرزمینی خاش رجعت نمود و در راستای طرح ساختار تحول نیروی زمینی

در ۱۵ آبان ۱۳۹۰، تیپ ۲ خاش به تیپ مستقل ۲۸۸ شهید سرتیپ سلیمان هاشم‌زهی نامگذاری گردید و مشغول انجام وظیفه می‌باشد.

عملیات‌های تیپ ۲ زرهی خاش (تیپ ۲۸۸ مستقل) در دوران دفاع مقدس

عملیات‌هایی که این تیپ در دوران دفاع مقدس در آن شرکت فعالانه داشته، به شرح زیر می‌باشد:

۱. عملیات والفجر ۳ مورخه ۵ تیر ۱۳۶۲، در قالب گروه رزمی سلمان ۳، منطقه عمومی مهران (قلاویزان و کله‌قندی).
۲. عملیات والفجر ۴ مورخه ۲۷ مهر ۱۳۶۲، در قالب گروه رزمی سلمان ۴، منطقه عمومی مریوان (پنجوبین عراق).
۳. عملیات ظفر ۶ مورخه ۱۵ آبان ۱۳۶۴، در قالب گروه رزمی با محوریت گردان ۱۵۶، منطقه مریوان (بانی نبوک و دره میانه).
۴. عملیات ظفر ۶ مورخه ۲ آبان ۱۳۶۴، در قالب گروه رزمی با محوریت گردان ۱۵۶، منطقه عمومی مریوان (روکان).
۵. عملیات ظفر ۶ مورخه ۶ اردیبهشت ۱۳۶۴، در قالب گروه رزمی با محوریت گردان ۱۵۷، منطقه عمومی مریوان (چوارتا).
۶. عملیات ظفر ۸ مورخه ۳ مهر ۱۳۶۴، در قالب گروه رزمی با محوریت گردان ۱۵۷، منطقه عمومی مریوان (لری، کانی مانگا).
۷. عملیات نصر ۱۲ مورخه ۱۰ آبان ۱۳۶۴، در قالب گروه رزمی با محوریت گردان ۱۶۱، منطقه عمومی سومار.
۸. عملیات پدافندی و دفع تک دشمن مورخه ۲۶ تیر ۱۳۶۶، کلیه عناصر تیپ در ارتفاعات کهنه‌ریگ و ارتفاع ۴۰۲ منطقه سومار.
۹. عملیات پدافندی و دفع تک دشمن مورخه ۲ خرداد ۱۳۶۷، کلیه عناصر تیپ در ارتفاعات کهنه‌ریگ و دره سانواپا، منطقه سومار.
۱۰. عملیات پدافندی و دفع تک دشمن مورخه ۲۲ فروردین ۱۳۶۵، کلیه عناصر تیپ در ارتفاعات کهنه‌ریگ، منطقه سومار.
۱۱. عملیات کربلا ۶ مورخه ۲۳ دی ۱۳۶۵، کلیه عناصر تیپ، منطقه عمومی سومار و نفت‌شهر.

۱۲. دفع عملیات سراسری و هجوم دشمن مورخه ۳۱ تیر ۱۳۶۷ در منطقه عمومی سومار.

۱۳. عملیات مرصاد از مورخه ۵ مرداد ۱۳۶۷ لغایت پایان عملیات در منطقه اسلام‌آباد غرب.

صورت اسامی فرماندهان تیپ ۲۸۸ زرهی خاش از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	بسمت	یگان
۱	سرهنگ	احباب	۵۵	۲ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۲	سرهنگ	نیکو	۵۷	۲ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۳	سرهنگ	ضرغام گیلانی	۵۹	۲ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۴	سرهنگ	حسین خانی	۶۱	۱ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۵	سرگرد	فلاحی	۶۲	۱ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۶	سرهنگ	عباس نیک‌منش	۶۳	۱ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۷	سرهنگ	ناصر محمدی‌فر	۶۴	۱ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۸	سرگرد	احمد فتحی‌پور	۶۴	۱ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۹	سرهنگ	رسولی	۶۵	۱ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۰	سرهنگ	عباس نیک‌منش	۶۶	۲ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۱	سرهنگ	غلامحسین طاهری افشار	۶۸	۳ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۲	سرهنگ	ناصر قدرت	۷۱	۳ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۳	سرهنگ	سید علی فیروزی	۷۴	۱ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۴	سرتیپ ۲	حسینعلی مصوری	۷۵	۳ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۵	سرتیپ ۲	حسین عرب	۷۸	۳ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۶	سرهنگ	صدرالله زاله‌بار	۸۱	۴ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۷	سرهنگ	محمد محمدیان	۸۵	۱ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۸	سرتیپ ۲	محمد رضائی	۸۶	۲ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸
۱۹	سرتیپ ۲	علیرضا یوسفی	۸۸	۳ سال	فرمانده	تیپ ۲۸۸

تاریخچه و نقش گردان ۱۶۱ پیاده در دوران دفاع مقدس

این گردان در ۱۱ مهر ۱۳۵۹، بعد از چند روز از آغاز جنگ تحمیلی در مرکز آموزش ۰۵ کرمان به نام گردان ۸۰۸ پیاده تشکیل و سازماندهی شد. گردان پس از سازماندهی و آموزش و اخذ تجهیزات و اقلام مورد نیاز در ۲۷ مهر ۱۳۶۰ به منطقه عملیاتی جنوب اعزام گردید و زیر امر لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهداء نیروی زمینی قرار گرفت. چند ماهی در مصاف با ارتشیان عراق از سرحدات این مرز و بوم دفاع نمود و در ۸ دی ۱۳۶۰ به منطقه عملیاتی غرب اعزام گردید و زیر امر تیپ ۴۰ سراب قرار گرفت. منطقه غرب و جبهه میانی جایی بسیار حساس بوده که از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مدت، این گردان از خود رشادت و جانفشانی‌های زیادی نشان داد و در ۲۰ تیر ۱۳۶۱ به منطقه عملیاتی مهران عزیمت نمود و زیر امر لشکر ۸۴ پیاده خرم‌آباد قرار گرفت. در عملیات آزادسازی مهران شرکت جست و برگ زرینی در کارنامه خویش به ثبت رساند. پس از خاتمه عملیات و تثبیت آن، بنا به دستور سلسله مراتب فرماندهی، در ۱ مهر ۱۳۶۳ به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان منتصب گردید و از گردان ۸۰۸ به گردان ۱۶۱ پیاده تغییر نام داده و زیر امر تیپ ۳ زرهی ایرانشهر قرار گرفت و در سومار، خطوط پدافندی را اشغال و مشغول دفاع از کیان ایران اسلامی شد. در آذر ۱۳۶۴، به منطقه قصرشیرین و گیلانغرب اعزام شد و زیر امر تیپ ۱ زرهی زاهدان قرار گرفت. در این منطقه نیز، ضمن پدافند در خطوط صفر مرزی، در چندین تک محدود شرکت جست و سپس در خرداد ۱۳۶۵، به سومار رجعت نمود و به یگان سازمانی خود، تیپ ۲ زرهی خاش ملحق گردید. طی مدت مدیدی در منطقه سومار، در چندین تک محدود و نیز دفع تک‌های دشمن در ۲ مرداد ۱۳۶۶ و ۲ خرداد ۱۳۶۷ شرکت جست و ضربات سختی به دشمن وارد نمود و تعداد ۲۰ نفر از ارتش عراق را به اسارت گرفت.

در عملیات نصر ۱۲ در ۱۰ آبان ۱۳۶۴ نیز شرکت نمود. همچنین، به پدافند در منطقه سومار مشغول شد که دستور شرکت در عملیات کربلا ۶ در ۲۳ دی ۱۳۶۵ ابلاغ گردید و گردان با تمام توان و قدرت در این عملیات شرکت و حضوری فعال داشت. در عملیات سراسری هجوم عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷، مقاومت و ایستادگی کرد و بلافاصله پس از دفع نیروهای دشمن در عملیات مرصاد، که منافقین به طرف اسلام‌آباد و کرمانشاه مشغول پیشروی بودند، شرکت جست و ضربات مهلکی به نفاق وارد نمود.

در اوایل سال ۱۳۶۹، از سومار به منطقه جنوب عزیمت نمود و پس از چند ماه حراست و مرزبانی از میهن اسلامی، بر اساس طرح رجعت، در ۳۱ شهریور ۱۳۷۱ به منطقه سرزمینی خاش عزیمت نمود و مشغول سازماندهی، آموزش و بازسازی گردید. در راستای طرح تحول ساختاری نیروی زمینی (طرح ثامن الائمه) در ۲۷ دی ۱۳۹۰، از تیپ ۲۸۸ زرخی خاش منتزع و به تیپ ۳۷۷ مشهد اختصاص یافت و اعزام گردید.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۶۱ پیاده از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سرگرد	عباس عاقبتی	۶۱	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۲	سرگرد	سیاح نژاد	۶۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۳	سرهنگ ۲	علی نظری فر	۶۵	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۴	سروان	غلام عباس میری	۶۸	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۵	سرهنگ ۲	اکبر طلائی	۶۹	۴ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۶	سروان	بیدالله خانی	۷۳	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۷	سرهنگ ۲	غلامحسین نادرخانی	۷۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۸	سرگرد	مالکی	۷۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۹	سروان	منصور خمیری	۷۷	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۱۰	سرهنگ ۲	جعفر سعید	۷۸	۶ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۱۱	سرهنگ ۲	امان عارفی منش	۸۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۱۲	سرهنگ ۲	محمد نجمی	۸۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۱۳	سرگرد	غلامحسین سیستانی	۸۷	۶ ماه	فرمانده	گردان ۱۶۱
۱۴	سرگرد	حاجی زاده	۸۷	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱
۱۵	سرگرد	غلامرضا میری	۸۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۶۱

تاریخچه و نقش گردان ۲۳۱ تانک در دوران دفاع مقدس

این گردان در اردیبهشت ۱۳۴۴ با استعداد دو گروهان در لشکر ۹۲ زرهی اهواز به فرماندهی سرگرد کرملو تشکیل سازمان یافت و در همان زمان، به لشکر مراغه تغییر مکان داده و جزء سازمان آن لشکر اضافه گردید و به عنوان گردان ۱۰۱ تانک شناخته شد. به منظور تکمیل سازمان و نیاز تخصصی تعدادی پرسنل کادر از گردان ۱۳۱ شاهپور (سلمان فعلی) و گردان آذرشهر و سایر یگان‌های نیروی زمینی جهت طی دوره‌های مورد نیاز به مراکز فرهنگی به منظور فراگرفتن آموزش‌های لازم اعزام و پس از اتمام دوره، جهت تکمیل چارت سازمانی به گردان ۱۰۱ معرفی و مشغول انجام وظیفه شدند. بدین ترتیب، سازماندهی تجهیزات، خودروبی و پرسنل (گردان ۱۰۱) در لشکر مراغه تشکیل و در اردیبهشت سال ۱۳۴۸ دوباره به دلیل آماده‌باش جنگی که در منطقه خوزستان انجام گرفته بود، به لشکر ۹۲ زرهی اهواز اختصاص یافت و تحت امر تیپ ۳۳ مکانیزه به فرماندهی سرتیپ صفائی به پل کرخه واقع در جنوب حرکت کرده و در حاشیه پل کرخه مستقر گردید.

پس از اتمام استقرار اولیه در منطقه مورد نظر و سپری شدن مدت ۱۵ روز، گروهان یکم تانک به سرپرستی حسین سروری طی امریه‌ای از رده بالا در زمینه فعالیت‌های مشهود از ناحیه ارتش عراق به منظور جلوگیری از فعالیت‌های دشمن به منطقه ایستگاه ۱۲ بهم‌نشیر (آبادان) عزیمت و تحت عنوان گروهان تقویت‌شده شکل رزمی به خود گرفته و برابر امریه صادره به یگان ژاندارمری مستقر در منطقه مورد نظر، که مسئولیت حفاظت از منطقه را به عهده داشت، ملحق و تحت سرپرستی سرتیپ رحمانی از واحد ژاندارمری در مأموریت‌های واگذاری مشغول انجام وظیفه گردید و تا سال ۱۳۴۹ کماکان در جنوب مستقر بود. از طرفی، یک گروهان تانک در پل نو (نهر عرایض) مستقر گردید و باقی گروهان رزمی درگیر با عناصر تیپ مکانیزه به پادگان هفتگل تغییر مکان داده و به طور موقت در آن محل استقرار یافت. در سال ۱۳۵۰، یک گروهان دیگر به سازمان موجود گردان افزوده شد و در نهایت، سازمان گردان از دو گروهان به سه گروهان افزایش یافت.

در سال ۱۳۵۰، مجدداً بر اثر تحریک‌هایی که از ناحیه کشور عراق انجام گرفت، گردان به نام گردان ۲۳۱ تانک هفتگل، جمعی لشکر ۹۲ زرهی اهواز، جهت اجرای مأموریت به منطقه دشت آزادگان عزیمت نمود و برابر تصمیمات اتخاذشده یگان در ارتفاعات الله اکبر (مسئولیت کنترل مرز) مستقر شد. در این اثناء، یک دسته تقویت‌شده از گردان به منظور

اجرای مأموریت پیش‌بینی شده به منطقه عزیمت کرده و به مدت ۴۸ ساعت با نیروهای عراق تبادل آتش داشتند، که در نهایت، مأموریت بدون تلفات پرسنلی به پایان رسید. گردان مجدداً به پادگان مراجعه نموده و مشغول آموزش و سازماندهی شد. با فعالیت و تحرکات ارتش عراق در خطوط مرزی، مخصوصاً منطقه جنوب (خوزستان) پرسنل گردان ۲۳۱ تانک در ۱۵ مرداد ۱۳۵۹، برابر آماده‌باش ابلاغی احضار شده و در پادگان به طور شبانه‌روزی فعالیت خود را شروع کرده و در ۲۶ مرداد ۱۳۵۹، از پادگان هفتگل خارج شده و حوالی پاسگاه مرزی کوشک و طلائیه جدید و قدیم مستقر شدند و از یگان‌هایی بود که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، با تهاجم و حمله گسترده دشمن ارتش عراق مقابله کرده و با تمام وجود از تمامیت ارضی کشور و اهداف جمهوری اسلامی ایران، فعالیت خویش را ادامه داد. در این راستا، در ۳ مهر ۱۳۵۹، فرمانده وقت گردان سروان گودرزی (سرهنگ گودرزی) و چند تن دیگر به نام‌های سرباز وظیفه حسین آبیاری، استوار حشمت‌الله صالحی و استوار حسن بهرامی به اسارت نیروهای عراقی درآمدند و سرپرستی گردان به طور موقت به عهده سروان علی رستمی محول گردید.

گردان ۲۳۱ تانک در عملیات‌های ۱۶ مهر ۱۳۵۹ و ۱۵ دی ۱۳۵۹ (عملیات نصر) و چندین عملیات نفوذی در منطقه ملیحان آبیوض اهواز شرکت کرده و همچنین، در عملیات‌های گسترده‌ای از قبیل فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر و بدر حضور مستقیم و مداوم داشته و در این خصوص، رشادت‌هایی از خود نشان داد و افتخارات زیادی به یادگار گذاشته و دارای کارنامه‌ای درخشان است و لقب «گردان پیروزمند» را به خود اختصاص داد.

در مهر ۱۳۶۵، به منطقه سومار عزیمت نمود و جزء سازمان تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی زاهدان قرار گرفت. در عملیات‌های متعدد پدافندی و آفندی، از جمله عملیات کربلا ۶، عملیات هجوم سراسری ۳۱ تیر ۱۳۶۷ عراق و سپس عملیات مرصاد حضور فعالی داشت. در فروردین ۱۳۶۹، از سومار به منطقه جنوب (شوش) جابه‌جا و سرانجام برابر طرح رجعت در شهریور همان سال به منطقه سرزمینی خاش مراجعه کرده و مشغول انجام وظیفه می‌باشد.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۲۳۱ تانک از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سرگرد	کرملو	۱۳۴۵	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۲	سروان	گوهری	۱۳۴۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۳	سرگرد	جعفری	۱۳۵۰	۴ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۴	سروان	کریمی	۱۳۵۴	۴ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۵	سروان	گودرزی	۱۳۵۸	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۶	سروان	علی رستمی	۱۳۵۹	۸ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۷	سروان	حیدر شهرکی	۱۳۶۷	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۸	سرهنگ ۲	محمدحسین نوژن	۱۳۶۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۹	سرگرد	مظفر جرجندی	۱۳۷۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۰	سرهنگ ۲	حسین بهرامی	۱۳۷۱	کمتر از ۱ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۱	سرگرد	حسین عرب	۱۳۷۱	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۲	سرگرد	ناصر پور حسین	۱۳۷۳	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۳	سروان	خان جان سندگل	۱۳۷۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۴	سروان	حمیدرضا هوشمنداسدی	۱۳۷۴	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۵	سرگرد	غلامحسین شهرکی	۱۳۷۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۶	سرگرد	رضا مولایی	۱۳۸۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۷	سرگرد	نوشیر قائمی	۱۳۸۱	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۸	سرگرد	ایرج بابایی	۱۳۸۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۱۹	سرگرد	امیرحسین طایفه	۱۳۸۶	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۲۰	سرگرد	مسعود طالبی زاده	۱۳۸۸	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱
۲۱	سرهنگ ۲	علی صفوی	۱۳۸۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۳۱

تاریخچه و نقش گردان ۱۵۷ پیاده مکانیزه در دوران دفاع مقدس

این گردان در ۶ تیر ۱۳۵۳ از واحدهای مختلف در پشتیبانی ستاد نیروی زمینی مستقر در لویزان تشکیل شد که پس از گذشت یک سال به عنوان اولین واحد در ۲۰ خرداد ۱۳۵۴ به نام گردان ۱۵۷ مکانیزه تیپ ۸۸ مستقل چابهار به خاش اعزام گردید. فرماندهان زیادی تا قبل از پیروزی انقلاب نسبت به سازماندهی، آموزش و تکمیل تجهیزات این گردان اقدام کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و از بدو شروع جنگ تحمیلی، پرسنل کادر این یگان به صورت داوطلبانه و به طور انفرادی به مناطق عملیاتی اعزام شده و در سال ۱۳۶۲، گروهان دوم این گردان به طور کامل به فرماندهی سرگرد شهید یعقوب احمدبیگی در منطقه عملیاتی گیلانغرب و سپس مریوان و پنجوین عراق در عملیات والفجر ۴ شرکت و حضوری فعال داشته است و بعد از اتمام مأموریت در ۳ بهمن ۱۳۶۲ به پادگان خاش رجعت نموده و پس از سازماندهی و آموزش، دوباره بعد از ۲۰ روز استراحت در ۲۳ بهمن ۱۳۶۲، گردان با استعداد کامل در قالب گروه رزمی سلمان فارسی ۵ عازم مناطق عملیاتی مریوان و پنجوین عراق در محور ارتفاعات لری و کانی مانگا مشغول دفاع از تمامیت ارضی شد و بعد در همین منطقه در عملیات ظفر ۸ مستقیماً شرکت نمود. پس از آن، برابر اوامر سلسله مراتب به منطقه عملیاتی قصرشیرین جابه‌جا شده و پس از مدت کوتاهی، بلافاصله در منطقه سومار به منظور پدافند از ارتفاع ۴۰۲ و کهنه‌ریگ تا پایان جنگ پیروزمندانه مشغول انجام وظیفه بود و جهت حفظ و نگهداری کلید منطقه (ارتفاع ۴۰۲) ایثارگری و جانفشانی‌های زیادی از خود نشان داده است. در تک‌های ۲۶ تیر ۱۳۶۶ و ۲ خرداد ۱۳۶۷، که سنگین‌ترین تک‌های ارتش عراق در منطقه سومار به شمار می‌آمد، این گردان نه تنها قهرمانانه ارتفاع حساس ۴۰۲ را حفظ نمود، بلکه ضایعات و تلفات جبران‌ناپذیری بر پیکر پوسیده ارتش عراق وارد نمود. طی سال‌های استقرار در منطقه عمومی سومار و نفت‌شهر در عملیات‌های دیگری همانند کربلا ۶، دفع تک هجوم سراسری عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و عملیات مرصاد حضوری فعال و دفاع جانانه‌ای از خود به یادگار گذاشت. در فروردین ۱۳۶۹، به جنوب (شوش) جابه‌جا شد و برابر طرح رجعت سرزمینی در شهریورماه همان سال به خاش مراجعه و مشغول انجام وظیفه می‌باشد.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۵۷ مکانیزه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سرگرد	امیرمسعود رخسا	۱۳۵۴	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۲	سرگرد	قائم مقامی	۱۳۵۷	۴ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۳	سروان	عبدالله جان فشان	۱۳۶۱	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۴	سروان	ابراهیم نورا	۱۳۶۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۵	سروان	پرویز میربیگی	۱۳۶۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۶	سروان	صاحب کردی	۱۳۶۶	۴ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۷	سرهنگ ۲	حسن عیدوزهی	۱۳۷۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۸	سرگرد	حسین میرشاهی	۱۳۷۱	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۹	سروان	شفاهی	۱۳۷۲	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۱۰	سروان	حبیب کلانتر	۱۳۷۳	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۱۱	سروان	محمد تقی زاده	۱۳۷۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۱۲	سرگرد	خلیل اربابی فر	۱۳۷۵	۴ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۱۳	سرهنگ ۲	محمد رخشانی مهر	۱۳۷۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۱۴	سرهنگ ۲	خلیل اربابی مهر	۱۳۸۰	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۱۵	سرهنگ	سید محمد علوی	۱۳۸۲	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۱۶	سرگرد	محمود محمودی	۱۳۸۵	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷
۱۷	سرگرد	علی اصغر مرادی	۱۳۸۶	۴ سال	فرمانده	گردان ۱۵۷

تاریخچه و نقش گردان ۷۶۵ پیاده در دوران دفاع مقدس

گردان ۷۶۵ در فروردین ۱۳۶۴ به نام گردان ۱۹۴۳ قدس تشکیل شد، که تا پاییز ۱۳۶۴ در مناطق ناامن کردستان کنترل محور بانه را بر عهده داشت. طی ماه‌های طولانی استقرار در منطقه، ضربات زیادی به گروه‌های معاند ضدانقلاب کومله و دمکرات وارد کرد. در زمستان ۱۳۶۴، به منطقه عملیاتی سومار اعزام گردید و جزء سازمان تیپ ۲ زرهی خاش قرار گرفت. در ۲۱ فروردین ۱۳۶۵ در اثر تک مذبحانه دشمن به ارتفاعات کهنه‌ریگ به شدت ضربه دید و در

عین حال، مواضع خود را حفظ نمود. در تابستان ۱۳۶۵، به گردان ۷۶۵ تغییر نام داد و کماکان در ارتفاعات کهنه‌ریگ مواضع پدافندی را حفظ کرد. در ۱ مهر ۱۳۶۵، فرماندهی این یگان را سروان پیاده اکبر طلائی به عهده گرفت و در عملیات کربلا (۲۳ دی ۱۳۶۵) به عنوان یگان تک‌ور شرکت نمود و حضور فعال داشت، که در همان ساعات اولیه، اهداف واگذاری را تصرف و حرکت و پیشروی خوبی را به سمت نیروهای عراقی آغاز کرد و تعدادی شهید تقدیم میهن اسلامی نمود. در ۱۶ شهریور ۱۳۶۶، تک دشمن را سد و سرکوب نمود و به دشمن یورش برد و قسمتی از ارتفاعات کهنه‌ریگ، که به دست دشمن مزدور درآمده بود را تصرف کرد، که در این عملیات، تعدادی شهید و جانباز تقدیم میهن اسلامی نمود. مجدداً در ۲۸ اسفند ۱۳۶۶، جهت سرکوب و ضربه زدن به ماشین جنگی دشمن در ارتفاع ۳۶۳ (کهنه‌ریگ) با سایر رزمندگان به عنوان یگان تک‌ور وارد عمل شد. در ۲ خرداد ۱۳۶۷، که دشمن جهت تصرف ارتفاع کلیدی ۴۰۲ از طریق دره سانواپا تک نمود و فرماندهی عملیات را شخص صدام حسین معدوم در ارتفاعات سلمان کشته به عهده داشت، این یگان در یال چپ ارتفاع کلیدی ۴۰۲ مستقر بود و ضربه مهلکی به دشمن وارد ساخت، که در حدود ساعت ۰۸:۰۰ دشمن عقب‌نشینی و صدام حسین نیز با خفت و خواری منطقه را ترک نمود و گروه‌بان کادر ابراهیم آکدشتی با تعدادی دیگر از رزمندگان مردانه مبارزه نمودند، که بر اثر ایستادگی و مقاومت به شهادت رسیدند و پرسنل جان بر کف همچنان در مواضع خود باقی ماندند. در هجوم سراسری عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ نیز جلو تک دشمن تا آخرین لحظات ایستادگی نمود و در عملیات مرصاد ۵ مرداد ۱۳۶۷، تأمین جناح چپ اسلام‌آباد را بر عهده داشت و با اجرای آتش‌های مؤثر، ضربات مهلکی به منافقین وارد نمود. این کینه در دل دشمن باقی ماند و پس از آتش‌بس در ۳۰ مرداد ۱۳۶۷، دشمن سروان اکبر طلائی و معاون تیپ ۲ و ۲۷ نفر دیگر از پرسنل گردان را به اسارت گرفت. مأموریت گردان تا فروردین ۱۳۶۹ در منطقه سومار ادامه داشت و پس از آن، به منطقه جنوب (شوش) جابه‌جا گردید. مدتی را جهت حراست از کیان ایران اسلامی در مرز مستقر شد و در شهریور ماه همان سال به منطقه سرزمینی رجعت نموده و مشغول انجام امورات و وظایف محوله می‌باشد.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۷۶۵ پیاده از بدو تأسیس تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سروان	عبدالله زاده	۱۳۶۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۲	سروان	اکبر طلائی	۱۳۶۶	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۳	سرگرد	محمد رهدار	۱۳۶۷	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۴	سرهنگ ۲	حکیم یار احمدزهی	۱۳۶۹	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۵	سرهنگ	گل محمد عیدوزهی	۱۳۷۱	۳ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۶	سرگرد	غلامحسین زرگر	۱۳۷۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۷	سروان	محمد رضا فرقانی	۱۳۷۵	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۸	سرگرد	رضا آدریان	۱۳۷۶	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۹	سرگرد	امیر دارپوش	۱۳۷۷	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۱۰	سرگرد	نگهدار عسکری	۱۳۷۷	۴ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۱۱	سرهنگ ۲	برات غفوری	۱۳۸۱	۴ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۱۲	سرهنگ ۲	امان عارفی منش	۱۳۸۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۱۳	سرهنگ ۲	غلامحسین سیستانی	۱۳۸۷	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵
۱۴	سرگرد	علی پروینی	۱۳۸۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۵

فصل چهارم

تاریخچه و نقش تیپ ۳ مکانیزه ایرانشهر در دوران دفاع مقدس

(تیپ ۳۸۸ مستقل شهید سرتیپ حیدر شهرکی)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شرایط خاص امنیتی و جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان، تیپ ۸۸ مستقل به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان ارتقاء یافت و بلافاصله تیپ ۱ زرهی زاهدان و تیپ ۲ زرهی خاش سازماندهی گردید. تیپ ۳ زرهی که محل استقرار آن در ایرانشهر تعیین و می‌بایست در آنجا سازماندهی می‌شد، به علت کسورات پرسنلی و تجهیزاتی به سال ۱۳۵۹ موکول گردید. این تیپ ابتدا در زاهدان با محوریت گردان ۱۹۷ مکانیزه به مناطق عملیاتی اعزام گردید. نسبت به کسورات پرسنل و کمبود سلاح و تجهیزات سریعاً اقدام گردید. در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ در دو مرحله در قالب گروه رزمی سلمان فارسی ۱ و ۳ به فرماندهی مرحوم سرگرد سمیعی به منطقه جنوب اعزام گشت و در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس حضور و شرکت فعالی داشت و از خود رشادت‌ها و ایثارگری‌های فراوانی به یادگار گذاشت و برگ زرینی در کارنامه‌اش ثبت و ضبط نمود. جهت سازماندهی، آموزش و بازسازی، برای مدت دو ماه به ایرانشهر مراجعه نمود و بلافاصله راهی مناطق عملیاتی شمال غرب (مریوان و پنجوین عراق) گردید. در این منطقه، در عملیات‌های ظفر ۲ و ۳ شرکت نمود و اواخر سال ۱۳۶۲ به منطقه سومار و نفت‌شهر به جبهه میانی عزیمت نمود. در منطقه سومار، در عملیات‌های تک محدود زیادی شرکت نمود و برای دفع تک‌های دشمن، از جمله دفع تک ۱۱ بهمن ۱۳۶۳ و ۲۴ فروردین ۱۳۶۵، سرسختانه ایستادگی کرده و ضربات بسیار سخت و مهلکی به ارتش عراق وارد نمود. در چندین عملیات پدافندی شرکت فعال و حضور مستمری داشته است. در عملیات کربلا ۶، تک سراسری عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و همچنین عملیات مرصاد، رشادت و از جان گذشتگی و ایثارگری فراوان از خود نشان داده است. در فروردین ۱۳۶۹، به منطقه جنوب (موسیان) جابه‌جا گردید و پس از هشت سال حراست از خطوط صفر مرزی در خوزستان، سال ۱۳۷۷ به منطقه سرزمینی ایرانشهر رجعت نموده و مشغول انجام وظیفه و اجرای مأموریت‌های محوله می‌باشد. در راستای طرح ساختار تحول نیروی زمینی ارتش (ثامن‌الائمه)، تیپ ۳ زرهی به نام تیپ ۳۸۸ مکانیزه سرتیپ شهید حیدر شهرکی نامگذاری گردید.

صورت اسامی فرماندهان تیپ ۳۸۸ پیاده مکانیزه مستقل ایران شهر از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سرهنگ	تفرشی راد	۱۳۶۱	۱ سال	فرمانده	تیپ ۳
۲	سرهنگ	سهراب صدری	۱۳۶۲	۳ سال	فرمانده	تیپ ۳
۳	سرهنگ	مرتضی عنبری	۱۳۶۵	۱ سال	فرمانده	تیپ ۳
۴	سرهنگ	شمس الدین زعفری	۱۳۶۶	۲ سال	فرمانده	تیپ ۳
۵	سرتیپ ۲	اصلانی	۱۳۶۸	۳ سال	فرمانده	تیپ ۳
۶	سرهنگ	جنگانی	۱۳۷۱	۱ سال	فرمانده	تیپ ۳
۷	سرتیپ ۲	منصور یزدان پرست	۱۳۷۲	۳ سال	فرمانده	تیپ ۳
۸	سرتیپ ۲	رحیم حیدری	۱۳۷۵	۵ سال	فرمانده	تیپ ۳
۹	سرتیپ ۲ ستاد	علی اکبر وکیلی راد	۱۳۸۰	۴ سال	فرمانده	تیپ ۳
۱۰	سرهنگ	علی کوثری	۱۳۸۴	۲ سال	فرمانده	تیپ ۳
۱۱	سرهنگ	علیرضا قیصری	۱۳۸۶	۴ سال	فرمانده	تیپ ۳

تاریخچه و نقش گردان ۱۹۷ پیاده مکانیزه در دوران دفاع مقدس

در اوایل سال ۱۳۵۲، به منظور تکمیل ساختار تیپ ۸۸ مستقل چابهار مستقر در زاهدان، تعدادی از پرسنل یگان‌های نیروی زمینی ارتش در تهران (لویزان) جمع‌آوری و تعداد دو گردان به نام‌های ۱۹۶ و ۱۹۷ پیاده را سازماندهی نمودند. تشکیل این دو گردان حدود دو سال به طول انجامید. در سال ۱۳۵۴، گردان ۱۹۷ پیاده از تهران به منظور حفظ از پادگان تیپ ۸۴ خرم‌آباد، که در مأموریت مرزی بود و نیز تکمیل ساز و برگ تجهیزات، به خرم‌آباد اعزام گردید، که فرماندهی گردان را سرگرد محمد جعفری عهده‌دار بود. پس از بازگشت تیپ ۸۴ از مأموریت و جابه‌جایی تعدادی از پرسنل و تأمین کسورات خودروبی و پرسنلی، در مرداد ۱۳۵۵ از طریق دزفول با هواپیمای سی ۱۳۰ به زاهدان انتقال یافت.

سال ۱۳۵۸ که دستورالعمل تشکیل لشکر با زیرمجموعه چند تیپ ابلاغ گردید، این گردان در سال ۱۳۶۱ به عنوان گردان سازمانی تیپ ۳ مشخص و تعیین گردید و از نظر تجهیزات و امکانات گردان قبل از اعزام به زاهدان، تا حدود ۹۰٪ تکمیل و بقیه تجهیزات و نیازهای گردان

به عنوان گردان مکانیزه در زاهدان واگذار گردید. پس از تشکیل تیپ ۳، گردان ۱۹۷ در ۱۷ اسفند ۱۳۶۰ به منظور شرکت در عملیات فتح المبین به فرماندهی مرحوم سرگرد سمیعی، که یکی از بهترین و شجاعترین فرماندهان دفاع مقدس بود، در قالب گروه رزمی سلمان ۱ به منطقه جنوب زیر امر لشکر ۹۲ اعزام گردید. در ۱۵ مهر ۱۳۶۱، به منظور نبرد با دشمن متجاوز به منطقه میمک اعزام گردید و پس از حدود ۱۵ ماه، به مریوان (پنجوین عراق) جابه‌جا گردید و در ۲۷ بهمن ۱۳۶۲، مجدداً به سومار عزیمت نمود و در معیت گردان‌های قدس، در ارتفاعات کهنه‌ریگ بویژه ارتفاع حساس ۴۰۲ به عنوان یگان پدافندکننده مستقر گردید. گردان در عملیات کربلا ۶ به یگان تک‌ور به سمت پاسگاه ابوعبیده مأموریت یافت و در اولین ساعات، اهداف را تصرف نمود. در طول استقرار یگان در سومار، با هوشیاری و آمادگی کامل در مواضع پدافندی دشمن را سرکوب نمود و یکی از یگان‌های آفندی موفق لشکر بوده است و همچنین، در تصرف ارتفاعات کله‌قندی و کهنه‌ریگ شرکت فعال داشته و شهدای زیادی تقدیم اسلام نمود.

ارتش عراق بیش از ده‌ها مرحله تک‌های سنگین خود را برای بازپس‌گیری ارتفاعات کهنه‌ریگ و ۴۰۲ آزمایش کرد، ولی موفق نشد هیچ خللی در توان و قدرت یگان‌های لشکر، مخصوصاً این گردان وارد نماید. در دفع تک‌های دشمن در ۱۱ بهمن ۱۳۶۳ و ۲ مرداد ۱۳۶۶ و ۲ خرداد ۱۳۶۷ با رشادت و ایثارگری خیلی خوب استقامت کرد و جلو پیشروی ارتش عراق را سد نمود. در عملیات کربلا ۶ حضور و شرکت فعالی داشت و بسیار خوب درخشید و اهداف واگذاری را سریعاً تصرف نمود. گردان در عملیات هجوم سراسری عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ که جلو دشمن را سد نمود، بسیار مهم بود. سرانجام پس از پایان جنگ در فروردین ۱۳۶۹، به منطقه جنوب (شوش و موسیان) عزیمت نمود و تا سال ۱۳۷۷ از مرزهای ایران زمین حراست و مرزبانی نمود و به دنبال امریه رجعت نیروی زمینی ارتش به منطقه سرزمینی ایرانشهر بازگشت.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۹۷ پیاده مکانیزه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سمت	یگان
۱	سرگرد	محمد جعفری	۱۳۵۳	۵ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۲	سرگرد	سمیعی	۱۳۵۸	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۳	سروان	قریشی	۱۳۶۱	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۴	سروان	مهدی چهارزاده	۱۳۶۳	۷ ماه	فرمانده	گردان ۱۹۷

۵	سروان	عباس حسین پور	۱۳۶۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۶	سروان	محمد زاهدی	۱۳۶۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۷	سرگرد	غلامحسین اسدی	۱۳۶۷	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۸	سرگرد	مسعود کرمانی	۱۳۶۹	۴ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۹	سرگرد	مهیدیان	۱۳۷۳	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۱۰	سرگرد	علی اصغر فرزناد	۱۳۷۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۱۱	سروان	تیمور افشار	۱۳۷۸	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۱۲	سرگرد	محمد شیخ اسلامی	۱۳۷۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۱۳	سرگرد	محمدرضا مهری	۱۳۸۰	۴ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۱۴	سرهنگ ۲	علی مرتضائی زاده	۱۳۸۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۱۵	سرهنگ ۲	ناصر سهرابیان	۱۳۸۶	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷
۱۶	سرگرد	خیراللهی	۱۳۸۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۹۷

تاریخچه و نقش گردان ۱۵۶ پیاده در دوران دفاع مقدس

این گردان در ابتدا و اوایل سال ۱۳۵۹ از پرسنل خدمات و یگان‌های لشکر ۸۸ زرهی در زاهدان به عنوان گروهان پاسدار تشکیل شد، که بعداً همین گروهان به گردان ارتقاء یافت و به نام گردان ۱۵۶ پیاده نامگذاری گردید. حدوداً ۱۸ ماه طول کشید که گردان نسبتاً تکمیل و رسمیت یافت. در همین زمان، به منظور نگهداری و حفاظت از تأسیسات و اماکن پادگان کنارک یک گروهان عازم کنارک گردید. در ۱۰ تیر ۱۳۶۱، گردان به عنوان یکی از یگان‌های تیپ ۲ عازم خاش گردید تا تأمین پادگان خاش را برقرار نماید. بعد از شش ماه، گردان از خاش به ایرانشهر و محل استقرار اصلی خود نقل مکان نمود و در ۲۳ بهمن ۱۳۶۲ گردان به طور کامل در قالب گروه رزمی سلمان فارسی ۳ به منظور حراست از میهن اسلامی و مقابله با ارتش بعث عراق عازم منطقه مریوان (پنجوین) گردید و زیر امر تیپ ۱ لشکر قرار گرفت. در شهریور ۱۳۶۳ سروان رضا صبوری زاده که از افسران بسیار زحمتکش و فعال لشکر بود، به فرماندهی گردان برگزیده و در سلسله عملیات‌های ظفر ۱ و ۳ شرکت فعال داشت. نه ماه بعد از منطقه مریوان به سومار عزیمت و به یگان سازمانی خود تیپ ۳ ملحق گردید. در مدت طولانی استقرار در سومار، گردان عملیات‌های مختلف از جمله تک دشمن به ارتفاع ۴۰۲، کربلا ۶ به عنوان واحد تک‌ور، عملیات تک دشمن در ۲ خرداد ۱۳۶۷ و ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و کلیه عملیات‌های

انجام شده و همچنین، در سرکوب منافقین در منطقه کانی شیخ و دره سانواپا (۴۰۲) حضور و شرکت فعال داشته است. مخصوصاً در عملیات کربلا در اسرع وقت اهداف واگذاری را تصرف نمود و مشغول بیرون راندن دشمن بود که پانک‌های سنگین نیروهای کماندویی و گارد ریاست جمهوری ارتش عراق علیه یگان‌های حمله کننده لشکر ۸۸ مخصوصاً این گردان شروع شد، که با شرایط بسیار سخت و دشواری دفاع و ایستادگی کردند.

پس از پایان چند سال حضور در مناطق عملیاتی و استقرار در مرزها، فروردین ۱۳۶۹ از سومار به جنوب (شوش و موسیان) جابه جا شد و به مدت هشت سال دیگر به حراست و مرزبانی از مرزها مشغول بود. در سال ۱۳۷۷ به منطقه سرزمینی ایرانشهر رجعت نمود و مشغول اجرای وظایف محوله می باشد.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۱۵۶ پیاده مکانیزه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سروان	مرادعلی خردمند	۱۳۶۰	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۲	سروان	احمد قریشی	۱۳۶۲	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۳	سروان	پرویز توکلی	۱۳۶۳	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۴	سروان	رضا صبوری زاده	۱۳۶۳	۵ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۵	سرگرد	سلیمانی	۱۳۶۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۶	سرگرد	لاهوئی	۱۳۷۰	۴ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۷	سرگرد	معصومی	۱۳۷۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۸	سرگرد	عیسی توحیدنیا	۱۳۷۵	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۹	سرگرد	سرنوشت	۱۳۷۶	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۱۰	سرگرد	مرادی پور	۱۳۷۷	۱ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۱۱	سروان	علی برخورداری	۱۳۷۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۱۲	سرگرد	شیخ اسلامی	۱۳۸۰	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۱۳	سرهنگ ۲	جمشیدی	۱۳۸۳	۳ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶
۱۴	سرهنگ ۲	علیرضا دوستی	۱۳۸۶	۴ سال	فرمانده	گردان ۱۵۶

تاریخچه و نقش گردان ۷۶۴ پیاده در دوران دفاع مقدس

در ماه‌های خرداد و تیر سال ۱۳۶۲، گردان ۱۹۰۴ قدس در زاهدان از کارکنان پایور موجود لشکر به صورت داوطلب و از سربازان ۱۸ ماه خدمت به بالا تأمین و تشکیل شد. در نیمه دوم سال ۱۳۶۲، از زاهدان به مقصد منطقه عملیاتی مریوان حرکت نمود و بعد از شش ماه استقرار، همزمان با شروع عملیات والفجر ۴ و خاتمه عملیات پاکسازی روستاهای اطراف منطقه مریوان شرکت داشته است. در طول مدت استقرار در منطقه شمال غرب، با دو گروه معاند ضدانقلاب کومله و دمکرات برای آرامش و امنیت میهن اسلامی کوشید و امنیت را برای هموطنان برقرار نمود.

در اسفند ۱۳۶۲، این گردان پس از خاتمه مأموریت به زاهدان مراجعت نمود. مجدداً پس از ترخیص سربازان قدیمی در خرداد ۱۳۶۳ در زاهدان، از پرسنل داوطلب لشکر بازسازی و سازماندهی شد و بلافاصله عازم منطقه مریوان و در ارتفاعات منطقه مشغول انجام وظیفه گردید. در ۱۲ آذر ۱۳۶۴، مأموریت گردان به اتمام رسید و به زاهدان رجعت نمود و سپس در ۱۶ دی ۱۳۶۴، پس از سازماندهی و تجدید سازمان، مجدداً در ۱۱ بهمن ۱۳۶۴ به منطقه سومار عزیمت نمود و بعد از یک دوره آموزش ۲۰ روزه و سازماندهی، در خط پدافندی مستقر و مشغول پدافند و دفاع از حریم و کیان ایران اسلامی گردید. این مأموریت همچنان ادامه داشت، تا به تیپ ۳ ایرانشهر اختصاص یافت و جزء سازمان تیپ گردید. در ۲۲ فروردین ۱۳۶۵، بعد از تک دشمن به ارتفاعات کهنه‌ریگ و اسماعیل خان، به علت استقامت و پایداری، گردان متحمل تلفات و ضایعات زیادی گردید. پس از جمع‌آوری پرسنل و تجهیزات، مجدداً تجدید سازمان و بازسازی یافت. مأموریت این گردان همچنان به همراه سایر یگان‌های سازمانی تیپ ۳ زرهی ایرانشهر در منطقه غرب ادامه داشت. در عملیات کربلا ۶ شرکت و به دنبال آن، در دفع هجوم سراسری عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۶۷ حضور فعال داشته و ایستادگی و استقامت نمود. بنا به دستور، در فروردین ۱۳۶۹ به منطقه جنوب جابه‌جا گردید و بعد از چند سال حراست از مرزها و خطوط صفر مرزی، در سال ۱۳۷۷ به منطقه سرزمینی ایرانشهر رجعت نمود و مشغول انجام وظیفه می‌باشد.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۷۶۴ پیاده از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سرگرد	عباسعلی خلیقی مهر	۱۳۶۲	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۲	سروان	حمیدرضا نیک‌زاد	۱۳۶۳	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۳	سروان	غلامعلی قورزایی	۱۳۶۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۴	سروان	علی نظری فر	۱۳۶۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۵	سروان	غلامعلی شهرکی	۱۳۶۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۶	سرهنگ ۲	حسین صمیمی	۱۳۷۰	۳ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۷	سرگرد	اسکندر سلیمانی	۱۳۷۳	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۸	سرهنگ ۲	اصغر وفایی سعدی	۱۳۷۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۹	سروان	محمدتقی باقری	۱۳۷۵	۳ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۱۰	سرگرد	محمدتقی جعفری	۱۳۷۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۱۱	سرهنگ ۲	حسین ظفریان	۱۳۸۰	۵ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴
۱۲	سرگرد	صمد فخر احمدی	۱۳۸۵	۵ سال	فرمانده	گردان ۷۶۴

تاریخچه و نقش گردان ۳۷۹ پدافند هوایی ۲۳م در دوران دفاع مقدس

همزمان با شروع حمله عراق به ایران در ۱ مهر ۱۳۵۹، دستورالعمل تشکیل گردان ۳۷۹ پدافند از طریق نیروی زمینی ارتش به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان ابلاغ شد، که مدت دو سال، یعنی تا مهر ۱۳۶۱ طول کشید تا گردان عملیاتی و از نظر تجهیزات و نیروی انسانی تکمیل گردید. در مدت زمان تجهیز و تکمیل گردان، مأموریت‌های جانبی در سطح استان سیستان و بلوچستان، از جمله تأمین سرتاسری از تأسیسات و منابع حیاتی (فرودگاه‌ها، سیلوی گندم، شرکت نفت، نیروگاه‌ها) واگذار گردید. سلاح گردان تیربار ۱۴/۵مم چهارلول کششی به تعداد ۱۶ قبضه بوده، که به مرور توپ ۲۳مم که سلاح سازمان اصلی گردان پدافند لشکر زرهی می‌باشد، واگذار گردید. در اوایل سال ۱۳۶۰، تقریباً سازمان گردان تکمیل و مأموریت‌های عملیاتی آن آغاز شد. در ۱۵ مرداد ۱۳۶۰، یک آتشبار به استعداد ۸ قبضه توپ ۲۳مم به منظور شرکت در عملیات‌های آزادسازی آبادان به منطقه جنوب (ماهشهر) اعزام گردید. در اوایل

اسفند ۱۳۶۰، یک دسته به تعداد ۴ قبضه تیربار ۱۴/۵م به همراه گروه رزمی سلمان فارسی اعزامی از لشکر به منطقه جنوب (رقابیه و میشداغ) اعزام گردید. گردان به چهار آتشبار تیر و یک آتشبار ارکان با تجهیزات کامل ۸۰٪ تجهیز شد. محل استقرار گردن در زاهدان و در عملیات‌های مهم و سرنوشت‌سازی مانند عملیات ثامن‌الائمه، شکست حصر آبادان با یک آتشبار، در عملیات فتح‌المبین و عملیات رمضان نیز با یک آتشبار شرکت و حضور فعال داشته است. همزمان با عناصر باقیمانده لشکر ۸۸ زرهی اعزامی به مناطق عملیاتی، تمامی عناصر گردان نیز به همراه لشکر از زاهدان به دشت دیره (سرپل ذهاب) اعزام گردیدند. همزمان با تشکیل توپخانه لشکری در سال ۱۳۶۴، پوشش هوایی کلیه یگان‌های لشکر تأمین و برقرار شد و حتی عناصری از این گردان، که در منطقه سیستان مستقر بود، به اهواز جابه‌جا شده و مسئولیت تأمین و حفاظت شرکت نفت آنجا را بر عهده گرفت، تا اینکه بعد از اتمام جنگ در سال ۱۳۶۷، به یگان اصلی خود ملحق شد. یک آتشبار به همراه یک دسته پدافند در کلیه عملیات‌های انجام‌شده در منطقه جنوب شرکت داشته است. در ۲۱ بهمن ۱۳۶۳، یک آتشبار به عنوان کمک مستقیم هوایی تیپ ۱ زرهی زاهدان به مریوان نقل مکان نموده و همراه تیپ بوده است.

در کلیه عملیات‌های انجام‌شده در منطقه سومار، پدافند هوایی یگان‌های لشکر به عهده این گردان بوده و شهدای بسیاری تقدیم اسلام و انقلاب نموده است. بعد از اتمام مأموریت از سومار، در خرداد ۱۳۶۹، به منطقه جنوب نقل مکان نمود. کماکان مأموریت تعدادی از عناصر گردان تا سال ۱۳۷۷ ادامه داشت و همزمان با ابلاغ امریه نیروی زمینی ارتش، تمامی کارکنان در پایان سال ۱۳۷۷ به منطقه سرزمینی (ایرانشهر) رجعت نموده و مأموریت عملیاتی این گردان به پایان رسید.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۷۹ پدافند هوایی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سمت	یگان
۱	سروان	محمد حیدری امین	۱۳۵۹	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۲	سرهنگ ۲	مهدی ترکیان	۱۳۶۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۳	سرگرد	حمیدرضا نیک‌زاد	۱۳۶۴	۵ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۴	سرگرد	محمد حیدری امین	۱۳۶۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹

گردان ۳۷۹	فرمانده	۱ سال	۱۳۷۰	مهدی غلامی	سرگرد	۵
گردان ۳۷۹	فرمانده	۱ سال	۱۳۷۱	حبیب خاک‌نشین	سرگرد	۶
گردان ۳۷۹	فرمانده	۲ سال	۱۳۷۲	علیرضا سماخ	سرگرد	۷
گردان ۳۷۹	فرمانده	۲ سال	۱۳۷۴	امان‌اله ریگی	سرهنگ ۲	۸
گردان ۳۷۹	فرمانده	۳ سال	۱۳۷۶	حسین عزیزی	سروان	۹
گردان ۳۷۹	فرمانده	۱ سال	۱۳۷۹	حمیدرضا دزینیان	سرگرد	۱۰
گردان ۳۷۹	فرمانده	۲ سال	۱۳۸۰	حسین رزم‌آرا	سرگرد	۱۱
گردان ۳۷۹	فرمانده	۷ سال	۱۳۸۲	سید عیسی معافی مدنی	سرهنگ	۱۲

فصل پنجم

تاریخچه و نقش توپخانه لشکری لشکر ۸۸ زرهی در دوران دفاع مقدس

تجربه‌های جنگ‌های گوناگون از خلقت انسان تاکنون در کره زمین ثابت کرده است نیرویی موفق و پیروز است که دارای آتش قوی و پشتیبانی مداوم و همیشگی باشد؛ لذا نقش پشتیبانی مداوم آتش در تمام مراحل یک عملیات آفندی و یا برعکس دفع هجوم تک و یا پاتک‌های نیروی دشمن (متخاصم) بسیار مهم و حائز اهمیت است. توپخانه صحرایی لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در تمام سطوح و رده‌های پشتیبانی در طول هشت سال دفاع مقدس، علیرغم کمبود و سهمیه‌بندی مهمات به علت تحریم‌های نظامی و...، خدمات بسیار ارزنده و مفیدی برای رزمندگان لشکر ۸۸ انجام داد و کارنامه بسیار درخشان و بیادماندنی در طول دوران دفاع مقدس به نام خود ثبت و ضبط نمود.

در اوایل سال ۱۳۵۸، در گروه ۱۱ مراغه، گردان ۳۸۱ توپخانه از عناصر و کارکنان گروه تشکیل شد و سپس به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان اختصاص یافت. یک آتشبار در زاهدان و دیگری در خاش مستقر گردید. در نیمه دوم سال ۱۳۵۹، گردان تقریباً تکمیل گردید و به گردان ۳۰۰ تغییر نام داد. همزمان با تشکیل و تأسیس گردان ۳۷۹ پدافند هوایی و همچنین، آمدن گردان ۳۵۶ توپخانه صحرایی از گروه ۱۱ مراغه، توپخانه لشکری لشکر ۸۸ زرهی زاهدان دارای سه گردان توپخانه و یک آتشبار ارکان در سال ۱۳۶۱ تشکیل و تکمیل و در نهایت، شکل گرفت، که با سایر یگان‌هایی که به صورت گروه‌های رزمی به منطقه جنوب و غرب اعزام می‌گردید، آتشبارهایی از توپخانه نیز به صورت کمک مستقیم عازم مناطق عملیاتی می‌شدند و در عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، والفجر ۴ و... حضور و شرکت فعال داشتند. در سال ۱۳۶۵، استعداد توپخانه لشکری به چهار گردان افزایش یافت و شامل سه گردان کمک مستقیم و گردان ۲۳م پدافند هوایی و یک آتشبار ارکان گردید.

توپخانه لشکری طی سال‌های استقرار در منطقه عملیاتی سومار و نفت‌شهر، آتش پشتیبانی لشکر را به نحو مطلوب و شایسته‌ای اجرا و حمایت کرد. مخصوصاً در دفع تک‌های دشمن و در عملیات تک‌های محدود، کربلا، هجوم سراسری ۳۱ تیر ۱۳۶۷ عراق و عملیات منافقین در خاتمه جنگ از خود رشادت و ایثارگری زیاد نشان دادند. در اوایل سال ۱۳۶۹، به منطقه جنوب جابه‌جا گردید و گردان ۳۸۴ توپخانه صحرایی در همان سال تأسیس و به آمار یگان‌های توپخانه لشکری مزید گردید و بدین ترتیب، تعداد گردان‌های توپخانه لشکری شامل پنج گردان و سازمان آن تکمیل گردید. برابر امریه‌های صادره از نیروی زمینی ارتش، این یگان نیز در نیمه دوم سال ۱۳۷۱ به منطقه سرزمینی خود در ایرانشهر رجعت نمود و پس از طرح ثامن‌الائمه، یگان‌های آن به تیپ‌های مستقل ۱۸۸، ۲۸۸، ۳۸۸ در سال ۱۳۹۰ تعدیل گردیدند.

صورت اسامی فرماندهان توپخانه لشکری لشکر ۸۸ زرهی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	بسمت	یگان
۱	سرهنگ	مهدی ترکیان	۱۳۶۴	۴ ماه	فرمانده	توپخانه لشکری
۲	سرهنگ	عباس پارساپور	۱۳۶۴	۲ سال و ۵ ماه	فرمانده	توپخانه لشکری
۳	سرهنگ	کاظم نشوادیان	۱۳۶۷	۳ سال	فرمانده	توپخانه لشکری
۴	سرهنگ	بیژن سیدجمالی	۱۳۷۰	۲ سال و ۳ ماه	فرمانده	توپخانه لشکری
۵	سرتیپ ۲	هاشمی زنوس	۱۳۷۲	۲ سال و ۳ ماه	فرمانده	توپخانه لشکری
۶	سرهنگ	هادی گوهری مقدم	۱۳۷۴	۱ سال و ۳ ماه	فرمانده	توپخانه لشکری
۷	سرهنگ	غلامرضا پارسامنش	۱۳۷۶	۱ سال و چهارماه	فرمانده	توپخانه لشکری
۸	سرهنگ	احمد شاه حیدری پور	۱۳۷۷	۳ سال و ۱ ماه	فرمانده	توپخانه لشکری
۹	سرهنگ	حسن پورسنجیده	۱۳۸۰	۸ ماه	فرمانده	توپخانه لشکری
۱۰	سرهنگ	علی نقی امیری	۱۳۸۱	۵ سال	فرمانده	توپخانه لشکری
۱۱	سرهنگ	حسین سبحانیان قاضی	۱۳۸۶	۳ سال	فرمانده	توپخانه لشکری
۱۲	سرهنگ	محمد حمید بهلولی	۱۳۸۸	۶ ماه	فرمانده	توپخانه لشکری

تاریخچه و نقش گردان ۳۵۶ توپخانه ۱۳۰ میلیمتری در دوران دفاع مقدس

گردان ۳۵۶ توپخانه در اول اردیبهشت ۱۳۶۲ با بکارگیری تعدادی از کارکنان گردان ۳۰۰ توپخانه و گردان ۳۷۹ پدافند هوایی در زاهدان، به فرماندهی سروان اصغر ابراهیم زاده تشکیل شد و پس از سازماندهی ستاد و آتشبار ارکان و یک آتشبار تیر، در اجرای دستورات صادره از نیروی زمینی و لشکر، به مقصد ایرانشهر حرکت و تا اول آذر ۱۳۶۴ نسبت به سازماندهی آتشبارهای تیر اقدام نمود و همزمان با اعزام توپخانه لشکری، به منطقه عملیاتی غرب (دشت دیره) جابه جا گردید. در منطقه عملیاتی، پس از استقرار و تحکیم مواضع با مأموریت

عمل کلی^۱ لشکر در صورت نیاز در مورد اجرای آتشبار دوربرد اقدام می نمود و در همان منطقه عملیاتی دشت دیره، این گردان پس از اجرای مأموریت در خاتمه همزمان با توپخانه لشکری به منطقه سومار و نفت شهر عزیمت نمود و در آنجا هم کمک مستقیم تیپ ۳ زرهی ایرانشهر قرار گرفت. گردان ۳۵۶ توپخانه در طول مدت استقرار چندساله در منطقه عملیاتی سومار، در ده ها تک هماهنگ و محدود به عنوان پشتیبانی آتش شرکت فعال و حضور چشمگیری داشت. در عملیات هایی چون کربلا ۶، تک سراسری عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و عملیات مرصاد نیز شرکت نمود. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ، تا فروردین ۱۳۶۹ در منطقه سومار مشغول دفاع بود و سپس به منطقه جنوب جابه جا گردید و تا سال ۱۳۷۷ مشغول حراست و مرزبانی از کیان ایران اسلامی بود، که برابر امریه صادره از نیروی زمینی ارتش، به منطقه سرزمینی ایرانشهر مراجعت نمود. بر اساس طرح ثامن الائمه در سال ۱۳۹۰، در تابعیت تیپ ۳۸۸ مستقل پیاده مکانیزه شهید سرتیپ حیدر شهرکی قرار گرفت.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۵۶ توپخانه از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سمت	یگان
۱	سروان	اصغر ابراهیمزاده	۱۳۶۲	۱۰ ماه	فرمانده	گردان ۳۵۶
۲	سروان	غلامرضا خزایی	۱۳۶۲	۲ سال و ۷ ماه	فرمانده	گردان ۳۵۶
۳	سرگرد	محمد یعقوبی	۱۳۶۵	۳ سال و ۹ ماه	فرمانده	گردان ۳۵۶
۴	سرگرد	محمود یعقوبی	۱۳۶۹	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۵۶
۵	سرگرد	غلامرضا پارسامنش	۱۳۷۱	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۵۶
۶	سرگرد	سعید توفیق آذر	۷۱	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۵۶
۷	سرهنگ ۲	محمد رضا کیافر	۷۴	۱ سال و ۱۰ ماه	فرمانده	گردان ۳۵۶
۸	سرگرد	عضدالدوله دیلمی	۱۳۷۶	۵ ماه	فرمانده	گردان ۳۵۶

۱. عمل کلی: توپخانه ای است که اجرای آتش آن توسط فرمانده یگانی هدایت و کنترل می گردد که از لحاظ سازمان متعلق به آن یگان بوده و یا مأمور می باشد.

۹	سرگرد	سید حبیب حسینی	۱۳۷۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۵۶
۱۰	سرگرد	حمیدرضا دزبانیان	۱۳۸۰	۴ سال	فرمانده	گردان ۳۵۶
۱۱	سرهنگ ۲	امیرعلی احمدفام	۱۳۸۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۵۶
۱۲	سرهنگ ۲	رضا رستمی	۱۳۸۶	۴ سال	فرمانده	گردان ۳۵۶

تاریخچه و نقش گردان ۳۷۹ پدافند هوایی ۲۳ میلیمتری در دوران دفاع مقدس

همزمان با شروع حمله عراق به ایران در ۱ مهر ۱۳۵۹، دستورالعمل تشکیل گردان ۳۷۹ پدافند از طریق نیروی زمینی ارتش به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان ابلاغ گردید، که مدت دو سال، یعنی تا مهر ۱۳۶۱ طول کشید تا گردان عملیاتی و از نظر تجهیزات و نیروی انسانی تکمیل گردید. در مدت زمان تجهیز و تکمیل گردان، مأموریت‌های جانبی در سطح استان سیستان و بلوچستان، از جمله تأمین سرتاسری از تأسیسات و منابع حیاتی (فرودگاه‌ها، سیلوی گندم، سد، شرکت نفت، نیروگاه‌ها) واگذار گردید. سلاح گردان تیربار ۱۴/۵ میلیمتری چهار لول کشتی به تعداد ۱۶ قبضه بود، که به مرور، توپ ۲۳م که سلاح سازمان اصلی گردان پدافند لشکر زرهی می‌باشد، واگذار گردید.

در اوایل سال ۱۳۶۰، تقریباً سازمان گردان تکمیل و مأموریت‌های عملیاتی آن آغاز شد. در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۶۰، یک آتشبار به استعداد هشت قبضه توپ ۲۳م به منظور شرکت در عملیات‌های آزادسازی آبادان به منطقه جنوب (ماهشهر) اعزام گردید. در اوایل اسفند ۱۳۶۰، یک دسته به تعداد چهار قبضه تیربار ۱۴/۵م به همراه گروه رزمی سلمان فارسی، اعزامی از لشکر به منطقه جنوب (رقابیه و میشداغ) اعزام شد. گردان به چهار آتشبار تیر و یک آتشبار ارکان با تجهیزات کامل ۸۰٪ تجهیز شد. محل استقرار گردان در زاهدان بوده و در عملیات‌های مهم و سرنوشت‌سازی، مانند عملیات ثامن‌الائمه، شکست حصر آبادان با یک آتشبار، عملیات فتح‌المبین و عملیات رمضان نیز با یک آتشبار شرکت و حضوری فعال داشته است. همزمان با عناصر باقیمانده لشکر ۸۸ زرهی به مناطق عملیاتی، تمام عناصر گردان به همراه لشکر از زاهدان به دشت دیره (سرپل ذهاب) اعزام گردید. همزمان با تشکیل توپخانه لشکری در سال ۱۳۶۴، پوشش هوایی کلیه یگان‌های لشکر تأمین و برقرار گردید؛ حتی عناصری از این گردان که در منطقه سیستان مستقر بود، به اهواز جابه‌جا گردید و مسئولیت

شرکت نفت آنجا را به عهده گرفت؛ تا اینکه بعد از اتمام جنگ در سال ۱۳۶۷، به یگان اصلی خود ملحق شد. یک آتشبار به همراه یک دسته پدافند در کلیه عملیات‌های انجام‌شده در منطقه جنوب شرکت داشته است. در ۲۱ بهمن ۱۳۶۳ یک آتشبار به عنوان کمک مستقیم هوایی تیپ ۱ زرهی زاهدان به مریوان نقل مکان نموده و همراه تیپ بوده است. در کلیه عملیات‌های انجام‌شده در منطقه سومار، پدافند هوایی یگان‌های لشکر به عهده این گردان بوده و شهدای بسیاری تقدیم اسلام و انقلاب نموده است. بعد از اتمام مأموریت از سومار در خرداد ۱۳۶۹ به منطقه جنوب نقل مکان نمود و کماکان مأموریت تعدادی از عناصر گردان تا سال ۷۷ ادامه داشت و همزمان با ابلاغ امریه نیروی زمینی ارتش، تمامی کارکنان در پایان سال ۷۷ به منطقه سرزمینی (ایران‌شهر) رجعت و مأموریت عملیاتی این گردان به پایان رسید.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۷۹ پدافند هوایی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سروان	محمد حیدری امین	۱۳۵۹	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۲	سرهنگ ۲	مهدی ترکیان	۱۳۶۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۳	سرگرد	حمیدرضا نیک‌زاد	۱۳۶۴	۵ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۴	سرگرد	محمد حیدری امین	۱۳۶۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۵	سرگرد	مهدی غلامی	۱۳۷۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۶	سرگرد	حبیب خاک‌نشین	۱۳۷۱	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۷	سرگرد	علیرضا سماخ	۱۳۷۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۸	سرهنگ ۲	امان‌اله ریگی	۱۳۷۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۹	سروان	حسین عزیزی	۱۳۷۶	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۱۰	سرگرد	حمیدرضا دزیانیا	۱۳۷۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۱۱	سرگرد	حسین رزم‌آرا	۱۳۸۰	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹
۱۲	سرهنگ	سید عیسی معافی مدنی	۱۳۸۲	۷ سال	فرمانده	گردان ۳۷۹

تاریخچه و نقش گردان ۳۰۰ توپخانه ۱۵۵ میلیمتری در دوران دفاع مقدس

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به دستور نیروی زمینی از ۱ تیر ۱۳۵۸ الی ۵ مرداد ۱۳۵۸، در گروه ۱۱ مراغه گردانی به نام ۳۸۱ توپخانه از عناصر گروه تشکیل گردید و پرسنل داوطلب آن به استعداد دو آتشبار به منطقه سیستان و بلوچستان منتقل شد و عملاً ستاد گردان و عناصر ارکان از هم پاشید، که بعداً از پرسنل رسته توپخانه موجود در یگان‌های نیروی زمینی تشکیل شد. سازمان گردان در اوایل سال ۱۳۵۹ تکمیل و با مأموریت کمک مستقیم تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در پادگان زاهدان مستقر گردید. برابر دستورالعمل نیروی زمینی ارتش، چون گردان ۳۸۱ مراغه تشکیل شده بود، این گردان به نام گردان ۳۰۰ توپخانه صحرائی نامگذاری گردید. به مرور، نسبت به کسورات پرسنلی و کمبود تجهیزات اقدام گردید و آموزش‌های مصوبه برابر دستورالعمل‌های صادره از نیروی زمینی آغاز شد. با آغاز جنگ تحمیلی، تعدادی از کارکنان آن به صورت داوطلبانه خود را به مناطق عملیاتی معرفی نموده و برابر امریه کتبی نیروی زمینی در اواخر سال ۱۳۶۰، یک آتشبار از گردان به منظور شرکت در عملیات فتح‌المبین در قالب گروه رزمی سلمان ۱ به منطقه جنوب (رقابیه و تنگ چزابه) اعزام و به فاصله هر چهار ماه، آتشبار در منطقه تعویض می‌شد. در ۱۵ مهر ۱۳۶۱، همزمان با اعزام گروه رزمی سلمان ۲ به منطقه میمک در غرب کشور، عناصر این گردان نیز به منطقه تغییر مکان داده و جابه‌جا شد. در ۲۷ مهر ۱۳۶۲، کلیه عناصر گردان از زاهدان جهت شرکت در عملیات والفجر ۴ عازم منطقه شمال غرب مریوان و در پشتیبانی عمومی تیپ ۳۰ گرگان قرار گرفت و پشتیبانی آتش از یگان‌های در خط را در اولویت قرار داد. اواخر سال ۱۳۶۴ گردان از مریوان عازم منطقه نفت‌شهر و سومار گردید و پشتیبانی از تیپ ۴۰ سراب و تیپ ۳ لشکر و گمجن عشایری را عهده‌دار گردید. با ورود لشکر به منطقه سومار در سال ۱۳۶۵، گردان کمک مستقیم تیپ زرهی زاهدان قرار گرفت و در کلیه عملیات‌های انجام شده در منطقه سومار حضور و شرکت فعال داشته است.

در فروردین ۱۳۶۹، به همراه لشکر عازم منطقه جنوب گردید و در اجرای امریه نیروی زمینی طرح رجعت در ۲۵ خرداد ۱۳۷۲، به منطقه سرزمینی زاهدان مراجعت نمود و مستقر گردید. گردان ۳۰۰ توپخانه در عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، والفجر ۴، کربلا ۶ و مرصاد شرکت فعال داشته و شهدای زیادی تقدیم اسلام و انقلاب نموده است.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۳۰۰ توپخانه ۱۵۵ میلیمتری

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	بسمت	یگان
۱	سرگرد	کامیابی	۱۳۵۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۲	سروان	محمد ابراهیم شریفی	۱۳۶۰	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۳	سروان	غلام محمد نخعی	۱۳۶۲	۸ ماه	فرمانده	گردان ۳۰۰
۴	سروان	محمد یعقوب یعقوبی	۱۳۶۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۵	سرهنگ ۲	محمد قلمکاری	۱۳۶۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۶	سرگرد	خسرو هدایتی	۱۳۶۵	۲ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۷	سرگرد	احمدی	۱۳۶۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۸	سرگرد	حمید فرهمندیان	۱۳۷۰	۴ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۹	سرگرد	علی گنابادی	۱۳۷۴	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۰	سرگرد	غلامرضا پژمان	۱۳۷۷	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۱	سرگرد	حسن غازیان شهرکی	۱۳۷۸	۵ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۲	سرهنگ ۲	حسن پیروزانفر	۱۳۸۳	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۳	سرهنگ ۲	کریم حیدری	۱۳۸۶	۳ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰
۱۴	سرهنگ ۲	جیردهی	۱۳۸۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۳۰۰

فصل ششم

تاریخچه و نقش پشتیبانی لشکر ۸۸ زرهی در دوران دفاع مقدس

یک شعار نظامی پذیرفته شده ای است که اکثر ارتش‌های دنیا آن را قبول دارند و در واقع پذیرفته اند، که: برای اینکه یک رزمنده در خط مقدم خوب و پیروز بجنگد، تعداد نه نفر باید آن را پشتیبانی و تدارک نمایند. واقعیت امر همین است که فرد رزمنده در خط مقدم نیاز به آب و غذا، سلاح، مهمات، ارتباط، ترابری، پشتیبانی آتش (زمینی، هوایی، دریایی)، اقلام دارویی، پوشاک، اقلام مهندسی و... و تداوم آن دارد. همه موارد ذکر شده توسط یگانی به نام پشتیبانی صورت می‌گیرد. نتیجه اینکه یگانی در جنگ موفق و پیروز است که دارای پشتیبانی قوی، مداوم و بموقع باشد. اواخر سال ۱۳۵۸ بعد از ارتقاء تیپ ۸۸ مستقل به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان، یگان پشتیبانی لشکر به استعداد اولیه یک گروهان ارکان، قرارگاه، یک گروهان آماد و خدمات از گردان آماد و ترابری تکمیل و گردان‌های بهداری، تعمیر و نگهداری و گروهان اداری به استعداد ۲۵٪ تشکیل شد، که به صورت رسمی فعالیت خود را در لشکر تازه تأسیس آغاز نمود. به تدریج، این یگان‌ها گسترش و توسعه پیدا کرده و وسایل و تجهیزات در اختیار یگان‌های پشتیبانی قرار گرفت و از اوایل سال ۱۳۶۱، کلیه قسمت‌ها و یگان‌های پشتیبانی لشکر با پرسنل نسبتاً محدود فعالیت را شروع و تمامی تدارک و پشتیبانی لشکر را به عهده گرفتند. فعالیت یگان پشتیبانی لشکر به قدری سریع و بموقع بود، که کلیه اقلام و اموال و دارایی لشکر را ثبت و ضبط و همزمان از همان روزهای آغاز جنگ و اعزام یگان‌ها به مناطق عملیاتی، تدارک بموقع و خوب انجام شده و هیچ مشکلی از نظر پشتیبانی نداشتند. به مرور زمان و با استقرار گردان‌های مستقل لشکر و همچنین، تیپ‌های ۱ و ۲ و ۳ و سایر عده‌های لشکر، که عمدتاً از سال ۱۳۶۴ به بعد، در منطقه عمومی سومار و نفت‌شهر تجمع شدند، یک پشتیبانی و تدارکات بسیار خوبی صورت گرفت و در واقع، یگان‌های تابعه یگان پشتیبانی لشکر نیز تکمیل گردید. در طی سال‌های جبهه و جنگ در مناطق عملیاتی و حتی بعد از آن، که بنا به ضرورت لازم بود، تعداد زیادی از یگان‌های لشکر تا سال ۱۳۷۲ و تعدادی تا سال ۱۳۷۵ و تعداد دیگری تا سال ۱۳۷۷ در منطقه ابقاء شده و قسمت اعظم لشکر به مناطق سرزمینی رجعت نمودند. کار پشتیبانی در دو قسمت مناطق عملیاتی و باقیمانده بایستی صورت می‌گرفت. مع الوصف پشتیبانی لشکر به نحو شایسته و مطلوب این کار مهم را به موقع انجام داد. یگان پشتیبانی همراه با یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی لشکر پا به پا در تمام مناطق عملیاتی حضوری فعال داشته و حقیقتاً تدارکاتی بی نظیر انجام داد. پس از رجعت، یگان‌های پشتیبانی لشکر به همراه یگان‌های سازمان تیپ ۱ در زاهدان، تیپ ۲ در خاش، تیپ ۳ و توپخانه لشکری در ایرانشهر و

یگان مستقل سوارزرهی در زابل مشغول به خدمات رسانی و تدارکات شدند. پس از طرح ثامن الائمه و اجرای آن در سال ۱۳۹۰، یگان پشتیبانی لشکر با تجهیزات و کارکنان بین یگان‌های سرزمینی تقسیم و سازماندهی گردیدند.

صورت اسامی فرماندهان پشتیبانی لشکر ۸۸ زرهی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سمت	یگان
۱	سرهنگ	جمشید نیکو	۱۳۵۸	۱ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۲	سرهنگ ۲	تمدن	۱۳۵۹	۱ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۳	سرهنگ	مرتضوی راد	۱۳۶۰	۱ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۴	سرهنگ	خدابخش حسین زهی	۱۳۶۱	۱ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۵	سرهنگ	محمد افشاری پور	۱۳۶۲	۳ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۶	سرهنگ	خدابخش حسین زهی	۱۳۶۵	۲ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۷	سرتیپ ۲	ماشاء اله نیک پور	۱۳۶۷	۱ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۸	سرهنگ	حسام الدین اصلانی	۱۳۶۸	۱ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۹	سرهنگ	علی یزدان پناه	۱۳۶۹	۲ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۰	سرهنگ	بیت اله فرزاد	۱۳۷۱	۲ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۱	سرهنگ	غلامعلی شیخ ویسی	۱۳۷۳	۱ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۲	سرهنگ	محمد یعقوب یعقوبی	۱۳۷۴	۲ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۳	سرهنگ	علی بهادری	۱۳۷۶	۳ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۴	سرهنگ	علی نظری فر	۱۳۷۹	۴ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۵	سرهنگ	ابوالفضل سلحشور	۱۳۸۳	۳ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۶	سرهنگ	سید محمد علوی	۱۳۸۶	۱ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۷	سرهنگ	حسین علی دوستی	۱۳۸۷	۲ سال	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۸	سرهنگ	کریم نعمتی	۱۳۸۹	۸ ماه	فرمانده	پشتیبانی لشکر
۱۹	سرهنگ	غلام حسن سیستانی	۱۳۸۹	۶ ماه	فرمانده	پشتیبانی لشکر

تاریخچه و نقش گردان ۶۲۳ آماد و ترابری در دوران دفاع مقدس

در سال ۱۳۵۸، همزمان با تشکیل پشتیبانی لشکر، گردان آماد و ترابری با استعداد یک گروهان آماد و خدمات تشکیل و شروع به کار نمود. به تدریج، این گردان تجهیزات و وسایل مورد نیاز خود را درخواست داده و دریافت نمود. در اوایل سال ۱۳۶۱، استعداد خود را به ۵۰٪ افزایش داد. پس از اینکه لشکر یگان‌های خود را به مناطق عملیاتی جنوب و غرب اعزام نمود، گردان آماد و ترابری پشتیبانی لشکر به مناطق عملیاتی اعزام و با تشکیل نقاط آمادی، وظیفه پشتیبانی از یگان‌های لشکر را به عهده گرفت. در راستای وظایف خطیر خود، در عملیات‌های مختلف که لشکر شرکت داشت، گردان آماد و ترابری وظیفه مهم جابه‌جایی یگان‌ها (نیرو، سلاح و مهمات) و تدارک آنها را اجراء نمود و باعث گردید که یگان‌های لشکر به نحو شایسته در عملیات شرکت نموده و برای این مرز و بوم افتخار و غرور ملی کسب نمایند. جابه‌جایی یگان‌های لشکر از منطقه سرزمینی به شمال غرب، غرب و جنوب کشور، مخصوصاً ادوات و تجهیزات و انواع سلاح و مهمات کار بسیار مهم و در عین حال، مشکل و سختی است که بارها و به دفعات، توسط گردان آماد و ترابری در طول سال‌های جبهه و جنگ صورت گرفت.

پس از استقرار لشکر در منطقه گیلانغرب، گردان آماد و ترابری نیز به همراه پشتیبانی لشکر به این منطقه اعزام گردید و سپس به همراه لشکر به منطقه سومار و پس از مدتی به منطقه جنوب (فکه) عزیمت نمود. خدمات ارزنده گردان در تحرک و جابه‌جایی یگان‌ها ستودنی و قابل ذکر است.

در آبان‌ماه ۱۳۷۱، هنگام اجرای طرح رجعت، گردان به منطقه سرزمینی خود در استان سیستان و بلوچستان عزم نمود و در یادگان زاهدان مستقر گردید.

در سال ۱۳۹۰، در پی اجرای طرح ثامن‌الائمه در خردادماه، پس از استقلال تیپ ۳۸۸ مستقل ایرانشهر، گروهان سوم از گردان آماد و ترابری انتزاع یافته و زیر امر این تیپ قرار گرفت و در ۱۵ آبان ۱۳۹۰ نیز، گروهان دوم از گردان جدا شد و جزء سازمان تیپ ۲۸۸ مستقل خاش قرار گرفت. در ۱ اسفند ۱۳۹۱، سازمان آن حذف و استعداد آن به صورت مساوی ۱/۳ به تیپ‌های مستقل جهت تشکیل گردان‌های پشتیبانی تقسیم و اختصاص یافت.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۶۲۳ آماد و ترابری از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	بسمت	یگان
۱	سرگرد	صدیقی	۱۳۶۲	۳ سال	فرمانده	گردان ۶۲۳
۲	سرهنگ ۲	توپچی	۱۳۶۵	۵ سال	فرمانده	گردان ۶۲۳
۳	سروان	داورپناه	۱۳۷۰	۵ سال	فرمانده	گردان ۶۲۳
۴	سرهنگ ۲	رضایی	۱۳۷۵	۵ سال	فرمانده	گردان ۶۲۳
۵	سرهنگ ۲	نظری	۱۳۸۰	۳ سال	فرمانده	گردان ۶۲۳
۶	سرگرد	عباس محمودی	۱۳۸۳	۴ سال	فرمانده	گردان ۶۲۳
۷	سرهنگ	غلامعلی خمیری	۱۳۸۷	۲ سال	فرمانده	گردان ۶۲۳
۸	سرهنگ ۲	فرشید حسینی	۱۳۸۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۶۲۳
۹	سرهنگ ۲	علی حسینی	۱۳۹۰	۲ سال	فرمانده	گردان ۶۲۳

تاریخچه و نقش گردان ۶۱۹ بهداشت و درمان در دوران دفاع مقدس

اواخر سال ۱۳۵۸ گردان بهداشت و درمان به استعداد حدود ۲۵٪ تشکیل و به طور رسمی خدمات درمانی را شروع نمود. به تدریج این گردان تجهیز شد، وسایل و تجهیزات لازم را در اختیار گرفت و در اوایل سال ۱۳۶۱ استعداد و سازمان گردان به ۵۰٪ ارتقاء و پشتیبانی از یگان‌های لشکر را به عهده گرفت. همزمان با اعزام یگان‌های لشکر به مناطق عملیاتی این گردان با پشتیبانی لشکر به منطقه عملیاتی اعزام و با برپایی و تشکیل اورژانس و بهداری یگان‌های لشکر را پشتیبانی می‌نمود.

پس از اینکه لشکر در منطقه گیلانغرب (دشت دیره) مستقر گردید، گردان بهداشت و درمان نیز به همراه سایر گردان‌های پشتیبانی به منطقه مذکور اعزام گردید و از آنجا به همراه لشکر به منطقه سومار عزیمت نمود و خدمات درمانی و پزشکی بسیار زیادی را برای رزمندگان لشکر ۸۸، اعم از درمان، اعزام، بستری، مداوای مجروحان و مصدومین طی سال‌های دوران دفاع مقدس به نحو شایسته و مطلوبی را فراهم نمود. اوایل سال ۱۳۶۹ به سمت جنوب

(شوش) عزم نمود. این گردان در آبان ۱۳۷۱ در پی اجرای طرح رجعت به منطقه سرزمینی خود در استان سیستان و بلوچستان مراجعت نمود و در پادگان زاهدان مستقر گردید. در سال ۱۳۹۰، در پی طرح ثامن الائمه در خردادماه، گروهان سوم بهداشت و درمان از گردان انتزاع یافته و جزء گردان پشتیبانی تیپ ۳۸۸ قرار گرفت. همچنین، در ۱۵ آبان ۱۳۹۰، گروهان دوم نیز به سازمان تیپ ۲۸۸ مستقل خاش اضافه و از گردان بهداشت و درمان جدا گردید. در ۱ اسفند ۱۳۹۱، سازمان آن حذف و استعداد آن به صورت مساوی ۱/۳ به تیپ‌های مستقل جهت تشکیل گروهان‌های بهداشت و درمان تقسیم و اختصاص یافت.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۶۱۹ بهداشت و درمان از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سمت	یگان
۱	سرهنگ ۲	ابراهیم شادوند	۱۳۶۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۲	سروان	اعتمادی	۱۳۶۶	۲ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۳	سرگرد	غیاثوند	۱۳۶۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۴	سرگرد	محمدعلی صادق بختیاری	۱۳۷۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۵	سروان	کمالی	۱۳۷۱	۱ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۶	سرهنگ ۲	قاسمی	۱۳۷۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۷	سرگرد	درویشی	۱۳۷۴	۳ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۸	سرگرد	دادرس	۱۳۷۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۹	سرهنگ ۲	درویشی	۱۳۸۰	۵ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۱۰	سرهنگ ۲	مهرداد رحیم‌آبادی	۱۳۸۵	۵ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹

تاریخچه و نقش گردان ۶۲۴ نگهداری و تعمیر در دوران دفاع مقدس

گردان ۶۲۴ تعمیر و نگهداری همزمان با تشکیل لشکر در سال ۱۳۵۸ با استعدادی در حدود ۲۵٪ تشکیل شد و وظایف نگهداری و تعمیر را بر عهده گرفت. به تدریج، با واگذاری وسایل و تجهیزات تا سال ۱۳۶۱، سازمان و تجهیزات گردان ۳۵٪ افزایش یافت. گردان جهت تعمیر و نگهداری و حاضرکاری کلیه خودروها، ادوات، سلاح و تجهیزات، اقلام مخابراتی و... وظیفه بسیار بزرگی بر عهده داشت که حقیقتاً با توجه به کمبود نیروی انسانی و تعمیرکاران تخصصی، اکثر مشکلات را برطرف و نیازهای عملیاتی یگان‌ها را مرتفع می‌نمود.

هنگامی که لشکر با یگان‌های تابعه خود عازم مناطق عملیاتی غرب و جنوب کشور گردید، گردان تعمیر و نگهداری نیز به همراه پشتیبانی لشکر عازم این مناطق و با تأسیس نقاط تعمیراتی و پشتیبانی بموقع، باعث تسهیل و تسریع مأموریت‌های محوله لشکر گردید. این فعالیت چشمگیر گردان باعث شد تا یگان‌های تابعه لشکر برای اجرای عملیات‌ها و مأموریت‌ها در خطوط پدافند مشکل خاصی نداشته باشند.

در زمان استقرار لشکر در منطقه گیلانغرب (دشت دیره) گردان تعمیر و نگهداری نیز به این منطقه اعزام و سپس همراه لشکر به منطقه سومار و نفت‌شهر جابه‌جا گردید. در طی سال‌های دفاع مقدس، خدمات و فعالیت‌های این گردان آن قدر زیاد بود که اکثر یگان‌های تابعه لشکر هیچ مشکلی نداشتند و از آنجا به منطقه فکه عزیمت نمود. در آبان ۱۳۷۱، در پی اجرای طرح رجعت گردان، به همراه سایر یگان‌های لشکر به منطقه سرزمینی مراجعت نمود و در پادگان زاهدان مستقر گردید. با اجرای طرح ثامن‌الائمه در سال ۱۳۹۰، در هنگام استقلال تیپ ۳۸۸ ایرانشهر گروهان سوم تعمیر و نگهداری از گردان منفک و جزء سازمان این تیپ قرار گرفت و در ۱۵ آبان ۱۳۹۰، به دنبال استقلال تیپ ۲۸۸ خاش نیز گروهان دوم تعمیر و نگهداری به سازمان گردان پشتیبانی تیپ اضافه گردید. در ۱ اسفند ۱۳۹۱، سازمان آن حذف و استعداد آن به صورت مساوی ۱/۳ بین تیپ‌های مستقل جهت تشکیل گردان‌های پشتیبانی تقسیم و اختصاص یافت.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۶۴۶ تعمیر و نگهداری از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	سیمت	یگان
۱	سروان	خدابخش حسین زهی	۱۳۵۹	۲ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۲	سروان	منوچهر عزیزی	۱۳۶۱	۸ سال	فرمانده	گردان ۶۱۹
۳	سرگرد	محمد رضا خزائی	۱۳۶۹/۲	۱ سال و ۹ ماه	فرمانده	گردان ۶۱۹
۴	سرهنگ	دوست محمد مصطفایی	۱۳۷۰/۱۱	۷ سال و ۴ ماه	فرمانده	گردان ۶۱۹
۵	سرگرد	غلامحسین نظری	۱۳۷۷/۳	۱ سال و ۹ ماه	فرمانده	گردان ۶۱۹
۶	سروان	مسعود چنگیزی	۱۳۷۸/۱۱	۷ ماه	فرمانده	گردان ۶۱۹
۷	سرگرد	علی شعبان	۱۳۷۹/۵	۴ سال و ۱۶ روز	فرمانده	گردان ۶۱۹
۸	سرگرد	علی ابراهیم زاده	۱۳۸۳/۶	۱ سال و ۱۱ ماه	فرمانده	گردان ۶۱۹
۹	سرگرد	حبیب کمالی	۱۳۸۵/۵	۴ سال و ۷ ماه	فرمانده	گردان ۶۱۹

فصل هفتم

تاریخچه و نقش گردان مستقل ۷۳۸ تکاور در دوران دفاع مقدس

در اجرای دستورالعمل ابلاغی از نیروی زمینی ارتش در خرداد ۱۳۶۲، گردان‌های قدس در سطح یگان‌های عمده نیروی زمینی تشکیل شد، که بعدها به گردان‌های ردیف ۷۰۰ تبدیل و سازماندهی گردید. گردان ۱۹۳۵ قدس نیز یکی از چهار گردان قدسی بود که در سطح لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در خرداد ۱۳۶۲ از پرسنل یگان‌های توپخانه لشکری و سایر یگان‌ها در زاهدان تشکیل شد و در اولین مأموریت به منطقه عملیاتی سردشت اعزام گردید و پس از مدتی اجرای مأموریت پدافندی، مجدداً در اسفندماه همان سال به زاهدان بازگشت و سپس با پرسنل جدید سازماندهی شده و به منطقه سردشت زیر امر تیپ ۳ لشکر ۶۴ ارومیه به عنوان یک یگان پدافندی قرار گرفت. در بهمن ۱۳۶۲، با اعزیمت به زاهدان و تجدید سازمان به منطقه عملیاتی سمنج و مریوان اعزام گردید و طی مدت استقرار در پایگاه‌های متعدد، با گروه‌های معاند ضدانقلاب، کومله و دمکرات از نظام، ملت و کیان ایران اسلامی حراست و نگهبانی نمود.

در مهر ۱۳۶۴، پس از اجرای مأموریت محوله به زاهدان بازگشت. پس از تجدید سازمان، به منطقه سقز و بانه اعزیمت نمود و در اردیبهشت ۱۳۶۵ نیز، پس از چند ماه، مجدداً برای بازسازی و تجدید سازمان به زاهدان رجعت نمود و مجدداً به منطقه قصرشیرین و از آنجا به سومار اعزام گردید و مأموریت‌های مختلف محوله را با تلاش و ایثار و مقاومت جانانه‌ای به انجام رساند و در مهر همان سال، برابر امریه نیروی زمینی، این گردان به ۷۳۸ تکاور تغییر نام داده و جزء گردان‌های مستقل لشکر قرار گرفت. این گردان در تمامی عملیات‌هایی که در مناطق شمال غرب و غرب، بویژه سومار انجام گرفت، حضور و شرکت فعال داشت و افتخارات زیادی آفرید. در اردیبهشت ۱۳۶۹، همزمان با سایر یگان‌های لشکر به منطقه جنوب (شوش) اعزام و در آنجا مستقر گردید.

در سال ۱۳۷۷، گردان به منطقه سرزمینی خود در زاهدان مراجعت نمود و در پادگان زاهدان مستقر و مشغول انجام وظیفه گردید. در ۱ مرداد ۱۳۹۲، در راستای طرح ثامن الائمه، به تیپ ۲۵۸ تکاور چهل دختر اعزام و اختصاص یافت.

صورت اسامی فرماندهان گردان ۷۳۸ تکاور از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	بسمت	یگان
۱	سروان	محمدحسین علیزاده	۱۳۶۴/۱۲/۱	۳ ماه	فرمانده	گردان ۷۳۸
۲	سرهنگ	حکیم یاراحمدزهی	۱۳۶۹/۲	۳ ماه	فرمانده	گردان ۷۳۸
۳	سرهنگ	دادمحمد کردی	۱۳۶۹/۵	۴ ماه	فرمانده	گردان ۷۳۸
۴	سرگرد	محمد رهدار	۱۳۶۹	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۳۸
۵	سروان	غلامحسین زرگر	۱۳۷۱/۱	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۳۸
۶	سرگرد	اکبر کوچک پور	۱۳۷۱/۱۲/۸	۴ ماه	فرمانده	گردان ۷۳۸
۷	سرگرد	غلامحسین نادرخویی	۱۳۷۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۳۸
۸	سروان	بیداله خانی	۱۳۷۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۷۳۸
۹	سروان	حاجی حسن اصغری	۱۳۷۶	۳ سال	فرمانده	گردان ۷۳۸
۱۰	سرهنگ	منصور خمیری	۱۳۷۶/۶	۸ ماه	فرمانده	گردان ۷۳۸
۱۱	سرهنگ	وجیه‌اله جمشیدی	۱۳۸۰	۳ سال	فرمانده	گردان ۷۳۸
۱۲	سرهنگ	فرامرز کارگر	۱۳۸۳	۳ سال	فرمانده	گردان ۷۳۸
۱۳	سرگرد	محمود محمودی	۱۳۸۶	۳ سال	فرمانده	گردان ۷۳۸
۱۴	سرگرد	نگهدار عسگری	۱۳۸۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۷۳۸

فصل هشتم

تاریخچه و نقش گردان مستقل ۲۱۲ سوارزهی در دوران دفاع مقدس

گردان ۲۱۲ سوارزهی در سال ۱۳۵۲ در اهواز سازماندهی و به پادگان پل کرخه جهت آموزش و استقرار موقت اعزام گردید و تا سال ۱۳۵۵ در آنجا استقرار داشت. در سال ۱۳۵۸، به لشکر ۸۸ زهی سیستان و بلوچستان اختصاص یافت و در زابل مستقر گردید. پس از شروع جنگ تحمیلی، پرسنل گردان داوطلبانه به عنوان خدمه تانک به لشکر ۹۲ زهی خوزستان و سایر یگانها اعزام گردیده و سپس در گروه رزمی سلمان نیز در عملیاتهای مختلف شرکت نمودند. با اعزام لشکر در ۱ آذر ۱۳۶۴ به منطقه گیلانغرب (دشت دیره)، این گردان نیز با تمام وسایل و تجهیزات، به آن منطقه عزیمت نمود و از ۶ بهمن ۱۳۶۵ به منطقه سومار اعزام شد و در خط پدافندی (ملاجعفر - میان تنگ - کانی شیخ) مستقر گردید و در عملیاتهای مختلف در منطقه سومار، مخصوصاً عملیات ۳۱ تیر ۱۳۶۷ در مقابل تیپ ۳۶۶ عراق پایمردی نمود و از خود رشادتها و جانفشانیهای زیادی نشان داد، که باعث شد فرمانده تیپ دشمن بنا به دستور صدام اعدام گردد.

در عملیات مرصاد، در محور اسلامآباد غرب شرکت نمود. با توجه به نوع مأموریت این گردان (اخذ تماس با دشمن)، به خوبی ضمن اجرای مأموریت محوله، حتی سالها در خطوط پدافندی به جای یگانهای پیاده نظام و مکانیزه مشغول دفاع و حراست از این مرز و بوم بود. گردان سوارزهی در طی دوران دفاع مقدس در مقابل ارتش عراق، مخصوصاً دفع تکههای آن و بویژه عملیات سراسری ۳۱ تیر ۱۳۶۷ در سومار و منطقه میان تنگ آن قدر ایستادگی و جانفشانی نمود که ارتش عراق تا غروب آن روز نتوانست از مسیر و منطقه مسئولیت آن گردان پیشروی کند و بعد از اسارت فرمانده گردان (سرگرد بیژن نوژن) و تعداد دیگری از رزمندگان، توانست از آن مسیر عبور و پیشروی نماید.

در فروردین ۱۳۶۹، به منطقه جنوب جابه جا گردید و سپس برابر امریه صادره، در آبان ۱۳۷۱ به منطقه سیستان رجعت نمود.

برابر طرح ثامن الائمه در سال ۱۳۹۰، در بین تیپهای مستقل تعدیل و مشغول انجام وظیفه می باشد.

صورت اسامی فرماندهان گردان مستقل ۲۱۲ سوارزره‌ی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	بسمت	یگان
۱	سرهنگ ۲	منوچهر ماجویی	۱۳۵۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۲	سرگرد	یعقوب احمدیگی	۱۳۶۰	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۳	سرگرد	احمد رستمی	۱۳۶۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۴	سرگرد	محمد عسکری	۱۳۶۴	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۵	سرهنگ ۲	قاسم منتظری	۱۳۶۵	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۶	سرهنگ ۲	احمد باتمان فلیچ	۱۳۶۶	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۷	سرگرد	بیژن نوژن	۱۳۶۷	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۸	سرهنگ ۲	حاج بابا باغبان شاکر	۱۳۶۸	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۹	سرگرد	نصرت‌اله دهمرده	۱۳۷۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۱۰	سرهنگ ۲	حیدر شهرکی	۱۳۷۱	۶ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۱۱	سرهنگ ۲	محمد رضایی	۱۳۷۷	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۱۲	سرهنگ	قربان جمشیدپور	۱۳۷۹	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۱۳	سرهنگ ۲	جواد ملائی	۱۳۸۲	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۱۴	سرهنگ ۲	غلامحسین شهرکی	۱۳۸۴	۲ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۱۵	سرهنگ ۲	خدامراد سرگزی	۱۳۸۶	۱ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲
۱۶	سرهنگ ۲	علی راه انجام	۱۳۸۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۲۱۲

فصل نهم

تاریخچه و نقش گردان مستقل ۴۱۹ مهندسی در دوران دفاع مقدس

گردان ۴۱۹ مهندسی در سال ۱۳۵۲ در مراغه و از پرسنل گردان ۴۱۷ با تعدیل و برداشت از سایر یگان‌ها تشکیل گردید و پس از مدت شش ماه، تجهیزات آن با تعداد دو گروهان تکمیل و در سال ۱۳۵۴، کاملاً برابر جدول سازمان، سازماندهی و در خرداد ۱۳۶۱، از گروه مراغه جدا و به لشکر ۸۸ زرهی سیستان و بلوچستان اختصاص یافت. قبل از ورود گردان به لشکر، پرسنل آن داوطلبانه در عملیات‌های نامنظم چریکی در منطقه دشت عباس و دهلاویه فعالیت داشتند و یک گروهان نیز در پشتیبانی گروه رزمی سلمان در مناطق عملیاتی جنوب، که در عملیات‌های فتح‌المبین و... شرکت داشت، همراه بوده و یک گروهان تا سال ۱۳۶۴ در پشتیبانی لشکر ۳۰ گرگان و تیپ ۱ زاهدان در منطقه عملیاتی مریوان- پنجوین فعالیت مستمر داشته و نسبت به ایجاد میدین مین و موانع و برداشت موانع خنثی‌سازی مین و تله‌های انفجاری فعالیت نمود. بعد از اعزام لشکر به منطقه سومار و نفت‌شهر، تعداد زیادی از پرسنل کادر و وظیفه این یگان به همراه سایر یگان‌های در خط مقدم به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

تلاش‌های گردان مهندسی لشکر در دوران دفاع مقدس کم‌نظیر است؛ از جمله:

۱. احداث جاده‌های مواصلاتی برای کلیه یگان‌ها، حتی در خطوط مقدم، احداث خاکریزهای دولایه برای یگان‌های در خط، احداث مواضع تانک، توپخانه، زاغه مهمات، سوله‌های اورژانس و...

۲. تهیه و شناسایی مکان و برداشت آب شرب برای کلیه یگان‌های در خط و پشت خط.

۳. خنثی‌سازی میدین مین و تله‌های انفجاری برای عملیات‌های تک محدود و گسترده در شب‌های عملیات.

۴. مین‌گذاری و احداث موانع در جلو نیروی خودی و دشمن در زیر دید و تیر آتش دشمن، که کاری بس سخت و مشکل بود.

۵. احداث پل، سایت و...

۶. پاکسازی میدین مین و تله‌های انفجاری و سیم خاردار بجا مانده از دشمن در منطقه فکه و سومار از سال ۱۳۷۰ تاکنون، که همچنان ادامه دارد و اینک دو گروهان مهندسی و گروهان ارکان در سومار مشغول پاکسازی و خنثی‌سازی مین و تله‌های انفجاری می‌باشند، که تعدادی شهید و جانباز تقدیم نظام و خانواده بزرگ ارتش نموده است.

برابر طرح ثامن‌الائمه، یک سوم استعداد گردان بین گروهان‌های مستقل تیپ‌ها تقسیم و باقیمانده عناصر گردان به هسته اصلی گروه ۴۵۵ مهندسی کرمان اختصاص یافته است.

صورت اسامی فرماندهان گردان مستقل ۴۱۹ مهندسی از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	بیمت	یگان
۱	سرهنگ ۲	مصطفی عمادی	۱۳۵۲/۴	۲ سال و ۳ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۲	سرهنگ ۲	احمد ساعی	۱۳۵۴/۷	۲ سال	فرمانده	گردان ۴۱۹
۳	سرگرد	ناصر مروج	۱۳۵۶/۷	۱ سال و ۴ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۴	سرگرد	داود علیزاده	۱۳۵۷/۱۱	۴ سال و ۱۰ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۵	سروان	احمد میری بنجار	۱۳۶۲/۹	۲ سال و ۱۰ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۶	سرگرد	حسن اقبالی	۱۳۶۵/۷	۳ سال	فرمانده	گردان ۴۱۹
۷	سرهنگ ۲	حسن میری بنجار	۱۳۶۸/۷	۲ سال و ۲ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۸	سرهنگ ۲	غلامرضا شیخ ویسی	۱۳۷۰/۹	۲ سال و ۲ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۹	سرگرد	غلامرضا کاووسی	۱۳۷۲/۱۱	۱ سال و ۴ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۱۰	سرهنگ ۲	حبیب اله آبادی	۱۳۷۴/۳	۱ سال و ۵ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۱۱	سروان	عبدالرضا نگارستانی	۱۳۷۵/۸	۲ سال و ۱۰ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۱۲	سرگرد	علی حسن زاده اینانلو	۱۳۷۸/۶	۳ سال و ۹ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۱۳	سرگرد	نصراله فلاح	۱۳۸۲/۳	۲ سال و ۳ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۱۴	سرگرد	عبداله یعقوب زاده	۱۳۸۴/۶	۱ سال و ۳ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۱۵	سرگرد	فرامرز تیمورنیا	۱۳۸۵/۹	۱ سال و ۹ ماه	فرمانده	گردان ۴۱۹
۱۶	سرگرد	رمضان سنجولی	۱۳۸۷/۶	۳ سال	فرمانده	گردان ۴۱۹

فصل دهم

تاریخچه و نقش گردان مستقل ۴۱۲ مخابرات در دوران دفاع مقدس

یگان مخابرات در ارتش همانند سلسله اعصاب در پیکره بدن یک انسان محسوب می‌شود. اگر در بدن انسان سیستمی به عنوان اعصاب فرماندهی نکند، آن جسم و بدن شیء متحرکی بیش نیست. مخابرات و ارتباطات در یگان نظامی مهم‌ترین عامل محسوب می‌گردد، که با تقویت آن، یگان تقویت و با تضعیف آن یگان مختل و بلا تکلیف می‌ماند.

گردان ۴۱۲ مخابرات در ۲ مرداد ۱۳۵۹ به سرپرستی سروان (سرلشکر شهید) غلام‌محمد مظاهری در زاهدان به عنوان هسته اولیه مخابرات لشکر ۸۸ زرهی تأسیس گردید. ابتدا ستاد گردان به استعداد ۵ نفر در یک کانکس در جلو مسجد فعلی لشکر مشغول کار و فعالیت گردید. با واگذاری تعداد پرسنل کادر و وظیفه در سال ۱۳۶۰، گروهان عملیات فرماندهی سازماندهی و در سال ۱۳۶۱، با افزایش پرسنل واگذاری گروهان عملیات جلویی رسماً تشکیل گردید. پس از مدتی در سال ۱۳۶۲، دو نفر افسر ارشد به گردان ۴۱۲ مخابرات واگذار گردید. سرگرد فریوراد به عنوان فرمانده و سرگرد ولی‌پور به عنوان جانشین گردان منصوب گردیدند. در سال ۱۳۶۳، کلیه پرسنل و تجهیزات گردان در قالب دو گروهان عملیات فرماندهی و جلویی به محل فعلی گردان جابه‌جا گردید و همچنین، گروهان ارکان گردان نیز در همان سال تشکیل گردید.

در ۱ آذر ۱۳۶۴، گردان مخابرات به همراه لشکر ۸۸ به منطقه عملیاتی غرب (دشت دیره) اعزام گردید و همزمان دسته‌های یکم و سوم جلویی به سرپرستی ستوان قمری و قدیری سازماندهی و به تیپ یکم در منطقه عملیاتی مریوان و تیپ سوم منطقه عملیاتی سومار اعزام شدند.

برای اولین بار ارتباط تاکتیکی توسط گردان مخابرات در سطح لشکر و تیپ‌های تابعه برقرار گردید. سرگرد غلام‌محمد مظاهری در منطقه عملیاتی غرب (سومار) فرماندهی گردان را به عهده داشت، که در تک شیمیایی دشمن در ۱۶ مهر ۱۳۶۷ به درجه رفیع شهادت نائل گردید. در دی ۱۳۷۱، برابر امریه رده بالا، گردان مخابرات به همراه لشکر ۸۸ از منطقه عملیاتی به مکان سرزمینی (زاهدان) بازگشت. برابر طرح ثامن الائمه، در ۱ اسفند ۱۳۹۱ سازمان آن حذف و استعداد آن به صورت مساوی ۱/۳ به تیپ‌های مستقل جهت تشکیل گروهان‌های فاوا تقسیم و اختصاص یافت.

صورت اسامی فرماندهان گردان مستقل ۴۱۲ مخابرات از بدو تشکیل تا سال ۱۳۹۰

R	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	مدت انتصاب	بسمت	یگان
۱	سروان	غلاممحمد مظاهری	۱۳۵۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۲	سرگرد	فرشید لاترانی	۱۳۶۰	۱ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۳	سرگرد	فریور فریورراد	۱۳۶۱	۲ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۴	سرهنگ ۲	عباس امینی	۱۳۶۳	۳ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۵	سرگرد	غلاممحمد مظاهری	۱۳۶۶	۱ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۶	سرهنگ ۲	بیژن مرادی	۱۳۶۷	۴ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۷	سرگرد	جعفر ایرانزاده	۱۳۷۱	۲ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۸	سرهنگ ۲	محمد هدایتی پور	۱۳۷۳	۱ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۹	سرهنگ ۲	محمدحسین شاه بیگی	۱۳۷۴	۵ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۱۰	سرگرد	ارسلان شهرکی	۱۳۷۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۱۱	سرهنگ ۲	سلطان جعفرنژاد	۱۳۸۰	۶ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۱۲	سرهنگ ۲	غلامرضا هزاری	۱۳۸۶	۳ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲
۱۳	سرگرد	حمیدرضا روستا	۱۳۸۹	۱ سال	فرمانده	گردان ۴۱۲

فصل یازدهم

تعدادی از عملیات‌های لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

در هشت سال دفاع مقدس

ردیف	نام عملیات	تاریخ اجراء	یگان‌های شرکت‌کننده	منطقه عملیات
۱	عملیات فتح‌المبین	۶۱/۱/۲	گروه رزمی سلمان فارسی ۱ (گد ۱۹۷ مکانیزه و یک آتشبار از گد ۳۰۰ توپخانه) زیر امر ل ۹۲ زرهی و تحت کنترل عملیاتی تی ۵۵ هوابرد	منطقه عمومی (غرب دزفول و شوش - میشداغ - زمین‌های رملی - ارتفاعات الله اکبر)
۲	عملیات بیت‌المقدس	۶۱/۲/۱۰	گروه رزمی سلمان فارسی ۱ (گد ۱۹۷ مکانیزه و عناصری از سایر یگان‌های لشکر) زیر امر تی ۵۵ هوابرد	در جنوب (جاده خرمشهر به اهواز - پادگان حمید)
۳	عملیات رمضان	۶۱/۴/۲۲	گروه رزمی سلمان فارسی ۲ (گد ۱۹۶ مکانیزه + یک گروهان از گد ۲۵۵ تانک و یک آتشبار از گد ۳۰۰ توپخانه) زیر امر تی ۴۰ سراب	جاده خرمشهر - اهواز، کوشک و جفیر
۴	عملیات والفجر ۳	۶۲/۵/۷	در قالب گروه رزمی سلمان ۳ (گد ۱۶۱ پیاده و عناصری از یگان‌های تابعه لشکر)	منطقه مهران (قلاویزان و کله قندی)
۵	عملیات آفندی والفجر ۴	۶۲/۷/۲۷	گروه رزمی سلمان ۴ (گروه رزمی ۱۵۷ و ۲۵۵ تانک و عناصری از توپخانه)	شمال‌غربی مریوان (پنجوبین عراق)
۶	عملیات آفندی ظفر ۶	۶۴/۴/۲۵	تی ۱ (گد ۱۹۶ مکانیزه)	منطقه شمال‌غرب مریوان (دره میانه)

۷	عملیات آفندی ظفر ۶	۶۴/۵/۱۷	گد ۱۵۶ پیاده تی ۱ ل ۸۸ زرهی + گد ۱۷۰ ل ۳۰ پیاده	منطقه عمومی مریوان (سنگ معدن و خرما)
۸	عملیات آفندی ظفر ۶	۶۴/۶/۶	گد ۱۵۷ تی ۱ ل ۸۸ زرهی + دو دسته از گد ۱۷۰ و ۱۸۸ ل ۳۰ پیاده	منطقه عمومی مریوان (چوراتا)
۹	عملیات آفندی ظفر ۶	۶۴/۸/۲	گد ۱۵۶ پیاده	منطقه عمومی مریوان (روکان)
۱۰	عملیات آفندی ظفر ۶	۶۴/۸/۴	گد ۱۹۶ مکانیزه	منطقه عمومی مریوان (کانی شایان)
۱۱	عملیات آفندی ظفر ۲ و ۳	۶۴/۸/۱۵	گد ۱۵۶ پیاده + گد ۱۹۶ مکانیزه و عناصری از گد ۳۰۰ توپخانه	منطقه عمومی مریوان (بانی بنوک و دره میانه)
۱۲	عملیات آفندی ظفر ۶	۶۴/۸/۱۶	گد ۱۹۶ مکانیزه	منطقه عمومی مریوان (پنجوین عراق)
۱۳	عملیات آفندی ظفر ۸	۶۴/۷/۳	گروه رزمی گد ۱۵۷ و عناصری از توپخانه	منطقه عمومی سومار
۱۴	عملیات آفندی سانوپا	۶۴/۸/۱۵	یگان‌هایی از تی ۳	منطقه عمومی سومار
۱۵	نصر ۱۲	۶۴/۸/۱۰	گد ۱۶۱ پیاده و عناصری از تی ۲ ل ۸۸ زرهی	منطقه سومار
۱۶	عملیات پدافندی دفع تک دشمن در ارتفاعات کهنه‌ریگ	۶۵/۱/۲۲	یگان‌های تی ۳ ل ۸۸ زرهی (گد ۱۹۷ مکانیزه و ۷۶۴ پیاده و یک آتشبار از گد ۳۰۰ توپخانه)	منطقه عمومی سومار
۱۷	عملیات آفندی (نصرت) کربلا ۶	۶۵/۱۰/۲۳	یگان‌هایی از ل ۸۸ زرهی با سایر یگان‌های نیروی زمینی ارتش	منطقه عمومی نفت‌شهر و سومار

منطقه عمومی سومار	یگان‌هایی از تی ۲ ل ۸۸ زرهی (گد ۱۵۷ پیاده) یگان‌هایی از تی ۱ ل ۸۸ زرهی (گد ۱۹۶ مکانیزه) توپخانه لشکری	۶۶/۴/۲۶	عملیات پدافندی دفع تک دشمن در ارتفاع ۴۰۲ و کهنه‌ریگ	۱۸
منطقه عمومی سومار	یگان‌هایی از تی ۲ ل ۸۸ زرهی + گد ۱۹۶ مکانیزه از تی ۱ زرهی ل ۸۸ زرهی	۶۷/۳/۲	عملیات پدافندی دفع تک دشمن در سانوایا و ارتفاع ۴۰۲	۱۹
منطقه عمومی سومار، نفت‌شهر	کلیه یگان‌های ل ۸۸ زرهی زاهدان	۶۷/۴/۳۱	دفع هجوم سراسری دشمن	۲۰
منطقه عمومی اسلام‌آباد غرب	گد ۱۹۶ پیاده مکانیزه، ۷۶۳ پیاده، ۲۵۵ تانک، ۷۳۸ تکاور، توپخانه لشکری	۶۷/۵/۵	عملیات آفندی مرصاد	۲۱

عملیات آفندی تیپ ۳ (گروه رزمی سلمان ۱) لشکر ۸۸ در عملیات فتح‌المبین در منطقه عمومی غرب دزفول و شوش

۱. وضعیت: پس از تصویب طرح و انتخاب منطقه، کار طرح‌ریزی شروع گردید و با استفاده از تجربه حاصله در عملیات طریق‌القدس، به جای دو قرارگاه فرماندهی جداگانه نیروی زمینی و سپاه پاسداران، یک قرارگاه مشترک برای طرح‌ریزی، هدایت، کنترل و فرماندهی عملیات به نام قرارگاه کربلا تشکیل شد و به اجراء کامل اصل «وحدت فرماندهی» نزدیک گردید، تا اشکالات موجود در وحدت فرماندهی با انگیزه مشارکت دو نیرو، همراهی، هماهنگی، پشتیبانی متقابل آنها تحقق یابد.

۲. زمان عملیات: شروع عملیات ساعت ۰۰۳۰ مورخ ۱۳۶۱/۱/۲. پایان عملیات ۱۳۶۱/۱/۱۰. مدت هشت روز.

۳. قرارگاه هدایت‌کننده: قرارگاه عملیاتی کربلا.

۴. منطقه عملیات: منطقه عمومی دزفول و شوش.

۵. یگان‌های خودی: ۱ قرارگاه قدس، قرارگاه نصر، قرارگاه فجر، قرارگاه فتح.

۶. یگان‌های دشمن: لشکر ۱ مکانیزه، لشکر ۱۹ زرهی، تیپ‌های ۹۶، ۹۷، ۹۸ پیاده، تیپ گارد مرزی، تیپ ویژه، تعدادی از تیپ‌های ۶۰۰، ۵۰۰، ۴۰۰ پیاده.

۷. مأموریت: گروه رزمی سلمان ۱ زیر امر تیپ ۵۵ هوابرد در قالب قرارگاه فتح مأموریت دارد در منطقه محوله در ساعت ۲۴۰۰ روز اول فروردین ۱۳۶۱ با اعزام گروه‌های شکار تانک، یگان‌های دشمن مستقر در شرق رقابیه و میشداغ را درگیر و منهدم نماید و بنا به دستور، تک نموده، رقابیه را تأمین و پدافند نماید.

۸. تدبیر عملیات: گروه رزمی سلمان زیر امر تیپ ۵۵ هوابرد و عناصری از سپاه در جنوب تنگه رقابیه را تصرف و خط سبز را تأمین می‌نماید.

۹. نتیجه^۲

(۱) بیش از ۲۲۰۰ کیلومترمربع از خاک میهن اسلامی آزاد گردید.

(۲) دشمن از ساحل غربی رودخانه کرخه و شمال عین‌خوش تا دامنه غربی ارتفاعات تینه و حمربین عقب‌نشینی نمود.

(۳) ارتفاعات تپه چشمه، شاوریه، ابوصلیبی‌خات، چاه‌های نفت ابوغریب، برق‌زده تصرف گردید.

(۴) تعداد ۱۶ هزار نفر از نیروهای عراقی به اسارت درآمد و تعداد ۲۵ هزار نفر کشته و زخمی شدند.

۱. مستخرجه از نشریه دفاع مقدس.

۲. همان.



عملیات آفندی فتح المبین

عملیات آفندی تیپ ۳ (گروه رزمی سلمان ۱) لشکر ۸۸ در عملیات بیت المقدس در

منطقه عمومی جاده اهواز - خرمشهر

۱. وضعیت: پس از تصرف جاده اهواز به خرمشهر و انتخاب منطقه، کار طرح ریزی شروع و با استفاده از تجربه‌های حاصله از عملیات قبلی، قرارگاه مشترک برای طرح ریزی، هدایت، کنترل و فرماندهی به نام قرارگاه کربلا تشکیل گردید و هماهنگی و پشتیبانی دو نیروی عمل کننده ارتش و سپاه تحقق یافت.

۲. شروع عملیات: ۱۳۶۱/۲/۱۰. پایان عملیات ۱۳۶۱/۳/۳ مدت ۲۵ روز.

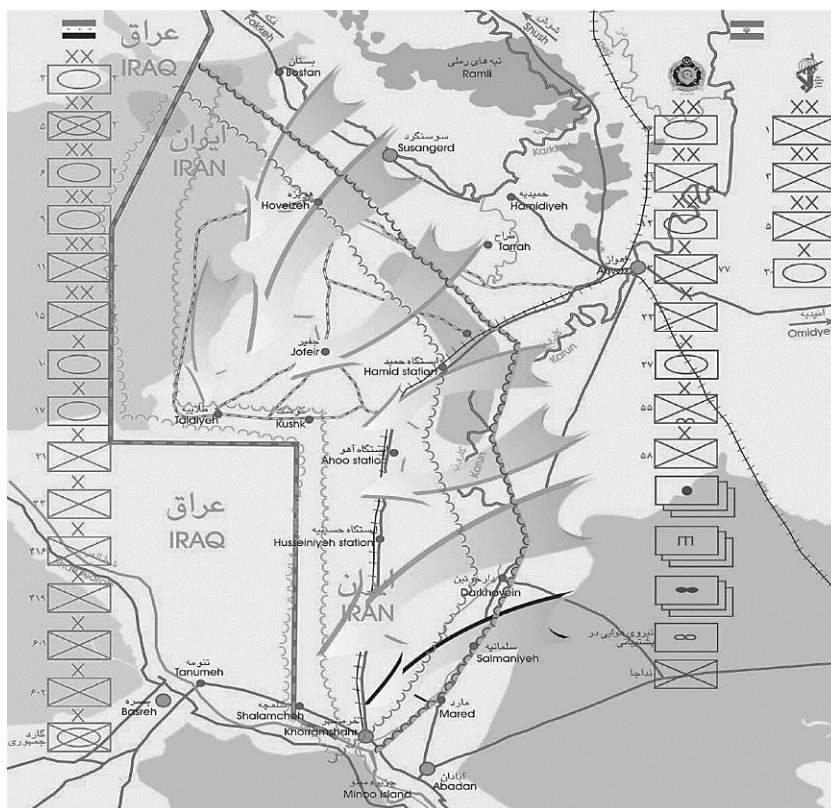
۳. قرارگاه هدایت کننده عملیات: قرارگاه عملیاتی کربلا.

۴. منطقه عملیات: منطقه عمومی غرب کارون، جاده اهواز به خرمشهر - هویزه - حمید - کوشک.

۵. یگان‌های خودی^۱: قرارگاه فتح، نصر، فجر، قدس

۶. یگان‌های دشمن: لشکر ۳ زرهی، لشکر ۵ پیاده مکانیزه، لشکر ۹ زرهی، لشکر ۱۱ زرهی، لشکر ۱۵ زرهی تیپ ۱۰ زرهی، تیپ ۳ زرهی، تیپ ۳۱ پیاده، ۳۳ پیاده، تیپ ۴۱۶ پیاده، تیپ ۴۱۹ پیاده، تیپ ۶۰۱ و ۶۰۲ پیاده، تیپ گارد ریاست جمهوری.

۷. **مأموریت:** گروه رزمی سلمان ۱ لشکر ۸۸ زرهی زاهدان زیر امر تیپ ۵۵ هوآرد مأموریت دارد در منطقه محوله با اعزام گروه‌های شکار تانک، یگان‌های دشمن را درگیر و منهدم نماید و بنا به دستور، تک نموده و هدف واگذاری را تصرف و تأمین و پدافند نماید.
۸. **تدبیر عملیات:** گروه رزمی سلمان فارسی لشکر ۸۸ زرهی زاهدان زیر امر تیپ ۵۵ هوآرد عمل نموده و هدف واگذاری را تصرف و تأمین می‌نماید.
۹. **نتیجه^۱:** آزادسازی ۵۴۰۰ کیلومترمربع از خاک کشور، آزادسازی هویزه، حمید، کوشک و جفیر، جاده اهواز به خرمشهر، آزادسازی خرمشهر پس از ۱۰ ماه اسارت، کشته و زخمی شدن بیش از ۱۶ هزار نفر از نیروهای عراق، به اسارت درآمدن بیش از ۱۹ هزار نفر نیروهای عراقی، انهدام ۵۳ فروند بمب افکن و ۳ فروند بالگرد...



عملیات آفندی بیت المقدس

عملیات آفندی تیپ ۱ (گروه رزمی سلمان ۲) لشکر ۸۸ زرهی سیستان و بلوچستان در منطقه جنوب (عملیات رمضان)

۱. وضعیت: حمایت‌های نظامی کشورهای غربی از عراق در چهار شکل اعزام پرسنل، ارسال تجهیزات نظامی، خرید تجهیزات نظامی، اجاره (مانند هواپیماهای سوپراتاندارد فرانسوی) و اجازه عبور تجهیزات به مقصد در ابعاد گسترده‌ای ادامه پیدا می‌کند. از تدابیر و تاکتیک‌های جدید پدافندی و طرح‌ریزی، فرماندهان عراقی از کمک‌های فکری نظامیان مصر و بعضی از کشورهای غربی برخوردار می‌شوند. به طور کلی، اقدامات نظامی و سیاسی فوق‌الذکر در جریان است. توطئه به منظور انحراف ایران از جبهه نبرد شکل می‌گیرد، که امام راحل (ره) این توطئه را کشف و با یک دستور به تداوم جنگ تا به دست آوردن همه شرایط ایران برای جنگ ادامه می‌دهد.

۲. شروع عملیات: ساعت ۲۱۳۰ مورخ ۱۳۶۱/۴/۲۲. پایان عملیات ۱۳۶۱/۵/۲۵. مدت ۳۳ روز

۳. قرارگاه هدایت‌کننده: قرارگاه عملیاتی کربلا.

۴. منطقه عملیات: جاده اهواز - خرمشهر، از شلمچه تا کوشک و طلائی، کانال ماهی و ساحل شط‌العرب.

۵. یگان‌های خودی^۱: قرارگاه قدس، قرارگاه فتح، قرارگاه فجر، قرارگاه نصر.

۶. یگان‌های دشمن: لشکر ۱۱ و ۱۵ پیاده، لشکر ۳ و ۶ و عناصری از لشکر ۱۰ زرهی، لشکر ۵ مکانیزه.

۷. مأموریت: گروه رزمی سلمان ۲ (گردان ۱۹۶ مکانیزه) زیر امر تیپ ۴۰ سراب و در قالب قرارگاه عملیاتی قدس مأموریت دارد در ۲۱۳۰ مورخ ۱۳۶۱/۴/۲۲ به منظور انهدام نیروهای دشمن و تأمین فضای کافی جهت حفاظت مرزها تک نموده و در ساحل شط‌العرب پدافند نماید.

۸. تدبیر عملیات: گروه رزمی سلمان زیر امر تیپ ۴۰ سراب و عناصری از قرارگاه قدس در شما تک نموده، نیروهای دشمن را منهدم و خط سرخ را تأمین می‌نماید و دشمن را درگیر نگه می‌دارد.

۹. نتیجه^۲

الف) عملیاتی: حدود ۲۵۰ کیلومترمربع از خاک میهن اسلامی و ۸۰ کیلومتر از خاک عراق آزاد گردید.

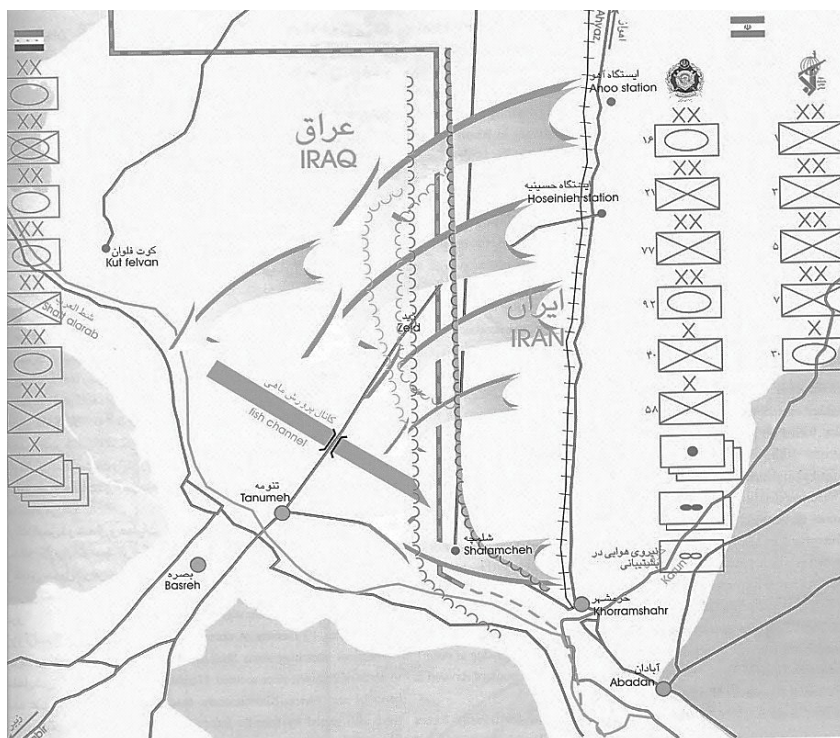
ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن ۱۰ هزار نفر و به اسارت درآمدن ۴۱۷ نفر.

ج) ضایعات دشمن: انهدام ۶۴۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵۰ دستگاه خودرو، مقادیر زیادی مهمات، سرنگونی ۱۴ فروند هواپیما و ۲ فروند بالگرد.

۱. همان.

۲. همان.

د) غنائم: تعداد ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر، که ۱۰ دستگاه آن از نوع تی ۷۲ بود، تعداد زیادی انواع جنگ افزار و تجهیزات و مهمات زیاد که به غنیمت نیروهای خودی درآمد. ضمناً لازم به ذکر است که مأموریت گروه رزمی ۱۹۶ از تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۳ زیر امر تیپ ۴۰ سراب آغاز گردید و به مدت ۵ ماه در مناطق مذکور ادامه داشته است.



عملیات آفندی رمضان

عملیات آفندی تیپ ۲ لشکر ۸۸ (گروه رزمی ۱۶۱) در عملیات آفندی والفجر ۳ در منطقه غرب مهران

۱. وضعیت: قرارگاه مشترک عملیات نجف ترکیب ارتش و سپاه که دارای دو قرارگاه کوچک به نام‌های «ظفر و فتح» زیرمجموعه بود، به خاطر درگیر نمودن نیروهای دشمن در جبهه میانی غرب و عدم جابه‌جایی به جنوب، تصمیم به عملیات گرفت.

۲. شروع عملیات: ساعت ۲۳۰۰ مورخ ۱۳۶۲/۵/۷. پایان عملیات ۱۳۶۷/۵/۲۳. مدت ۱۷ روز.

۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: قرارگاه عملیاتی نجف.

۴. منطقه عملیات: منطقه عمومی مهران.

۵. یگان‌های خودی: ۱. قرارگاه ظفر، قرارگاه فتح.

۶. یگان‌های دشمن: لشکر ۲ پیاده، تیپ ۴ گارد ریاست جمهوری، تیپ‌های ۴۱۷، ۴۲۵، ۵۰۲، ۵۱۶ پیاده.

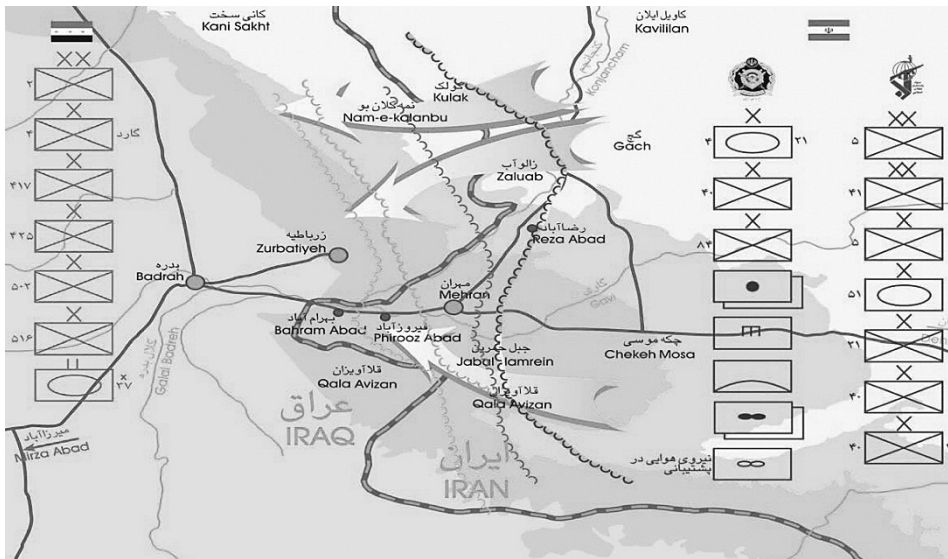
۷. مأموریت: گروه رزمی ۸۰۸ (گردان ۱۶۱ پیاده) زیر امر تیپ ۸۴ خرم‌آباد مأموریت دارد در منطقه محوله در ساعت ۲۳۰۰ مورخ ۱۳۶۲/۵/۷ به سمت ارتفاعات قلاویزان و کله قندی تک نماید و دشمن را نابود و بنا به دستور، تک را ادامه دهد و هدف را تأمین و پدافند نماید.

۸. تدبیر عملیات: گروه رزمی زیر امر تیپ ۸۴ خرم‌آباد در مسیر ارتفاع قلاویزان و کله قندی تک و هدف را تصرف و تأمین نماید.

۹. نتیجه ۲

الف) عملیاتی: آزاد شدن ارتفاعات نمه کلان بو و زالوآب، ۳۰۰ کیلومترمربع از خاک کشور، پاسگاه‌های مرزی رضاآباد، فرخ‌آباد، مهران و دشت وسیع آن.

ب) تلفات و ضایعات: بیش از ۵۰۰۰ نیرو از دشمن کشته و زخمی شدند، ۴۰۰ نفر به اسارت نیروهای اسلام درآمدند. تعداد ۲۰۰ تانک و نفربر منهدم و ۶ بالگرد از دشمن ساقط شد.



عملیات آفندی والفجر ۳ (غرب مهران)

عملیات آفندی تیپ ۲ (گروه رزمی سلمان ۴) لشکر ۸۸ در عملیات آفندی والفجر ۴ منطقه عمومی مریوان و پنجوین عراق

۱. وضعیت: عملیات والفجر ۴ در منطقه شمال غرب ابتکار عمل برای رزمندگان اسلام در مقابل ارتش متجاوز عراق به منظور تصرف بخشی از سرزمین‌ها در حاشیه نوار مرزی و یا در خاک عراق، همچنین توسعه و پدافند داخلی در مقابل ضدانقلاب و گروهک‌های کومله و دمکرات و سایر گروهک‌های وابسته و حاکمیت ایران بر مناطق کردستان را تأمین می‌نماید. از طرفی، به جهت اینکه رزمندگان در جنوب بتوانند با تلفات کمتر، قسمت‌های باقیمانده از خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران را از اشغال ارتش متجاوز درآورند، این عملیات طرح‌ریزی گردید.

۲. شروع عملیات: ۲۴۰۰ مورخ ۱۳۶۲/۷/۲۷. پایان عملیات ۱۳۶۲/۸/۲۹. مدت ۳۲ روز.

۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: قرارگاه حمزه سیدالشهداء(ع).

۴. منطقه عملیات: شمال غربی مریوان و پنجوین عراق.

۵. یگان‌های خودی: قرارگاه حمزه سیدالشهداء (مشترک ارتش و سپاه پاسداران)، گروه رزمی سلمان ۴ (گروه رزمی ۱۵۷)، جمعی تیپ ۲ خاش در قالب قرارگاه حمزه ۴ شرکت فعال داشت.

۶. یگان‌های دشمن^۱: تیپ ۴ و ۵ گارد مرزی، تیپ ۲۹ پیاده، کوهستان ۴۲۸ پیاده، تیپ ۴ و ۵ پیاده، تیپ ۵۱۸، گردان کماندویی، گردان ۲۸ گارد، گردان ۹ تانک، لشکر ۷ پیاده

۷. مأموریت: گروه رزمی ۱۵۷ مأموریت دارد در ۲۷ مهر ۱۳۶۲ در قالب قرارگاه حمزه ۴ با عبور از قرارگاه حمزه ۱ هدف قدر را تصرف و خط سبز را در منطقه محوله تأمین و دشمن را منهدم نماید و جاده‌های پنجوین، سید صادق و معابر نفوذی به شیلر را تأمین کرده و سپس آماده شود در ارتفاعات متصرفی پدافند نماید.

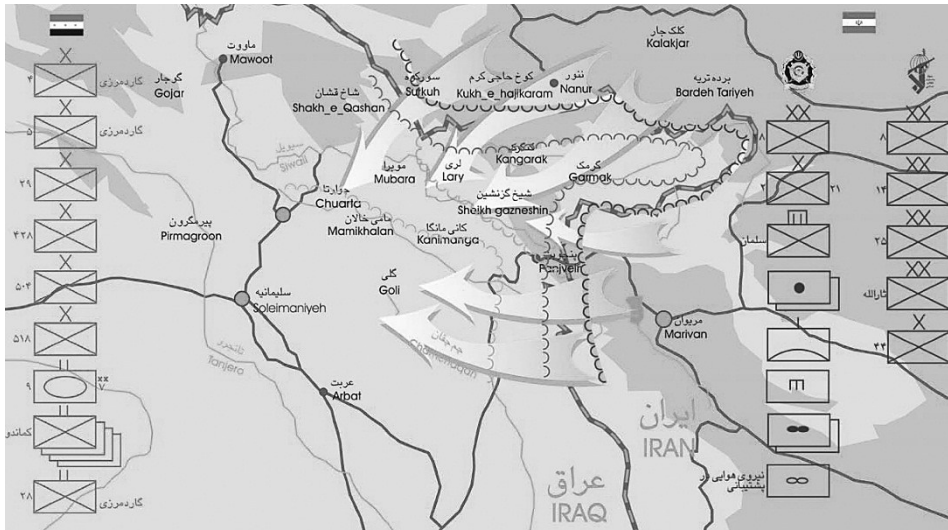
۸. تدبیر عملیات: گروه رزمی در قالب قرارگاه حمزه ۴ با عبور از قرارگاه حمزه ۱ هدف قدر را تصرف و در منطقه محوله تأمین می‌نماید.

۹. نتیجه

الف) عملیاتی: آزادسازی ۳۰۰ کیلومترمربع از اراضی میهن اسلامی، تصرف ۷۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق، تصرف ارتفاعات حساس، انهدام بیش از ۲۰ گردان پیاده، ۱۱ گردان کماندویی و ۶ گردان رزمی.

ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن بیش از ۵۰۰۰ نفر از دشمن و به اسارت درآمدن ۵۰۹ نفر از متجاوزین، آزاد شدن بیش از ۳۰۰ نفر از رزمندگان از دست ضدانقلاب.

- ج) ضایعات دشمن: انهدام ۱۸۰ دستگاه خودرو، سرنگونی ۱۲ فروند هواپیما و ۵ فروند هلیکوپتر، انهدام ۶۵ دستگاه نفربر و تانک، انهدام مقادیر زیادی سلاح و جنگ افزار.
- د) غنائم: تعداد ۲۰۰ دستگاه خودرو، ۲۰ قبضه تفنگ ۱۰۶م، ۲۰ قبضه موشک ضد هوایی سام ۷، ۱۰ دستگاه لودر و بولدوزر، تعدادی وسایل مخابراتی، تعداد زیادی مهمات.



عملیات آفندی والفجر ۴

عملیات آفندی تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۸ (ظفر ۶) در منطقه شمال غرب مریوان (دره میانه)

۱. وضعیت: از ابتدای جنگ تحمیلی و آغاز رسمی جنگ (۱۳۵۹/۶/۳۱) تا سال ۶۴، بعد از تثبیت و آغاز عملیات‌های بزرگ ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، والفجر ۴ و... تدبیر و مصلحت بر این شد که عملیات‌ها عمدتاً به صورت گشتی‌های رزمی و تک‌های محدود اجرا گردد. لذا به منظور پرهیز از تکرار مطالب مشابه، فقط به تشریح یک وضعیت کلی برای تمام عملیات‌های محدود اکتفا می‌شود.

وضعیت کلی: چنانچه جنگ نظامی، سیاسی، روانی، تبلیغاتی که همراه دسیسه علیه ما بود را در مدت هشت سال مورد بررسی قرار دهیم، مشخصاً سرفصل‌های متعددی چون (۱) سد پیشروی دشمن در مواضع پدافندی (۲) انسجام نیروهای مسلح (۳) تبلیغات جهانی مبنی بر لزوم توقف جنگ (۴) ادامه فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران (۵) سکوت مجامع بین‌المللی در مقابل بمباران هوایی و موشکی مناطق مسکونی ایران (۶) کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان و مردم بیگناه خواهیم رسید، که تدبیر بر این قرار گرفت از عملیات‌های پرخرج و پرهزینه جلوگیری و به تک‌های محدود اکتفا شود.

۲. شروع عملیات: ساعت ۰۳۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۴/۲۵. پایان عملیات ساعت ۰۹۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۴/۲۵. مدت ۶ ساعت.

۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.

۴. منطقه عملیات: منطقه عمومی دره میانه.

۵. یگان‌های خودی: گردان ۱۹۶ پیاده مکانیزه تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی سیستان و بلوچستان.

۶. یگان‌های دشمن: عناصری از تیپ ۴۳۷ پیاده و توپخانه صحرائی.

۷. مأموریت: گردان ۱۹۶ پیاده مکانیزه مأموریت دارد ضمن پدافند در منطقه محوله در ۰۳۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۴/۲۵ به منظور نفوذ در مواضع دشمن و انهدام، گشتی رزمی در سطح سنگین اعزام نماید.

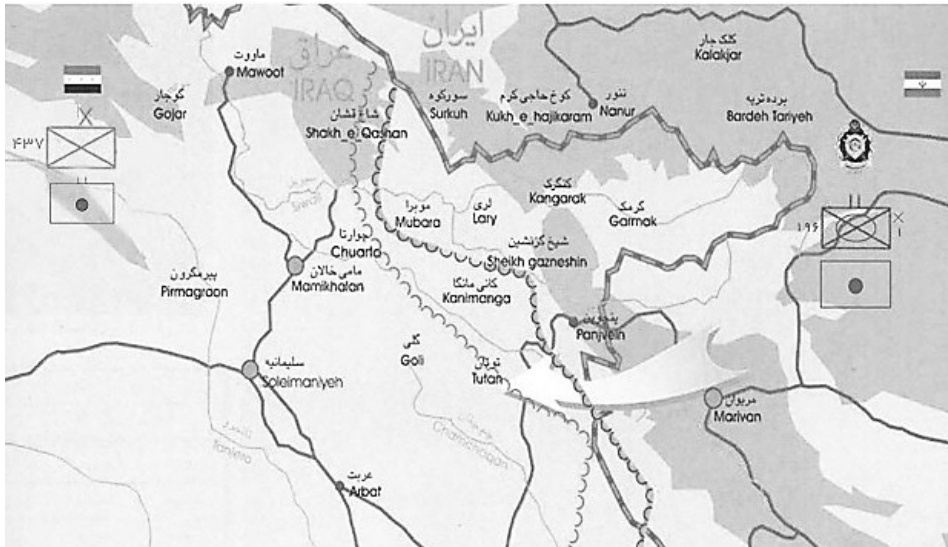
۸. نتیجه

الف) عملیاتی: غیور مردان این یگان به مواضع دشمن نفوذ نموده و موفق به انهدام بیش از ۵۰ سنگر انفرادی، اجتماعی، دیدبانی و ۴ انبار مهمات دشمن گردیدند.

ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن حدود ۱۸۰ نفر.

ج) ضایعات دشمن: انهدام تعدادی از انواع خودروهای سبک، ۱۲ قبضه تیربار دوشکا، ۴ انبار مهمات.

لازم به یادآوری است که مأموریت تیپ ۱ زرهی زاهدان از تاریخ ۶۲/۱۱/۲۷ در منطقه شمال غرب (مریوان - پنجوین) زیر امر لشکر ۳۰ گرگان شروع گردید و تا تاریخ ۱۳۶۴/۹/۳۰ در این منطقه ادامه داشته است.



عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه شمال غرب مریوان (دره میانه)

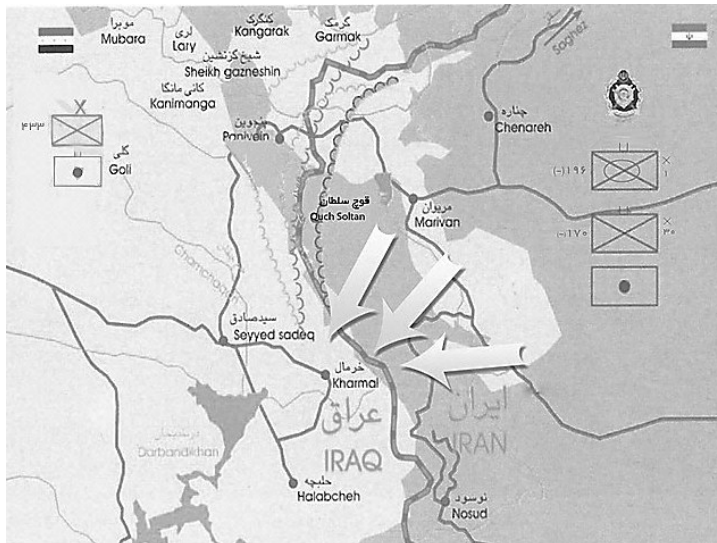
عملیات آفندی تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان (سنگ معدن و خرمال)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی در عملیات محدود «ظفر ۶» مراجعه شود.
۲. شروع عملیات: ساعت ۲۲۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۵/۱۷. پایان عملیات ساعت ۰۲۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۵/۱۸. مدت ۴ ساعت.
۳. قرارگاه هدایت کننده عملیات: تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۴. منطقه عملیات: محور سنگ معدن و خرمال در منطقه عمومی مریوان.
۵. یگان های خودی: گردان ۱۵۶ پیاده تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی زاهدان، گردان ۱۷۰ پیاده لشکر ۳۰ گرگان.
۶. یگان های دشمن: عناصری از تیپ ۴۳۳ پیاده و توپخانه صحرايي.
۷. مأموریت: گردان ۱۵۶ پیاده تیپ ۱ زرهی زاهدان و گردان ۱۷۰ لشکر ۳۰ گرگان ضمن پدافند در منطقه مسئولیت و محوله، مأموریت دارد در ۲۲۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۵/۱۷ به منظور انهدام نیروهای دشمن در منطقه سنگ معدن و خرمال عراق گشتی رزمی (تک محدود) اجرا نمایند.
۸. نتیجه

الف) عملیاتی: غیورمردان اسلام در این عملیات پس از عبور از موانع متعدد، تلفات و ضایعات بسیاری را به دشمن وارد آوردند.

ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن بیش از ۵۰ نفر.

ج) ضایعات دشمن: انهدام بیش از ۳۰ سنگر دیدبانی، اجتماعی و انفرادی و ۲ قبضه تیربار ۱۴/۵مم پدافند هوایی، انهدام چند موضع تیربار ۴ لول، سه قبضه خمپاره انداز.



عملیات آفندی تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۸ در منطقه مریوان (سنگ معدن و خرمال)

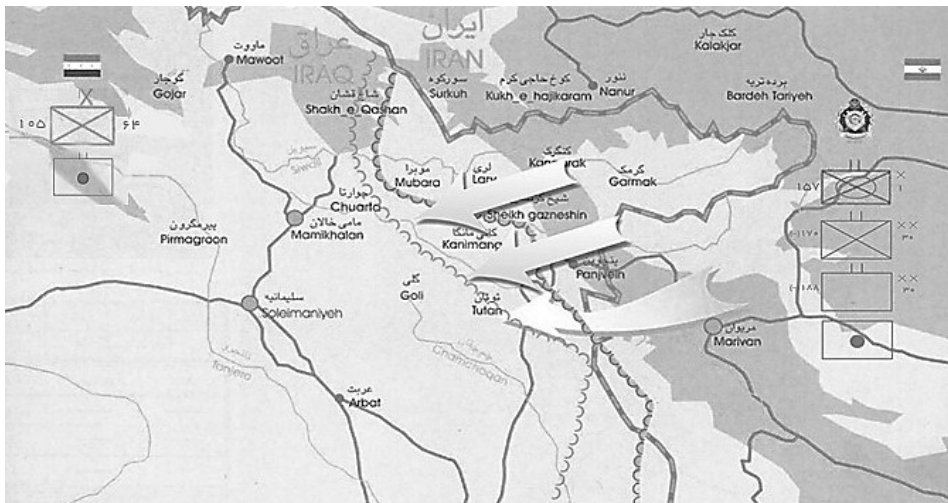
عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان (چوارتا)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی در عملیات محدود «ظفر ۶» مراجعه شود.
۲. شروع عملیات: ساعت ۲۳۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۶/۶. پایان عملیات ساعت ۰۴۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۷/۶. مدت ۴/۵ ساعت.
۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۴. منطقه عملیات: سه محور حسن‌آباد به مخ ۹۰۳۷، چوارتا مخ ۶۸۵۱، چم پیروتمان ۸۶۴۲.
۵. یگان‌های خودی: گردان ۱۵۷ تیپ ۱ لشکر زرهی، دو دسته از گردان‌های ۱۷۰ و ۱۸۸ لشکر ۳۰ پیاده.
۶. یگان‌های دشمن: عناصری از تیپ ۱۰۵ پیاده لشکر ۶۴ و توپخانه صحرایی.
۷. مأموریت: گردان ۱۵۷ تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی مأموریت دارد با زیر امر گرفتن دو دسته از گردان‌های ۱۷۰ و ۱۸۸ لشکر ۳۰ پیاده در ۲۳۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۶/۶ تک محدودی را به منظور انهدام نیروهای دشمن در سه محور حسن‌آباد - چوارتا - چم پیروتمان اجرا نماید.
۸. نتیجه

الف) عملیاتی: این عملیات با رمز «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم» رأس ساعت معین شروع و با توکل به خدا، سلحشوران و رزمندگان اسلام توانستند دشمن را غافلگیر نموده و ضمن انهدام ۵۰ سنگر انفرادی و اجتماعی و یک انبار مهمات، تلفات و ضایعات زیادی به دشمن وارد نماید.

ب) تلفات دشمن: کشته شدن ۱۰۰ نفر.

ج) ضایعات لجستیکی: انهدام ۴ قبضه تیربار، یک انبار مهمات.

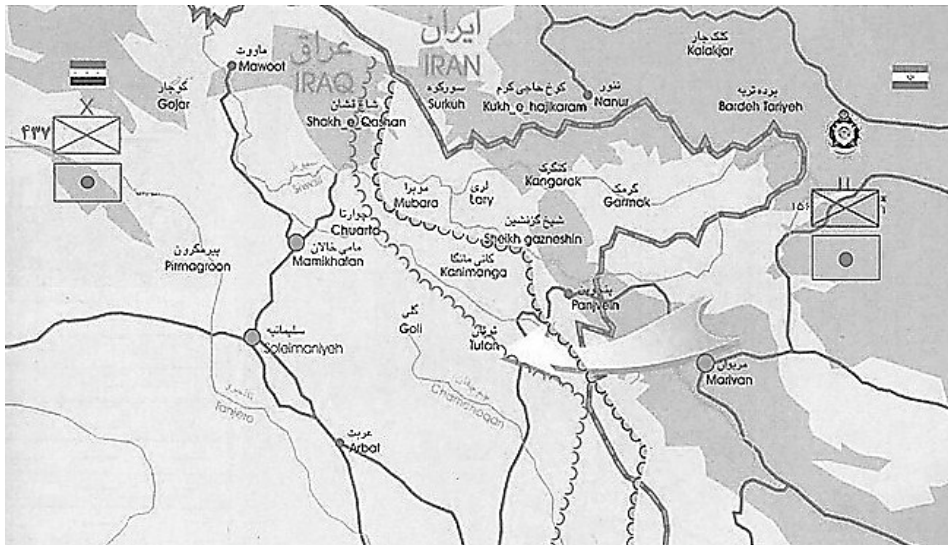


عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی مریوان (چوارتا)

عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان (روکان)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی در عملیات محدود «ظفر ۶» مراجعه شود.
۲. شروع عملیات: ساعت ۲۳۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۲. پایان عملیات ساعت ۰۱۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۳. مدت ۲ ساعت.
۳. قرارگاه هدایت کننده عملیات: تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۴. منطقه عملیات: منطقه روکان مختصات ۸۳۴۳ مریوان.
۵. یگان های خودی: گردان ۱۵۶ پیاده تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۶. یگان های دشمن: عناصری از تیپ ۴۳۷ پیاده و توپخانه صحرائی.
۷. مأموریت: گردان ۱۵۶ پیاده مأموریت دارد ضمن پدافند در منطقه محوله، در ساعت ۲۳۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۲ با اعزام گشتی رزمی (تک محدود) در منطقه روکان در حد توان، نیروهای دشمن را منهدم و حداکثر تلفات و ضایعات را وارد نماید.
۸. نتیجه

- الف) عملیاتی: رزمندگان و سلحشوران اسلام به مواضع گروهان ۴ گردان سوم تیپ ۴۳۷ یورش برده، ضمن انهدام سنگر انفرادی و اجتماعی، یک نفر را به اسارت درآوردند.
- ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی نمودن پرسنل یک گروهان (حدود ۱۰۰ نفر) از دشمن.
- ج) غنائم: یک قبضه تفنگ کلاشینکف به غنیمت نیروهای خودی درآمد.



عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی مریوان (روکان)

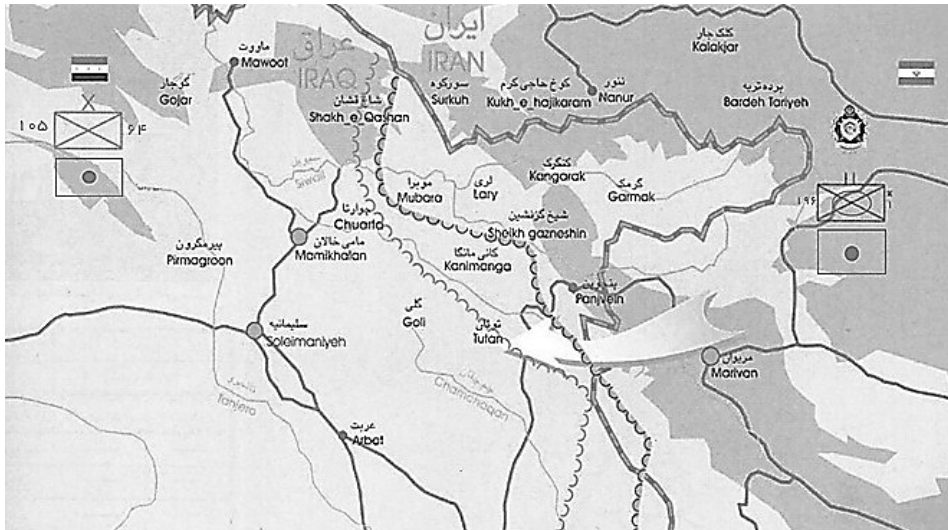
عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان (کانی شایان)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی در عملیات محدود «ظفر ۶» مراجعه شود.
۲. شروع عملیات: ساعت ۲۱۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۴. پایان عملیات ساعت ۰۱۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۵. مدت ۴ ساعت.
۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۴. منطقه عملیات: کانی شایان (مریوان).
۵. یگان‌های خودی: گردان ۱۹۶ مکانیزه تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۶. یگان‌های دشمن: عناصری از تیپ ۱۰۵ پیاده لشکر ۶۴ و توپخانه صحرائی.
۷. مأموریت: گردان ۱۹۶ مکانیزه تیپ ۱ ضمن پدافند در منطقه محوله، مأموریت دارد در ۲۱۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۴ به منظور انهدام دشمن در کانی شایان مخ ۷۸۴۳ گشتی رزمی (تک محدود) اعزام نماید.
۸. نتیجه

الف) عملیاتی: سلحشوران و رزمندگان پرتوان و پرقدردان اسلام توانستند در ساعت مقرر، با عبور از سیم خاردار و موانع و کانال‌های متعدد، به مواضع دشمن یورش برده و تلفات و ضایعات شدیدی را به دشمن وارد آورند.

ب) تلفات دشمن: کشته شدن بیش از ۳۰ نفر، زخمی شدن بیش از ۱۰۰ نفر.
ج) ضایعات دشمن: انهدام چندین سنگر دیدبانی و اجتماعی، انهدام ۳ قبضه تیربار دوشکا به همراه سنگرهای آن، انهدام ۴ قبضه خمپاره‌انداز ۸۲م.

د) غنائم: ۵ قبضه تفنگ کلاشینکف، یک دستگاه بی‌سیم به غنیمت نیروهای خودی درآمد.



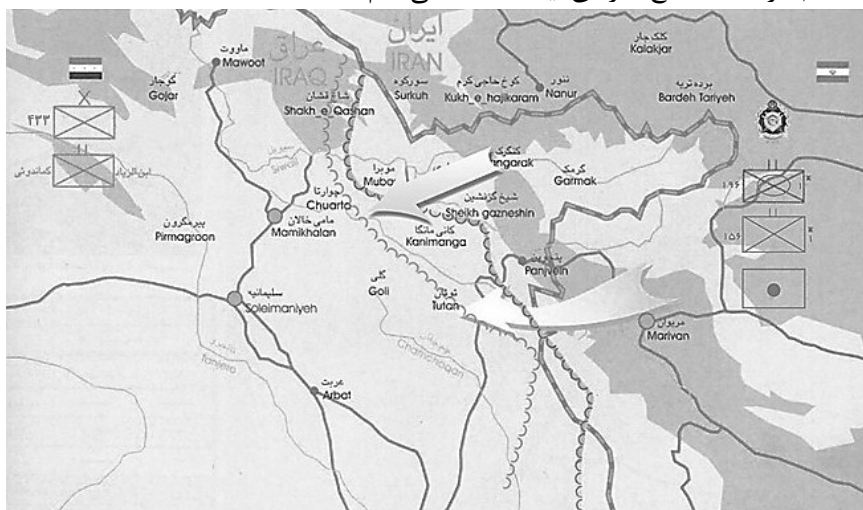
عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه کانی شایان (مریوان - پنجوبین)

عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۲ و ۳) در منطقه عمومی مریوان (بانی بنوک و دره میانه)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی در عملیات محدود «ظفر ۶» مراجعه شود.
۲. شروع عملیات: ساعت ۲۱۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۵. پایان عملیات ساعت ۰۵۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۶. مدت ۸/۵ ساعت.
۳. قرارگاه هدایت کننده عملیات: تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۴. منطقه عملیات: محور مکل - دره میانه - بانی بنوک در منطقه عمومی مریوان - پنجوبین عراق.
۵. یگان های خودی: گردان ۱۵۶ پیاده تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی، گردان ۱۹۶ تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۶. یگان های دشمن: عناصری از تیپ ۴۳۳ پیاده و یک گردان کماندویی از تیپ ابن الزیاد.
۷. مأموریت: تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی ضمن پدافند در منطقه محوله، مأموریت دارد با دو گردان ۱۵۶ و ۱۹۶ بانی بنوک، معروف به دره میانه در ساعت ۲۱۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۵ به منظور انهدام دشمن در منطقه مریوان گشتی رزمی اجرا نماید.
۸. نتیجه

- الف) عملیاتی: سلحشوران و رزمندگان اسلام پس از عبور از میادین مین و سایر موانع و استحکامات دشمن، ضمن یورش به مواضع آنان یک پارک موتوری را به آتش کشیدند.
- ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن بیش از ۷۰ نفر.
- ج) ضایعات دشمن: انهدام ۴ قبضه خمپاره انداز ۱۲۰م و ۸۲م، ۴ قبضه تیربار، یک قبضه آرپی جی ۷.

د) غنائم: دو قبضه سلاح انفرادی، یک دستگاه بی سیم.



عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه مریوان (بانی بنوک و دره میانه)

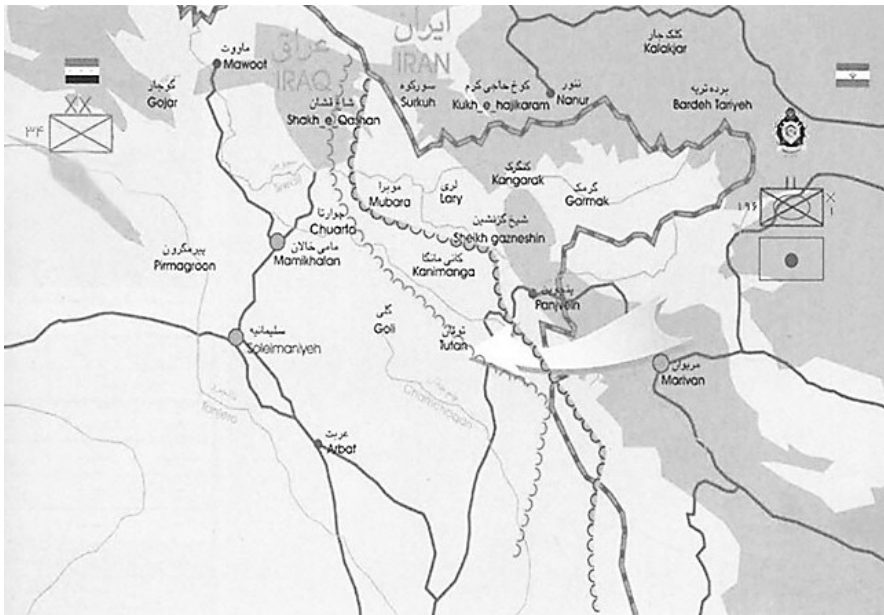
عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۶) در منطقه عمومی مریوان (پنجوین)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی در عملیات محدود «ظفر ۶» مراجعه شود.
۲. شروع عملیات: ساعت ۰۲۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۶. پایان عملیات ساعت ۰۵۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۶. مدت ۳ ساعت.
۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۴. منطقه عملیات: محور روکان در منطقه عمومی مریوان.
۵. یگان‌های خودی: گردان ۱۹۶ مکانیزه تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
۶. یگان‌های دشمن: عناصری از لشکر ۳۴ پیاده.
۷. مأموریت: گردان ۱۹۶ مکانیزه ضمن پدافند در منطقه محوله، مأموریت دارد در ۰۲۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۶ به منظور انهدام نیروهای دشمن در منطقه روکان گشتی رزمی (تک محدود) اجرا نماید.
۸. نتیجه

الف) عملیاتی: سلحشوران و رزمندگان تیپ ۱ در این عملیات پس از عبور از موانع متعدد دشمن، موفق به ضربه زدن و وارد نمودن تلفات و ضایعات زیادی به نیروهای دشمن گردیدند.

ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن بیش از ۴۰ نفر.

ج) ضایعات دشمن: انهدام تعداد ۲۵ سنگر انفرادی، اجتماعی و دیدبانی، یک قبضه تیربار پدافند هوایی ۱۴/۵ م، انهدام ۳ موضوع تیربار اجتماعی، انهدام چندین موضوع سلاح اجتماعی.



عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی مریوان (پنجوین)

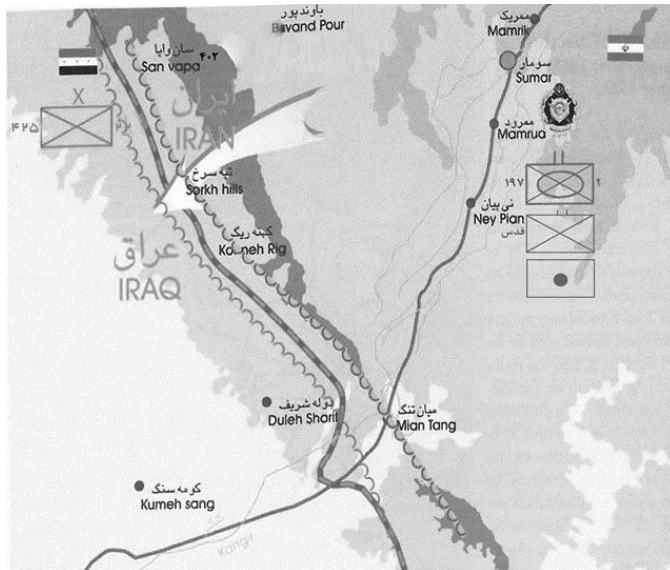
عملیات آفندی تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی (ظفر ۸) در منطقه عمومی سومار (تپه سرخ)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی عملیاتی سومار در ۲۲ فروردین ۱۳۶۵ مراجعه شود.
۲. شروع عملیات: ساعت ۰۰۰۱ مورخ ۱۳۶۴/۷/۰۳. پایان عملیات ۰۵۱۵ مورخ ۱۳۶۴/۷/۳. مدت ۵/۵ ساعت.
۳. قرارگاه هدایت کننده عملیات: تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی.
۴. منطقه عملیات: تپه سرخ به مخ (۵۰۵۷).
۵. یگان های خودی: گردان ۱۹۷، گردان قدس تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی.
۶. یگان های دشمن: عناصری از تیپ ۴۲۵ پیاده از لشکر ۲۲.
۷. مأموریت: گردان ۱۹۷ مکانیزه ضمن پدافند در منطقه محوله، مأموریت دارد در ۰۰۰۱ مورخ ۱۳۶۴/۷/۳ به منظور انهدام دشمن در منطقه تپه سرخ (۵۰۵۷) تک محدود (گشتی رزمی) اجرا نماید.
۸. نتیجه

الف) عملیاتی: سلحشوران و رزمندگان اسلام رأس ساعت مقرر با رمز «بسم الله الرحمن الرحیم، یا سرور شهیدان ادرکنی» به مواضع مزدوران بعثی یورش برده و پس از پنج ساعت رزم نزدیک، تعداد زیادی از نفرت دشمن را از بین برده و ضمن انهدام تعداد ۱۳ سنگر انفرادی و اجتماعی، تعداد دو انبار مهمات را نیز به آتش کشیدند.

ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی و مجروح شدن بیش از ۷۰ نفر.

ج) ضایعات دشمن: انهدام دو انبار مهمات، چهار دستگاه تانک و دو دستگاه خودرو، سه عراده توپ، چهار قبضه خمپاره انداز.



عملیات آفندی تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی سومار (تپه سرخ)

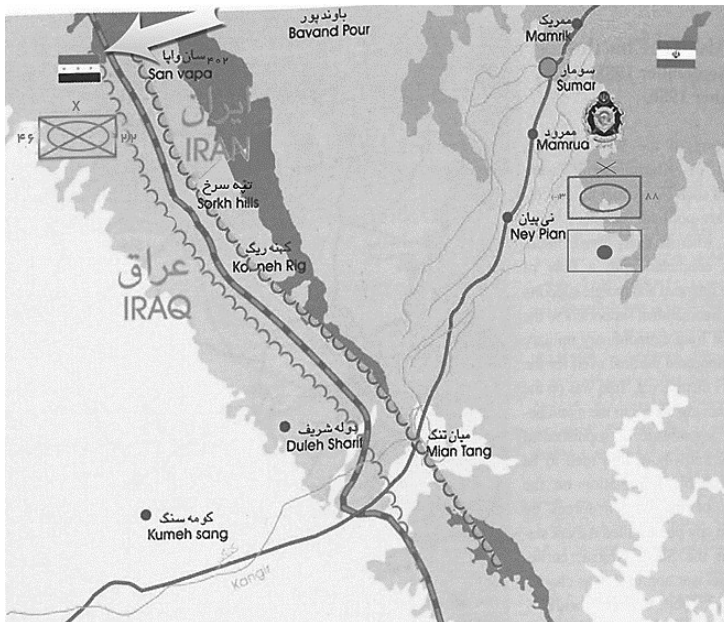
عملیات آفندی سانواپا (عملیات تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی سومار)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی منطقه عملیات سومار در ۲۲ فروردین ۱۳۶۵ مراجعه شود.
۲. شروع عملیات: ۱۳۵۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۵. پایان عملیات ۰۴۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۵. مدت ۲/۵ ساعت.
۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی.
۴. منطقه عملیات: شمال دره سانواپا در منطقه عمومی سومار.
۵. یگان‌های خودی: عناصری از تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی.
۶. یگان‌های دشمن: عناصری از تیپ ۴۶ مکانیزه لشکر ۲۲.
۷. مأموریت: تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی ضمن پدافند در منطقه محوله، مأموریت دارد در ۱۳۵۰ مورخ ۱۵ آبان ۱۳۶۴ به منظور انهدام نیروهای دشمن در شمال دره سانواپا تک محدود (گشتی رزمی) اجرا نماید.
۸. نتیجه

الف) عملیاتی: سلحشوران و رزمندگان اسلام پس از عبور از موانع متعدد، به مواضع متجاوز یورش برده، تلفات و ضایعاتی را به دشمن وارد نمودند.

ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن بیش از ۸۰ نفر.

ج) ضایعات دشمن: انهدام سه دستگاه خودرو، چهار قبضه خمپاره‌انداز، دو انبار مهمات، ۱۵ سنگر انفرادی و اجتماعی دشمن.

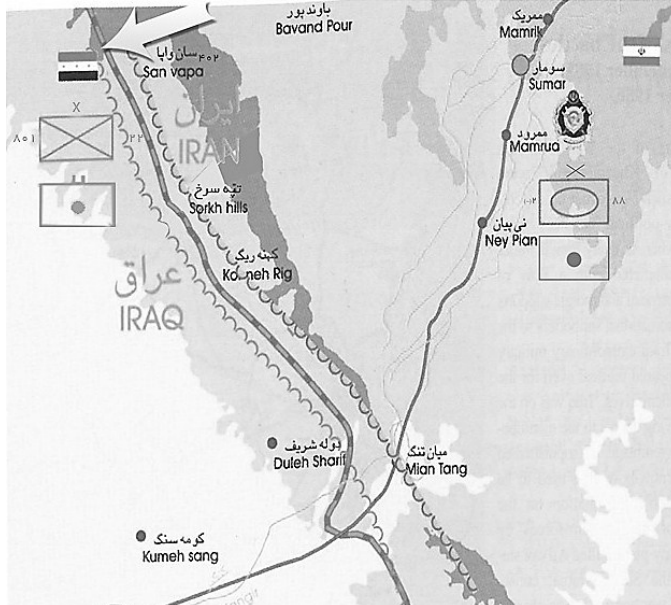


عملیات آفندی تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه غرب سومار

عملیات آفندی نصر ۱۲ (عملیات تیپ ۲ زرهی خاش در منطقه عمومی سومار)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی منطقه عملیاتی سومار ۱۳۶۵/۱/۲۲ مراجعه شود.
۲. شروع عملیات: ساعت ۲۳۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۰. پایان عملیات ساعت ۰۲۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۸. مدت ۴ ساعت.
۳. قرارگاه هدایت کننده عملیات: قرارگاه تیپ ۲ زرهی خاش.
۴. منطقه عملیات: دره سانویا و سمت راست ارتفاع ۴۰۲.
۵. یگان های خودی: گردان ۱۶۱ پیاده و عناصری از تیپ ۲ زرهی خاش.
۶. یگان های دشمن: عناصری از تیپ ۸۰۱ پیاده لشکر ۲۲ و توپخانه صحرایی.
۷. مأموریت: تیپ ۲ زرهی خاش مأموریت دارد با استفاده از گردان ۱۶۱ و عناصر دیگری از تیپ در ۲۳۰۰ مورخ ۱۳۶۴/۸/۱۰ ضمن پدافند منطقه محوله، به منظور انهدام عناصری از دشمن، گشتی رزمی (تک محدود) نصر ۱۲ را اجرا نماید.
۸. نتیجه

- الف) عملیاتی: سلحشوران و غیورمردان تیپ ۲ خاش در این عملیات با عبور از موانع دشمن توانستند به مواضع دشمن یورش برده و ضربات مهلک و سختی را به دشمن وارد نمایند.
- ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن بیش از ۱۰۰ نفر.
- ج) ضایعات دشمن: انهدام بیش از ۷۰ سنگر اجتماعی، دیدبانی، انفرادی و ۵ قبضه تیربارهای مختلف، چندین قبضه خمپاره انداز و مواضع سلاح های اجتماعی.



عملیات آفندی تیپ ۲ زرهی خاش در منطقه عمومی سومار

عملیات پدافندی تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی سومار (دفع تک دشمن در ارتفاعات کهنه‌ریگ)

۱. وضعیت: ارتفاع ۴۰۲ یکی از حساس‌ترین نقاط در رشته ارتفاعات مرزی واقع در منطقه عمومی سومار بوده که میدان دید و تیر بسیار خوب به همه جهات را ارائه می‌نماید و امکان دیدبانی عمیق به داخل خاک عراق و کنترل مناسب بر روی محور نفت‌خانه، مندلی در عراق و نفت‌شهر و سومار در ایران را فراهم و دره سانوپا، ارتفاع مرزی کهنه‌ریگ و سلمان کشته را از یکدیگر جدا می‌سازد. تمام فعالیت‌های لجستیکی و آمادرسانی که به منظور ادامه پدافند نیروهای خودی در ارتفاعات مرزی کهنه‌ریگ حیاتی است، با استفاده از جاده‌های نظامی واقع در بین سومار و نفت‌شهر انجام می‌گیرد که در صورت سقوط ارتفاع کلیدی ۴۰۲ محدودیت فوق‌العاده‌ای ایجاد و ضایعات فراوانی را به همراه دارد.

۲. شروع عملیات: ساعت ۰۳۰۰ مورخ ۱۳۶۵/۱/۲۲. پایان عملیات ساعت ۰۶۰۰ مورخ ۱۳۶۵/۱/۲۲. مدت پدافند فعال ۶ ساعت.

۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: قرارگاه تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی.

۴. منطقه عملیات: ارتفاعات کهنه‌ریگ در منطقه عمومی سومار.

۵. یگان‌های خودی: تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی.

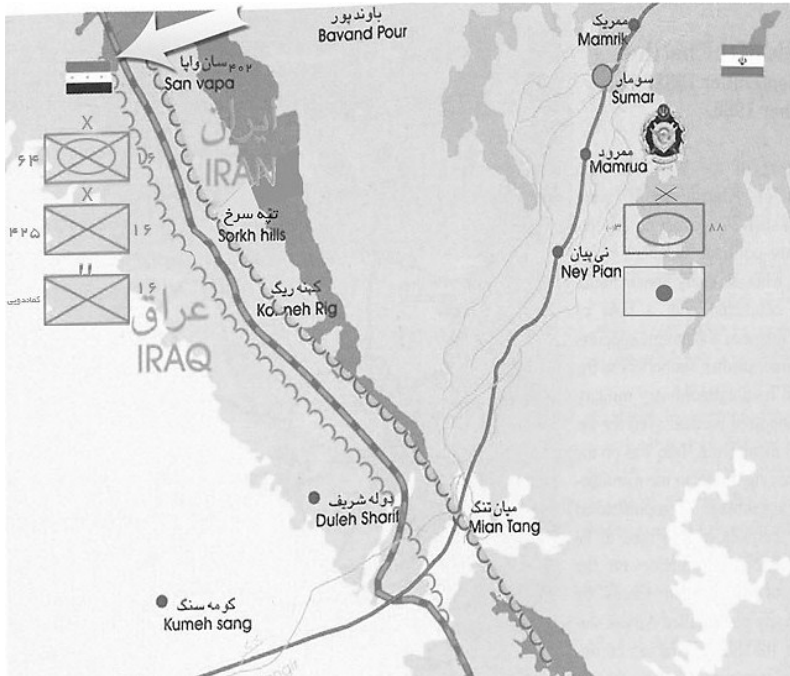
۶. یگان‌های دشمن: تیپ ۴۶ مکانیزه لشکر ۱۶ پیاده، عناصری از تیپ ۴۲۵ لشکر ۱۶ پیاده، یک گردان کماندویی از لشکر ۱۶ پیاده.

۷. علت و استنباط از هدف‌های دشمن: تصرف ارتفاعات و عوارض حساس منطقه، بالا بردن روحیه آفندی، به دست گرفتن ابتکار عمل، برهم زدن آرایش نیروی خودی و جلوگیری از تمرکز آن.
۸. نتیجه

الف) عملیاتی: مواضع نیروهای خودی بر روی ارتفاعات ۳۲۸، ۳۴۵، ۳۴۶ تغییر یافت و دشمن توانست قسمتی از ارتفاعات کهنه‌ریگ را به تصرف خود درآورد.

ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن ۸۶ نفر، یک نفر اسیر.

ج) ضایعات دشمن: انهدام ۳ دستگاه خودرو و تعدادی سنگر انفرادی و اجتماعی.



عملیات پدافندی تیپ ۳ لشکر ۸۸ زرهی در برابر تک دشمن در منطقه عمومی سومار

شرکت لشکر ۸۸ زرهی در عملیات آفندی کربلا ۶ (نصرت) در منطقه عمومی نفت شهر و سومار

۱. وضعیت: به منظور پشتیبانی کربلا ۵ در جنوب، که در ۱۹ دی ۱۳۶۵ توسط یگان‌های سپاه پاسداران اجرا می‌شد، به جهت جلوگیری از اعزام نیرو توسط متجاوز از غرب به جنوب، عملیات کربلا ۶ توسط یگان‌های نیروی زمینی در غرب (نفت‌شهر و سومار) در شرایطی آغاز گردید که:

الف) به دلیل پشتیبانی از عملیات جنوب، تبلیغات جنگ از قبل مؤید اجرای عملیات نیروی زمینی ارتش در غرب بود.

ب) فعالیت جاده‌سازی و ساختمان قرارگاه غرب از ماه‌ها قبل در منطقه آغاز شده بود.

ج) یگان‌های مانوری قبلاً در مواضع تک مستقر شدند که پس از شکست عملیات کربلا ۴ در جنوب، به مناطق پراکندگی مراجعت و مجدداً به مواضع تک عزیمت می‌نماید.

د) تعداد زیادی از پرسنل که بیش از سه ماه در منطقه توقف داشتند، به مرخصی اعزام می‌شوند.

ه) چند نفر از پرسنل دسته‌های شناسایی به هنگام باز نمودن معابر توسط دشمن اسیر شدند، که این امر باعث تعویق عملیات و فرصت کافی دشمن برای تحکیم و ترمیم مواضع خود گردید.

و) هرگونه شرایط غافلگیری از بین رفته و دشمن آمادگی کامل و ۱۰۰٪ را در مقابل تک نیروهای خودی دارد.

۲. شروع عملیات: ساعت ۲۲۰۰ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۳. پایان عملیات ۱۳۶۵/۱۱/۱۳. مدت ۲۱ روز.

۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: قرارگاه عملیاتی غرب.

۴. منطقه عملیات: منطقه عمومی نفت‌شهر و سومار.

۵. یگان‌های خودی: لشکر ۲۱ پیاده (-)، لشکر ۵۸ ذوالفقار (احتیاط)، لشکر ۷۷ پیاده (-)، لشکر ۸۴ پیاده، لشکر ۸۱ پیاده (-) (احتیاط)، لشکر ۸۸ زرهی (-)، تیپ ۵۵ هوارد (-) (احتیاط)

۶. یگان‌های دشمن: لشکر ۱۶ زرهی، لشکر ۱۷ زرهی، لشکر ۲۲ پیاده، تیپ ۵۰۵، گردان ۸۰۸ ضدتانک، تیپ ۳۶۶.

۷. مأموریت: قرارگاه غرب مأموریت دارد ضمن پدافند در سایر مناطق در ساعت ۲۲۰۰ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۳ در منطقه عمومی نفت‌شهر تک نموده، دشمن را منهدم و ارتفاعات غربی ۴۰۲ و سلمان کشته، نفت‌شهر و نفت‌خانه عراق را تصرف و خط تبوک را تأمین و در امتداد آن پدافند نماید و آماده می‌شود بنا به دستور، تک را تا عمق خاک عراق ادامه دهد.

۸. تدبیر عملیات: قرارگاه عملیات غرب با چهار لشکر در خط به منظور رخنه در خط پدافندی اصلی دشمن تک می‌نماید. لشکر ۸۸ زرهی (-) در جنوب (چپ) لشکر ۸۴ پیاده و ۷۷ پیاده (-) در مرکز و لشکر ۲۱ پیاده (-) در شمال (راست) تک نموده و به ترتیب خط تبوک و خط پیروزی را در منطقه تأمین می‌نماید.

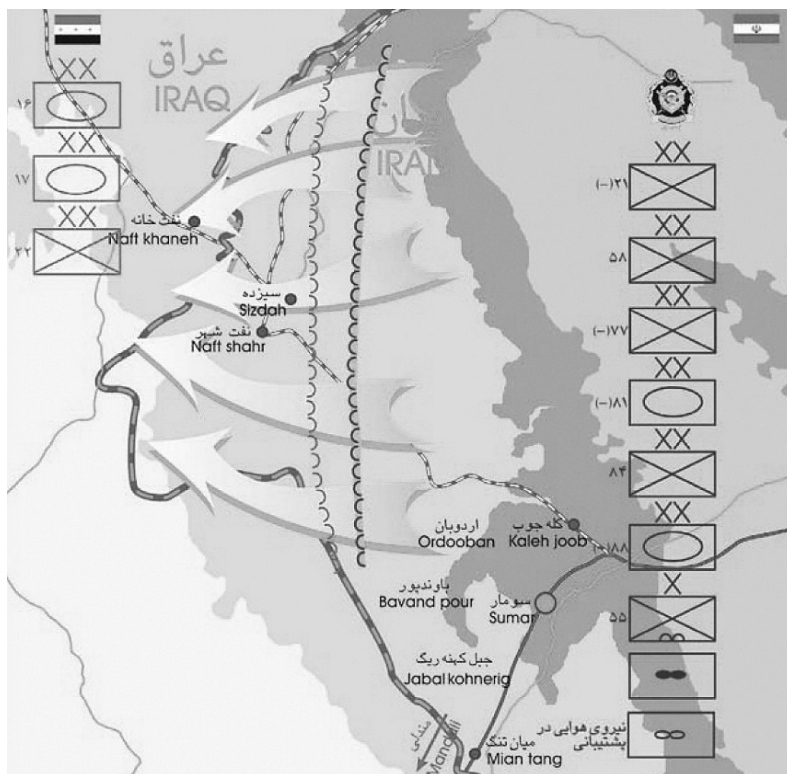
تلاش اصلی در این مرحله با لشکر ۸۴ پیاده، لشکر ۸۱ زرهی (-)، لشکر ۵۸ ذوالفقار بوده و تیپ ۵۵ هوارد (-) در احتیاط قرارگاه عملیاتی با تقدم به کار رفتن در منطقه لشکر ۸۴ پیاده.

۹. نتیجه

الف) عملیاتی: (۱) هدف‌های پیش‌بینی شده در طرح تأمین نگردید. (۲) آزادسازی حدود ۴۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی. (۳) درگیر نمودن حدود ۱۱ تیپ (احتیاط) به منظور پشتیبانی از عملیات کربلا ۵.

ب) تلفات دشمن: (۱) انهدام ۶۰٪ از تیپ ۱۰۸ پیاده، (۲) انهدام ۴۰٪ از تیپ ۶۰۶ پیاده، (۳) انهدام ۲۰٪ از تیپ ۲۵۲ پیاده و گردان کماندویی لشکر ۱۶ و گردان جیش الشعبی، (۴) انهدام ۸۰٪ از گردان یکم تیپ ۸۰ به میزان

ج) ضایعات دشمن: انهدام ده‌ها دستگاه تانک و نفربر، سرنگونی ۱۳ فروند هواپیما و ۳ فروند بالگرد.



عملیات آفندی کربلای ۶ (نصرت)

عملیات پدافندی تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی در برابر تک دشمن در منطقه سومار (ارتفاعات ۴۰۲ و کهنه ریگ)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی منطقه عملیاتی سومار در ۲۲ فروردین ۱۳۶۵ مراجعه (عملیات تیپ ۳).
۲. شروع عملیات: ساعت ۲۳۲۵ مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۶. پایان عملیات ۱۳۶۶/۴/۳۱. مدت پدافندی فعال ۵ روز.
۳. قرارگاه هدایت کننده عملیات: قرارگاه تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی.
۴. منطقه عملیات: ارتفاع ۴۰۲ و جبل کهنه ریگ در منطقه عمومی سومار.
۵. یگان های خودی: یگان های تیپ ۲ زرهی خاش و گردان ۱۹۶ مکانیزه تیپ ۱ زاهدان.
۶. یگان های مشخص شده دشمن در منطقه: قرارگاه لشکر ۱۶ پیاده، عناصری از تیپ های ۷۸، ۴۱۷، ۴۲۵ پیاده، دو گردان از تیپ ۷۰۶ پیاده، عناصری از تیپ ۸۰ مختلط، یک گردان کماندویی از سپاه ۲، یک گردان کماندویی از لشکر ۲۱، دو گردان زرهی تانک، هفت گردان توپخانه.

۷. علت و استنباط از نیروهای دشمن: تصرف عارضه حساس و ارتفاع ۴۰۲ و تمامی جبل کهنه‌ریگ، بهره‌برداری سیاسی، نظامی، تبلیغاتی، بالا بردن روحیه آفندی پرسنل خویش، به دست گرفتن ابتکار عمل، وارد آوردن تلفات و ضایعات به نیروهای خودی، برهم زدن آرایشات نیروهای خودی و جلوگیری از تمرکز آنان.

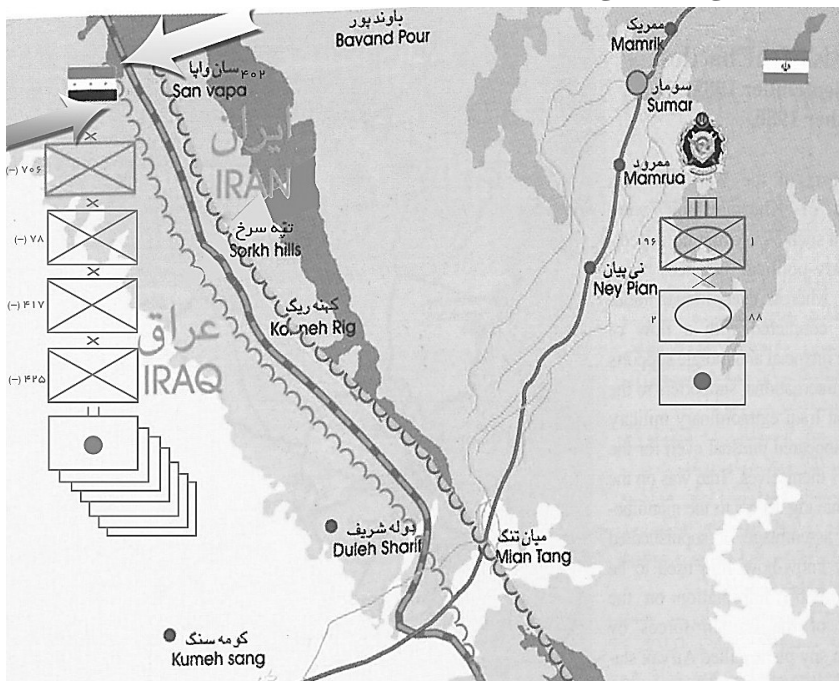
۸. نتیجه

الف) عملیاتی: تک دشمن با رشادت و شجاعت و شهامت و ایثارگری نیروهای پیرصلابت لشکر ۸۸ زرهی دفع گردید.

ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن بیش از ۴۰۰۰ نفر و به اسارت درآمدن ۵۳ نفر.

ج) ضایعات دشمن: انهدام بیش از ۵ دستگاه تانک و نفربر، دو دستگاه لودر و بولدوزر و انهدام بیش

از ۲۰ سنگر دیدبانی و اجتماعی و انفرادی.



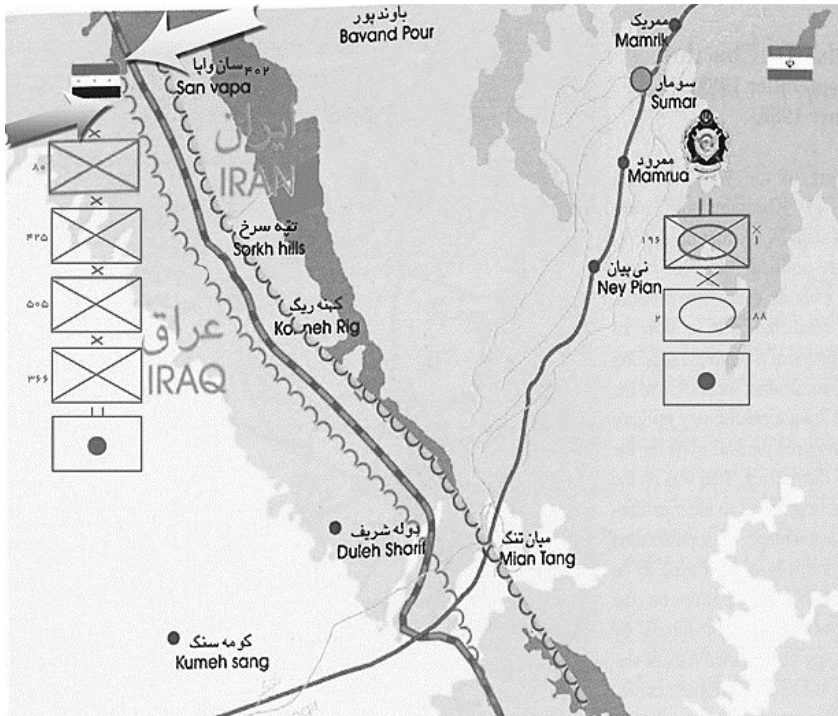
عملیات پدافندی تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه سومار (ارتفاعات کهنه‌ریگ)

عملیات پدافندی تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه عمومی سومار (دره سانواپا و ارتفاع ۴۰۲)

۱. وضعیت: به وضعیت کلی منطقه عملیاتی سومار ۱۳۶۵/۱/۲۲ مراجعه شود (عملیات پدافندی تیپ ۳).

۲. شروع عملیات: ساعت ۰۴۰۰ مورخ ۱۳۶۷/۳/۲. پایان عملیات ۱۳۶۷/۳/۱۳. مدت پدافند فعال ۱ روز.

۳. قرارگاه پدافندکننده: قرارگاه تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی.
 ۴. منطقه عملیات: دره سانوایا ارتفاع ۴۰۲ در منطقه عمومی سومار.
 ۵. یگان‌های خودی: یگان‌های تیپ ۲ زرهی، گردان ۱۹۶ تیپ ۱ لشکر ۸۸ زرهی.
 ۶. یگان‌های مشخص شده دشمن در منطقه: عناصری از تیپ ۸۰ مختلط، یک گردان زرهی تانک، چهار گردان توپخانه، عناصری از تیپ‌های ۴۲۵، ۵۰۵، تیپ ۳۶۶.
 ۷. علت و استنباط از نیروهای دشمن: بهره‌برداری سیاسی - تبلیغاتی، به دست گرفتن ابتکار عمل، وارد آوردن تلفات و ضایعات به نیروهای خودی، وارد شدن از طریق دره سانوایا و دور زدن ارتفاع ۴۰۲ و در نهایت، تصرف این ارتفاع.
 ۸. نتیجه
- الف) عملیاتی: تک دشمن با رشادت و شهامت و پایمردی و ایثارگری نیروهای اسلام دفع گردید.
- ب) تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن بیش از ۱۵۰۰ نفر، تعدادی اسیر.
- ج) ضایعات دشمن: انهدام ۳ دستگاه تانک و نفربر، چند دستگاه انواع خودرو، انهدام ۲ سنگر دیدبانی و اجتماعی.



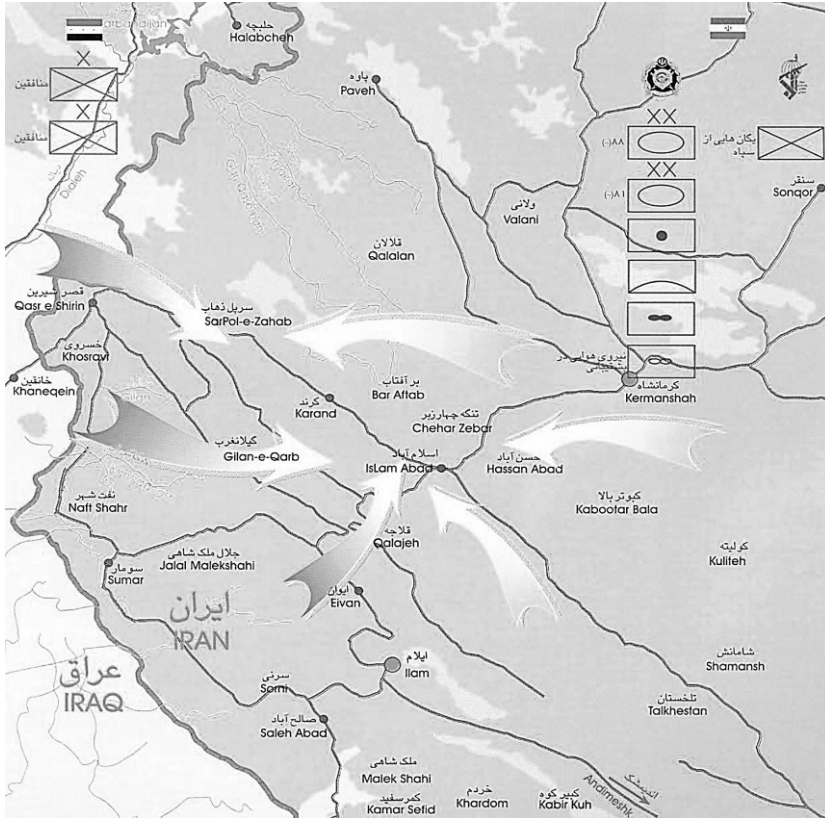
عملیات پدافندی تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی در منطقه سومار (دره سانوایا و ارتفاع ۴۰۲)

عملیات پدافندی لشکر ۸۸ زرهی در مقابل تک سراسری عراق در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ منطقه سومار و نفت‌شهر

۱. وضعیت: همزمان با هجوم سراسری عراق در ۱۳۶۷/۴/۳۱ در منطقه سومار، نیروهای عراقی اقدام به حمله گسترده‌ای به مواضع نیروهای ایرانی نمودند. نیروهای سلحشور و غیرتمند لشکر ۸۸ زرهی زاهدان بلافاصله اقدام و مبادرت به پاسخ متقابل نمودند. شهامت کارکنان لشکر ۸۸ در طول دوران دفاع مقدس بین کلیه نیروهای مسلح ارتش، بویژه نیروی زمینی بی‌نظیر است و برگ زرینی در کارنامه لشکر ۸۸ زرهی می‌باشد. گرچه لشکر ۸۸ زرهی زاهدان به علت خالی شدن جناح سمت راست (تیپ مسلم ابن عقیل) توسط نیروهای ارتش عراق باعث دور خوردن نیروهای لشکر گردید و تعداد زیادی از نیروهای لشکر در محاصره افتادند و دشمن از پشت سر خطوط پدافندی کلیه مسیرها را مسدود و اقدام به گرفتن اسیر نمود، ولی مدیریت و فرماندهی سرهنگ زرهی ستاد شاپور شجاع فرمانده وقت تیپ ۲ زرهی زاهدان باعث شد تا بیش از ۸۵٪ نیروهای محاصره لشکر رها شوند و نجات یابند و تن به اسارت دشمن ندهند. کارکنان تیپ ۱ زاهدان با ایستادگی و مقاومت بی‌نظیر خود باعث شدند تا اکثر نیروهای تیپ‌های ۲ خاش و ۳ ایرانشهر و همچنین، گردان ۲۱۲ سوارزرهی زابل به مدت ۲۴ ساعت خود را از محاصره خارج نموده و با اجرای عملیات تأخیری به عقب بیایند.
۲. شروع عملیات: ساعت ۰۷:۰۰ مورخ ۱۳۶۷/۴/۳۱. پایان عملیات ساعت ۰۲:۰۰ مورخ ۱۳۶۷/۵/۳. مدت ۴ روز.
۳. قرارگاه هدایت‌کننده عملیات: قرارگاه لشکر ۸۸ زرهی زاهدان، قرارگاه تیپ ۱ زاهدان، تیپ ۲ خاش، تیپ ۳ ایرانشهر، گردان ۲۱۲ سوارزرهی زابل، گردان‌های مستقل لشکر.
۴. منطقه عملیات: منطقه عمومی سومار و نفت‌شهر.
۵. یگان‌های خودی: کلیه یگان‌های لشکر ۸۸ زرهی زاهدان.
۶. یگان‌های دشمن: کلیه یگان‌های مستقر در منطقه عملیات غرب کشور عراق.
۷. مأموریت: لشکر ۸۸ زرهی زاهدان با کلیه یگان‌های تابعه، بویژه تیپ‌های ۱ و ۲ و ۳ و گردان‌های مستقل مأموریت دارد در منطقه محوله (عمومی سومار و نفت‌شهر) جلو پیشروی و تک سراسری ارتش عراق را سد و بلافاصله اقدام به تک نموده و دشمن را به عقب (صفر مرزی) براند و نیروهای دشمن را منهدم و نابود سازد.
۸. تدبیر عملیات: نیروهای لشکر ۸۸ اراضی اشغال‌شده توسط نیروهای دشمن را آزاد نموده و دشمن را عقب رانده و مقابل او پدافند نمایند.

۹. نتیجه^۱

کلیه اراضی اشغال شده توسط دشمن آزاد گردید. دشمن مجدداً به صفر مرزی عقب رانده شد. تلفات و ضایعات بسیار زیادی به نیروهای دشمن وارد آمد که مجبور به عقب نشینی گردید.



عملیات سراسری ۱۳۶۷/۰۴/۳۱ عراق



شرکت لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در عملیات آفندی مرصاد در منطقه عمومی اسلام آباد غرب
 ۱. وضعیت: به دنبال مقاومت و پایمردی نیروهای مسلح در جبهه‌ها و مناطق مختلف عملیاتی و از
 طرفی، اشغال قسمتی از اراضی کشور عراق توسط نیروهای غیرتمند کشور ما، استکبار جهانی مجدداً
 به تجهیز و تدارک عراق از نظر عده و عُدّه پرداخت؛ به طوری که استعداد نیروی زمینی عراق از ۱۲

لشکر به ۵۶ لشکر و نیروی هوایی آن از ۴۶۰ فروند به ۷۰۰ فروند و توپ و تانک از ۲۵۰۰ دستگاه به ۳۵۰۰ دستگاه در اواخر جنگ افزایش یافته بود.

به خاطر موقعیت سیاسی فاو، ارتش متجاوز به فکر آزادسازی آن افتاده بود. به دنبال آزادسازی شهر فاو، بیش از چهار لشکر از نیروهای متجاوز آزاد گردیدند. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیر ۱۳۶۷، عراقی‌ها را به این فکر انداخت که دیگر نیرویی که مقاومت کند در پیش روی خویش ندارند و لذا با سازماندهی منافقین کوردل که مخالف رژیم و حکومت هستند، عملیاتی را در ۳۱ تیر ۱۳۶۷ در اکثر مناطق، بخصوص غرب، شروع کرد. مدارک و اطلاعات بدست‌آمده از اسرای عملیات مرصاد نشانگر این موضوع است که با پشتیبانی استخبار از دو محور خود را به تهران برسانند: ستون اول در محور قصرشیرین، سرپل ذهاب، کرد، اسلام‌آباد، کرمانشاه و ستون دوم در محور مریوان، سنندج، سپس الحاق در همدان و پیشروی به سوی تهران و در نهایت، به دست گرفتن حکومت.

البته لازم به ذکر است که منافقین قبلاً با نفوذ عوامل در اکثر شهرهای مرزی، مقدمات ورود را برای منافقین - به قول خودشان - آماده کرده بودند.

۲. زمان عملیات: شروع عملیات: ۱۳۶۷/۵/۵ - پایان عملیات ۱۳۶۷/۵/۷ - مدت سه روز

۳. قرارگاه هدایت‌کننده: قرارگاه لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

۴. منطقه عملیات: منطقه عمومی اسلام‌آباد، غرب پادگان مهماتی سلمان فارسی و تپه‌های مشرف به ورودی شهر از جاده مواصلاتی ایوان غرب

۵. یگان‌های خودی: تیپ ۱ زرهی گردان‌های ۱۹۶ مکانیزه، ۷۶۳ پیاده، ۲۵۵ تانک، نیروهایی از گردان ۷۳۸ تکاور و توپخانه صحرایی.

۶. یگان‌های دشمن: تعداد بیش از ۵۰۰۰ نفر نیروهای منافقین در قالب ستون‌هایی با تحرک رزمی در مسیر جاده، پس از تصرف اسلام‌آباد، به طرف کرمانشاه در حرکت بودند.

۷. مأموریت: قرارگاه عملیاتی لشکر ۸۸ مأموریت دارد کلیه نیروهای موجود را جمع‌آوری و نسبت به سازماندهی گردان‌های مذکور اقدام و از تجهیزات سنگین و نیمه سنگین، از جمله تانک، تفنگ ۱۰۶م، راکت‌انداز ۱۰۷م و توپخانه به منافقین مستقر در شهر حمله و نیروهای منافق را کشته و یا اسیر نماید.

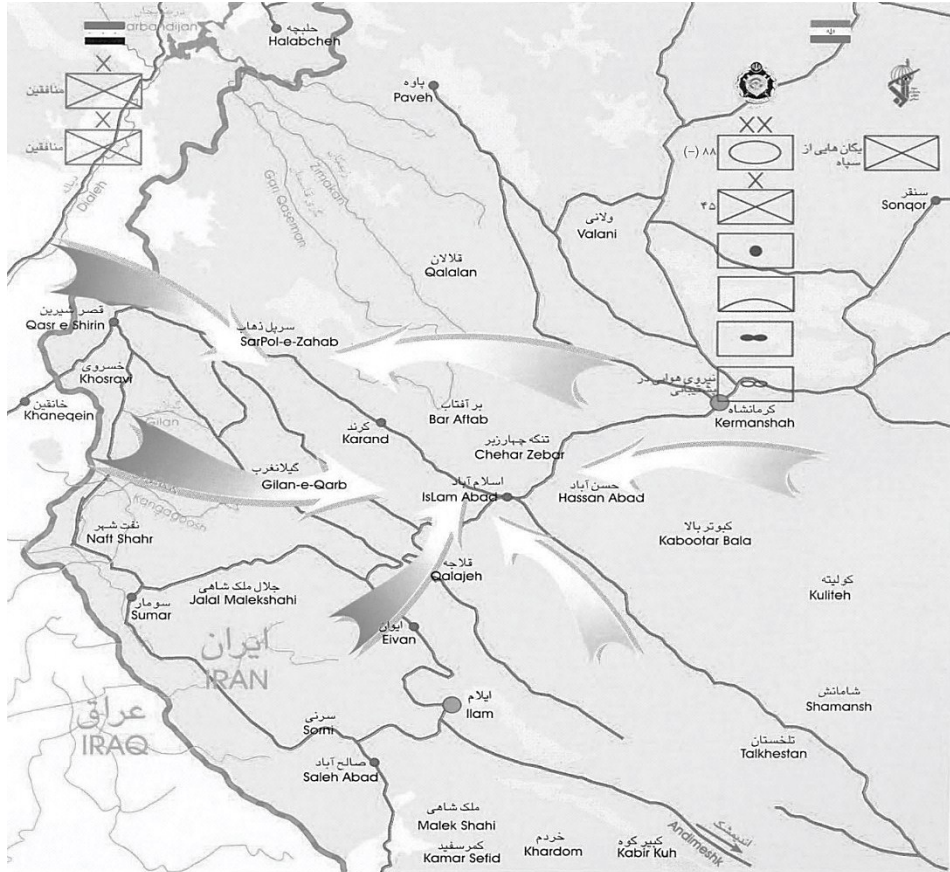
۸. تدبیر عملیات: قرارگاه عملیاتی لشکر با تعداد ۴ گردان به منظور انهدام منافقین و آزادسازی قسمتی از شهر اسلام‌آباد تک نموده و شهر را تأمین می‌نماید.

۹. نتیجه

الف) عملیاتی: هدف‌های واگذاری (قسمتی از شهر) تصرف و آزاد گردید.

ب) تلفات دشمن: انهدام و کشته شدن بیش از ۳۵۰۰ نفر از منافقین در شهر اسلام‌آباد که تعدادی از آنان توسط غیورمردان لشکر ۸۸ از بین رفتند، اسیر شدن ده‌ها نفر از منافقین توسط سلحشوران و رزمندگان لشکر ۸۸ زرهی.

ج) ضایعات دشمن: انهدام ده‌ها دستگاه نفربر، انهدام ده‌ها قبضه تیربار، انهدام انواع دستگاه خودرو و تجهیزات.

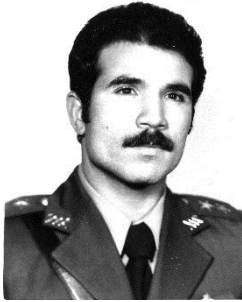


عملیات آفندی مرصاد

فصل دوازدهم

مروری بر زندگینامه تعدادی از شهدای لشکر ۸۸ زرهی

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، بویژه لشکر ۸۸ زرهی زاهدان افتخار دارد تعداد ۲۴۰۰ تن شهید تقدیم نموده، که بیش از ۵۰۰ تن آن بومی و در سطح استان تدفین گردیده‌اند. به علت کثرت شهدا، به زندگینامه تعدادی از آنان اشاره می‌گردد:



سرلشکر شهید غلاممحمد مظاهری

نام پدر: محمدحسین

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۲/۲۲

محل تولد: زابل

میزان تحصیلات: کارشناسی (دوره دوم دانشکده افسری)

تاریخ استخدام: ۱۳۴۷/۵/۱۲

شغل: نظامی (افسر)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۷/۱۶

محل شهادت: سومار

زندگینامه

از روز نخست که پا به عرصه گیتی نهاد، نام او با پاک‌ترین نام‌ها (شهید) مزین گشت. چون چنین بود، از ازل پای در رکاب نیکان الهی نهاد و همراه کاروان عاشورائیان همسفر نور شد. بهار ۱۳۲۹ در شهرستان زابل نوزادی چشم به دنیا گشود و والدین و اعضای خانواده را خوشحال کرد. محمدحسین والد نوزاد برابر رسوم و آداب سیستان به روحانی محل مراجعه و از او خواست تفرّالی به کلام‌الله مجید بزند و اسم فرزند را مشخص نماید که نام غلاممحمد برای نوزاد برگزیده شد. غلاممحمد در خانواده‌ای رشد و نمو و پرورش یافت، که همه اعضای آن عاشق اهل بیت عصمت و طهارت، متدین و مذهبی بودند؛ لذا از همان روزهای نخست، با مسائل شرعی و احکام اسلامی آشنا شد. مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه نظام قدیم را طی نمود و موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید. درس خواندن در مناطق محروم، آن هم در شصت سال قبل با امکانات بسیار کم واقعاً بسیار مشکل بود. اما این جوان شایسته و پراستعداد سیستانی با علاقمندی مضاعف آن را به اتمام رساند. به شغل نظامیگری بسیار عشق می‌ورزید و به همین دلیل، برای آینده و سرنوشت خویش بایستی شغل مناسبی انتخاب می‌کرد. از رادیو شنید که دانشکده افسری از جوانان برومند کشور به منظور تکمیل کادر

افسری نیرو جذب می‌نماید و لذا با ثبت‌نام و شرکت در آزمون‌های متعدد در ۱۲ مرداد ۱۳۴۷ وارد دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش گردید. دوره سه‌ساله دانشکده را با موفقیت به اتمام رساند و بر اساس نیاز آن موقع، رشته مخابرات و الکترونیک را به عنوان دوره مقدماتی با موفقیت طی نمود. نیازمندی ستاد مشترک ارتش در تهران باعث شد تا در آن مجموعه مشغول خدمت گردد. چند سالی را در مشاغل و مسئولیت‌های متعدد گذراند تا قیام مردمی کشور علیه حکومت ستم‌شاهی صورت گرفت. افسر جوان به اتفاق تعداد زیادی از همکاران در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت و حضور فعال داشت. انقلاب پیروز شد و شرایط بسیار متفاوت شد؛ لذا بر خود تکلیف و وظیفه دانست که خدمات بیشتر و بهتری به ارتش و جامعه و در نهایت ملت بزرگ ایران نماید. سال ۱۳۵۸ قرار بود تیپ ۸۸ مستقل چابهار در سیستان و بلوچستان به لشکر ۸۸ ارتقاء یابد و نیاز به ساختار و تکمیل کادر نیروی انسانی و سازماندهی داشت. افسر جوان عمیقاً در فکر فرورفت، خود و خانواده را قانع ساخت تا به موطن اصلی رجعت و خدماتی را به مردم استان و ارتش ارائه نماید. انتقالی گرفت و به زاهدان نقل مکان کرد. هیچ ساز و برگ، اقلام، تجهیزات و کادر نیروی انسانی به زاهدان نیامده بود. از او خواسته شد تا با کمک چند افسر دیگر، گردان مستقل مخابرات را سازماندهی، آموزش و تکمیل نماید. مخابرات در ارتش همانند سلسله اعصاب در بدن یک انسان است. اگر ارتباط با یگان‌های تابعه یک یگان برقرار نباشد، فاجعه بزرگی رخ می‌دهد و آنجاست که ممکن است تعداد کثیری از یگان‌ها بدون دستور و اطلاع، به یکباره سرنوشتشان تغییر نماید. خیلی دلسوزانه و بایثار و حوصله شروع به فعالیت نمود. اصلاً ساختمان و ابنیه‌ای در کار نبود و داخل یک کانکس، دفتر کار خود به عنوان فرمانده گردان به علاوه ستاد گردان شروع به خدمت کرد. بایستی وسایل و تجهیزات را دریافت می‌کرد، سپس بین گروهان‌ها تقسیم و نیروی انسانی پایور و وظیفه را نیز سازماندهی می‌نمود و بلافاصله آموزش می‌داد. به خوبی و با توانمندی و مدیریت قوی این کار را به سرانجام رساند، که به یکباره رادیو و تلویزیون شروع جنگ عراق علیه ایران را در ۱۳۵۹/۶/۳۱ رسماً اعلام کرد.

برابر امریه‌های ابلاغی از نیروی زمینی ارتش، تعدادی از افراد و یگان‌ها تحت عنوان گروه رزمی سلمان از همان نخستین روزهای جنگ روانه میادین نبرد شدند. افسر جوان ولی باتجربه می‌بایست ارتباط آنان را در مناطق عملیاتی نظارت و برطرف می‌کرد و هنگامی که تیپ‌های ۱ زاهدان، ۲ خاش، ۳ ایرانشهر و سایر عده‌های لشکر به مناطق اعزام شدند، کار و فعالیت او نیز

به منظور برقراری ارتباط مطلوب در منطقه و از طرفی، کارکنان با خانواده‌هایشان در شهرستان‌های مختلف، مضاعف گردید. اینک دارای تجارب جنگی و عملیاتی بالایی شده بود. گاه یکی از فرماندهان تیپ از منطقه عملیاتی به مرخصی شهرستان اعزام می‌شد و جانشینی نداشت. فرمانده لشکر از افسر باتجربه درخواست می‌کرد تا به عنوان جانشین آن فرمانده تیپ مسئولیت او را بپذیرد. حقیقتاً کار بسیار مشکل و پرمسئولیتی بود. در واقع، می‌بایست یک افسر رزمی (پیاده، توپخانه، زرهی و...) این مسئولیت را بپذیرد، نه یک افسر مخابرات! اما فرمانده می‌دانست که او آن قدر مدیریت و فرماندهی قوی دارد که سرنوشت چند هزار رزمنده در خط و آن هم مقابل دشمن را به وی بسپارد. از طرفی، یکی دیگر از دلایل این انتخاب کمبود افسران رسته‌های رزمی بود. مسئولیت جانشینی تیپ چندین مرحله در منطقه شمال غرب (مریوان - پنجوین عراق)، غرب (قصرشیرین و...) برای افسر مدیر و لایق پیش آمد و الحمدلله هیچ اتفاق و مشکلی برای یگان‌ها به وجود نیامد. در منطقه غرب (نفت‌شهر و سومار) که عمده استقرار لشکر ۸۸ زرهی زاهدان با تمام یگان‌های تحت امرش چند سال مشغول دفاع از کیان ایران زمین بودند، به عنوان فرمانده گردان مخابرات ارتباط بیش از ۵۰ کیلومتر استقرار عرضی مقابل ارتش عراق و ۴۰ کیلومتر استقرار عمقی بین یگان‌ها با فرماندهی و مدیریت شایسته سرگرد باتجربه بدون کوچک‌ترین خللی همیشه برقرار بود. سرگرد مظاهری افسری بسیار مؤدب، رئوف، خوش خلق، مدیر، منضبط، متعهد، دلسوز و خیرخواه بود که همه از او به نیکی یاد می‌کردند. از دیگر ویژگی‌های خوب این افسر وارستگی، تلاش و از همه مهم‌تر تخصص نظامی و علمی بسیار بالای وی بود.

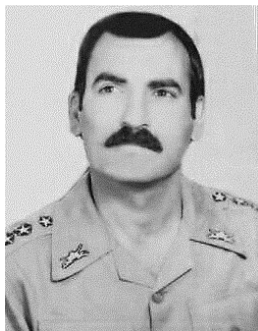
در یکی از تک‌های دشمن که در منطقه سومار و نفت‌شهر ۱۳۶۷/۳/۲ به وجود آمد، برای دقایقی به علت آتش انبوه دشمن از هوا و زمین ارتباط بعضی یگان‌ها قطع گردید. علیرغم اینکه یک فرمانده گردان عملاً تخصص‌های مهم و جزئی را لازم نیست بداند و فقط کفایت به مقدرات و محدودیت‌های آن واقف باشد تا بتواند تصمیم‌گیری نماید، مع الوصف ایشان شخصاً به جای اپراتور دستگاه‌های ارتباطی رادیو تله‌تایپی، رادیو تله‌تلگرافی و... پشت دستگاه‌ها می‌نشست و ارتباط لشکر را با فرمانده تیپ ۱ و ۲ برقرار می‌کرد. با ورزیدگی خاصی که داشت، همه متخصصین دستگاه‌ها را گیج و مبهوت کرد و حتی در لحظاتی که هواپیماهای عراقی کلیه سیستم‌های مخابرات را بمباران کرده و از بین برده بودند، با ابتکار عمل ایشان، لشکر با کلیه یگان‌های تحت امر و زیرمجموعه‌اش ارتباط داشت. لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در

طول چندین سال استقرار در مناطق عملیاتی، به دفعات و کرات مورد بمباران شیمیایی ارتش عراق قرار گرفت، که تلفات نیروی انسانی شامل شهید، مجروح، مصدوم و... در سطح بالایی بود. دشمن اکثراً عقبه لشکر شامل ستاد لشکر گردان‌های مستقل همانند مهندسی، تعمیر و نگهداری، پشتیبانی و بویژه گردان مخابرات را مورد این بمباران قرار می‌داد، که مهم‌ترین آن بمباران ۱۰/۱۰/۱۳۶۵ و ۱۶/۷/۱۳۶۶ می‌باشد. دلیل آن هم کاملاً واضح و روشن است. اول اینکه عوامل شیمیایی به محض پخش شدن در هوا به طرف نیروهای در خط عراقی پخش نگردد تا صدمه ببینند. دوم اینکه ارتباط با رده‌های عقب یگان‌های در خط، کاملاً قطع شود، تا تصمیم‌گیری دچار خدشه شده و نیروهای در خط مورد آسیب واقع گردند.

در بمباران شیمیایی ۱۶/۷/۱۳۶۶ سرهنگ دوم مظاهری شاهد و ناظر بمباران شیمیایی عقبه لشکر با انبوه زیادی بمب‌افکن بود، ناگهان گردان مخابرات هم با چند بمب‌افکن مورد تهاجم و بمباران شیمیایی قرار گرفت. فرصت هیچ اقدام و عکس‌العملی جز ماسک‌گذاری و رفتن روی ارتفاعات بلند اطراف، که از تلف شدن و مصدومیت در امان بمانند نبود. این افسر دلسوز سریعاً ماسک‌گذاری کرده و همانند مرغ سرکنده به اطراف گردانش می‌دوید تا پرسنل تحت امرش را کنترل، مدیریت و یاری کرده و نجات دهد. اکثر کارکنان را کمک و تخلیه نمود. در یک لحظه، یکی از سربازانش را مشاهده کرد که ماسک ندارد و بدجور عوامل شیمیایی بر او تأثیر گذاشته است. سریع به سراغش رفت و صورتش را با دستمالی که در جیب داشت، از عوامل شیمیایی پاک کرد و همانند پدری دلسوز ماسک را از صورت خود برداشت و بر صورت سربازش گذاشت. سرباز نجات پیدا کرد و حالش قدری بهتر شد، اما خود فرمانده تا خواست ماسک دیگری تهیه کند و بر صورت بگذارد، هواپیمای دیگری مجدداً گردان را بمباران کرد و این بار فرمانده و پدر دلسوز گردان هم تحت تأثیر عوامل قرار گرفت و کنار بقیه پرسنلش شهید شیرین شهادت نصیب و روزیش گردید و زندگی در جوار انبیاء و اولیاء الهی را برای همیشه برگزید.

از شهید چهار فرزند به یادگار باقیست:

رادا مظاهری متولد ۱۳۵۵ با تحصیلات پزشکی عمومی، احسان مظاهری متولد ۱۳۵۸ با تحصیلات دکتری پزشکی عمومی، ایمان مظاهری متولد ۱۳۶۱ با تحصیلات دکتری هوافضا شرکت آزاد، امین مظاهری متولد ۱۳۶۲ با تحصیلات فوق لیسانس صنایع شرکت آزاد.



سرلشکر شهید حسین خزایی

نام پدر: شیرعلی

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱۰/۵

محل تولد: بخش بِنجار شهرستان زابل

میزان تحصیلات: کارشناسی (دوره دوم دانشکده افسری)

تاریخ استخدام (مهر ۱۳۵۲)

شغل: نظامی (افسر)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۸/۱۱

محل شهادت: حوالی فرودگاه زاهدان (سانحه سقوط هواپیمای سی ۱۳۰)

زندگی‌نامه

هوای سرد و خشک کویری زمستان، آن هم در سیستان آزاردهنده است. به علت عدم رطوبت و خشکی هوا، سرما معروف به استخوان‌سوز و گاه غیرقابل تحمل است. گاه تصور می‌نمایند چون سیستان و بلوچستان جزء مناطق گرمسیری کشور است، زمستان هم هوا زیاد سرد نمی‌شود، اما برعکس، زمستان خشک این منطقه بسیار سرد است.

در صبحدم ۱۳۳۳/۱۰/۵ بخش بِنجار از توابع شهرستان زابل و در خانواده‌ای متدین و عاشق عصمت و طهارت، نوزادی چشم به جهان هستی گشود. خانواده شهدی شیرعلی با توجه به آداب و رسوم دیرینه سیستان، به روحانی محل مراجعه کرده و از او خواستند با تَفألِی به قرآن کریم نامی برای فرزندشان انتخاب نماید. نام نیک حسین برای فرزندشان انتخاب شد. حسین پس از سپری شدن سن هفت سالگی، راهی مدرسه شد. مقطع ابتدایی را با موفقیت به پایان رساند و جهت طی نمودن مقطع متوسطه نظام قدیم، راهی شهرستان زابل گردید. در مدت شش سال، این مقطع به اتمام رسید و حسین موفق به اخذ مدرک دیپلم از دبیرستان پهلوی سابق زابل شد. علاقه بسیار شدیدی به شغل نظامیگری داشت. در آزمون‌های کتبی، ورزشی، پزشکی و گزینش سال ۱۳۵۲ نیروی زمینی ارتش شرکت کرد و در مهرماه همان سال وارد دانشکده افسری شد. مدت سه سال دوره دانشکده را با موفقیت به اتمام رساند و جهت طی دوره مقدماتی زرهی رهسپار مرکز زرهی شیراز شد. این دوره در سال ۱۳۵۵ به اتمام رسید و برابر تقسیمات نیروی زمینی به موطن اصلی خود (لشکر ۸۸ زرهی زاهدان) اختصاص یافت. همزمان با اوجگیری تظاهرات مردمی در سال ۵۶ و ۵۷، او نیز همراه هموطنان خود حضور و

شرکت فعالی داشت. انقلاب شکوهمند اسلامی به پیروزی رسید و افسر جوان برای خدمت احساس مسئولیت بیشتری نمود

مشاغل فرماندهی دسته، معاون گروهان و فرماندهی گروهان را پشت سر گذاشت. با توجه به اعتقادات مذهبی و رسوم محلی سیستانی و سفارش و تأکیدات والدین و جلوگیری از بی‌بندوباری، سنت بسیار خوب و حسنه ازدواج در ۱۳۵۸/۲/۲۰ با همسر مورد علاقه‌اش صورت گرفت. جنگ تحمیلی آغاز گردید و از همان روزهای نخستین تهاجم عراق به تمامیت ارضی کشورمان، افسر جوان ولی با تجربه به طور داوطلب تحت عنوان گروه رزمی^۱ سلمان عازم مناطق عملیاتی شد. او از آموزش بسیار بالای نظامی برخوردار بود. از آنجایی که رسته‌اش زرهی و فرمانده گروهان تانک بود، از قدرت پرتحرک و آتش پر حجم ادوات زرهی ارتش عراق کاملاً مطلع بود. او خوب می‌دانست که تنها برتری نیروی زمینی ارتش عراق فقط در ادوات زرهی که دارای تحرک بسیار بالا و حجم آتش شدید می‌باشند، خلاصه شده است.

جنگ تانک با تانک جنگی پر خطر است و از طرفی، نیاز به آموزش و مهارت و داشتن ادوات زرهی مدرن و زیاد می‌باشد. افسر جوان به دفعات این آزمون را علیرغم همه کمبودهای مهمات، قطعات و تعداد تانک‌های موجود ارتش ایران در مقابل انبوه تانک‌های ارتش عراق تجربه کرده بود، که فقط تانک با تانک می‌تواند مقابله کند و یا اینکه شکار تانک با بالگرد^{۲۰۹} (کبرا) و سلاح‌های ضدتانک مقدور است. به همین انگیزه، از نیروهای تحت امرش می‌خواست دانش و معلومات نظامی خویش را ارتقاء داده تا با همه کمبودهای موجود، در مقابل ارتش عراق ایستادگی کرده و این مقاومت با غرور و افتخار ملی توأم باشد.

در عملیات والفجر^۴، در منطقه عمومی مریوان و پنجوین عراق در مهر ۱۳۶۲ به عنوان فرمانده گروهان شرکت جست. فرمانده گروه رزمی سلمان از فرماندهان گروهان خواست تا از منطقه و محور عملیات خود بازدید و شناسایی نماید. افسر با تجربه که اینک با مدت سه سال خدمت عملیاتی و شرکت در چندین عملیات موفقیت‌آمیز آفندی و پدافندی، با شناسایی دقیق متوجه حضور انبوه تانک عراقی که دقیقاً آنها را شمارش کرده بود (۱۱۴ تانک)، شد و در فکر بود که با تعداد ۱۴ تانک موجود در گروهانش چه کند؟ چگونه بجنگد؟ راهکار موفقیت چیست؟ ...

۱. اگر به قرارگاه یک گردان از رسته‌های رزمی که دست‌کم یکی از عناصر تابع خود را در اختیار دارد، یک گروهان یا بیشتر از سایر رسته‌های رزمی یا پشتیبانی رزمی مأمور شود، گروه رزمی گویند.

تاکتیک جنگ دیکته می‌کند که همیشه نیروی حمله‌کننده و تک‌ور بایستی سه برابر نیروی در حال پدافند استعداد و تجهیزات داشته باشد. این واقعیتی انکارناپذیر است، زیرا هدفی دارد و باید به آن هدف برسد و آن را حفظ کند، یعنی اینکه یگان حمله‌کننده بایستی تعداد ۴۰۰ تانک در اختیار داشته باشد تا بتواند بر دشمنی که در حال پدافند و دارای ۱۱۴ تانک است، فائق آید و کسب موفقیت نماید. حال با در اختیار داشتن ۱۴ دستگاه تانک چه می‌تواند بکند؟ فرمانده گروه رزمی سلمان (شهید سرگرد یعقوب احمدبیگی) به محض مراجعه فرماندهان گروهان از شناسایی، جلسه اضطراری برگزار می‌کند تا آخرین اخبار را بشنود و تصمیمات لازم را اتخاذ نماید. از تک تک فرماندهان گروهان‌های عمل‌کننده اخبار را شنید و یادداشت نمود. نوبت به ستوان یکم باتجربه حسین خزایی رسید. ایشان اظهار داشت اخباری دارم که لازم است فقط با شخص خودتان در جریان بگذارم، یعنی دو نفری با هم صحبت کنیم و شما بقیه فرماندهان را مرخص کنید تا اطلاعاتم را بازگو نمایم. فرمانده قبول کرد و سراپا گوش مطالب محرمانه او را می‌شنید.

وقتی ستوان خزایی آمار تانک‌های عراق را بازگو نمود، فرمانده گردان شدیداً در فکر فرورفت. دو روز تا آغاز عملیات بیشتر نمانده بود و در این فاصله زمانی، هیچ کاری از کسی برنمی‌آمد و چاره‌ای هم نبود. اما افسر باتجربه به فرمانده گردانش قول داد که ان‌شاءالله مشکل خاصی پیش نمی‌آید؛ و نهایت سعی و تلاش خود و یگانش را در عملیات به کار گرفت تا هدف واگذاری تصرف شود. در شب عملیات، خدا هم به یاری آنان آمد و گم شدن یک دستگاه تانک و جدا شدن آن از بقیه تانک‌ها باعث شد تا با نورافکن روشن، به اشتباه به طرف تانک‌های عراقی برود و نیروهای دشمن فکر کرده بودند که تعداد کثیری از تانک‌های ایرانی به طرف آنان حمله‌ور شده‌اند و لذا بدون مقاومت و درگیری منطقه را ترک کرده و هدف واگذاری به گروه رزمی سلمان لشکر ۸۸ زرهی زاهدان تصرف و اشغال گردید.

گروه رزمی اعزامی از لشکر ۸۸ اولین گردانی بود که در بین یگان‌های شرکت‌کننده اعلام تصرف هدف خود را به رده بالا گزارش کرد. مأموریت در جبهه همچنان ادامه داشت، تا با درجه سروانی رهسپار دوره عالی مرکز زرهی شیراز شد و در سال ۱۳۶۳، این دوره را با موفقیت به اتمام رساند و مجدداً به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان اختصاص یافت و راهی منطقه شد.

حال با اندوخته‌های علم نظامی و تجربه چند سال مناطق عملیاتی، به عنوان فرمانده گردان ۲۵۵ تانک تیپ ۱ لشکر زاهدان منصوب گردید. در جبهه میانی و منطقه عملیاتی سومار

و نفت‌شهر، نگهداری ارتفاع حساس و کلیدی ۴۰۲ که بارها ارتش عراق به آن حمله کرد تا شاید آن را آزاد و اشغال نماید، کاری بس مهم و توأم با مسئولیت بود. سروان باتجربه به خوبی و با مدیریت بسیار بالا و قوی، کلیه مأموریت‌های محوله را به نحو شایسته و مطلوب انجام می‌داد. یک افسر شجاع و جسور می‌تواند یگان و پرسنل تحت امر با کفایت تربیت کرده و پرورش دهد تا در سخت‌ترین شرایط او را یاری نمایند و لذا سروان خزایی یکی از همین اسطوره‌ها بود.

از خصوصیات بارز این افسر این بود که دنیا را هیچ و پوچ می‌دانست. رئوف و مهربان بود. به والدین و اعضای خانواده عشق می‌ورزید، بسیار ساده زندگی می‌کرد. با درجه سروانی با دو چرخه اکثر مسیرها را در شهر زاهدان تردد می‌کرد و به علت نداشتن آب شرب در آن ایام، به کمک والدینش می‌شتافت و آب برای آنان تهیه می‌کرد. بارها پدر مرحومش یادآور می‌شد که فرزندم! شما یک افسر هستید و اکثر مردم زاهدان شما را می‌شناسند و مناسب شما نیست که برای ما آب بیاوری. او پاسخ می‌داد وظیفه من است که به شما خدمت نمایم. مدت بیش از شش سال در مناطق عملیاتی از خود فداکاری، جان‌نثاری، شهامت و ایثارگری‌های فراوانی به یادگار گذاشت که هنوز بعد از چندین سال، همکاران، بخصوص سربازانش آن را برای نسل جوان فعلی تعریف و بازگو می‌کنند.

سرانجام در آخرین اعزام به مرخصی عملیاتی از منطقه سومار به شهرستان زاهدان، در ۱۳۶۵/۸/۱۱ با هواپیمای ترابری سی ۱۳۰ ارتش به علت نقص فنی و سانحه هوایی در حوالی فرودگاه زاهدان سقوط کرده و به اتفاق سایر همزمانش به لقاءالله پیوست و زندگی در جوار انبیاء و اولیاء الهی را برای همیشه برگزید و «عند ربهم یرزقون» گردید.

از شهید خزایی سه فرزند به یادگار باقیست:

یلدا خزایی، کارشناس بینایی سنجی، شغل آزاد. سعید خزایی کارشناس ارشد حسابداری، کارمند بانک. امیرحسین خزایی کاردانی معماری، شغل آزاد.

سرگرد شهید محمود خمرنیائی



نام پدر: علی

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۹/۷

محل تولد: شهرستان زاهدان

تحصیلات: راهنمایی

شغل: نظامی (درجه‌دار)

تاریخ استخدام: ۱۳۵۴/۵/۲۴

محل شهادت: حوالی فرودگاه زاهدان

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۸/۱۱

زندگی‌نامه

از همان روز نخست که قدم در جهان هستی نهاد، همچون نامش محمود (پسندیده)، پسندیده شهادت شد و در زمره شهدا قرار گرفت. در ۱۳۶۶/۹/۷ در یکی از محلات شهرستان زاهدان و منزل مشهدی علی، نوزادی پا به عرصه گیتی نهاد و مشهدی علی که دومین فرزند خود را در صحت و سلامت دید، بغل کرد و نام نیک محمود را بر او نهاد. محمود رشد و نمو نمود تا شش بهار از عمرش سپری شد و راهی مدرسه گشت و مقاطع ابتدایی و راهنمایی را پشت سر گذاشت و به علت بعضی مشکلات و گرفتاری‌ها از ادامه تحصیل بازماند. از صدا و سیما شنید که نیروی زمینی ارتش استخدام می‌نماید. پس از ثبت نام و طی مراحل گوناگون، در ۱۳۵۴/۵/۲۴ به استخدام ارتش درآمد. دوره آموزشگاه گروهبانی را در تهران طی کرد و جهت دوره مهندسی (تخریب) به دانشکده مهندسی بروجرد اعزام شد. برای ادامه خدمت، بر اساس نیاز به تیپ ۲۳ ویژه نوهده واگذار گردید. تیپ ۲۳ نوهده یکی از بهترین یگان‌های نیروی زمینی ارتش است.

محمود مشغول به خدمت شد و با توجه به علاقه‌ای که به چتربازی و پرش از آسمان داشت، دوره چتربازی و بعد از آن دوره جیت‌کاندو (دفاع شخصی) را با موفقیت گذراند. در ۱۳۵۸/۴/۲۱، با دختر مورد علاقه و هم‌کفو خویش ازدواج نمود. بعد از پیروزی انقلاب به موطن اصلی خود زاهدان و لشکر ۸۸ زرهی، گردان مهندسی مستقر در شهرستان خاش جابه‌جا و مشغول خدمت گردید.

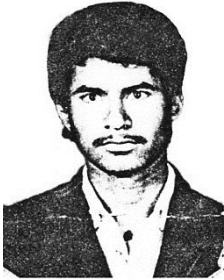
با آغاز جنگ تحمیلی، به همراه تعدادی از همکاران راهی جبهه شد. گردان مهندسی لشکر در جبهه و جنگ وظایف خطیری در قبال یگان‌های لشکر دارد؛ از جمله «احداث جاده برای تدارکات، احداث مواضع برای توپخانه، تانک و زاغه مهمات، احداث خاکریز برای نیروهای در خط، مین‌گذاری و نصب سیم خاردار در جلو نیروی خودی، خنثی‌سازی مین و تله‌های انفجاری برای اعزام به گشتی شناسایی، رزمی و مخصوصاً عملیات‌ها و...».

گروه‌بان جوان تخصص مین و تله‌های انفجاری داشت، که مسئولیت بسیار خطرناکی است. وی در ده‌ها عملیات پدافندی (مین‌گذاری) و آفندی (خنثی کردن مین) شرکت جست. روحیه بسیار بالایی داشت. در شب‌های عملیات، اولین نفر داوطلب برای مأموریت بود. کمتر کسی این شهامت و جرئت را داشت. اگر تخریبچی کوچک‌ترین ناراحتی و تزلزل روحیه‌ای داشته باشد، هر لحظه امکان اشتباه کردن دارد، که این اشتباه حتماً آخرین اشتباهش خواهد بود.

مدت شش سال در مناطق جنوب، غرب و شمال غرب از خود رشادت، شجاعت، دل‌آوری، غیرت و... نشان داد. سرانجام در ۱۳۶۵/۸/۱۱ به هنگام اعزام به مرخصی عملیاتی از منطقه سومار به زاهدان در سانحه سقوط هواپیمای ترابری سی ۱۳۰ ارتش در حوالی فرودگاه زاهدان، صعود خود به آسمان را مسجل کرد و «عند ربهم یرزقون» گردید و به اتفاق هم‌زمانش زندگی ابدی در جوار انبیاء و اولیاء الهی را برای همیشه برگزید.

از شهید سه فرزند به یادگار مانده است:

فاطمه متولد ۱۳۵۹ فوق لیسانس صنایع دستی، کارمند بنیاد شهید. رضا متولد ۱۳۶۰ فوق لیسانس مدیریت، کارمند بانک مسکن. مرتضی متولد ۱۳۶۴ لیسانس حسابداری، کارمند بانک مسکن.



سرباز وظیفه شهید ملنگ یادگارزهی

نام پدر: غلامعلی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل تولد: زابل

میزان تحصیلات: دیپلم

شغل: نظامی (سرباز وظیفه)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱/۲۳

محل شهادت: جنوب (عین خوش)

زندگی‌نامه

در آستانه سال نو و دومین روز بهار ۱۳۴۱ در روستای علی آباد از توابع شهرستان زابل، میهمانان نوروزی در خانواده مشهدی غلامعلی مشغول دید و بازدید بودند که با صدای گریه نوزادی، به یکباره همه سکوت کردند و وقتی مامای محلی خبر تولد نوزاد را به اطلاع حاضرین رساند، همه خنده کنان و با کف زدن و مبارکباد، ابراز شادی و خوشحالی نمودند. میهمانان از خانم ماما تقاضا کردند تا نوزاد را نزد آنان بیاورد، ولی او اول تقاضای انعام (چشم روشنی) نمود. با جواب مثبت حاضرین، بلافاصله نوزاد را در قنداقه‌ای که از قبل تهیه شده بود، پیچیده و به میهمانان سپرد. مشهدی غلامعلی از حال و احوال همسرش سوال کرد و به دیدارش شتافت و با مشاهده سلامت او خدا را شکر کرد و به همسرش تبریک گفت. والد طفل نام ملنگ را برای دل‌بندش انتخاب کرد و صورتش را بوسید. ملنگ در دامن مادری مذهبی و متدین پرورش یافت. به سن هفت سالگی که رسید، با سایر همسن و سالانش راهی مدرسه شد. مقطع ابتدایی را در زادگاهش مشغول سپری کردن بود که خشکسالی ۵۹-۴۹ در سیستان به وجود آمد.

خانواده مشهدی غلامعلی همانند تعداد زیادی از سیستانی‌هایی که مهاجرت نمودند، سیستان را ترک کرده و به زاهدان آمد. در زاهدان مشغول کارگری شد. ملنگ همچنان ادامه تحصیل داد و در روزهای تعطیل، بخصوص تعطیلات تابستان، به پدر کمک می‌کرد. مقطع تحصیلی راهنمایی پایان یافت و مشغول به تحصیل در دوران متوسط بود که انقلاب اسلامی شروع شد. مردم در حال قیام تظاهرات بودند که ملنگ به جمع انقلابیون پیوست. بعد از پیروزی انقلاب، فعالیت‌های فرهنگی، کلاس‌های سرود، احداث و تأسیس کتابخانه و

شعارنویسی را با بعضی از دوستان، همانند شهیدان عباسعلی خمیری، غلامحسن خدیری، محمد بازگیر و... شروع نمود. مقطع دبیرستان را در رشته تجربی به پایان رساند، که با تعطیلی دانشگاه‌ها به جهت انقلاب فرهنگی مواجه شد و از ادامه تحصیل در دانشگاه بازماند. دفترچه اعزام به خدمت گرفت و جهت پیوستن به رزمندگان اسلام در ۱۳۶۰/۴/۱۸ به نیروی زمینی ارتش پیوست. پس از ۱۲ هفته آموزش‌های مقدماتی به جهت نیاز، به گردان ۱۳۵ تیپ ۵۵ هوابرد شیراز انتقال یافت. تیپ ۵۵ هوابرد یکی از معدود تیپ‌های نیروی زمینی ارتش است که افرادی که در آن خدمت می‌نمایند، بایستی از ورزشی و سلامتی جسمانی مناسبی برخوردار باشند. کارکنان وظیفه نیز دوره تکاوری و چتربازی را بر حسب نیاز طی می‌نمایند. جوان سیستمی دارای هیكلی قوی و بدنی ورزیده بود. از همان روز، خود را به منطقه عملیاتی جنوب معرفی نمود و مشغول پیکار و مصاف با بعثی‌های عراق شد.

تیپ ۵۵ هوابرد به لحاظ مأموریت خاص خود، در اکثر عملیات‌های آفندی شرکت کرده و حضور فعالی داشت. یادگارزهی این سرباز فداکار در تمامی عملیات‌ها به عنوان رزمنده‌ای خط‌شکن در صف اول بود. در عملیات‌های بزرگ و غرورآفرینی همانند فتح‌المبین، بیت‌المقدس و والفجر مقدماتی شرکت نمود. او همیشه می‌گفت «ما در حال حاضر تکلیف بزرگ و سنگینی داریم. ما سرباز امام زمانیم و تحت رهبری ولی فقیه و نماینده امام باید دستوراتش را دقیقاً و به درستی انجام دهیم. ما وظیفه دفاع از مظلومین جهان را بر عهده داریم.» به نماز و وظایف دینی و مذهبی خود سخت پایبند بود. برای والدینش احترام خاصی قائل بود و بزرگترها را تکریم می‌نمود. دستورات سلسله مراتب فرماندهی را دقیقاً اجرا می‌کرد و فردی بسیار منظم و منضبط بود. به همراه یگان سازمانی خود (گردان ۱۳۵) در مناطق عملیاتی غرب و جنوب به دفعات در مأموریت‌ها و عملیات‌ها شرکت جست، شهادت بسیار زیادی داشت و بسیار جسور و نترس بود.

سرانجام این سرباز نمونه وطن‌پرست در عملیات والفجر مقدماتی، پس از قهرمانی و حماسه‌های فراوان، در ۱۳۶۲/۱/۲۳ منطقه عمومی فکه، بر اثر اصابت ترکش گلوله خمپاره دشمن جسمش سوخت و جاویدالآثر گردید. برابر دستورالعمل و طبق نظریه فرماندهی کل قوا و کمیسیون حمایت از اسرا و مفقودین، برابر نامه شماره ۴۲/۴۰۴/۰۲/۲/۱۱۹ مورخ ۱۳۸۲/۹/۸، نامبرده از ۱۳۸۲/۹/۹، شهید محسوب می‌گردد.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

حفظ و صدور انقلاب به تمام جهانیان از وظایف ماست. وظیفه ما دفاع از مظلومان جهان است. جبهه و دفاع مقدس به نظر من دانشگاه معنویت است. وجود ما در این دنیا امانت است. از اعضای خانواده می‌خواهم قرآن بخوانید و نماز را برپای دارید.

خصوصیات بارز شهید

دوستانش می‌گویند خیلی جسور و نترس بود. یک افسر عراقی را اسیر کرد که او لباس هایش را به رسم یادبود به یادگارزهی هدیه داد، که نزد پدر شهید هنوز نگهداری می‌شود. در تمامی عملیات‌هایی که یگان انجام می‌داد، فقط خط‌شکنی صفوف دشمن را بر عهده می‌گرفت و صف اول و نفر اول بین افراد یگان بود.

فصل سیزدهم
تاریخچه و نقش هوانیروز در غائله کردستان
و دوران دفاع مقدس

هسته اولیه هوانیروز (یگان هواپیمایی نیروی زمینی ارتش) در سال ۱۳۴۱ پایه‌گذاری گردید. در این سال، تعداد ۱۰ تن از افسران و خلبانان از بین داوطلبان برگزیده و به منظور فراگیری و آموزش به آمریکا اعزام و پس از آن، تا سال ۱۳۴۲، به ترتیب هر شش ماه چهار نفر جهت آموزش اعزام می‌شدند. در آغاز، تعداد شش فروند هواپیمای یک موتور سسنا با شش خلبان در اصفهان فعالیت خویش را آغاز کردند. شمار پرنده‌ها تا سال ۱۳۴۵ به ۳۰ فروند و پس از آن یک گردان دیگر به علاوه یک گروهان افزایش یافت، تا اینکه در سال ۱۳۴۸ به هنگ ارتقاء یافت. به مرور، بالگردهای ۲۰۵ و ۲۰۶ از ایتالیا خریداری گردید و سازمان آن به سه گروه رزمی و پشتیبانی عمومی و مرکز آموزش خلبانی گسترش یافت. در این راستا، تعداد ۲۰۲ فروند بالگرد کبرا (۲۰۹) و بیش از ۳۰۰ فروند بالگرد از کشور آمریکا خریداری گردید. اهداف بلند و تجهیز کامل تا سال ۱۳۶۰ برنامه‌ریزی شده بود، که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، اکثر قراردادهای نظامی، از جمله خرید و تجهیزات یگان هوانیروز لغو گردید و در حال حاضر، هوانیروز دارای بالگردهای ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹ (کبرا)، ۲۱۴ و شنوک بوده و در تهران، اصفهان، کرمانشاه، مسجد سلیمان، کرمان و مشهد دارای یگان و ساختارهایی می‌باشد که به وظایف و مأموریت‌های محوله مشغول هستند.

مأموریت‌های کلی هوانیروز

۱. هدایت آتش توپخانه و خمپاره‌انداز
۲. فرماندهی و کنترل
۳. دیدبانی
۴. شناسایی با آتش
۵. به تأخیر انداختن تحرک دشمن
۶. همراهی ستون‌های نظامی
۷. تأمین حفاظت جناح‌ها در میدان نبرد
۸. جابه‌جایی نیرو و تجهیزات
۹. تخلیه مجروحان
۱۰. پشتیبانی آتش از آسمان
۱۱. تصویربرداری
۱۲. روشن کردن میدان نبرد

۱۳. عملیات امدادرسانی

۱۴. عملیات ویژه

۱۵. آموزش خلبانی و فنی

مأموریت‌های تاکتیکی و پشتیبانی

۱. تک هوایی ضدیگان‌های دشمن

۲. عملیات هجوم هوایی

۳. عملیات پوششی

۴. شناسایی

۵. پهلوداری

۶. عملیات تأخیری

۷. پشتیبانی آتش

۸. تقویت

۹. عملیات نفوذی

۱۰. عملیات ویژه

۱۱. نیروبری

۱۲. تخلیه و بازیافت

۱۳. فراهم‌آوری تدارکات و تجهیزات

هوانیروز بعد از پیروزی انقلاب

حوادث کردستان

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، فعالیت گروه‌های معاند انقلاب، از جمله دمکرات و کومله و سایر گروه‌های تجزیه‌طلب در سطح بسیار وسیعی آغاز شد. روستاها و شهرها یکی پس از دیگری سقوط کرده و به دست گروه معاندین می‌افتادند. به علت شرایط خاص جغرافیایی کردستان، تردد و تدارکات نیروهای درگیر با ضدانقلاب از طریق زمین مشکل و حتی غیرممکن بود.

سقوط شهرهایی مانند پاوه، سردشت، نوسود، سقز، بانه، مهاباد، سردشت، پیرانشهر، مریوان و قسمتی از پادگان سنندج (لشکر ۲۸ سنندج) باعث شد تا از وجود خلبانان جان بر

کف هوانیروز در پشتیبانی از یگان‌های زمینی استفاده گردد. تیزپروازان قهرمان هوانیروز طی ۶۰ هزار ساعت پرواز در اقصی نقاط کردستان، ضربات مهلک و سختی به گروهک‌های ضدانقلاب وارد نمودند و الحمدلله روستاها و شهرهای تحت کنترل آنان یکی پس از دیگری آزاد گردید. به قول فرماندهی وقت نیروی زمینی شهید سرلشکر فلاحی که فرمود «اگر هوانیروز نبود، کردستان هم نبود.» حقیقتاً این امر واقعیتی انکارناپذیر است و باید درود و صلوات به روح تمامی شهدای آزادسازی کردستان، بویژه خلبانان و کارکنان هوانیروز فرستاد، که شهدای زیادی در این استان تقدیم نظام و کشور نمودند.

هوانیروز و دفاع مقدس

تهاجم سراسری نیروهای مسلح عراق در حالی آغاز شد که ارتش جمهوری اسلامی ایران به دلایل بسیار زیادی از آمادگی کافی رزمی برخوردار نبود. شرایط بد، روحیه، انضباط، جابه‌جایی و انتقال کارکنان متخصص، برکناری و بازنشستگی تعداد ۱۲۷ فرمانده عمده تیپ، لشکر، نیرو و...، پاکسازی و تسویه تعداد زیادی افسر ارشد و کاهش مدت سربازی از ۲۴ ماه به ۱۲ ماه، بحث امنیت ملی و درگیری تعداد ۲ لشکر ارتش در استان‌های کردستان، آذربایجان و کرمانشاه و ده‌ها دلیل دیگر باعث تحلیل رفتن نیروهای ارتش شده بود و رژیم بعث هم با توجه به نکات و مطالب ذکرشده، زمان تهاجم را مناسب انتخاب کرد.

جهت متوقف کردن و جلوگیری از پیشروی یگان‌های دشمن، تلاش مجدانه نیروی زمینی، هوایی و دریایی ارتش، ژاندارمری سابق، نیروهای مردمی و سپاه و... باعث شد تا همان روزهای نخست نیروهای دشمن متوقف شده و استراتژی دشمن با شکست مواجه گردید. یاد غیورمردان خلبان شهید احمد کشوری، شیرودی، سهیلیان و... بخیر، که هرکدام از این دلوران با بالگرد کبرا جلویگان‌های عمده زرهی دشمن را تثبیت کرده و پیشروی دشمن را کند نمودند. هوانیروز یکی از کارآمدترین یگان‌های نیروی زمینی ارتش بود، که از آغاز جنگ تحمیلی، بالگردهای خود را در انواع مختلف ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹ (کبرا)، ۲۱۴ و شنوک به مناطق عملیاتی غرب و جنوب اعزام نمود و با استقرار در شهرهای ارومیه، مراغه، سقز، سنندج، سرپل ذهاب، گیلانغرب، ایلام، دزفول، اهواز، ماهشهر، امیدیه و... از تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ با دشمن وارد نبرد گردید. با توجه به شرایط نیروهای خودی و پیشروی ارتش عراق، از همان ابتدا به صورت گسترده در پشتیبانی از یگان‌های زمینی وارد عمل شد و با توجه به تحرک ۱۰۰٪ و رشادت و دلاوری خلبانان و کارکنان فنی خود، علاوه بر کند کردن پیشروی دشمن و تثبیت آنان در

مواضع دفاعی نامناسب، نقش انکارناپذیری در انهدام نیروهای دشمن ایفا نمودند و کارشناسان نظامی غرب و شرق را در بهت و حیرت فروبردند.

با آغاز عملیات آفندی و پدافندی یگان‌های ارتش و سپاه، هوانیروز همواره در راستای پشتیبانی آتش، تخلیه مجروحین، هلی‌برن، حمل و تدارکات از راه هوا و شناسایی هوایی مورد استفاده قرار می‌گرفت، به طوری که نام هوانیروز با اکثر عملیات‌های رزمندگان عجین گشته و افتخاری جاودان برای این یگان قهرمان به ارمغان آورده است.

هوانیروز با بیش از ۳۰۰ هزار ساعت پرواز طی هشت سال دفاع مقدس توانسته است بیش از ۲۶۹ هزار نفر مجروح را از خطوط مقدم به پشت جبهه و بیمارستان‌های مجهز به شهرستان‌ها تخلیه و تعداد بیش از ۲۷۰ هزار رزمنده را در میداین نبرد هلی‌برن^۱ و بیش از ۷۰ هزار تن انواع مهمات و اقلام و تجهیزات را جابه‌جا کند و وظیفه خود را به کشور، نظام، رهبری، ملت شریف و غیور ایران ادا نموده و برگ زرینی در کارنامه خود و ارتش جمهوری اسلامی ایران ثبت و ضبط نماید.

غیورمردان هوانیروز استان شهیدپرور سیستان و بلوچستان نیز همانند سایر همکاران خویش نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در انواع مأموریت‌های پروازی غائله‌های کردستان، بلوچستان و... و مهم‌تر از آن در دوران دفاع مقدس ایفا نمودند. از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های معاند و ضدانقلاب در غائله کردستان تحت عنوان کومله و دمکرات خواستند این استان پهناور را تجزیه و یک اقلیم خودمختار اعلام کنند. اشرار مسلح در منطقه بلوچستان (کوه سفید سراوان) نیروهای انتظامی را بیگانه به شهادت رساندند و باعث رعب و وحشت و ناامنی منطقه شدند. تیزپروازان و کارکنان فنی هوانیروز از این استان به همراه سایر همکاران با رشادت و شجاعت بی‌نظیر خود به این غائله پایان دادند. اینک به اختصار به نمونه‌ای از رشادت‌های غیورمردان هوانیروز از استان سیستان و بلوچستان می‌پردازیم.

۱. محمول با بالگرد؛ به بیان دیگر حمل پرسنل و تجهیزات، وسایل و جنگ افزار مورد نیاز یک یگان جهت اجرای مأموریت از نقطه‌ای به نقطه دیگر.

سرتیپ خلبان شهید جاوید الاثر محمدامین میرمراذهی

شهید میرمراذهی از خلبانان شجاع هوانیروز و از برادران اهل تسنن قوم بلوچ در روستای سیب از بخش سیب و سوران شهرستان سراوان در تاریخ ۱۳۳۲/۹/۱ در خانواده‌ای مذهبی و متدین پا به عرصه گیتی نهاد. از همان ابتدا، حاج گهرام والد محمدامین به تعلیم و تربیت اسلامی او پرداخت. بعد از اتمام سال چهارم دبیرستان نظام قدیم با رتبه بالایی جزء پذیرفته‌شدگان خلبانی به استخدام هوانیروز درآمد. دوره‌های زبان انگلیسی، چتربازی، خلبانی بالگرد کبرا (۲۰۹)، استاد خلبانی و... را با موفقیت سپری نمود. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ با همسر مورد علاقه‌اش در تهران ازدواج نمود که ثمره آن دو فرزند دوقلو به نام‌های بابک و بهاره می‌باشد. پس از پیروزی انقلاب، در غائله کردستان رشادت و شجاعت کم‌نظیری در کارنامه خدمتی بر جای گذاشت.

در غائله بلوچستان و کوه سفید گشت سراوان که اشرار مسلح تعداد ۳۳ تن از نیروهای جان بر کف انتظامی را به شهادت رسانده و باعث ناامنی منطقه شده بودند، شهید میرمراذهی به عنوان لیدر تعداد چهار فروند بالگرد کبرا و یک فروند بالگرد ۲۱۴ از اصفهان به سراوان راه‌دایت نمود و پس از توجیه مختصری توسط اعضای شورای تأمین شهرستان، مأموریت را آغاز نمود و مدت یک هفته تمامی اشرار را به هلاکت رساند و تعدادی را به اسارت درآورد و سپس به مناطق عملیاتی عزیمت نمود.

در دفاع مقدس، پروازهای زیادی انجام داد. در عملیات‌های متعدد، از جمله بیت المقدس و رمضان شرکت جست. پرونده خلبان شهید و قهرمان بلوچستان تا لحظه شهادت، سرشار از مأموریت‌ها و پرواز دلیرانه و شجاعانه می‌باشد. سرانجام در ۱۳۶۱/۴/۲۳، در عملیات رمضان برای پشتیبانی از نیروهای خودی که در شمال شرق بصره در محاصره و با دشمن مشغول درگیری شدید بودند، برای سومین بار متوالی با پرنده آهنین (بالگرد کبرا) جهت شکار تانک‌ها و ادوات زرهی دشمن پرواز کرد، که در حین درگیری و برگشت، با موشک مالیوتکا مورد اصابت قرار گرفته و به درجه رفیع شهادت نائل گشت و به خیل عظیم شهدا پیوست.

هنوز کوه‌های سر به فلک کشیده کردستان عظمت شجاعت‌ها و رشادت‌های قهرمان بلوچستان را از یاد نبرده است.

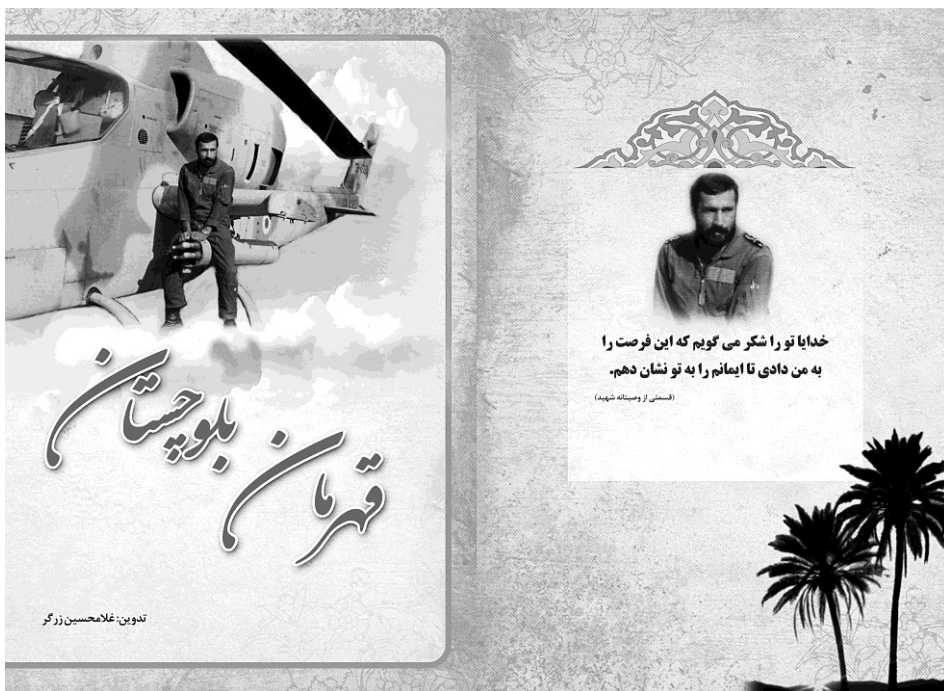
هنوز جلگه‌های پهناور خوزستان از سخاوت و ایثارگری خلبان تیزپرواز هوانیروز و قهرمان بلوچستان خاطرات زیادی دارد.

هنوز استان سیستان و بلوچستان از فداکاری‌های جان بر کف قهرمان بلوچستان در به هلاکت رساندن اشرار و غداران کینه‌توز، که مردم بیگناه و نیروهای انتظامی را بی‌جهت قتل عام نمودند، آن قدر خاطره دارد، که برای هیچ‌وقت تاریخ از یاد نخواهد برد.

هنوز مرز مشترک ایران و عراق در دوران هشت ساله دفاع مقدس خاطرات بیادماندنی زیادی در تاریخ زرین خود به ثبت رسانده، که برای هیچ‌وقت یاد قهرمان بلوچستان فراموش نمی‌شود.

بخشی از وصیت‌نامه شهید میرمراذهی

خدایا تو را شکر می‌گویم که این فرصت را به من دادی تا ایمانم را به تو نشان دهم و پا در راه پرشکوه شهادت بگذارم.



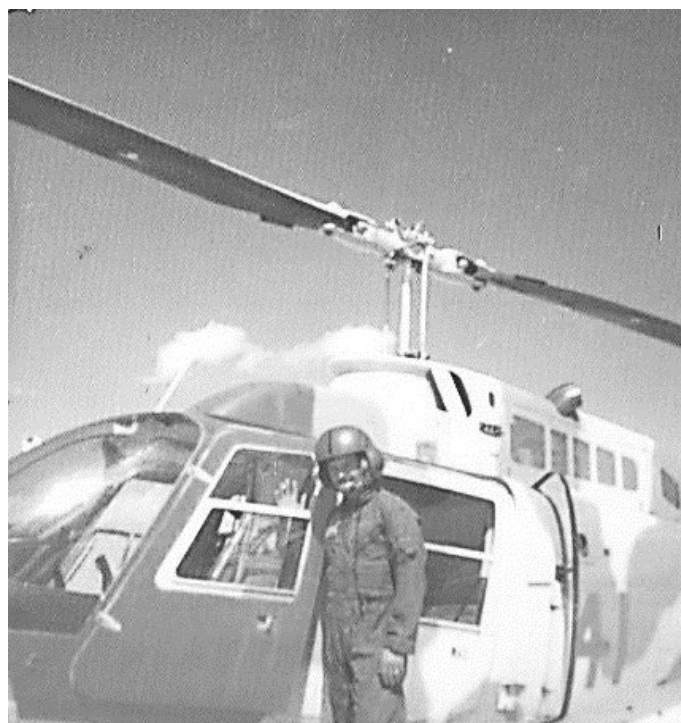
سرلشکر خلبان شهید عبدالرضا بختیاری

شهید سرفراز عبدالرضا بختیاری در سال ۱۳۳۴ در شهرستان زابل پا به جهان هستی نهاد. از همان روز نخست در دامن والدین بسیار مذهبی و متدین، که عاشق اهل بیت عصمت و طهارت بودند پرورش یافت. والدین به کار کشاورزی و دامپروری مشغول بودند و عبدالرضا به آنان کمک می‌کرد. به سن هفت سالگی که رسید، راهی دبستان شد. خشکسالی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۴۹ باعث شد تا همانند بسیاری از سیستانی‌ها جهت امرار معاش عازم ترکمن صحرا گردند. وی به ادامه تحصیل پرداخت، تا پس از طی مدارج تحصیلی بتواند به میهن خویش خدمت نماید. از کودکی شوق پرواز داشت. او می‌خواست آسمان را از نزدیک لمس نماید، تا به خدا نزدیک و نزدیک‌تر شود. بالأخره با پایان سال آخر تحصیلش در مشهد مقدس موفق به اخذ مدرک دیپلم شد. در آزمون ورودی دانشکده افسری شرکت کرد. پس از طی مراحل مختلف آزمون کتبی، گزینش، تست ورزش، معاینات پزشکی و... موفق به انتخاب شغل نظامیگری گردید. دوره مقدماتی سوم توپخانه را سپری نمود و همزمان موفق به ورود به خلبانی در هوانیروز گردید. با موفقیت دوره خلبانی را در سال ۵۴ طی کرد و در تاریخ ۱۳۵۵/۶/۱۰ موفق به سپری نمودن دوره استاد خلبانی گردید. همزمان با پایان مدارج دوره‌های خلبانی، سنت بسیار پسندیده ازدواج را انجام داد و به سراغ همسر مورد علاقه‌اش که نوه عمویش بود، رفت. مقدمات خاستگاری انجام شد و شرط ازدواج پایان دوره خلبانی بود که پذیرفت. ازدواج عبدالرضا و ثریا در شب ولادت حضرت زهرا(س) صورت گرفت و یگان خدمتی خلبان جوان شهر اصفهان و مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران و سقوط حکومت شاهنشاهی گردید.

عبدالرضا در هر محفل و مجلس و حتی در یادگان نظامی، فعالیت خویش را به صورت علنی آغاز نمود و هیچ ابایی از عواقب آن نداشت. از ضرورت انقلاب و حقانیت امام خمینی(ره) دفاع می‌کرد. با وجود اینکه می‌دانست ورود یک نظامی در عرصه سیاسی تبعات و عواقب بسیار سختی دارد و مجازات آن با افراد عادی متفاوت است، مع الوصف اعلامیه‌های امام را در اصفهان توزیع می‌کرد، که در این مسیر، گاه همسرش او را کمک و یاری می‌نمود. انقلاب پیروز و فعالیت‌ها و مسئولیت افسر جوان بیشتر شد. او هم در عرصه گفتار و هم در عرصه عمل الگویی برای دیگران شده بود. غائله کردستان و فعالیت گروه‌های معاند ضدانقلاب کومله و دمکرات زیاد شده بود. از یگان هوانیروز در این راستا کمک و یاری خواسته شد و ستوان بختیاری جزء اولین افسران خلبان برای اجرای مأموریت، اعلام آمادگی کرد و مشغول

مأموریت‌های پرواز در کردستان بود، که جنگ تحمیلی آغاز گردید. بلافاصله راهی مناطق عملیاتی شد تا از تمامیت ارضی و استقلال ایران زمین دفاع نماید. از وقتی به مناطق عملیاتی اعزام شد، روحیه‌اش از قبل بهتر شد. در عملیات‌های متعدد همانند ثامن‌الائمه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس شرکت نمود و مسئولیت جابه‌جایی (هلی‌برن) نیروها و رزمندگان را بر عهده داشت. افسر جوان مرد روزهای سخت بود و از پدر آموخته بود که به عنوان یک ایرانی و سیستانی اصیل، از سختی‌ها نهراسد و همچون رستم و یعقوب لیث و اجداد و نیاکان خویش و دیگر رزمندگان ایرانی، بویژه هم‌زمان ارتشی خود تا آخرین توان و قطره خون از ناموس و وطنش دفاع نماید.

در مرداد ۱۳۶۱، به او مأموریتی به منظور سرکوب اشرار و مقابله با سوداگران مرگ در زاهدان ابلاغ شد. او به همراه خلبان کریمی از اصفهان به کرمان و با بالگرد آهنینش به زاهدان عزیمت نمود. در زاهدان به لشکر ۸۸ زرهی مراجعه کرد و در اختیار افسر رکن دوم لشکر، سرگرد محمد شهرکی، با نقشه عملیاتی به منطقه توجیه و برای اجرای عملیات شناسایی آماده شد. جهت اجرای پرواز به منطقه صفر مرزی سیستان (چاه خرما) به اتفاق کمک خلبان کریمی، در جه‌دار محمد قنبری مطلوب و سرگرد شهرکی پرواز نمود. محل تردد و عبور و مرور کاروان‌های مواد مخدر شناسایی و عکسبرداری گردید. در بحبوحه تعقیب و گریز قاچاقچیان و شناسایی سوداگران مواد مخدر، بالگرد دچار سانحه شد، که باعث سقوط و در نهایت شهادت هر چهار نفر گردید. آنان پرواز ابدی را که از قبل انتخاب کرده بودند با آغوش باز پذیرفتند و به خیل عظیم شهدا پیوستند و زندگی در جوار انبیاء و اولیاء الهی را برای همیشه برگزیدند.



سرهنگ خلبان بازنشسته حسین پهلوان

اواخر سال ۱۳۵۳ تعداد ۴۳ تن از افراد بومی سیستان و بلوچستان در آزمون کتبی خلبانی هوانیروز شرکت کردند، که پس از آزمایشات (مصاحبه، تست ورزش، معاینات پزشکی، معاینات خلبانی، کلاس‌های زبان و پروازها و...) تعداد دو نفر (شهید میرمراذهی از سراوان و حسین پهلوان از زابل) موفق به طی دوره خلبانی و استاد خلبانی گردیدند.

حسین پهلوان به سال ۱۳۳۶ در روستای رضاخو از توابع شهرستان زابل پا به عرصه گیتی نهاد. در خانواده‌ای مذهبی و عاشق اهل بیت عصمت و طهارت پرورش یافت. دوران طفولیت به سرعت سپری و وی راهی مدرسه شد. مقاطع تحصیلی ابتدایی و دبیرستان را به سرعت طی نمود و با مقطع متوسطه در سال ۱۳۵۴ وارد ارتش (هوانیروز) گردید. دوره‌های چتربازی، زبان انگلیسی و خلبانی را با موفقیت طی نمود و چون از افراد برجسته و ممتاز دوره بود، به دوره استاد خلبانی (طریقه آموزش و تدریس به دیگران) معرفی گردید و این دوره را نیز با موفقیت سپری نمود.

در مرکز آموزش خلبانی شهید وطن‌پور اصفهان آموزش دانشجویان خلبانی و خدمت خویش را آغاز نمود. این آموزش خلبانی هنگامی شروع شد که در ایران انقلاب اسلامی صورت گرفت و کلیه اساتید مستشار خارجی کشور را ترک کرده بودند و تصور همه آنها این بود که در ایران دیگر کسی قادر به آموزش و تربیت دوره‌های زبان خارجی، پرواز خلبانی، امورات فنی و... نخواهد بود و در یک کلام، آموزش و تربیت خلبانی هوانیروز به طور کلی تعطیل می‌شود و هوانیروز فلج خواهد شد.

شیرمرد سیستانی که اینک احساس تکلیف و وظیفه می‌نماید، می‌بایست جوانان این مرز و بوم را از وابستگی به خارج (عدم اعزام دانشجویان دوره خلبانی به سایر کشورها) رهانیده و در داخل کشور همه امورات را به نحو شایسته و مطلوب به سرانجام برساند. با توجه به غائله کردستان و از طرفی شروع جنگ تحمیلی و نیاز مبرم به آموزش خلبانی در یگان‌ها و سازمان‌های مختلف، نیروی دریایی، نیروی هوایی، ژاندارمری سابق، کمیته سابق، سپاه پاسداران، هلال احمر و... کمر همت را با اعتماد به خدا و امکانات موجود کشور که در تحریم نظامی بود، محکم بست و شروع به آموزش و تربیت خلبان در مرکز آموزش اصفهان نمود. در ضمن آموزش، در دوران دفاع مقدس هرگاه نیاز و ضرورتی پیش می‌آمد، عازم مناطق عملیاتی

می‌شد. سابقه ۱۰ هزار ساعت پرواز در حین خدمت دارد که تعداد ۹ هزار ساعت مربوط به آموزش دانشجویان خلبان می‌باشد.

وی پس از ۳۰ سال خدمت صادقانه، در سال ۱۳۸۳ به بازنشستگی نائل گردید، ولی همچنان از استاد خواستند تا در شرکت پهنا (پشتیبانی هوایی و نوسازی هلیکوپتری ایران) همکاری نماید و او نیز لبیک گفته و مدت چهار سال نیز در خدمت این مجموعه بود.

در حال حاضر نیز در شرکت هلیکوپتری ایران (سافه قدیم) مشغول فعالیت و پرواز و مأموریت‌های این شرکت بر فراز جزایر و سکوهای نفتی پارس جنوبی و در شمال کشور و دریای خزر جهت حفاری چاه‌های نفت و گاز سکوی امیرکبیر در سطح دریا و همچنین، پرواز بر مناطق اهواز، گچساران، سمنان، نائین می‌باشد و گاه که از استاد جهت آموزش خلبانی دانشجویان دعوت می‌شود نیز لبیک می‌گوید. سال گذشته تعداد ده نفر دانشجوی خلبانی نیروی انتظامی را آموزش دادند. در مجموع، استاد خلبان حسین پهلوان تاکنون بیش از ۱۳ هزار ساعت پرواز در پرونده خویش به ثبت رسانده که رکورد پروازی بی‌سابقه‌ای در دنیاست، که مملکت ایران، بویژه ارتش جمهوری اسلامی ایران و مردم سیستان به این شیرمرد سیستانی افتخار می‌نمایند، زیرا هیچ خلبانی در هیچ کشوری چنین رکورد بی‌سابقه‌ای ندارد و بالاترین تربیت دانشجوی خلبانی را در کشور ایران نیز دارد. خداوند عمر طولانی، توأم با سلامتی به وی عطا نماید تا همچنان به نظام و کشور ایران خدمت نماید.



در ادامه، به دلیل کثرت تعداد رزمندگان هوانیروز از این استان، به ذکر اسامی با عناوین آنان اکتفا می‌شود، که خدمات زیادی در دوران خدمت خویش، بویژه دفاع مقدس نمودند:

۱. سرهنگ خلبان بازنشسته قجر حیدری، بالگرد ۲۰۹ (کبرا)
 ۲. سرهنگ خلبان بازنشسته علیرضا سراوانی، بالگرد ۲۰۹ (کبرا)
 ۳. سرهنگ خلبان بازنشسته مدد سراوانی، بالگرد ۲۱۴
 ۴. سرهنگ خلبان بازنشسته محمود جهانتیغ، بالگرد ۲۰۹ (کبرا)
 ۵. سرهنگ خلبان بازنشسته جمشید دشتی‌زاده، بالگرد ۲۱۴
 ۶. سرهنگ خلبان علیرضا لاری، بالگرد ۲۱۴
 ۷. سرهنگ خلبان غلامرضا شهرکی، بالگرد ۲۱۴
 ۸. سرهنگ خلبان علیرضا کیخایی، بالگرد ۲۱۴
 ۹. سرگرد خلبان مرحوم عیسی جهانتیغ، بالگرد ۲۱۴
- و ده‌ها خلبان و کارکنان بازنشسته فنی دیگر از سیستان و بلوچستان که خدمات بسیار زیاد و ارزنده‌ای در دوران دفاع مقدس و قبل و بعد از آن به کشور و ملت بزرگ ایران نمودند.

فصل چهاردهم

پیشینه و نقش نیروی دریایی ارتش در دوران دفاع مقدس

کشور ایران به لحاظ موقعیت حساس جغرافیایی و دسترسی به آب‌های بسته در شمال و آب‌های آزاد در جنوب کشور، از شرایط بسیار ویژه و مطلوبی برخوردار است. نادرشاه افشار به دریا توجه خاصی داشت. اولین نیروی دریایی مدرن آن روزگار توسط نادرشاه افشار تأسیس گردید. وی با خرید چند کشتی از هلند و انگلستان، این نیرو را راه اندازی کرد. در دوره قاجار، اهمیتی به دریا و نیروی دریایی داده نشد و باعث رکود و به نوعی انحلال نیروی دریایی گردید. در دوره پهلوی اول و مخصوصاً دوم، اهمیت بسیار زیادی برای خرید تجهیزات دریایی وجود داشت. بلافاصله به دنبال آن سازماندهی و آموزش خدمه‌های آن در دست اقدام قرار گرفت. در آن ایام، مرکز نیروی دریایی ارتش در خرمشهر معطوف شده بود و ادوات و تجهیزات دریایی شامل موارد زیرین بود:

- ناو ببر در خرمشهر
- کشتی سیمرغ در خرمشهر
- کشتی شاهرخ در خرمشهر
- ناو پلنگ در آبادان
- کشتی کرکس در بندر شاهپور (امام خمینی)
- کشتی شهباز در بندر شاهپور (امام خمینی)
- پنج شناور در بندر شاهپور (امام خمینی)

با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰، نیروی دریایی ایران مورد تهاجم و شبیخون نیروهای انگلیسی و شوروی سابق قرار گرفت و تقریباً همه این نیرو از بین رفت. در این حوادث، دریادار غلامعلی بایندر در جنوب و ناسروان یدالله بایندر در بندر انزلی به همراه حدود ۶۰۰ تن دیگر از نظامیان دریایی کشته و مجروح شدند.

در دهه ۱۹۷۰ (۱۳۴۹)، ایران با برنامه گسترش نفوذ خود به اقیانوس هند، اقدام به تجهیز ناوگان دریایی نمود، که اقلام و تجهیزات بسیار زیادی را خریداری و قراردادهای کلانی نیز منعقد نمود.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و دلایل زیادی، اکثر قراردادهای نظامی لغو گردید و دیگر تجهیزاتی به کشور وارد نشد و خرید و ورود هر آنچه نیروی دریایی ارتش دارد، به قبل از

سال ۱۳۵۷ برمی گردد. تعدادی از تجهیزات نیروی دریایی که به کشور وارد شده بود، بلافاصله سازماندهی و آموزش آن در دستور کار قرار گرفت. در واقع، ظهور دوباره اقتدار ایران بر پهنه دریا کار بسیار بزرگی بود، که در آن ایام صورت گرفت. قبل از شروع جنگ در ۱۳۵۹/۶/۳۱ توسط کشور همسایه عراق امکانات و تجهیزات این نیرو به شرح ذیل بود:

- سه فروند ناوشکن بیر، پلنگ، آرتمیز مجهز به سکوی پرتاب موشک و توپ‌های ضدسطحی به ظرفیت ۴۸۰۰ تن
- چهار فروند مین‌روب کرانه‌ای بایندر، نقدی، میلانین، کهنمویی به ظرفیت ۴۵۵۰ تن
- دو فروند مین‌روب رودخانه‌ای هرسیچی، ریاضی به ظرفیت ۴۷۰ تن
- سه فروند ناوچه گشتی توپدار بهرام، پروین، ناهید به ظرفیت ۴۳۸ تن
- چهار فروند ناوچه گشتی توپدار کیوان، مهران، تیران، ماهان به ظرفیت ۴۲۸ تن
- ناوچه‌هایی از نوع ظهره به ظرفیت ۲۲۸ تن
- ناوچه‌های گشتی سرویس به ظرفیت ۴۸ تن
- ناوچه‌های لجستیکی و تعمیراتی سهراب، لنگه، چابهار، حوض‌های شناور به ظرفیت ۱۶۶۶۰ تن
- هواناوهای نوع SRn-6 به ظرفیت ۱۱۰ تن
- هواناوهای نوع BH-7 به ظرفیت ۱۰۰ تن
- سازمان هوادریا شامل اسکادران بالگردهای ضدسطحی ۲۰۶ و ۲۰۵ و...

نقش نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس

از روزگاران بسیار قدیم و بویژه در شرایط خاص فعلی، دریا و دسترسی به آن برای انسان‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته و دارد. بیش از ۷۰٪ از سطح کره خاکی زمین توسط دریاها پوشانده شده و ۳۰٪ آن خشک و خاکی می‌باشد. کلیه کشورهایی که به دریا و مخصوصاً دریا‌های آزاد راه دارند، از آن طریق می‌توانند در اقصی نقاط جهان به راحتی با یکدیگر ارتباط

برقرار کرده و مبادرت به تبادل تجارت نموده و ارزان‌ترین قیمت کالا را حمل و نقل و در سطح اقتصادی مناسبی قرار دهند. از سوی دیگر، استفاده از منابع و بستر دریا (نفت، گاز، صید انواع آبزیان و...) از نظر اقتصادی کمک فراوان و شایانی به آنان می‌نماید.

قدرت دریایی از آن‌ کشور است که بتواند از مجموعه وسایل و توانمندی‌هایی که امکان استفاده از دریا را برای آن ممکن و میسر می‌نماید، استفاده نماید. الحمدلله کشور ایران از شمال به دریای بسته خزر و از جنوب به دریای آزاد ارتباط داشته و از شرایط ویژه‌ای در دنیا برخوردار می‌باشد. حفظ و آرامش مرزهای دریایی از دیرباز مد نظر حاکمان و مسئولین کشور بوده و هست. در جنگ تحمیلی ناخواسته، که کشور همسایه عراق رسماً در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغازگر آن بود، یکی از هدف‌های کلی آن تسلط مطلق بر اروندرود و تجزیه سه روزه استان خوزستان به عنوان عربستان و دسترسی آزاد و راحت به آب‌های آزاد از طریق خلیج فارس بود. گرچه هشت کشور حاشیه خلیج فارس هرکدام بخشی را با دریا هم‌مرز بوده و دارای سهمی می‌باشند، ولی کشور ایران بیشترین ساحل و برعکس کشور عراق کمترین ساحل را داراست. از اولین روز جنگ، غیورمردان نیروی دریایی ارتش به کمک لشکر ۹۲ زرهی اهواز شتافتند. تعداد چهار فروند بالگرد ضدسطحی AB212 مجهز به موشک AS12 به همراه یک فروند بالگرد ضد زیردریایی SH3D حامل مهمات برای بالگردهای مذکور برای مقابله با نیروهای زرهی دشمن به کار گرفته شدند. تکاوران نیروی دریایی که یک گردان کامل در خرمشهر حضور داشتند و بلافاصله یک گردان از تکاوران بوشهر به فرماندهی ناخدا صمدی به آنان ملحق شد، حماسه‌های بسیاری خلق کردند. عملیات پارتیزانی و ویژه دریایی و رخنه به خطوط دشمن ضربات مهلک و سنگینی به دشمن وارد نمود و بلافاصله به شکار ادوات زرهی، مخصوصاً تانک‌های دشمن شتافتند که یک نمونه بارز آن شهید دریادار محمدعلی صفا، شکارچی معروف تانک‌های عراقی فقط در یک روز تعداد ۶۴ تانک عراقی را در اطراف خرمشهر شخصاً شکار و منهدم نمود، که بی‌نظیرترین عملیات در دنیا محسوب می‌شود و تاکنون و قبل از آن حتی مشابه آن در دنیا اتفاق نیفتاده است.

در جنگ خونین اشغال خرمشهر در ۳۴ روز نخست اول جنگ، فقط تعداد ۱۳۰ تن از تکاوران نیروی دریایی، از پایوران (افسر و درجه‌دار)، قهرمانانه جنگیدند و به درجه رفیع

شهادت نائل آمده و به خیل عظیم شهدای کشور، بویژه ارتش پیوستند و تعداد ۳۰۰ تن جانباز و مجروح نیز تقدیم نمودند.

پس از سقوط خرمشهر و حرکت و پیشروی نیروهای عراق به جنوب رودخانه کارون و قطع جاده آبادان به خرمشهر و محاصره کامل شهر آبادان، نیروهای عراق که با اختفاء در نخلستان اطراف آبادان شبانه پلی را بر رودخانه بهمنشیر نصب کرده و قصد ورود به آبادان را داشتند، تفنگداران نیروی دریایی با کمک نیروهای لشکر ۷۷ به فرماندهی سرهنگ منوچهر کهتری (امیر بازنشسته فعلی) شتافتند و به شدت با آنان درگیر شده و پس از یک روز درگیری سنگین، نیروهای عراقی را به عقب راندند و بدین ترتیب، از سقوط شهر آبادان جلوگیری کردند. غواصان شجاع نیروی دریایی از همان روزهای اول جنگ با توجه به قدرت بدنی بالا و ورزیدگی صد درصدی که داشتند، در عملیات‌های اسکورت گشتی‌ها، مخصوصاً کشتی‌هایی که مورد اصابت موشک قرار گرفته و باعث غرق شدن آنها می‌گردید، در نجات افراد و اقلام و تجهیزات، در عملیات بیت المقدس، فتح خرمشهر و بخش عبور از رودخانه کارون برای تخلیه مجروحین و شهدا و تجهیزاتی که در آب غرق می‌شدند و همچنین، آموزش غواصان سپاه برای عملیات والفجر ۸، خدمات ارزنده و جانفشانی‌های فراوانی از خود به یادگار گذاشتند.

با توجه به تکیه اقتصاد کشور عزیزمان ایران به واردات و صادرات، باز نگه داشتن خطوط مواصلاتی دریا در طول جنگ از اهمیت بالایی جهت تردد کشتی‌های تجاری برخوردار بود. عملیات اسکورت کشتی‌ها از اولین روز آغاز جنگ شروع و تا پایان جنگ همچنان ادامه داشت، زیرا اگر چنین نمی‌شد، در همان روزهای نخست، اقتصاد کشور فلج می‌شد و در مقابل، برنده جنگ کشور عراق بود. اسکورت کشتی‌های نفتی، تجاری (واردات و صادرات) مهم‌ترین اقدام نیروی دریایی ارتش بود. کشور عراق مصمم بود با ناوچه‌های موشک‌انداز اوزا، استفاده و پرتاب از موشک‌های استیکس (کرم ابریشم) از ساحل رأس البیشه و بالگردهای مجهز به موشک اگزوست و مین‌های دریایی ضربه و صدمه به نیروی دریایی کشور ایران وارد نماید، اما نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران توانست همه اهداف و مقاصد آنان را در خلیج فارس (محدوده خور موسی) ۱۰۰٪ عقیم و با اقتدار اسکورت و تأمین کشتی‌ها را برقرار نمودند.

سلسله عملیات‌های انهدام سکوه‌های نفتی البکر و الامیه یکی از بهترین و کم‌نظیرترین عملیات‌های دریایی ارتش بود که کشور عراق را از نظر صدور و فروش نفت و گاز فلج نمود. شاید قسمتی از اقتصاد کشور عراق به همین سکوها بستگی داشت، که طی عملیات‌های اشکان، شهید صفوی و در نهایت، مروارید، طومار نیروی دریایی عراق طی مدت کمتر از سه ماه اول جنگ برای همیشه در هم پیچیده و به زباله‌دان تاریخ سپرده شد.

سلحشوران نیروی دریایی ارتش از استان سیستان و بلوچستان که در اکثر یگان‌های این نیرو (خرمشهر، بوشهر، بندرعباس، منجیل، کنارک و...) مشغول به خدمت بودند، با آغاز جنگ تحمیلی، به همراه هم‌زمان خویش، بعضاً به صورت داوطلب راهی مناطق عملیاتی شدند تا از کیان ایران اسلامی و نوامیس ملت بزرگ خود دفاع نمایند و در این راستا، شهدائی نیز تقدیم نظام و انقلاب نمودند که به نمونه‌ای از این عزت و افتخار اشاره می‌شود.



ناوسروان شهید حسن رونود

نام پدر: محمد

محل تولد: زابل

میزان تحصیلات: سیکل

شغل: نظامی (درجه‌دار)

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۱/۲۹

محل شهادت: تنگه هرمز

زندگی‌نامه

اولین روز آغاز فصل بهار انگیزه‌ای برای دید و بازدید و صلح و رحم اقوام و دوستان، تفریح و مسافرت، استراحت و تجدید روحیه، هدیه دادن و هدیه گرفتن، بویژه برای کودکان می‌شود و شادی و نشاط و تقویت روح و روان را در بر دارد. حال اگر همان لحظات اول تحویل سال توأم با تولد فرزندی باشد که همه منتظر ورودش هستند، این شادی و خوشحالی مضاعف می‌گردد. در صبحدم اول فروردین ۱۳۴۴، در قدیمی‌ترین محله (کاظمی‌ها) شهرستان زابل کودکی چشم به جهان هستی گشود و اعضای خانواده مشهدی محمد را خوشحال کرد. پدر بعد از اقامه نماز صبح دیگر خوابش نبرد و مشغول ذکر و دعا برای سلامتی همسر و فرزندش بود. با شنیدن صدای گریه نوزاد خوشحال شد و سپاس خداوند را بجا آورد. دقایقی گذشت و با طلوع صبح، که آغاز فعالیت روزمره مردم بود، مشهدی محمد به اتاق عیال و فرزندش رفت. تبریکی به شرکی زندگی گفت و فرزندش را در آغوش گرفت. با ذکر صلواتی او را بوسید و به سیمای طفلش نگریست. خیره شدن به چهره نوزاد آن قدر طولانی شد که اعصاب و روان پردرد ناشی از دردهای زایمان مادر را به هم ریخت و به یکباره با صدای بلند گفت: مگر فرزندم عیب و ایرادی دارد؟ مشکل بچه چیست که این قدر به او خیره شدی؟ همسرش به خود آمد و گفت: هیچ! معذرت خواهی کرد، ولی در دلش غوغایی بود که هیچ کس جز خودش نمی‌دانست. پدر نام حسن را برای فرزندش برگزید و تبریک گفت.

حسن در دامان مادری مهربان و دلسوز پرورش یافت تا به مدرسه رفت. مقاطع ابتدایی و راهنمایی را سپری کرد و از ادامه تحصیل بازماند. علاقه‌ای خاص به آب و شنا کردن داشت. به همین انگیزه علاقمند بود شغلی داشته باشد تا با دریا و آب در تماس باشد. از قضا و قدر الهی آن ایام چیزی نمی‌دانست و اینکه روزگاری دشمنی به آب‌های سرزمینش حمله می‌کند و او برای دفاع از حریم وطن، جانش را تقدیم می‌نماید. حتی جزء رویاهایش هم نبود! از صدا و سیما شنید که نیروی دریایی استخدام می‌کند و با علاقمندی ثبت نام کرد و در سال ۱۳۲۶،

به استخدام رسمی این نیرو درآمد. دوره نظامی را در بندر انزلی گذراند و برای ادامه خدمت به منطقه یکم دریایی بندرعباس انتقال یافت. جنگ از سال ۱۳۵۹ شروع شده بود و سه سال از آغاز آن می‌گذشت، که مأموریت این درجه‌دار جوان در دریا و در کنار هم‌زمانش شروع شد. کشور ایران سه ویژگی خاص مرز آبی، مرز خشکی، تنگه استراتژیک هرمز را دارد که در نوع خود کم‌نظیر است. امنیت دریا، آن هم در زمان جنگ برای کشوری چون ایران که نبض اقتصادی آن صدور و فروش نفت و گاز بود و هیچ منبع درآمد دیگری در آن ایام نداشت، مهم و ضروری بود و نیاز به تأمین و امنیت ۱۰۰٪ داشت.

علیرغم تبعات هر انقلابی که در هر کشوری رخ داده و در آینده نیز ممکن است اتفاق بیفتد و یک سری حوادث ناخواسته برای افشار و یا اداراتی ممکن است به وجود آید، در انقلاب اسلامی ایران بیشترین ضربه متوجه نیروهای ارتش تحت عنوان ارتش شاهنشاهی، ارتش طاغوت، ارتش غیراسلامی و... بود و به همین دلیل، تعدادی از کارکنان رده بالا اعدام، تعدادی بازنشسته، تعدادی بازخرید، تعدادی تسویه، تعدادی جابه‌جا، تعدادی فراری و... گردیدند و از ارتش فقط عنوان و لاشه آن باقی ماند. اما همین لاشه ارتش هم آن قدر در زمین، هوا و بویژه دریا مقابل دشمن خصم ایستادگی کرد، که نیروی دریایی ارتش طی سه مرحله و سه عملیات موفق اشکان، صفری و مهم‌ترین آن مروارید طومار نیروی دریایی عراق را برای همیشه تاریخ به زباله‌دان انداخت و اینک بعد از سی سال اتمام جنگ، هنوز نتوانسته با سیلی که از نیروهای ارتش ایران خورده، مجدداً خود را بازسازی و بازنگری کند. این اضمحلال نیروی دریایی ارتش عراق فقط کمتر از سه ماه، یعنی تا ۱۳۵۹/۹/۷ طول کشید و بعد از آن، جز مزاحمت نیروی هوایی و موشک‌های دوربرد ارتش عراق، خبری از نیروی دریایی نبود. اواخر جنگ که ارتش عراق خود را درمانده و ناتوان دید، از نیروی دریایی کشورهای دیگر، از جمله آمریکا درخواست کمک کرد. ناوهای آمریکایی در خلیج فارس و دریای عمان حضور یافتند و منتظر بهانه‌های گوناگون برای مقابله با نیروی دریایی ایران بودند.

نحوه شهادت و جاویدالاثرا شدن مهنای یکم حسن روند به نقل از ناخدا دوم بازنشسته نادر مبارکی

در ۱۳۶۷/۱/۲۹، با اولین روز ماه مبارک رمضان در رویارویی ناوشکن‌های سپهند، سبلان و ناو موشک‌انداز جوشن با نیروهای آمریکایی، ۵۷ نفر از رزمندگان نیروی دریایی ارتش در آب‌های نیلگون خلیج فارس به شهادت رسیدند، که پیکر مطهر ۵۰ نفر از این عزیزان هرگز بازنگشت.

در این روز، عملیات از ساعت ۱۵۴۵ آغاز گردید و تا ساعت ۱۹۰۰ ادامه داشت. این عملیات در آمریکا به عنوان عملیات آخوندک نام گرفت، که بزرگ‌ترین عملیات دریایی آمریکایی پس از جنگ جهانی دوم بود، که طی آن نیروی دریایی دو کشور درگیر شدند و این اتفاق در اواخر جنگ ایران و عراق و در برهه‌ای از این دوران که به جنگ نفتکش‌ها معروف است، رخ داد.

ناوشکن سهند مدرن‌ترین ناوشکن ایران بود. در ابتدا، نیروهای آمریکایی با بالگردها به ناوشکن سهند حمله کردند که با تیراندازی توپ به طرف آنها مجبور به عقب‌نشینی شدند. از راه دور، ناوشکن سهند را با موشک مورد هجوم قرار دادند و یکی پس از دیگری، موشک به طرف این ناوشکن شلیک شد. به بدنه ۹۰ متری ناوشکن سهند، تعداد ۹ فروند موشک و ۲۰ راکت اصابت کرد. در این عملیات، به بالگردهای آمریکایی نیز صدمه وارد شد، به طوری که یکی از بالگردها سقوط کرد و دو نفر از خلبانان آنها کشته شدند.

به گفته آقای مارکس، ناوشکن سهند را بخشی از سرزمین ایران می‌دانستیم. وقتی ناوشکن در حال غرق شدن بود و فرمانده اجازه ترک ناوشکن را صادر کرد، اما کارکنان ناوشکن همچنان مانده بودند و مقاومت می‌کردند. از میان آنها کسی راضی به ترک ناو نبود و بنا به وظیفه‌ای که داشتند، تا آخرین لحظه به طرف بالگردها تیراندازی می‌کردند.

همچنین، به گفته بعضی از هم‌زمان بازمانده، شهید حسن رونده پس از شلیک چند موشک و پرت شدن و زخمی شدن بعضی از هم‌زمان و افتادن درون آب، اینارگرانه به دنبال نجات مجروحان برآمد و قایق نجات را به آب انداخت و تعدادی را نجات داد، اما به این نیز بسنده نکرد و در آخرین لحظات قبل از شهادتش، جلیقه نجات خود را به یکی از همکاران داد تا او نجات یابد. درجه‌دار جوان و شجاع و باشهامت در این عملیات در حالی که برگه مرخصی در دستش بود، اما به مرخصی نرفت. می‌توانست به مأموریت نرود، ولی با توجه به حس مسئولیت‌پذیری، نتوانست چنین کاری را انجام دهد. وی مرخصی را جهت خواستگاری و ازدواج گرفته بود، اما مراسم عروسی در خلیج فارس با همراهی ۵۰ نفر دیگر از هم‌زمان صورت گرفت... مراسم عروسی بیادماندنی که هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد.

بر اساس دستورالعمل و طبق نظریه فرماندهی کل قوا و کمیسیون حمایت از اسرا و مفقودین، برابر نامه شماره ۴۲/۴۰۴/۰۲/۲/۱۱۹ مورخ ۱۳۸۲/۹/۸، نامبرده از ۱۳۸۲/۹/۹ شهید محسوب می‌گردد.

خاطره‌ای از خواهران شهید

برای یکی از خواهران خواستگار آمده بود و قرار بود که شب‌هنگام مراسم خواستگاری انجام شود. با توجه به اینکه در حین انجام این کار می‌بایست خانم‌ها برای انجام کارهای متفرقه و خرید وسایل به بیرون بروند، ولی منزل هم با توجه به خانه‌تکانی آن روز درهم برهم شده بود، خانم‌ها مانده بودند چه کنند. در این لحظه، شهید بزرگوار می‌گوید: شما بروید به کارهای بیرون برسید. من خودم خانه را مرتب می‌کنم. با توجه به اینکه در منطقه سیستان در آن برهه از زمان، اصولاً مردها خیلی کم کار خانه را انجام می‌دادند و انجام امورات خانه مختص زنان بود، ولی ایشان در مدت کوتاهی منزل را مرتب نمود.

خاطره‌ای از دوست شهید

در تابستان سال ۱۳۶۰، به اتفاق ایشان و چند نفر دیگر از همکلاسی‌ها و دوستان، کاری قراردادی پیدا کردیم. پنج نفری تعدادی ایرانیت جهت تکمیل سقف یک سالن به ارتفاع ۵-۶ متری را بالا بردیم. باید دو نفر برای بالا کشیدن ایرانیت‌ها روی دیوار می‌رفتیم که ایشان به تنهایی برای کشیدن محموله‌ها به بالا رفتند و همه را یک‌تنه بالا کشید. با وجودیکه اکثر کارها و زحمات را ایشان به عهده داشتند، ولی دستمزد را بین همه تقسیم نمودند. همیشه در کارها، کار سخت‌تر را انتخاب می‌کرد، ولی دستمزد کمتری برمی‌داشت. همیشه به دنبال تفریح سالم و ورزش با دوستان و بچه‌های فامیل بود. اکثر روزهای تعطیل را برای کمک خرج خانواده و تهیه لوازم ورزشی و تحصیلی کار می‌کرد. گذشت، جوانمردی، ایثار و اخلاق نیکو و مهربانی از خصوصیات بارز ایشان بود.

شهید نائیل نوسروان غلامرسول صفرزایی

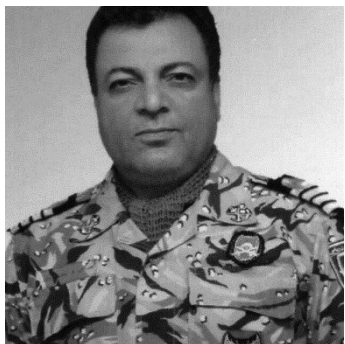
شهید سرافراز نوسروان غلامرسول صفرزایی در ۱۳۴۸/۲/۳ در روستای جهان آباد از توابع شهرستان زابل دیده به جهان هستی گشود. والد شهید آقای یارمحمد صفرزایی که فردی متدین و مذهبی بود، او را با احکام شرع و اسلام آشنا ساخت. غلامرسول در کارهای خانه یار و یاور والدین بود، تا به سن هفت سالگی رسید و راهی مدرسه شد. مقاطع ابتدایی و راهنمایی را سپری نمود و چون علاقه وافری به شغل نظامیگری داشت، وارد نیروی دریایی ارتش شد. پس از طی دوره های مختلف رزم مقدماتی و تخصصی، مشغول خدمت و انجام وظیفه گردید. سنت حسنه ازدواج را نیز به موقع انجام داد و با همسر مورد علاقه اش ازدواج کرد. با آغاز جنگ تحمیلی، همانند سایر همزمانش در نیروی دریایی رهسپار مناطق عملیاتی گردید.

مهنای یکم دریادل صفرزایی طی سال های دفاع مقدس رشادت ها و جانفشانی های زیادی از خود نشان داد، که هنوز همزمانش آن را بازگو می کنند. در اکثر عملیات ها در جنوب کشور شرکت و حضوری فعال داشت، تا اینکه سرانجام در ۱۳۶۷/۱/۲۹ به درجه رفیع شهادت نائل گردید و به خیل عظیم شهدای ارتش پیوست و زندگی در جوار انبیاء و اولیاء الهی را برای همیشه برگزید و جاودانه شد.

سایر شهدای نیروی دریایی استان که جا دارد یادی از آنان کنیم:

- محمد بلوچ زنگیان
- ناصر زومک زهی
- علی اصغر سلیمانی و...

رزمنده پیشکسوت ناخدا یکم تکاور دریایی ستاد عباسعلی محمودی



عباسعلی در سال ۱۳۳۵ در شهرستان زاهدان پا به عرصه گیتی نهاد و در دامن والدین عاشق اهل بیت عصمت و طهارت پرورش یافت. به سن هفت سالگی که رسید، راهی مدرسه شد. مقاطع تحصیلی ابتدایی و دبیرستان را گذراند و چون به حرفه و شغل نظامیگری علاقمند بود، در ۱۳۵۶/۷/۱ وارد دانشکده افسری امام علی (ع) شد و دوره سه ساله را با موفقیت به پایان رساند. مراسم تحلیف او و

سایر همکارانش قرار بود در ۱۳۵۹/۷/۱ صورت گیرد، که جنگ روز قبل، یعنی ۱۳۵۷/۶/۳۱ آغاز گردید. کلیه دانشجویان سال سوم و دوم دانشکده قریب به ۷۰۰ نفر با تعداد ۱۳ فروند هواپیمای ترابری سی ۱۳۰ راهی منطقه جنوب شدند و در دب خردان، خرمشهر، آبادان، ماهشهر، سوسنگرد، دشت عباس و... همانند سرباز با سلاح انفرادی تفنگ ژ ۳ و اجتماعی مانند آرپی جی ۷ و تیربار مشغول دفاع شدند. عباس نیز یکی از این ۷۰۰ نفر همدوره ها بود. این مأموریت مدت دو ماه طول کشید تا سپس مراسم تحلیف و ابلاغ ترفیع ستوان دومی او ابلاغ گردید و مجدد راهی مناطق عملیاتی شدند. این بار ستوان جوان به عنوان افسر نیروی دریایی (تفنگدار) در جنوب وارد عرصه مبارزه با ارتش عراق گردید و به عنوان فرمانده دسته و گروهان تا پایان جنگ در عملیات های تامن الاثمه، بیت المقدس، کاروان های عبور کشتی تجاری از بندرعباس تا بندر امام و دفاع از جزایر استراتژیک سه گانه و... تا پایان جنگ و بعد از آن مشغول دفاع و پیکار گردید. طی سال های دفاع مقدس، کارنامه درخشان این افسر حاکی از آن است که با حضور فعال خویش، رشادتها و جانفشانی های فراوانی را همانند سایر همزمانش در نیروی دریایی ثبت و ضبط و از این سرزمین و نوامیس ملت دفاع نموده است.



رزمنده پیشکسوت ناخدا یکم عباس میری

عباس در سال ۱۳۳۸ در شهرستان زابل چشم به جهان هستی گشود. او در دامان والدین مکتبی و مذهبی پرورش یافت و بعد از هشت سال، برای کسب علم و دانش به مدرسه رفت. مقاطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را سپری کرد و در ۱۳۵۷/۵/۳۰، به علت علاقه شدیدی که به شغل نظامیگری داشت، نیروی دریایی ارتش را برای خدمت برگزید. به عنوان همافر فنی در منطقه یکم دریایی بندرعباس مشغول خدمت گردید. با آغاز جنگ تحمیلی، او نیز همانند سایر همکاران خویش به میادین نبرد حق علیه باطل شتافت. در طول هشت سال دفاع مقدس در مناطق مختلف عملیاتی، از خود رشادتهای زیادی به یادگار گذاشت. خدمت در یگانهای ساحلی، ناوچه پلنگ در منطقه یکم دریایی، جزایر سه گانه و جزیره لاوان در دفاع مقدس، از دیگر افتخارات اوست که در کارنامه خدمتی خویش ثبت و ضبط نموده است.

یادی کنیم از سایر رزمندگان نیروی دریایی ارتش از استان سیستان و بلوچستان که در دوران دفاع مقدس جانفشانیها و رشادتهای زیادی از خود نشان دادند.

ناخدایکم مهرعلی عبدی	ناوسروان عزیز بزی
ناخدایکم سیاهان هاشم زهی	ناوسروان موسی جهانی شاهرودی
ناخدایکم ملنگ دهمرده	ناوسروان محمد اسکندری
ناخدایکم حسن نژاد	دریافر ابراهیم کمانی
ناخدایکم حسین قادری	ناوسروان حسین طاهری
ناخدایکم رضا میر	ناوسروان محمد بربری
ناوسروان محمد قلجایی فر	ناوسروان رضا راهدار
ناوسروان شریف سرگلزایی	ناواستوار رضا صدری پور
ناوسروان غلام بزی	

فصل پانزدهم
تاریخچه و نقش پدافند هوایی ارتش
در دوران دفاع مقدس

در سال ۱۳۱۴، اولین یگان ضدهوایی به نام آتشبار ضدطیاره در نیروی زمینی ارتش با استفاده از توپ‌های ۵۷م بوفورس سوئدی در لشکر ۱ تهران تشکیل شد و تا سال ۱۳۱۷ به ترتیب لشکرهای مختلف نیروی زمینی به آتشبارهای ضدطیاره مجهز گردیدند. در سال ۱۳۲۰، نیاز به سازمانی جهت کنترل و هدایت این آتشبارها به شدت احساس گردید، که به همین علت، تجدید سازمان و هنگ ضدهوایی شامل چهار گردان ضدطیاره و یک گردان نورافکن فعال گردید. در سال ۱۳۳۳، کلیه یگان‌های ضدهوایی از نیروی زمینی منتزع و به نیروی هوایی ملحق گردید و به علت نیاز مبرم، بعد از دو سال (۱۳۳۵) مجدداً به تابعیت نیروی زمینی درآمد. تأسیس آموزشگاه توپخانه ضدهوایی و ایجاد کمیته ضدهوایی در مرکز توپخانه به نیروی زمینی ابلاغ و همزمان توپ‌های ۲۳م و ۵۷م روسی واگذار گردید. در سال ۱۳۳۶، پدافند هوایی در نیروی هوایی ارتش با مسئولیت اصلی دفاع از حریم فضای کشور فعال و تا سال ۱۳۴۸، دوره ۱۲ ساله زمینه‌سازی و تشکیل فرماندهی پدافند هوایی صادر گردید. تا سال ۱۳۵۰، ایستگاه‌های رادار به ۲۰ ایستگاه افزایش یافت و شهرهای تبریز، بابلسر، مشهد، همدان، دزفول، بندرعباس، بوشهر، جاسک، کیش، آبدانان، کرج، بندر طاهری، دوشان تپه، قلعه مرغی و... به سامانه راداری مجهز و سامانه‌های موشکی همانند موشک سی‌کت، راپیر، هاگ راه‌اندازی شد و از هرکدام چندین گردان و یا گروه‌های پدافندی تأسیس و تشکیل گردید.

وضعیت پدافند هوایی ارتش قبل از آغاز جنگ تحمیلی

نیروهای سه‌گانه ارتش هرکدام به صورت مستقل مسئولیت دفاع هوایی ارتفاع پست و متوسط از تأسیسات، منابع، نیروها و منافع کشور را عهده‌دار بودند و هر سه نیرو تقریباً به وسایل مدرن که تا آن روز خریداری و وارد کشور شده بود، مجهز بودند؛ به گونه‌ای که اگر خبر تهاجم هوایی به موقع اعلام می‌شد، قادر به دفاع نسبی از خود بودند. به عنوان مثال:

نیروی زمینی به توپ‌های شیلیکای راداری و ۵۷م خودکشی، توپ‌های ۲۳م و موشک‌های سام ۷ تجهیز و سیستم موشکی راپیر و توپخانه راداری اسکای‌گارد را نیز خریداری و در حال دریافت بود، که انقلاب پیروز و قراردادهای لغو شد.

نیروی دریایی به وسایل روز پدافند هوایی مجهز شده بود، که می‌توان به موشک‌های استاندارد ضدهوایی اشاره کرد.

آن ایام تقریباً همه شناورها و حتی تأسیسات ساحلی و بنادر نیروی دریایی به سلاح‌های ضدهوایی در خور توجه تجهیز شده بودند.

سیاست کلی نیروی هوایی قبل از جنگ تحمیلی بر مبنای تجهیزات هواپایه استوار بود. یعنی پوشش کامل راداری از کل فضای کشور توسط رادارهای زمینی، آواکس‌ها، حسگرها، تحت کنترل قرار دادن هر نوع شیء پرنده توسط تجهیزات مختلف زمینی و هوایی انجام می‌شد. درگیری و انهدام هواپیماهای دشمن که قصد تجاوز به حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران را داشتند، توسط هواپیماهای فوق‌العاده پیشرفته اف ۱۴ در فضا و سیستم‌های پدافند هوایی اسکای‌گارد و سایت‌های موشکی هاوک از زمین توسط سامانه پدافند هوایی نیروی هوایی قهرمان با دقت و سرعت هر چه تمام‌تر انجام می‌شد و فضای هوایی کشور تأمین می‌گردید.

نقش پدافند هوایی در دوران هشت سال دفاع مقدس

جنگ تحمیلی در شرایطی به کشور ایران تحمیل گردید که هنوز تعدادی از رادارهای خریداری شده که در حال نصب و راه‌اندازی بودند، بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب متوقف و باعث گسستگی پوشش راداری فضای کشور، مخصوصاً ارتفاع پایین و مناطق کوهستانی گردید. پاکسازی نیروی انسانی، مخصوصاً درده‌های بالا باعث ضعف کنترل و مدیریت گردید. به دنبال آن، ایجاد بی‌نظمی و عدم انضباط ناشی از انقلاب و در رأس آن قطع پشتیبانی فنی و تدارکاتی تجهیزات و بکارگیری ناصحیح تجهیزات سنگین هوایی به دلایلی، به صورت ناصحیح یک ضربه به پدافند وارد نمود. علیرغم همه مشکلات مذکور، عناصر زحمتکش پدافند هوایی با همان مقدرات موجود، به سرعت پاسخ دندان‌شکن و سنگینی به نیروهای ارتش عراق، بویژه نیروی هوایی آن دادند، که باعث پشیمانی از تهاجم اولیه خود شدند. برقراری امنیت از منابع حیاتی (تأسیسات، صدا و سیما، پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌های برق، کشتی‌های نفتکش، ترمینال‌های صدور نفت و گاز، مخابرات، سدها، فرودگاه‌ها، پل‌ها و...) اماکن حساس (بیت رهبری، مجلس، ریاست جمهوری، نخست‌وزیری و...) امری مهم و ضروری است که توسط پدافند صورت گرفت. پشتیبانی از کلیه عملیات‌های دفاع مقدس به صورت آفندی و پدافندی در طول هشت سال و... باعث عزت و سربلندی پدافند هوایی گردید، که مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا دستور یک نیروی مستقل به عنوان چهارمین نیروی ارتش جمهوری اسلامی ایران را در ۱۳۸۷/۶/۱۰ صادر و تأکید نمودند که: «پدافند هوایی امروز در اولویت اول نیروهای مسلح قرار دارد.» این فرمایش فرماندهی معظم کل قوا به لحاظ اهمیت این نیرو و نیاز مبرم کشور به پدافند هوایی می‌باشد.

کارکنان پدافند هوایی از استان سیستان و بلوچستان که دریگان‌های متعدد نیروی هوایی در دوران دفاع مقدس مشغول خدمت بودند، همانند سایر هم‌زمان خویش به دفاع و حراست از کیان ایران اسلامی پرداختند، که اینک به صورت مختصر به تعدادی از این رشادت‌ها، ایثارگری‌ها، جانفشانی‌ها و شهادت‌ها اشاره می‌شود.

سروان شهید غلامعلی مقداری

نام پدر: عبدالحسین

تاریخ تولد: ۱۳۴۱

محل تولد: روستای بنجار از توابع زابل

میزان تحصیلات: سیکل

شغل: نظامی (درجه‌دار)

تاریخ شهادت: ۶۴/۷/۱

محل شهادت: خارک

زندگینامه

شهید سرافراز از روز الست که قدم در هستی الهی نهاد، نامش با مقدس‌ترین نام‌ها، یعنی شهید، مزین گشت و چون چنین بود، از روز ازل پای در رکاب خاصان الهی نهاد و همراه با کاروان حسینیان همسفر نور شد.

او در سال ۱۳۴۱ در روستای بنجار از توابع شهرستان زابل دیده به جهان گشود. والدین غلامعلی که بسیار مذهبی و متدین بودند، نسبت به تعلیم و تربیت فرزندشان کوشیدند و او را به مسائل مذهبی آشنا کردند. مقاطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی را با موفقیت طی کرده و موفق به اخذ مدرک سیکل گردید. در کارهای کشاورزی به والدین کمک می‌کرد. علاقه وافری به شغل و لباس مقدس نظامی داشت و سرانجام به استخدام نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد. پس از گذراندن دوره‌های آموزشی و تخصصی، در یکی از یگان‌های نیروی هوایی مشغول به خدمت شد و با آغاز جنگ تحمیلی، روانه میادین نبرد گردید. طی چندین سال متمادی در مناطق مختلف عملیاتی از خود رشادت و شجاعت‌های فراوانی به یادگار گذاشت. سرانجام در ۱۳۶۴/۷/۱۱ در جزیره خارک در اثر بمباران مزدوران عراق به درجه رفیع

شهادت نائل آمد و به خیل عظیم شهدا پیوست و به آرزوی دیرینه خویش که همان وصال به لقاء الله و زندگی در جوار انبیاء و اولیاء الهی بود، رسید.

قسم به شمع که در محفل شهادت سوخت

قسم به عشق که این شیوه را به ما آموخت

قسم به آنکه اکنون خفته در لحد خاموش

چراغ خوان شهیدان نمی شود خاموش

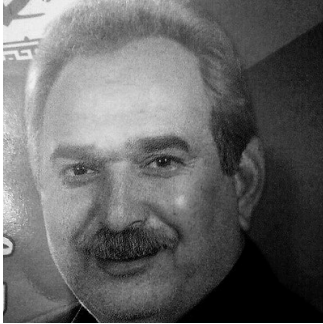
رزمنده پیشکسوت سرهنگ ستاد بهرام نیکبخت



در سال ۱۳۳۶ در شهرستان زابل، نوزادی چشم به جهان هستی گشود. والدین نام اصیل ایرانی بهرام را برای فرزندشان انتخاب کردند و از همان روز نخست، او را با احکام شرعی و اسلامی آشنا نمودند. بهرام سن هفت سالگی را پشت سر گذاشت و رهسپار مدرسه شد. مقاطع ابتدایی و متوسطه را طی نمود و پس از اخذ مدرک دیپلم، در تاریخ ۱۳۵۴/۷/۱ وارد دانشکده افسری گردید. دوره سه ساله آموزش به اتمام رسید و پس از مراسم تحلیف و ابلاغ ترفیع ستوان دومی، دوره الکترونیک و کنترل شکاری

را با موفقیت گذراند و جهت خدمت به بندرعباس اختصاص یافت. با آغاز جنگ تحمیلی، همانند سایر همرزمان خویش در خانواده بزرگ ارتش روانه میادین نبرد حق علیه باطل گردید و از کیان و سرزمین ایران دفاع نمود. در عملیات‌های متعدد آفندی و پدافند به صورت مستقیم و غیرمستقیم شرکت نمود تا وظیفه و تکلیف شرعی خویش را به نظام و ملت بزرگ ایران ادا نماید. او طی هشت سال دفاع مقدس با مدت ۷۴ ماه مناطق عملیاتی و رشادت و شجاعت از نوامیس ملت دفاع نموده و کارنامه درخشانی در پرونده خویش ثبت و ضبط کرده است.

رزمنده پیشکسوت سرهنگ ستاد علی مختاری



در ۱۳۳۳/۱/۲ در خانواده‌ای مذهبی و در محل مختار شهرستان هیرمند (سیستان) متولد شد. دوران ابتدایی را در آن محل و تحصیلات متوسطه را در شهرستان زابل سپری نمود. در سال ۱۳۵۲ وارد خدمت نیروی هوایی ارتش گردید و پس از طی دوره مهندسی فرماندهی و کنترل هوایی (کنترلر شکاری) از مرکز آموزش‌های فرماندهی پدافند هوایی (شهید خضرائی) فارغ‌التحصیل گردید.

او یکی از معدود افسران کنترل شکاری بود که دوره آموزش‌های عملی را زودتر از افسران همدوره خود با موفقیت به پایان رساند و با کسب سطح مهارت OR (عملیاتی) به عنوان افسر ستاد کنترلر شکاری در ایستگاه رادار مشغول خدمت گردید. وی از اولین روزهای شروع جنگ تحمیلی در مناطق جنوب کشور به طور مستقیم وارد صحنه‌های درگیری عملیاتی گردید و با هدایت و کنترل خلبانان شجاع و دلیر نیروی هوایی، نقش مؤثری در دفاع از منابع حیاتی کشور بر عهده گرفت.

وی در طول چهار سال خدمت مستقیم در مناطق جنوب و ۵۴ ماه خدمت متناوب در جبهه‌های جنگ تحمیلی، با ارائه خدمت مطلوب و با تمام توان ایفای نقش نمود، به طوری که اکثر مأموریت‌های هدایت و کنترل پروازهای شکاری شناسایی و عکاسی، که یکی از پرمخاطره‌ترین، مهم‌ترین و حساس‌ترین مأموریت‌های نیروی هوایی محسوب می‌شود، به وی واگذار می‌گردید.

او در یکی از پایگاه‌های محروم جنوب مشغول خدمت بود، که در سال ۱۳۷۷ به پایگاه پدافند هوایی مشهد منتقل شد و این فرصتی بود که نامبرده پس از سال‌ها خدمت در مناطق محروم و جبهه‌های جنگ، اینک در یک منطقه خوش آب و هوا به خدمت خود ادامه دهد. با توجه به تهدیدات و تحرکات خارجی در شرق کشور و استقرار سایت رادار نیروی هوایی در منطقه کوه خواجه سیستان از طرف سازمان به وی پیشنهاد خدمت در این منطقه داده شد. با عزم خدمت به وطن و همشهریان خود پیشنهاد را پذیرفت و در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به عنوان فرمانده رادار زابل منصوب و مشغول به خدمت گردید. از بدو ورود به سیستان، در مقام فرمانده پدافند منطقه با برقراری ارتباط تنگاتنگ با کلیه مسئولین محترم شهری و هدایت

روابط عمومی مطلوب، علاوه بر مأموریت اصلی، گام‌های مؤثری در عمران و آبادانی منطقه کوه خواجه برداشت.

نظر به نحوه خدمتی مطلوب، سازمان در سال ۱۳۸۳ پیشنهاد ابقای خدمت به وی را نمود، که با قبول این پیشنهاد، پدافند هوایی از تجربیات و تخصص او به مدت سه سال دیگر بهره‌مند گردید. وضعیت خدمتی این افسر ارشد ارتش در طول مدت خدمت به نحوی رقم خورد که نامبرده در تخصص خود فردی لایق، کاردان، متخصص و باتدبیر، سخت‌کوش، منظم و مدیر نزد مسئولین و همکاران خود شناخته شده است. سرانجام پس از ۳۳ سال خدمت صادقانه، در شهریورماه سال ۱۳۸۵ به افتخار بازنشستگی نائل گردید.

رزمنده پیشکسوت سروان حسین فرهمندکیا



حسین فرهمندکیا در ۱۳۳۵/۸/۳ در روستای کوشه سفلا از توابع شهرستان زابل چشم به جهان هستی گشود. والدین که به فعالیت کشاورزی و دامپروری مشغول بودند، از پرورش و تعلیم و تربیت فرزند خویش غافل نشدند و او را با مسائل دینی و مذهبی آشنا نمودند. حسین نیز در کارها به خانواده کمک و یاری می‌کرد. در سن ۴ سالگی به مکتب‌خانه روستا رفت تا قرآن بیاموزد و در ۷ سالگی به مدرسه رفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را طی کرد، تا

اینکه بر حسب شور و علاقه‌ای که به نظام داشت، شغل نظامیگری را برگزید و در یگان پدافند هوایی همدان به عنوان کمک متخصص کنترل و اخطار هواپیما مشغول به خدمت گردید. با شروع جنگ تحمیلی، او نیز همراه با سایر هم‌زمان خویش وظیفه خطیر خود را که حفاظت از آسمان ایران بود، آغاز کرد. در دوران هشت ساله دفاع مقدس، به طور ۲۴ ساعته در سیستم‌های راداری عاشقانه خدمت نمود و در اکثر عملیات‌های پدافندی و آفندی حضوری مستمر و فعال داشت. حراست و نگهبانی از آسمان ایران، آن هم در زمان جنگ، کاری بس مهم و دشوار بود که او نیز همانند سایر همکاران پدافند خویش، با جدیت و فعالیت مضاعف به

این کار پرداخت و دین و وظیفه خویش را به ملت ادا نمود. وی طی مدت ۹۴ ماه خدمت در مناطق عملیاتی، از خود رشادت‌ها و جانفشانی‌های فراوانی به یادگار گذاشته است.

رزمنده پیشکسوت ستوان ملنگ سامانی



در سال ۱۳۲۹ در شهرستان زابل کودکی پا به عرصه گیتی نهاد، که والدینش او را بر حسب رسوم و آداب محلی ملنگ نام نهادند. از روز نخست و در دامن والدین مکتبی، با مسائل دینی و مذهبی آشنا شد. دوران طفولیت تمام شد و پس از ۷ سال راهی مدرسه گشت. مقاطع ابتدایی و متوسطه به پایان رسید و چون علاقه زیادی به شغل نظامی داشت، استخدام در ارتش و پدافند هوایی را انتخاب کرد دوره‌های رزم مقدماتی و تخصصی را طی نمود و در بندرعباس مشغول خدمت و حراست و نگهداری از آسمان ایران زمین گردید. با شروع جنگ تحمیلی از طرف کشور عراق، او نیز رهسپار مناطق عملیاتی گردید. در عملیات‌های متعددی چون کربلا ۴، کربلا ۵، خیبر، نصر ۱، جزایر مجنون و... به طور مستقیم و در تعدادی دیگر به طور غیرمستقیم شرکت نمود و همانند سایر همزمان پدافند خویش از خود رشادت‌ها و جانفشانی‌های زیادی به یادگار گذاشت.

رزمنده پیشکسوت ستوان سنجر اسلامی راد



در ۱۳۳۱/۲/۱ در شهرستان زابل نوزادی چشم به جهان هستی گشود. در دوران طفولیت، والدین او را با مسائل اسلامی و مذهبی آشنا ساختند، تا اینکه راهی مدرسه شد. مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه را طی نمود و از آنجا که عشق و علاقه فراوانی به نظام و شغل نظامیگری داشت، وارد ارتش شد و یگان پدافند هوایی را برای خدمت برگزید. دوره‌های مختلف مقدماتی و تخصصی را طی نمود و

مشغول خدمت گردید. با آغاز جنگ تحمیلی، همانند سایر هم‌رزمانش راهی مناطق عملیاتی و دفاع از کیان ایران زمین و نوامیس ملت شریف و قهرمان ایران شد و آن را بر خود تکلیف و واجب می‌دانست. در طول هشت سال دفاع مقدس با سمت و شغل کمک متخصص و اخطار هواپیما انجام وظیفه نمود و از آسمان کشور حراست و نگهداری نمود، تا مبادا متجاوزین خدشه‌ای به کشور و نظام مقدس جمهوری اسلامی وارد نمایند و در پرونده خود کارنامه بسیار درخشانی به یادگار گذاشت.

یادی کنیم از سایر رزمندگان پدافند هوایی در دوران دفاع مقدس که با رشادت، شجاعت و جانفشانی‌های فراوان، از این آب و خاک دفاع کردند:

۱. سرهنگ محمدحسین اویسی فرمانده آتشبار، گردان، جانشین گروه پدافند زاهدان، فرمانده گروه پدافند بیرجند
 ۲. سروان حسین عرب فیض‌آبادی متخصص کنترلر و اخطار هواپیما
 ۳. ستوان یکم حسینعلی میرشکار متخصص کنترلر و اخطار هواپیما
 ۴. ستوان یکم منصور مهرآئین متخصص کنترلر و اخطار هواپیما
 ۵. ستوان یکم احمد حسینی سرحدی متخصص کنترلر و اخطار هواپیما
 ۶. ستوان یکم رضا هاشمی متخصص کنترلر و اخطار هواپیما
 ۷. ستوان یکم محمد میرادی متخصص کنترلر و اخطار هواپیما
 ۸. ستوان یکم محمد کشته‌گر متخصص کنترلر و اخطار هواپیما
 ۹. ستوان یکم علی معتمدی متخصص مخابرات
 ۱۰. ستوان یکم حسن میری‌فر متخصص پدافند زمین به هوا
 ۱۱. ستوان رضا دراجی متخصص توپ پدافند زمین به هوا
- و ده‌ها رزمنده پدافند هوایی دیگر.

فصل شانزدهم
تاریخچه و نقش نیروی هوایی ارتش
در دوران دفاع مقدس

نیروی هوایی در سال ۱۳۰۱ با سازماندهی ارتش (قشون ایران) در ارکان حرب قشون، که بعدها به نام ستاد ارتش نامگذاری شد، تشکیل گردید. اواخر خرداد ۱۳۰۳ اولین افسر ایرانی به نام سرهنگ احمدخان نخجوان برای تحصیل در رشته خلبانی به کشور فرانسه اعزام گردید و یک سال بعد، تعداد ۱۰ نفر دانشجوی برای آموزش خلبانی به روسیه اعزام و سال ۱۳۰۴ در این نیرو مشغول به خدمت گردیدند. همزمان با طی دوره افسران، خرید هواپیما و تجهیزات در دستور کار قرار گرفت و در سال ۱۳۰۲، اولین هواپیما از نوع یونکرس به تعداد دو فروند توسط تیپ‌های گیلان و مازندران با جوهری که از اهالی آن منطقه جمع‌آوری شده بود، خریداری گردید. اولین خلبان که در ایران آموزش دیده بود در سال ۱۳۰۹ نشان هوانوردی خود را به نام نایب سوم علی اصغر ملک دریافت نمود. اولین لباس رسمی کارکنان نیروی هوایی در سال ۱۳۱۰ با علائم مشخص شده و اولین مدرسه تعمیرات در همان سال در فرودگاه قلعه مرغی راه‌اندازی شد. تعداد ۱۴ دانشجوی این نیرو در سال ۱۳۱۳ در ایران فارغ‌التحصیل شدند. در خردادماه همان سال، فرماندهی قوای هوایی ایران به نیروی هوایی تغییر عنوان داده که سازمان آن در سال ۱۳۱۵ شامل یک ستاد و سه هنگ هوایی (یکم مرکزی، سوم اهواز، چهارم مشهد) و پارک مرکزی شامل کارخانجات هواپیما و آموزشگاه‌های خلبانی و فنی بود.

در آذر ۱۳۳۸، اولین گروه پروازی جت در فرودگاه دزفول شروع به کار کرد و به دنبال آن، پایگاه سوم شکاری همدان، پایگاه چهارم تبریز، پایگاه پنجم امیدیه، پایگاه هفتم شیراز، پایگاه هشتم اصفهان، پایگاه نهم بندرعباس و... احداث و عملیاتی شدند، که بعدها پایگاه تبریز به پایگاه دوم تغییر یافت و دزفول پایگاه چهارم شماره‌گذاری شد. نیروی هوایی از دهه ۱۳۴۰ به بعد با سرعت توسعه و خرید هواپیماهای مدرن روز، شامل شکاری و ترابری سنگین را در دستور کار قرار داد، به طوری که در اواخر سال ۱۳۵۴، ایران دارای بیش از ۴۰۰ فروند انواع شکاری، شکاری بمب‌افکن رهگیر اف ۵، اف ۴، اف ۱۴ حدود ۱۰۰ فروند هواپیمای ترابری سنگین، و تعدادی بالگرد سبک و سنگین و... بود. آموزش مقدماتی در داخل کشور و دوره تکمیلی در بهترین دانشکده‌های خلبانی آمریکای صورت می‌گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی، کلیه قراردادهای نظامی، بویژه در مجموعه نیروی هوایی که در حال ورود انواع بمب‌افکن‌های مدرن روز و سایر تجهیزات بودند، به یکباره لغو گردید و کشتی‌های حامل تجهیزات و هواپیماها به سایر کشورها تغییر مسیر دادند.

وضعیت داخلی نیروی هوایی بعد از پیروزی انقلاب

وقایع و حوادثی که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ملت شریف ایران در پاره‌ای از نقاط کشور رخ داد، از آنجمله اقدامات حزب خلق مسلمان در آذربایجان شرقی، حادثه طبرس و کودتای نقاب (پادگان شهید نوزه)، آسیب‌هایی را برای نیروی هوایی از نظر پرسنلی به همراه داشت، که در نهایت، موجب محاکمه، اخراج و تسویه تعدادی از خلبانان و کادر فنی نه‌اجا گردید، که این امر در کاهش روحیه خدمتی کارکنان آن نیرو نیز بی‌تأثیر نبود.

حملات و شروع جنگ رسمی عراق در ۱۳۵۹/۶/۳۱ یک عملیات هماهنگ و طراحی شده بود؛ در واقع، تصور ارتش عراق بر این بود که نیروی ارتش منسجم و پاسخگویی در ایران وجود ندارد و ظرف نیم ساعت نیروی هوایی ارتش عراق به اهدافش، که به صدام حسین قول مساعد داده بود، خواهد رسید. غیورمردان قهرمان نیروی هوایی اسطوره‌هایی در دامن و بدنه خویش پرورش داده بود، که هیچ‌کس و حتی مسئولین کشور نیز از آنان اطلاع نداشتند. خلبانان غیرتمندی چون: (۱) خلبان شهید سید علی اقبالی دوگانه، (۲) خلبان شهید غفور جدی اردبیلی که اجازه پرواز به او نمی‌دادند و به عنوان عنصر طاغوتی شاهنشاهی پاکسازی و تسویه شده و از وی ضمانت پرواز خواستند، که زن و دو فرزند خویش را به عنوان ضمانت تحویل شورای هماهنگی فرماندهی پایگاه نمود و از کیان ایران زمین دفاع نمود و تا لحظه شهادت نیز حتی دقیقه‌ای درنگ و تأمل نکرد. (۳) خلبان شهید غیرتمند عباس دوران، که کنفرانس غیرمتعهدها را در تیرماه ۱۳۶۱، که قرار بود در بغداد صورت گیرد، بر هم زد و حیثیت و آبروی صدام حسین را بر باد داد و کنفرانس به کشور هند منتقل شد. (۴) خلبان شهید حسین یاسینی، (۵) خلبان شهید حسین لشکری که سالار و سرور نیروهای اسیر ایرانی با ۱۸ سال اسارت و شکنجه در زندان‌های عراق بود؛ و ده‌ها خلبان غیرتمند دیگر که حماسه‌های فراوان و بیادماندنی زیادی از خود به یادگار گذاشتند، که از جمله آنان به چند مورد از عملیات‌های کم‌نظیر اشاره می‌کنیم:

۱. کمان ۹۹ (متقابل): به محض شروع جنگ در روز ۱۳۵۹/۶/۳۱، کلیه خلبان‌ها جلسه اضطراری گذاشتند و تعداد ۲۸۰ خلبان، حتی کسانی که تحت عنوان بازخرید، بازنشسته و یا تسویه بودند، برای روز بعد (۱۳۵۹/۷/۱) تعداد ۱۴۰ فروند بمب افکن را آماده پرواز به خاک عراق نمودند. با طلوع آفتاب اول مهر، تیزپروازان قهرمان ایران زمین خاک کشور را جولانگاه مرکب‌های آهنین خویش قرار داده و اکثر منابع حیاتی و اماکن حساس کشور عراق، حتی

پایتخت آن بغداد را به شدت بمباران کردند و پایگاه‌های ارتش در شهرهای موصل، کرکوک، ناصریه، کوت، شعبیه، حبانیه و... را نابود کردند.

۲. عملیات مشترک بیادماندنی مروارید: عملیات‌های مشترک بین دو نیرو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، که عملیات مروارید یکی از این موارد می‌باشد. نیروی دریایی به منظور انهدام سکوه‌های صادراتی نفت عراق (البکر و الامیه) از طریق دریا و نیروی هوایی با پوشش قوی از طریق هوا، اقدام نموده و سکوه‌های نفتی البکر، ام قصر، صفوان و... را منهدم کردند و یکی از بهترین عملیات‌ها صورت گرفت و برای همیشه کشور عراق از صدور نفت محروم ماند.

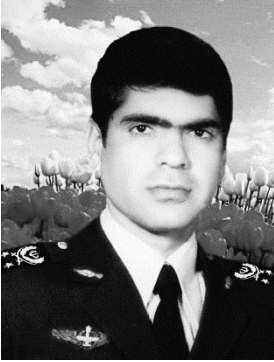
۳. عملیات اوسیراک یا عملیات شمشیر سوزان (حمله به اوسیراک): یکی از تأثیرگذارترین و بهترین عملیات‌ها که توسط نیروی هوایی در ۱۳۵۹/۷/۸ سازماندهی، طرح‌ریزی و اجرا شد. طی این عملیات، بمب‌افکن‌های نیروی هوایی تأسیسات اتمی عراق را که در شرف تکمیل و دریافت سوخت بود، بمباران و منهدم نمودند.

۴. عملیات معروف و بی‌نظیر اچ ۳: این عملیات تاکنون در دنیا بی‌سابقه بوده و در جنگ‌های اتفاق افتاده بی‌نظیر است. در ۱۳۶۰/۱/۱۵، با هدف انهدام پایگاه هوایی اچ ۳ در نزدیکی مرز اردن صورت گرفت و بیش از ۴۸ فروند هواپیمای عراقی، که اکثراً بمب‌افکن روسی بودند، منهدم شده و از بین رفتند.

اما سلحشوران نیروی هوایی ارتش از سیستان و بلوچستان در یگان‌های مختلف این نیرو از همان ساعات اولیه شروع جنگ تحمیلی همراه و همگام با سایر هم‌زمان خویش به وظیفه میهنی و ملی خود اقدام نمودند و وارد پیکار و عرصه نبرد با دشمن خصم شدند.

اینک به اختصار به نمونه‌ای از رشادت‌های غیورمردان نیروی هوایی قهرمان از استان پهناور سیستان و بلوچستان اشاره می‌شود.

سرلشکر خلبان شهید محمد میر



نام پدر: مزار

تاریخ تولد: ۱۳۳۰

محل تولد: روستای شهرک از توابع زابل

میزان تحصیلات: لیسانس

شغل: نظامی (افسر)

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۷/۲۵

محل شهادت: آسمان بصره به آبادان

سرمای خشک و استخوان سوز زمستان سیستان کم کم به پایان می‌رسید و جای خود را با هوای معطر فصل بهار عوض می‌کرد. وجود نعمت آب سبب شده بود تا گندم‌ها چند ماه سرسبزی خاصی به اراضی سیستان ببخشند. همه جا سبز و خرم و بانشاط بود. در صبحدم ۱۳۳۰/۱۲/۲۰، در حالی که با شنیدن اذان مؤذن روستای شهرک شیب‌آب همه آماده اقامه نماز می‌شدند، به یکباره در منزل مشهدی مزار با سر و صدای بلندی همگی صلوات فرستادند. ماما که زن بیسواد و مسنی بود، به پدر نوزاد تبریک گفت و تقاضای چشم روشنی کرد و گفت «الحمدلله، نوزاد پسر است.» والد نوزاد ضمن قول مساعد به ماما، از حال و احوال همسر و فرزندش پرسید و سراغ سجاده‌اش رفت. به شکرانه اینکه نوزاد و مادرش سالم هستند، نماز خواند و دعا کرد. خدایش را سپاس گفت و سراغ گوسفندانش رفت. یکی از چاق‌ترین آنها را انتخاب کرد و با کمک و مساعدت همسایگان، آن را ذبح کرد و به عنوان نذری بین اهالی روستا تقسیم نمود. بعد از اینکه قدری آرامش گرفت و خیالش راحت شد، با همسرش مشورت نمود و نام نیک و خجسته محمد را بر دل‌بندش گذاشت.

محمد در خانواده کشاورز و دامپرور سیستانی رشد و نمو کرد و از همان نخستین روزهای طفولیت، با مسائل مذهبی و احکام اسلامی آشنا شد. محمد در اوایل کودکی پدر بزرگوارش را از دست داد و از این نعمت بزرگ محروم گردید و تازه متوجه شد که با تمام توان و قدرت، با سختی‌ها، ناملايمات و مشکلات زندگی باید کنار آمد.

هفت بهار زندگی را پشت سر گذاشت و راهی مدرسه شد. با عدم وجود پدر و یک سری مشکلات روحی و اقتصادی، مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه نظام قدیم را در شهرستان زاهدان نزد مادرش با موفقیت به پایان رساند. با توجه به سن کودکی و نوجوانی و عدم وجود

پدر، اما از انجام فرائض دینی، بخصوص نماز جماعت مسجد غافل نمی‌شد. اغلب نمازش را در مسجد امام حسین (ع) معرف به معین‌القریبا بجا می‌آورد. در مسجد هم فعالیت مذهبی می‌کرد و هم فعالیت سیاسی. با افرادی که یک سری فعالیت علیه فرقه ضاله بهائیت انجام می‌دادند، همکاری داشت و از درسش نیز غافل نمی‌شد. به مطالعه مذهبی در کنار دروس تحصیلی اهمیت می‌داد، به طوری که گاهی یادداشتهای مفیدی بر روی برگه‌های کوچک جهت بحث و دفاع از حقانیت اسلام در برابر این فرقه به همراه داشت و با سند و مدرک بحث را ادامه می‌داد. شرایط به گونه‌ای بود که برای مطالعه از منزل بیرون می‌رفت و به اتفاق دوستان صمیمی داخل پارک یا زیر نور چراغ‌های تیر برق خیابان و میادین درس می‌خواند. آن زمان همانند امروز خبری از امکانات فراوان مانند کتابخانه، سالن مطالعه و... نبود.

دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان برای آماده شدن امتحانات نهایی بایستی مدت زمان بیشتری مطالعه می‌کردند و محمد نیز یکی از همان‌ها بود. پشتکار داشت و دارای هوش و ذکاوت بالایی بود. اگر از امکانات اقتصادی و مالی مناسبی برخوردار بود، یقیناً با ادامه تحصیل دانشگاهی در یکی از رشته‌های خوب می‌توانست رشد و تعالی بهتری داشته باشد. سال ۵۰-۴۹ و همزمان با خشکسالی در سیستان، موفق به اخذ مدرک دیپلم شد. در آن سنوات، در استان سیستان و بلوچستان افراد باسواد با مدرک بالا بسیار محدود و اندک بودند. اغلب بی‌سواد و یا حداکثر دارای مدرک ششم نظام قدیم بودند که با این سطح سواد کارمند و معلم می‌شدند. جوان سیستانی علاقه زیادی به شغل خلبانی داشت و در سن ۱۸ سالگی در سال ۱۳۴۹ وارد دانشکده افسری نیروی هوایی ارتش گردید. در دانشکده افسری، نماز و روزه اش ترک نشد. تعداد دو نفر از دوستان دوران تحصیل زاهدانی در دانشگاه تهران قبول شدند و بعضی روزهای تعطیل به ملاقاتش می‌رفتند. محمد از آنان خواست تا در ملاقات بعدی که به دیدارش می‌روند، رساله یکی از مراجع تقلید را تهیه کرده، داخل روزنامه‌ای بپیچند و برایش بیاورند.

پس از طی دوره‌های مقدماتی خلبانی، برای دوره‌های تکمیلی در سال ۱۳۵۰ جهت فراگیری علوم و فنون خلبانی به اتفاق تعداد دیگری از دانشجویان به کشور آمریکا اعزام شد. بحث خلبانی و اعزام به آمریکا برای هر فردی ممکن نبود، یعنی اینکه از هر ۱۰۰۰ نفر شرکت‌کننده در آزمون، یک نفر به خلبانی ورود می‌کرد، که آن هم اگر استعداد داشت خلبان هواپیمای مسافربری می‌شد و چنانچه دارای لیاقت، استعداد و هوش بالایی باشد برای خلبانی بمب‌افکن و شکاری برگزیده می‌شد. یک خلبان شکاری باید سریع‌الانتقال باشد تا بتوان

عکس العمل سریع و مناسبی انجام دهد. بمب افکن شکاری ۲/۵ برابر سرعت صوت (هر ثانیه ۸۰۰ متر) حرکت و پرواز می کند؛ لذا برای چنین پرنده ای نیاز به خلبان زبده ای است که در حین پرواز مشکلی به وجود نیاید. در زمان جنگ، یک خلبان شکاری باید هم بتواند از قلمرو و تمامیت ارضی کشور دفاع کرده و آن را حفظ نماید و هم در خاک کشور متخاصم اهداف آن را از بین برده تا شرایط مناسبی برای نیروهای درگیر جنگ در زمین و دریا مهیا گردد و به راحتی بتوانند دشمن را ساقط نمایند. به روایتی ساده تر، قیمت یک بمب افکن شکاری معادل ۱۰۰ دستگاه تانک است. در مأموریت های جنگی، فردی باید به عنوان خلبان بمب افکن برگزیده شود که کلیه ویژگی ها مانند ورزشدگی، مهارت، جسارت، دانش و خبرگی را داشته باشد. خلبان شجاع سیستانی یکی از منتخبین اعزام به آمریکا برای دوره تکمیلی هواپیمای بمب افکن و جنگنده اف ۴ بود، که توان حمل ۲۴ بمب ۵۰۰ پوندی، سوختگیری هوایی، پرواز در شب، توان حمل موشک هوا به هوا، پرتاب موشک موریک به اهداف دریایی و... را داشت و وی این لیاقت و شایستگی را در پرونده اش ثبت و ضبط نمود.

در آمریکا مرسوم بود - شاید حالا نیز همین طور باشد - که هر خلبانی از هر کشوری که در آنجا دوره می دید، بایستی یک نفر آمریکایی هم اتاقی داشته باشد. اگر یک خلبان هندی، عراقی، ترکیه ای، پاکستانی، اندونزیایی، الجزایری و... مشغول دوره بود، به همراهش در آن اتاق محل زندگی یک نفر آمریکایی بود. این فرد آمریکایی آموزش های متعدد دیده بود که چگونه فعالیت ها، حرکات، اعمال روزمره آن فرد را تحت نظر داشته و با یادداشت های کتبی مخفیانه به مسئولین و سرویس های اطلاعاتی خودشان گزارش دهد. در یک کلام، فرد هم اتاقی جاسوس تربیت شده ای بود که کلیه حرکات کرداری، گفتاری، علمی و آموزشی را ثبت و ضبط و گزارش می کرد.

این موضوع اجتناب ناپذیر بوده و شامل همه دانشجویان می شد. جوان سیستانی اینک در چنین شرایط محدود محیطی باید مطالعه، نماز، عبادت، روزه، ورزش و... را انجام می داد. خیلی سخت بود، اما او و تعداد دیگری از دانشجویان ایرانی همدوره اش، مانند سرلشکر شهید خلبان علیرضا یاسینی، سرلشکر شهید خلبان مصطفی اردستانی، سرلشکر شهید خلبان عباس دوران و... کلیه اعمال و مسائل شرعی و مسلمانی خود را انجام می دادند.

در آمریکا صحنه هایی را دید که خیلی اذیت و آزارش داد. فساد اخلاقی، بی بند و باری، فحشا و منکرات و... مسائلی بود که غرب برای کلیه جوانانی که جهت طی دوره به آمریکا اعزام

می‌شدند، مهیا می‌نمود تا از این طریق، بتوانند اعتقادات آنان را سست کرده یا از بین ببرند. مکانی برای اقامه نماز وجود نداشت. با پهن کردن پارچه‌ای تمیز یا روزنامه در مکانی خلوت، نماز را اقامه می‌کرد. برای روزه گرفتن مشکلات بسیار عدیده‌ای داشتند و خبری از سحری و افطار نبود. با همان شام شب سحری می‌خورد و با ناهار ظهر افطار می‌کرد. به هنگام اقامه نماز، هم‌اتاقی آمریکاییش او را کنترل و فکر می‌کرد که ورزش می‌کند و طبق معمول به طور روزانه، در پایان وقت گزارش می‌کرد. افراد مسئولی بررسی این گزارشات از او ایراد می‌گرفتند که چرا هر روز این خبر تکراری است و او پاسخ می‌داد که افسر جوان ایرانی در صبح خیلی زود، ظهر و اول شب در مکانی خلوت چند دقیقه حرکات ورزشی انجام می‌دهد. پس از بررسی‌های بسیار زیاد، تازه متوجه شدند که این حرکات ورزشی نیست، بلکه او نماز می‌خواند و خدایش را عبادت می‌نماید.

هیچ‌وقت عمر پربرکت خود را بیهوده صرف کارهای غیرمفید نکرد. اعتقاد راسخ داشت که در قیامت جوارح و اعضای بدن از کارهای ناپسند و بد، هدر دادن عمر و زمان در اختیار انسان‌ها، شکایت خواهند کرد. او همیشه می‌اندیشید که چگونه باید به جامعه، مردم و کشورش خدمت کند. اکثر اوقات فراغتش مشغول مطالعه بود و در کنارش برای تندرستی ورزش می‌کرد.

دوره تکمیلی خلبانی را با موفقیت و رتبه بالایی به اتمام رساند و در سال ۱۳۵۲، به عنوان «اولین خلبان بمب‌افکن اف ۴ سیستانی» به کشور ایران بازگشت.

بر اساس نیاز مبرم و نوع هواپیما در پایگاه‌های تهران، شیراز، همدان، بندرعباس و... خدمت نمود. افسر جوان سنت حسنه ازدواج را می‌بایست انجام داد و همسر مورد علاقه و هم‌کفو خویش را در اواخر دوران تحصیل انتخاب کرده بود. یکی از برادران همسرش هم‌کلاس و دوست صمیمی دوران تحصیلش بود که با رفت و آمدهای خانوادگی باعث معرفی و انتخاب عیالش گردید. او منتظر فرصت زمانی بود که شغل و حرفه مشخصی داشته باشد و سپس برای خواستگاری و ازدواج رسماً اقدام نماید و این سنت حسنه و نیک پیامبر صورت گیرد. افسر جوان در عید نوروز سال ۵۷-۵۶ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با خودرو شخصی خویش جهت دیدار و ملاقات با مادر، خواهران، برادران، فامیل و اهالی روستا به زادگاهش سیستان مسافرت نمود. شرایط خاکی بودن جاده روستایی و عدم وجود مسیر مناسب باعث شد تا خودرو خود را در فاصله ۵۰۰ متری از منزل پارک نماید. بعد از دیدار و احوالپرسی و دقایقی

استراحت، نیاز به کیف و وسایل شخصی داشت، که سوئیچ خودرو را به برادرزاده اش می دهد و از او تقاضا می نماید تا کیفش را بیاورد. او از روی کنجکاوی رادیوپخش خودرو را روشن می کند و متوجه می شود که نوار کاستی داخل آن است و تلاوت قرآن پخش می شود. آن زمان اکثر افراد موسیقی و ترانه گوش می دادند، اما عمومی جوانش قرآن گوش می کرد. لذا داخل منزل از سر کنجکاوی از عمویش سوال می کند «عمو! همه ترانه گوش می کنند، حال آنکه شما نوار قرآن دارید. چرا؟» افسر جوان پاسخ می دهد «هیچ موردی از زندگی ما جدا نیست. این موارد با ما عجین شده است. هرکس عقیده ای دارد و ان شاء الله خداوند همه را عاقبت بخیر کند.» پس از احوالپرسی با همه اقوام و بستگان، متوجه می شود که برادر بزرگش در منزل نیست و سراغش را می گیرد. می گویند به یکی از روستاهای نزدیک جهت انجام کاری رفته است. ساعتی بعد، متوجه ورود برادر به روستا می شود، بلافاصله منزل را ترک کرده و دوان دوان به استقبال برادر بزرگتر می رود و در مقابلش تواضع و فروتنی می کند. برادرش می گوید «چطوری سرکار؟ روزگار بر وفق مراد است؟» وی پاسخ می دهد «من برادر کوچک شما هستم، به من سرکار نگویند، همان محمد کافیسست.» چند روزی در روستا و نزد بستگان و اقوام می ماند. نسبت به روشنگری اقوام و اهالی روستا مبنی بر شرایط موجود کشور و بخصوص بحث قیام مردمی ملت ایران اقدام می نماید.

در حین برگشت، برادرزاده اش که نوجوانی بیش نبود، او را از زابل تا زاهدان همراهی می کند. افسر جوان از فرصت بدست آمده حداکثر استفاده را در راستای آگاه سازی مذهبی به عمل می آورد و او را به مسائل اعتقادی، اسلامی، نماز، روزه، صداقت، راستگویی، یاد خدا بودن، تلاوت قرآن و... آشنا می سازد. با توفقی کوتاه در زاهدان، به سراغ دوستان و اقوام رفته و با آنان نیز دیدار و ملاقات می نماید. پس از اتمام مرخصی و مراجعه به پادگان، قیام مردمی شدت می گیرد. در تظاهرات و راهپیمایی، همراه و همگام با مردم شرکت می کند. چندین مرحله ضداطلاعات او را تعقیب کرده و مراقب او می باشد و حتی به او تذکر داده، تهدید و بازجویی می کنند. اما او در مسیر و خواسته مردم گام برمی دارد و بارها می گوید «ما از بدنه و بطن جامعه و مردم هستیم. بایستی در کنارشان باشیم.»

به هنگام پیروزی انقلاب، در پایگاه بندرعباس مشغول خدمت بود. در کنار مردم و در تظاهرات، به اتفاق چند خلبان دیگر شرکت داشت که ضداطلاعات به سراغش رفت. خواستند او را دستگیر کنند، ولی هیچ مدرکی جز شرکت در راهپیمایی از او نداشتند. خیلی خونسرد

گفت «قیام مردمی کاری به ارتش ندارد. به پادگان که تا حالا حمله‌ای نشده است که شما نگران و ناراحتید. اگر هم مشکلی هست، مربوط به بنده است که هر تصمیم لازم در مورد من اتخاذ شود، پذیرا هستم.» ضداطلاعات در آن شب نتوانست کاری کند و دست خالی از درب منزلش رفت.

در شب ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، در آستانه پیروزی انقلاب در خیابان‌های بندرعباس ازدحام جمعیت بود. افسر جوان به اتفاق چند خلبان دیگر شرکت کردند و تا روز بعد، یعنی پیروزی انقلاب به خدمت نرفتند و در کنار مردم بودند. البته خلبان غیور سیستانی از شش ماه قبل از پیروزی انقلاب، یعنی خرداد ۱۳۵۷، نسبت به راه‌اندازی کلاس‌های قرائت قرآن به اتفاق سه خلبان دیگر اقدام کرده بود. مکتبی و مذهبی بودنش مربوط به دوران انقلاب و یا بعد از آن نبود. از همان نخستین روزهای استخدام، دیانت و مذهبی بودنش را همه فهمیده بودند. به گونه‌ای که یک ماه قبل از پیروزی انقلاب، به او و چند دوست دیگرش اجازه پرواز نمی‌دادند و اگر انقلاب به پیروزی نمی‌رسید، احتمالاً سرانجام کار و خدمتش به زندان و اخراج می‌کشید.

انقلاب پیروز شد و روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که تعدادی فرصت طلب به پایگاه هوایی بندرعباس، محل خدمت این افسر جوان، یورش برده و خواستند اسلحه و مهمات را خارج نمایند، جلو درب پادگان ایستاد؛ برای آنان سخنرانی کرد و گفت «انقلاب پیروز شد و هیچ دلیلی برای خروج اسلحه و مهمات و اینکه اموال و بیت‌المال به دست یک سری افراد خائن فرصت طلب بیفتد، نیست.»

با پیروزی انقلاب اسلامی، خدمت خلبان جوان مضاعف می‌شود. اینک وابستگان نظامی کشور را ترک و این خلأ آموزشی علمی - فنی می‌بایست با همت و تلاش جوانان این مرز و بوم پر شود. همیشه همکاران را به فعالیت و تلاش بیشتری دعوت می‌کرد. در پایگاه بندرعباس همزمان مسئولیت‌های زیر را بر عهده داشت و شبانه‌روز خدمت می‌کرد.

۱. فرماندهی مهندسی و تأسیسات پایگاه.
۲. مسئول عقیدتی سیاسی پایگاه.
۳. عضو ارشد انجمن اسلامی.
۴. عضو ارشد جهاد پایگاه.
۵. معاون و مسئول عملیات پایگاه.
۶. هماهنگ کننده عملیات در مأموریت هوایی جبهه.

به دانش و علم روز در زمینه خدمت و شغل خلبانی تسلط زیادی داشت. نظم و انضباط ظاهری و معنوی و پشتکار او در امورات باعث شده بود تا یک نظامی اسوه و الگو برای سایر همکاران باشد.

تهاجم عراق علیه کشور ایران رسماً در ظهر ۱۳۵۹/۶/۳۱ شروع شد و خلبان جوان در همان اولین دقیق، کلیه پرنده‌ها، خودروها و... را سریع پراکنده کرد تا کمتر آسیب ببینند. اصلاً باور نداشت و نمی‌توانست خود را قانع کند که کشوری چون عراق جرئت حمله به ایران را داشته باشد. بلافاصله کلیه خلبانان پایگاه برای پاسخ دندان‌شکن نیروی هوایی عراق به حالت آماده‌باش شده و منتظر دستور ماندند. بعد از ظهر همان روز پیام طبقه‌بندی دریافت شد و شبانه آماده اجرای عملیات کمان ۹۹ در اول مهر، یعنی یک روز بعد از حمله عراق به ایران شدند. فرصت محدود و کم بود. خلبانان وطن‌پرست انقلابی، از جمله خلبان محمد میر شبانه کلیه اقدامات برای یک پرواز برون‌مرزی موفق را تدارک دیدند و همزمان با پرواز سایر خلبانان از سایر پایگاه‌های کشور، در صبح ۱ مهر، تعداد ۱۴۰ فروند بمب‌افکن با تعداد ۲۸۰ خلبان و کمک خلبان به سراغ اهدافشان در خاک کشور عراق به پرواز درآمدند و با وارد کردن ضربات مهلک و سنگین به نیروی هوایی ارتش عراق، فهماندند که گرچه بدنه ارتش بعد از پیروزی انقلاب بنا به دلایلی چون اعدام، پاکسازی و تسویه، بازنشستگی، نقل و انتقالات بی‌رویه، انتظار خدمت و حذف تعداد زیادی از فرماندهان و خلبانان تضعیف گردیده است، اما لاشه ارتش ایران برای درهم پیچیدن ارتش عراق کافیست.

از شهید گرانقدر دو فرزند به یادگار باقیست:

علی میر دارای تحصیلات دکتری پزشکی متخصص قلب و عروق.

یاسمن میر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد علوم تغذیه.

خاطره شهید سرلشکر عباس دوران در مورد شهید محمد میر

ساعت ۹ صبح ۲۵ مهر ۱۳۵۹ تازه از خواب بیدار شده بودم و در حال صبحانه خوردن بودم که سروان میر آمد و یک برگه مأموریت آورد و گفت «باید به این مأموریت برویم.» عده‌ای از خلبانان هم بودند. گفتم «اینجا خطرناک است، بخصوص برای این نوع بمب چون باید بالا

بیاییم.» مخصوصاً برای میر که تا به حال موشک مَوریک^۱ نزنده بود. به سرگرد ضرابی هم گفتم، ولی گفت «مأموریت باید انجام شود، امروز تانکر هم نداریم، ولی می‌توانید از نوع دیگری بمب ببرید.» میر ناراحت شد. دلش می‌خواست اولین پرواز کابین جلو جنگی خود را با موریک شروع کند. به هر حال، مجبور بودیم مأموریت را انجام دهیم شماره یک من بودم و کابین عقب سرگرد خلبان شهید منصور سالار صدیق و شماره دو هم میر بود و کمکش رنجبر.

مسیر را تا جایی با سرعت کم و ارتفاع ۲۰ هزار پا^۲ رفتیم. قابل توجه اینکه مأموریت قبلی من تقریباً همین جا بود. چند موشک به طرف ما آتش کردند که شانس آوردیم و به ما نخورد. در جنگلی در حدود ۱۰ مایلی هدف پاپ‌آپ^۳ کردیم. میر سمت چپ من بود. بعد از ارتفاع ۹ هزار پا شروع به پایین آمدن کردم و با دیدن هدف خیلی خوشحال شدم. به میر گفتم، او هم گفت که هدف را دیده است. بعد از زدن چهار تانک عراقی که همه منفجر شدند، از سمت راست برگشتیم و صدا زد که «میر! دیگه جلو نرو، چون آتش زیاده. نمی‌خواهد که تمام موریک‌های خود را بزنی.» ولی کمک گفت «دومین و سومین موشک به سمت ما آمد که یکی از آنها به میر خورد.» رنجبر اجکت کرد، ولی میر...

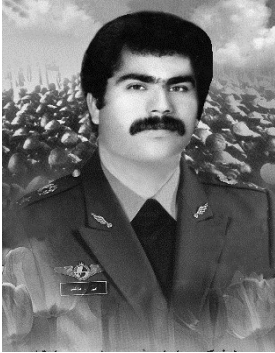
به این ترتیب، میر آسمانی شد و پرواز ابدی را آغاز کرد.

۱. موشک موریک موشک هوا به سطح است که با آن کشتی‌های دشمن در دریا و یا اماکن حساسی مثل سکوهای نفتی و زاغه مهمات و... زده می‌شود.

۲. هر پا معادل ۳۰ سانتیمتر می‌باشد.

۳. پاپ‌آپ: هواپیما روی هدف بالا کشیده می‌شود و بمب‌ها را می‌گردد.





سرلشکر خلبان شهید امیر مرادقلی

نام پدر: میران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵

محل تولد: گرگان

میزان تحصیلات: لیسانس

شغل: نظامی (افسر)

تاریخ شهادت: ۶۳/۱۱/۲۱

محل شهادت: مراجعت از مأموریت حوالی شیراز

زندگی‌نامه

حدود نیم قرن پیش خانواده‌ای مؤمن و مذهبی از طایفه مرادقلی که در مبارزه با خوانین دوران ظلم حکومت ستم‌شاهی از سیستان به علت خشکسالی و آزار و اذیت و زورگویی دست‌نشانندگان شاه معدوم به شمال ایران کوچید و در روستایی به نام حاجی کلاته شهرستان علی‌آباد کنترل استان گلستان سکنی گزید. روزگار را با تلاش، کوشش و لقمه نانی حلال و طیب سپری می‌کرد. نیمه شبی از شب‌های شهریور ۱۳۳۵ همه‌جا را سکوت فراگرفته بود و نور مهتاب دیگر جایی برای سوسوی ریز ستارگان باقی نگذاشته بود. همه در خواب شیرین بودند و فقط مامای محل با چند زن همسایه در منزل مشهدی میران منتظر ورود میهمان تازه وارد بیدار بودند که به یکباره، صدای منتظران با تبریک قدم نورسیده، سکوت را شکست و از مشهد میران چشم‌روشنی طلب کردند. پنجمین فرزند خانواده به دنیا آمد. مشهدی میران مسرور و خوشحال فرزندش را در آغوش گرفت، چند بار الحمدلله گفت و خدا را شکر کرد. احوال عیالش را پرسید. قدری تأمل کرد و به چهره فرزندش خیره شد. همه نگاه‌ها متوجه او شد و از یکدیگر سوال می‌کردند که چرا میران ساکت شد؟ چرا حرف نمی‌زند؟ مگر چه شده؟ میران جواب داد «هیچی؛ داشتم فکر می‌کردم چه نامی برای فرزندم انتخاب کنم. ذهنم را حلاجی می‌کردم که نام امیر به فکرم رسید و مبارک فرزندم باد.» هیچ‌کس روی حرف او حرفی نزد و فقط گفتند هر چه تو بگویی، مبارک است. اما هیچ‌کس نمی‌دانست که امیر طایفه میران روزگاری از امیران قبیله خواهد شد. امیر در خانواده‌ای کشاورز و کم‌درآمد، ولی مقید به مسائل دینی و احکام شرعی پرورش یافت. هفت بهار زندگی را پشت سر گذاشته بود که وارد مدرسه شد. مقطع ابتدایی را در مدرسه روستا طی نمود. هر روز صبح به کمک والدینش می‌شتافت. گاوها را به

چرا می‌برد و شب برمی‌گشت. در فصل پنبه‌چینی هم وجین می‌کرد. مقطع متوسطه را در شهرستان گرگان به اتمام رساند و موفق به اخذ مدرک دیپلم شد. مسیر طولانی روستا تا شهر را گاه با اسب پدر رفت و آمد می‌کرد، چون برای نگهداری اسب مکانی در حوالی دبیرستان نبود، مجبور شد دوچرخه‌ای تهیه کند.

عشق و علاقه به شغل نظامیگری، بخصوص خلبانی را از همان دوران نوجوانی و جوانی در سر داشت، ولی چون بازگو نکرده بود، هیچ‌کس نمی‌دانست. فصل بهار بود و موسم سم‌پاشی مزارع کشاورزی. هواپیماهای سم‌پاش ملخی در آسمان گلستان به پرواز درآمده بودند تا مزارع را از شر آفات در امان نگه دارند. از مدرسه برگشته بود و در بین راه، با گذاشتن دست روی پیشانی، مرتب به آسمان نگاه می‌کرد. آهی کشید و گفت «خدایا می‌شود روزی من هم مثل این خلبانان سوار یکی از این هواپیماها بشوم و در آسمان پرواز کنم؟» گویی خداوند همان‌جا صدایش را شنید و آرزویش را اجابت کرد. در سن ۱۹ سالگی، با ثبت‌نام در دانشکده نیروی هوایی ارتش و طی مراحل مختلف، آزمون‌های کتبی، ورزشی، پزشکی و... موفق شد به استخدام نیروی هوایی درآید. در دوره‌ای ۱۸ ماهه، به فراگیری فنون و علوم مقدماتی نظامی پرداخت و آن را با موفقیت طی نمود. به حسب خلاقیت و شایستگی، جهت طی دوره تکمیلی به اتفاق دیگر همکاران در سال ۱۳۵۵ عازم آمریکا شد.

امیر از همان وقتی که خود را شناخت و فهمید به عنوان یک مسلمان واقعی بایستی احکام شرعی و مذهبی را انجام دهد، خود را مقید به فرایض دینی کرد و هیچ‌گاه نمازش ترک نشد. روزه می‌گرفت و سایر عبادات را انجام می‌داد. اولین سوال این جوان سیستانی به محض ورود به محل دوره خلبانی در آمریکا، جهت قبله برای اقامه نماز بود. گرچه در آنجا مکان و جای بخصوصی مثل مسجد یا نمازخانه نبود، اما او و دیگر دوستانش با پهن کردن روزنامه یا پارچه تمیزی، در مکان خلوتی نماز می‌خواندند. ایام ماه مبارک رمضان هم روزه می‌گرفتند. در هنگام نماز، بعضی از همدوره‌هایش که مسیحی و از سایر کشورها بودند، با حیرت به او می‌نگریستند و با تعجب از او سوال می‌کردند این چه نوع نیایش و عبادت است؟ یا داری ورزش می‌کنی؟ با تبسمی بر لب و خندان می‌گفت «من خدای خویش را با ایستادن و تعظیم، با رکوع و سجده در مقابل او ستایش می‌کنم. خود را بنده‌ای هیچ و پوچ می‌بینم و هرچه هست اوست، که خداوند زمین و آسمان‌ها است. جهان هستی و تمام مخلوقات آفریده اوست.» نوع تفکر و نگاهش به جهان هستی و پروردگارش و همچنین، بصیرت حضرت محمد(ص) که از دین

اسلام داشت، مورد انتقاد بعضی از عناصر رژیم قرار می‌گرفت و از همان روزهای نخست خدمت تحت نظر و کنترل بود.

سال‌های ۵۵ و ۵۶ زمانی که امیر در آمریکا آموزش خلبانی می‌دید، روزی که برای اولین بار به تنهایی پرواز کرد، هواپیمایش دچار نقص فنی شد. از برج مراقبت به او اعلام کردند که هواپیما را رها کند و با چتر اجکت^۱ کند، اما او توجهی به دستور برج مراقبت نکرد. همه نگران بودند. دستورات لازم جهت فرود اضطراری داده شد. باند را کف‌پاشی و ماشین آتش‌نشانی و آمبولانس را آماده کردند تا او هواپیما را بدون چرخ به زمین بنشانند، ولی او آن قدر در آسمان پرواز کرد تا سوخت هواپیما تمام شود و در حالی که می‌خواست بر زمین فرود آید و روی باند بنشیند، ناگهان چرخ‌های هواپیما باز شد و هواپیما را صحیح و سالم بر زمین نشانند. کار این جوان باغیرت جسارت و رشادت‌های دلیرمردی از خطه سیستان در کشور آمریکا بود که همگی را حیرت‌زده کرد. در پرواز شبانه هم در آمریکا با استاد خلبان راهی مأموریت شد. وقت برگشت و فرود بر روی باند، برق باند قطع شد و هیچ‌جا دیده نمی‌شد. استاد خلبان به زبان انگلیسی گفت مرادقلی کارمان تمام شد و هیچ راه نجاتی نیست. خلبان جوان و شجاع هواپیما را بالا کشید و چندین دور زد تا برق اضطراری فرودگاه فعال و باند روشن گردید. مرادقلی زیر لب زمزمه‌ای کرد و خدایش را یاد نمود و به آرامی و خونسردی فرود آمد. استاد خلبان با تعجب پرسید چه کار کردی؟ پاسخ داد با توکل و ذکر نام خدا، آرامش گرفتم و با خونسردی فرود آمدم. در ادامه به استاد گفت یادت باشد نام و یاد خداوند سبحان به انسان‌ها آرامش می‌بخشد و نگرانی‌ها و استرس از بین می‌رود.

دوره تکمیلی خلبانی با موفقیت در آمریکا به پایان رسید و به اتفاق سایر دوستان به ایران بازگشت. هنگام تقسیم نیروها، شهید مرادقلی به پایگاه بندرعباس اختصاص یافت و مشغول خدمت شد. اینک افسر جوان بایستی اندوخته‌های علمی، آموزشی، نظامی و... را در مسیر خدمت به نحو شایسته و مطلوبی به کار گیرد. امیر با جدیت، نظم، آراستگی، تعهد و اخلاص خدمت می‌کرد. قیام‌های مردمی ملت شریف ایران از سال ۱۳۵۶ شروع شد و در سال ۱۳۵۷ به اوج رسید. وی جزء معدود خلبانانی بود که در تظاهرات و راهپیمایی‌ها همراه و همگام مردم بود. حتی یک بار به منزلش وارد شدند تا مدرک و اعلامیه‌هایی که پخش می‌کرد از منزلش به عنوان سند و مدرک خارج کنند. او با هوشیاری و درایتی که داشت، اعلامیه‌های حضرت

۱. پریدن از هواپیما به بیرون توسط هندل (دستگیره)

امام(ره) را در جای امنی نگهداری می‌کرد و نتوانستند هیچ مدرکی پیدا کنند و دست خالی از منزلش بیرون رفتند. مراقبت و کنترل از این افسر جوان بیشتر شد و کاملاً او را تحت نظر داشتند. او با پیکان سفیدرنگش شخصاً اعلامیه‌ها را پخش می‌کرد و از عواقب این کار هیچ نگران نبود، چون می‌دانست در راه صحیح و درستی گام برمی‌دارد.

انقلاب پیروز شد و مستشاران نظامی از کشور خارج شدند. مسئولیت و وظیفه سنگینی بر دوش کارکنان ارتش، مخصوصاً نیروی هوایی افتاد. علت هم این بود که این نیرو نیرویی بسیار فنی و تخصصی و از طرفی پیچیده است و نیاز به افراد متخصص دارد. ستوان جوان و پرانرژی اینک با خیالی آسوده، اما خدمتی مضاعف، وظایف و امورات محوله را انجام می‌داد. زودتر به خدمت می‌رفت و دیرتر به منزل برمی‌گشت. تمام وقت خود را وقف خدمتگزاری به نظام، جامعه و وطنش کرده بود. سنت حسنه ازدواج، که یکی از تأکیدات اسلامی و سفارش نبی اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) می‌باشد، اقدامی بود که او در سال ۱۳۵۸ آن را انجام داد. همسرش مورد علاقه و هم‌کفو خودش بود، چرا که او معیارهایی چون عفت، حجاب، دیانت، متانت و... را برای همسری که قرار بود سال‌ها با یکدیگر در زیر یک سقف زندگی نمایند، در نظر داشت و حتی این معیارها را قبل از ازدواج با یکدیگر در میان گذاشته بودند.

با آغاز جنگ تحمیلی که رسماً ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ توسط عراق بر ملت شریف ایران تحمیل گردید، او همانند سایر خلبانان تیزپرواز به مصاف ارتشیان عراق رفت. شرایط حساس خلیج فارس و تنگه استراتژیک هرمز، که صدور نفت و سایر کالاهای صادراتی و نیز واردات کالاهای اساسی از طریق این آبراه صورت می‌گرفت، باعث شد تأمین امنیت این منطقه از حساسیت خاصی برخوردار باشد. قهرمانان تیزپرواز هوایی با کنترل و تجسس از طریق هوا و دریادلان نیروی دریایی نیز از طریق دریا بایستی این مکان امن را برای کشتی‌های تجاری ایران و گاه خارجی فراهم می‌کردند. خلبان مرادقلی به عنوان خلبان هواپیمای P3F (تجسس) بارها بر فراز خلیج فارس و آب‌های نیلگونش پرواز کرد و اجازه جولان و اذیت و آزار و یا انهدام کشتی‌های ایرانی را به دشمن نمی‌داد. شرایط به گونه‌ای بود که بعضی روزها به طور مکرر و پی در پی، حداقل چند ساعت پرواز داشت. همانند عقابی در آسمان بر مرزهای آبی ایران اشراف کامل داشت و اجازه هیچ تعرضی را به مرزهای آبی کشور به هیچ ابرقدرتی نمی‌داد.

در یکی از پروازهایش در خلیج فارس، به یکباره چند هواپیمای آمریکایی هواپیمایش را احاطه می‌کنند و طی تماسی به خلبان دلیر سیستانی می‌گویند به خانه‌ات برگرد. خلبان غیور

و جسور با صلابت و قاطعیت به آنان پاسخ می‌دهد من در فضای خانه‌ام هستم، آنکه باید به خانه‌اش برگردد شما هستید. این جمله را چند بار تکرار کرد، تا اینکه هواپیماهای آمریکا مجبور به ترک محل می‌گردند و او همچنان به مأموریت خود ادامه می‌دهد.

از پرنده‌اش بسیار مواظبت و مراقبت می‌کرد. او می‌دانست که تعداد بسیار اندکی از این نوع هواپیما قبل از پیروزی انقلاب به ایران وارد شده است و بعد از پیروزی انقلاب، کشور در تحریم نظامی است و هیچ کشوری به ایران هواپیما نمی‌دهد؛ لذا چاره را در این دید از هر آنچه که هست به نحو مطلوب استفاده و نگهداری کند. مدت چهار سال دفاع مقدس که در قید حیات بود، همیشه در مأموریت و در مصاف با دشمن بعث بود.

از خصوصیات بارز شهید این بود که همیشه می‌گفت هیچ‌وقت از پرواز کردن خسته نمی‌شوم. وقتی از زمین به سوی آسمان بلند می‌شوم، خود را به خدا نزدیک‌تر می‌بینم و دوست دارم بالا و بالاتر بروم. در آسمان، خدا را بیشتر از هر وقت در آینه دلم احساس می‌کنم.

خلبان دلسوز و باغیرت ایرانی اهل بصیرت، ولایت، شرافت و هویت اسلامی خود بود. در عملیات‌های گوناگون شرکت جست و افتخارات فراوانی آفرید و از خود رشادت‌ها و جانفشانی‌های زیادی به یادگار گذاشت. در آخرین پروازش به عمق آسمان بی‌نهایت سفر کرد. سفری که دیگر برگشت زمینی نداشت، ولی عروج ملکوتی داشت. سرانجام این تیزپرواز سیستانی در ۱۳۶۳/۱۱/۲۱ به همراه ۶ تن از هم‌زمان و همکاران خویش، هنگامی که از یک مأموریت عملیاتی برمی‌گشتند، ناگهان هواپیمایش دچار نقص فنی می‌گردد. به هر طریق ممکن، هواپیما را تا شیراز کنترل و هدایت می‌نماید، که در حوالی شیراز سقوط کرده و همگی به درجه رفیع شهادت نائل می‌گردند.

از شهید دو فرزند به یادگار باقیست:

لیلا متولد ۱۳۵۹ با تحصیلات دکتری پزشکی عمومی، دانشگاه علوم پزشکی

ثریا متولد ۱۳۶۲ با تحصیلات کارشناسی ارشد عمران، مسکن و شهرسازی



سرگرد شهید مهدی نیکبخت

شهید سرافراز مهدی نیکبخت در تاریخ ۱۳۳۹/۱۰/۳ در شهرستان زابل دیده به جهان هستی گشود. از همان روز نخست، در دامن والدین مذهبی و مکتبی پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به پایان رساند و بر حسب علاقه‌ای که به شغل نظامیگری داشت، به استخدام نیروی هوایی ارتش درآمد. دوره‌های رزم مقدماتی و تخصصی را به پایان رساند و در پایگاه نهم شکاری بندرعباس مشغول به خدمت گردید. گروهبان یکم جوان با آغاز جنگ تحمیلی، همانند دوستان و هم‌زمان خویش در نیروی هوایی به دفاع از حریم وطن و نوامیس ملت شریف ایران پرداخت. پس از چند ماه پیکار و جهاد فی سبیل الله، در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۳ در منطقه جنوب (شلمچه) بر اثر تیر مستقیم دشمن به درجه رفیع شهادت نائل گردید و به خیل هم‌زمان شهیدش پیوست و زندگی ابدی را در جوار سایر شهدا برای همیشه برگزید.

شهید محمدحسن گزومه

شهید بزرگوار در ۱۳۳۲/۱/۶ در شهرستان زابل چشم به جهان هستی گشود. والدین محمدحسن از همان روز الست نسبت به تعلیم و تربیت مذهبی او کوشیدند و او را با مسائل دینی آشنا نمودند. مقاطع تحصیلی ابتدایی و راهنمایی را طی نمود و بر حسب شور و علاقه‌ای که داشت، در ۱۳۵۵/۸/۱۹ به استخدام نیروی هوایی ارتش درآمد. دوره‌های رزم مقدماتی و تخصصی را با موفقیت سپری نمود و جهت خدمت به پایگاه ششم شکاری اختصاص یافت. هم‌اگر یکم جوان با شروع جنگ تحمیلی، به میادین نبرد اعزام گشت و پس از چند سال پیکار و نبرد با دشمن خصم، در ۱۳۶۵/۱۰/۴ بر اثر تیر مستقیم دشمن در منطقه عملیاتی جنوب (اروند رود) به درجه رفیع شهادت نائل آمد و برای همیشه جاودانه شد.

فصل هفدهم

ایشان ارش جمهوری اسلامی ایران در استان سیستان و بلوچستان

شهدای لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

لشکر ۸۸ زرهی زاهدان مفتخر است که همانند سایر اقشار رزنده ارتش (نیروی زمینی، هوایی، دریایی، پدافند) و نیروهای بسیج و سپاه در دوران دفاع مقدس، شهیدانی تقدیم نظام و ملت سلحشور ایران نموده است.

شهیدانی که گاه پیکر پاک و مطهرشان تاکنون به آغوش خانواده بازنگشته. همانند سرلشکر خلبان محمد میر، سرتیپ خلبان محمدامین میرمراذهی.

شهیدانی که بر اثر تیر مستقیم تانک و تیربارهای دشمن، بدنشان تکه تکه شده و در آتش سوختند. همانند سرلشکر شهید یعقوب احمدبیگی، سروان شهید حسین آذریان، سرلشکر شهید عموشاهی و سرگرد کدخدایی.

شهیدانی که در زندان‌های بعث عراق سینه سپر کرده و در بند اسارت هدف گلوله‌های تیر قرار گرفتند. همانند سرلشکر علیرضا اشرف گنجویی و سروان عباسعلی سیاسی جهانتیغ.

شهیدانی که در میادین مین و تله‌های انفجاری از جان خود گذشتند، تا جان دیگران در خطر نیفتد و مسیر پیشروی را در شب‌ها و روزهای عملیات برای دیگران باز کردند. همانند سروان عیسی راحتی و احمد رنجبر.

در نهایت اینکه از مجموع بیش از ۴۸ هزار شهید ارتش، تعداد ۲۴۰۰ تن مربوط به لشکر ۸۸ زرهی زاهدان می‌باشند که ۴۹۴ تن استان سیستان و بلوچستان و ۱۸۹۴ تن سایر استان‌های کشور تقدیم نظام و کشور کرده است.

آزادگان لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

در طول دوران دفاع مقدس، ارتش جمهوری اسلامی ایران بیش از ۲۳ هزار آزاده سرافراز در بند اسارت زندان‌های عراق داشته است، که گاه مدت دو سال و فردی هم مانند خلبان شهید سرلشکر حسین لشکری مدت ۱۸ سال در اسارت بوده است. لشکر ۸۸ زرهی زاهدان نیز تعداد ۲۲۵۲ تن آزاده (۲۳۳ تن استان سیستان و بلوچستان، ۲۰۱۹ تن سایر استان‌های کشور) در بند اسارت کشور عراق داشته است. آزادگانی که گاه مدت دو سال و گاه ۹ تا ۱۰ سال در بند اسارت، طعم انواع شکنجه‌های عراق را چشیدند، اما به دشمن هیچ اطلاعات و اسرار کشور و نظام را بازگو نکردند.

جانبازان و مجروحین لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

ارتش جمهوری اسلامی ایران بیش از ۲۰۷۵۰۰۰۰ رزمنده پایور و وظیفه طی هشت سال دفاع مقدس به صحنه‌های نبرد اعزام داشته است، که از این تعداد ۳۲۰ هزار نفر آنان مجروح و دارای درصد بالای جانبازی می‌باشند.

لشکر ۸۸ زرهی زاهدان نیز افتخار دارد که تعداد ۸۴۲۶ تن جانباز تقدیم نموده است. ۶۵۱ تن استان سیستان و بلوچستان و ۷۷۷۵ تن سایر استان‌ها به خیلی عظیم جانبازان پیوسته‌اند و تعداد کثیری از کارکنان جانباز که پیگیر درصد جانبازی خویش نشدند و همچنان با خدا معامله کرده‌اند و خواستار جانبازی نیستند.

رزمندگان لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

در طول هشت سال دفاع مقدس، لشکر ۸۸ زرهی سیستان و بلوچستان یکی از لشکرهای عمده نیروی زمینی بود که به مناطق عملیاتی شمال غرب، غرب و جنوب کشور عزیزت و جابه‌جا گردید. ارتش جمهوری اسلامی ایران افتخار دارد تعداد ۲۰۷۵۰۰۰۰ کارکنان پایور و وظیفه رزمنده را در دوران دفاع مقدس به کار گرفته است، که کارکنان پایور به تعداد ۲۵۰ هزار نفر ۵۰ تا ۱۰۰ یا ۱۴۰ ماه و یا بیشتر و کارکنان وظیفه هم حداقل ۲۰ ماه و تعدادی به علت نیاز ۳۰ ماه خدمت عملیاتی داشتند.

لشکر ۸۸ زرهی زاهدان نیز تعداد ۹۵ هزار تن رزمنده به مناطق عملیاتی اعزام نموده است: ۲۰ هزار تن استان سیستان و بلوچستان و ۷۵ هزار تن سایر استان‌های کشور، که افتخار بسیار بزرگ و برگ زرینی در کارنامه خویش از دوران دفاع مقدس ثبت و ضبط نموده، که برای همیشه تاریخ جاویدان باقی خواهد ماند.

مفقودالائرها لشکر ۸۸ زرهی زاهدان

ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس تعداد ۳۶۳۰ تن مفقودالائرا داشته، که تعداد ۴۰ تن از لشکر ۸۸ زرهی زاهدان بوده و تاکنون هیچ اطلاعی از آنان در دسترس نمی‌باشد.

خلاصه آمار ایثارگران لشکر ۸۸ زرهی زاهدان در طول دوران دفاع مقدس

جمع کل		کارکنان وظیفه			کارکنان پایور			موضوع
		سرباز	درجه‌دار	افسر	کارمند	درجه‌دار	افسر	
۴۹۴ س و ب	۲۳۸۸ نفر	۲۰۶۲ نفر	۱۳ نفر	--	۱۰ نفر	۲۸۰ نفر	۲۳ نفر	شهید
۱۸۹۷ سایر استان‌ها								
۲۳۳ س و ب	۲۲۵۲ نفر	۲۰۷۷ نفر	۱۸ نفر	۲ نفر	--	۱۴۴ نفر	۱۱ نفر	آزاده
۲۰۱۹ سایر استان‌ها								
۶۵۱ س و ب	۸۴۲۶ نفر	۷۱۲۵ نفر	۲۴۲ نفر	۵ نفر	۶ نفر	۹۰۴ نفر	۱۴۴ نفر	جانباز
۷۷۷۵ سایر استان‌ها								
۴۰ س و ب	۴۰ نفر	۳۰ نفر	۳۰ نفر	--	--	۸ نفر	۲ نفر	مفقود
۲۰۰۰ س و ب	۹۵۰۰۰ نفر	۸۴۹۰۰ نفر	۴۰۰۰ نفر	۱۷۵۰ نفر	۵۰ نفر	۳۰۰۰ نفر	۱۳۰۰ نفر	رزمنده
۷۵۰۰۰ سایر استان‌ها								

لیست تعدادی از شهدای شاخص ارتش در استان سیستان و بلوچستان

ردیف	درجه	نام و نشان	تاریخ شهادت
۱	سرلشکر خلبان	محمد میر	۱۳۵۹/۰۷/۲۵
۲	سرلشکر خلبان	عبدالرضا بختیاری	۱۳۶۱/۰۵/۱۱
۳	سرلشکر	غلاممحمد مظاهری	۱۳۶۶/۰۷/۱۶
۴	سرلشکر	حسین خزایی	۱۳۶۵/۰۸/۱۱
۵	سرلشکر	غلامحسین سرگلزایی	۱۳۶۱/۰۲/۱۱
۶	سرلشکر	محمد شهرکی	۱۳۶۱/۰۵/۱۱
۷	سرلشکر	محمود عربشاهی	۱۳۶۰/۰۶/۲۷
۸	سرلشکر	نیاز فتوحی	۱۳۵۹/۰۷/۲۴
۹	سرلشکر خلبان	امیر مرادقلی	۱۳۶۳/۱۱/۲۱
۱۰	سرتیپ	دادخدا اکاتی	۱۳۶۵/۰۸/۱۱
۱۱	سرتیپ خلبان	محمد امین میرمرادزی	۱۳۶۱/۰۴/۲۳
۱۲	سرتیپ	ابراهیم نوری	۱۳۶۶/۰۵/۲۴
۱۳	سرتیپ	حبیب‌اله رهدار	۱۳۶۵/۰۸/۱۱
۱۴	سرتیپ	حمیدرضا بستانی کرباسکی	۱۳۶۵/۰۸/۱۱
۱۵	سرتیپ	عباس کیخا	۱۳۶۷/۰۳/۰۲
۱۶	سرتیپ	محمد رضا سعیدی شاهرودی	۱۳۶۳/۰۱/۱۳
۱۷	سرتیپ	محمد علی یارمحمدی	۱۳۶۵/۱۰/۲۴
۱۸	سرتیپ	سلطانعلی رأفتی سنجولی	۱۳۶۵/۰۸/۱۱
۱۹	سرتیپ	محمد پودینه	۱۳۶۴/۱۲/۲۶
۲۰	سرتیپ	رحمان بزی	۱۳۶۳/۱۲/۲۱
۲۱	سرتیپ ۲	محمد پورشامی	۱۳۶۵/۰۸/۱۱
۲۲	سرتیپ ۲	صفر ریگی	۱۳۶۵/۰۸/۱۱
۲۳	سرتیپ ۲	محمد سرگزی	۱۳۶۶/۰۷/۱۶
۲۴	سرگرد	ابراهیم شهدادی	۱۳۶۹/۰۷/۲۵
۲۵	سرگرد	حسین علی صوفی	۱۳۶۶/۰۴/۲۸
۲۶	سرباز	داود دامن سبز	۱۳۶۷/۰۴/۳۱
۲۷	سرباز	ملنگ یادگارزهی	۱۳۶۲/۰۱/۲۳

کتابنامه

- اسناد و مدارک رکن سوم لشکر ۸۸ زرهی.
جعفری، مجتبی (۱۳۸۶)، اطلس نبردهای ماندگار، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نزا جا.
جهانبانی، امان‌الله (۱۳۳۶)، عملیات قشون در بلوچستان. چاپخانه مجلس شورای ملی ایران.
- علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۴)، تاریخ ارتش ایران، آشتیان تهران.
فربد، ناصر (۱۳۸۳)، نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران، کوشش.
فصلنامه الماس ایران.
گروه اساتید هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی (۱۳۹۳)، معارف جنگ، تهران، ایران سبز.
- مدارک ایثارگران لشکر ۸۸ زرهی.
مراد پیری، هادی و شربتی، مجتبی (۱۳۹۱)، آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۸۴) اسناد انقلاب اسلامی، جلد ۳، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نوروزی فرسنگی، احمد (۱۳۸۳)، ارتش در تاریخ و انقلاب اسلامی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.

